

کلیدواژه‌ی آیات رجعت در قرآن کریم

روشی جدید برای حفظ و آموزش
آیات رجعت در قرآن کریم

مقدمه:

استاد محقق علامه حاج شیخ علی اکبر مهدی پور

تألیف:

سید محمد جعفر روضائی

کھید واژه‌ی آیات رحمت در قرآن کریم

تألیف: سید محمد جعفر روضاتی

مقدمہ: استاد علی اکبر مہدی پور

ناشر: اعتقاد ما

چاپ سوّم: ۱۴۰۳

چاپخانه: بشارت

شمارگان: ۵۰۰

شاپک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۷۱۲-۹۰-۰

مرکز پخش: ۰۹۱۰ ۹۶۷ ۱۵۱۸

سرشناسه	:	روضانی، سیدمحمدجعفر، ۱۳۵۲ -
عنوان	:	کلیدواژه‌ی آیات رجعت در قرآن کریم،
نگار نام پدیدآور	:	روضی جدید برای حفظ و آموزش آیات رجعت در قرآن کریم تألیف: سیدمحمدجعفر روضانی، با مقدمه علی اکبر مهدی‌پور
مشخصات نشر	:	مشهد: اعتقاد ما، ۱۴۰۱
مشخصات ظاهری	:	۲۴۸ ص، جدول.
بها	:	۱۴۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
یادداشت	:	کتابنامه: ص ۲۳۷-۲۴۱، همچنین به صورت زیرنویس
موضوع	:	رجعت - جنبه‌های قرآنی
موضوع	:	رجعت - احادیث
شناخته افزوده	:	مهدی‌پور، علی اکبر، ۱۳۴۴ - ، مقدمه نویس
رده بندی کنگره	:	۹۰۱۳۹۵ . ۳ / ۱۰۴ بپ
رده بندی دبیوی	:	۲۹۷/۱۵۹
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۹۹۱۸۱۶

سید البرص

تقديم به محضر مقدّس امام و مقتداى حضرت فاطمه عليها السلام ،

امير المؤمنين حضرت على بن ابى طالب عليه السلام

و انتقام گیرنده آن ها،

حضرت بقیة الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف

اللهم كن لي واليا والي الخيرة والي الخير والي
عليك السلام والي ابي عبد الله والي ابي طالب
عليك السلام والي ابي طالب والي ابي طالب
عليك السلام والي ابي طالب والي ابي طالب



کتاب را باید ترویج داد، مردم باید کتابخوانی عادت کنند و کتاب دار زندگی مردم شود.

«مقام سفیر رهبری»

نویسنده و فرهیخته گرامی جناب آقای سیدمحمد مصطفی (رضائی)

سیاس خدایی را که به ما موهبت مکتبی را عطا فرمود که تعلیم و تعلم را بزرگترین ارزش جامعه بشری دانسته است و در پرتو این ارزش، در طول تاریخ، جهانیان از فرهنگ مکتوب و آثار نگارش یافته ی اندیشمندان ایرانی بهره‌های علمی فراوان برده و اندیشه ایرانی و اسلامی را در برگ برگ دفتر تاریخ به ثبت رسانده اند.

حضور ارزشمند شما در **هماره‌های نهمین آئین انتخاب کتاب سال خراسان رضوی** موجب خرسندی و قدردانی است. ضمن تبریک انتخاب اثر ارزشمند جنابعالی با نام **کلید واژه‌های آیات رحمت و قرآن کریم** در موضوع **دین** از سوی هیأت داوران این دوره از انتخاب کتاب سال؛ در سال ۹۶ جزء کتاب های برگزیده شناخته شده است، به رسم قدر شناسی و یادمان زحمات شما تقدیر می‌گردد.

توفیق روز افزون شما را به عنوان یکی از خادمان و مروجان فرهنگ توسعه و ترویج کتابخوانی از محضر خداوند منان در پناه توجهات حضرت علی بن موسی الرضا (ع) خواهیم.

سید سعید میرزایی
مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی

فهرست مطالب

فهرست مطالب	۷
مقدمه استاد مهدی پور	۱۵
سیمای رجعت در آیینه آیات نورانی قرآن و دیگر کتب آسمانی	۱۵
گلوآژه رجعت	۱۵
پیشینه رجعت	۱۶
رجعت در میان پیشینیان	۱۸
رجعت در امت اسلامی	۱۹
لزوم اعتقاد به رجعت	۲۰
پیشینه اعتقاد به رجعت	۲۱
تواتر احادیث رجعت	۲۳
رجعت هراسی	۲۳
پیشگفتار	۲۷
۱. لغت رجعت	۲۷
۲. اصطلاح رجعت	۲۷
۳. اعتقاد به رجعت	۲۸
۴. احادیث «رجعت»	۲۸
۵. ادعیه و «رجعت»	۳۲
الف) دعای روز سوّم شعبان:	۳۲
ب) دعای افتتاح:	۳۴
ج) دعای شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان:	۳۵
د) دعای عهد:	۳۷
۶. زیارات و «رجعت»	۳۸
الف) زیارت آل یاسین:	۳۸
ب) زیارت جامعه کبیره:	۳۹

۸..... کلید واژه آیات رجعت در قرآن کریم

- ج) زیارت رجبیه: ۴۱
- د) زیارت حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف: ۴۲
- ه) زیارت ائمه اطهار عليهم السلام از راه دور: ۴۳
- و) زیارت اربعین امام حسین عليه السلام: ۴۴
- ۷- زیبایی‌های «رجعت» ۴۴
- ۸- اقوال علماء در باره «رجعت» ۴۵
۹. کتابنامه رجعت ۴۹
- ۱۰- حمد و سپاس ۶۷
- سوره مبارکه بقره (۲) ۷۱
- ۱- کد آیه: ۲/۵۶ اسم آیه: زنده شدن هفتاد نفر از یاران حضرت موسی عليه السلام ۷۱
- ۲- کد آیه: ۲/۷۳ اسم آیه: زنده شدن مقتول بنی اسرائیل ۷۶
- ۳- کد آیه: ۲/۲۴۳ اسم آیه: زنده شدن هزاران نفر از بنی اسرائیل ۷۸
- ۴- کد آیه: ۲/۲۵۹ اسم آیه: زنده شدن عزیر پس از صد سال ۸۱
- ۵- کد آیه: ۲/۲۶۰ اسم آیه: زنده شدن پرندگان به دست حضرت ابراهیم عليه السلام ۸۴
- سوره مبارکه آل عمران (۳) ۸۹
- ۶- کد آیه: ۳/۴۹ اسم آیه: زنده شدن مردگان توسط حضرت عیسی عليه السلام ۸۹
- ۷- کد آیه: ۳/۸۱ اسم آیه: رجعت انبیاء عليهم السلام و نصرت امیرالمؤمنین عليه السلام ۹۴
- ۸- کد آیه: ۳/۱۴۴ اسم آیه: رجعت شهدا ۹۷
- ۹- کد آیه: ۳/۱۵۷ و ۱۵۸ اسم آیه: شهادت یا مردن، در رجعت ۱۰۰
- ۱۰- کد آیه: ۳/۱۸۵ اسم آیه: چشیدن طعم مرگ در رجعت ۱۰۲
- سوره مبارکه نساء (۴) ۱۰۳
- ۱۱- کد آیه: ۴/۱۵۹ اسم آیه: ایمان به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در رجعت ۱۰۳
- سوره مبارکه مائده (۵) ۱۰۶
- ۱۲- کد آیه: ۵/۲۰ اسم آیه: پادشاهان رجعت ۱۰۶
- سوره مبارکه انعام (۶) ۱۰۸
- ۱۳- کد آیه: ۶/۲۷ و ۲۸ اسم آیه: آرزوی کفار ۱۰۸

- سوره مبارکه اعراف (۷) ۱۱۱
- ۱۴- کد آیه: ۷/۹۶ اسم آیه: رجعت پیامبر ﷺ و امام حسین ﷺ ۱۱۱
- ۱۵- کد آیه: ۷/۱۵۷ اسم آیه: یاری رسول خدا ﷺ در رجعت ۱۱۵
- ۱۶- کد آیه: ۷/۱۵۹ اسم آیه: رجعت عده‌ای از یهودیان مؤمن ۱۱۶
- سوره مبارکه توبه (۹) ۱۱۸
- ۱۷- کد آیه: ۹/۳۳ اسم آیه: برتری دین حق، در رجعت ۱۱۸
- ۱۸- کد آیه: ۹/۱۱۱ اسم آیه: خریداری جان و مال مؤمنین، در رجعت ۱۲۱
- سوره مبارکه یونس (۱۰) ۱۲۳
- ۱۹- کد آیه: ۱۰/۳۹ اسم آیه: تکذیب رجعت از روی نادانی ۱۲۳
- ۲۰- کد آیه: ۱۰/۵۴ اسم آیه: پشیمانی ظالمین در رجعت ۱۲۵
- سوره مبارکه ابراهیم (۱۴) ۱۲۶
- ۲۱- کد آیه: ۱۴/۵ اسم آیه: رجعت، یکی از روزهای خدا ۱۲۶
- سوره مبارکه حجر (۱۵) ۱۲۸
- ۲۲- کد آیه: ۱۵/۲ اسم آیه: رجعت امیرالمؤمنین ﷺ و شیعیانشان ۱۲۸
- ۲۳- کد آیه: ۱۵/۳۸ اسم آیه: کشته شدن شیطان در رجعت ۱۲۹
- سوره مبارکه نحل (۱۶) ۱۳۴
- ۲۴- کد آیه: ۱۶/۲۲ اسم آیه: کفر منکران رجعت ۱۳۴
- ۲۵- کد آیه: ۱۶/۳۴ اسم آیه: عذاب در رجعت ۱۳۶
- ۲۶- کد آیه: ۱۶/۳۸ و ۳۹ اسم آیه: کافران این امت ۱۳۷
- سوره مبارکه اسراء (۱۷) ۱۴۲
- ۲۷- کد آیه: ۱۷/۵ اسم آیه: رجعت جناب سلمان ۱۴۲
- ۲۸- کد آیه: ۱۷/۶ اسم آیه: رجعت امام حسین ﷺ ۱۴۷
- ۲۹- کد آیه: ۱۷/۷۲ اسم آیه: رجعت کوردلان ۱۵۰
- سوره مبارکه کهف (۱۸) ۱۵۱
- ۳۰- کد آیه: ۱۸/۱۲ اسم آیه: رجعت اصحاب کهف ۱۵۱
- ۳۱- کد آیه: ۱۸/۸۳ اسم آیه: ذوالقرنین این امت ۱۵۴

۱۰ کلید واژه آیات رجعت در قرآن کریم

سوره مبارکه مریم (۱۹) ۱۵۷

۳۲- کد آیه: ۱۹/۵۴ اسم آیه: وعده رجعت به اسماعیل بن حزقیل علیه السلام ۱۵۷

سوره مبارکه طه (۲۰) ۱۶۰

۳۳- کد آیه: ۲۰/۱۲۴ اسم آیه: رجعت ناصبیاں ۱۶۰

سوره مبارکه انبیاء (۲۱) ۱۶۲

۳۴- کد آیه: ۲۱/۳۵ اسم آیه: مرگ شهدا بعد از رجعت ۱۶۲

۳۵- کد آیه: ۲۱/۹۵ اسم آیه: عدم رجعت عذاب شدگان ۱۶۴

۳۶- کد آیه: ۲۱/۱۰۵ اسم آیه: وارثان زمین در رجعت ۱۶۶

سوره مبارکه مؤمنون (۲۳) ۱۶۸

۳۷- کد آیه: ۲۳/۷۷ اسم آیه: رجعت امیر المؤمنین علیه السلام ۱۶۸

سوره مبارکه شعراء (۲۶) ۱۶۹

۳۸- کد آیه: ۲۶/۴ اسم آیه: ذلت بنی امیه در رجعت ۱۶۹

سوره مبارکه نمل (۲۷) ۱۷۱

۳۹- کد آیه: ۲۷/۸۲ اسم آیه: جنبندة زمین ۱۷۱

۴۰- کد آیه: ۲۷/۸۳ اسم آیه: رجعت، رستاخیزی کوچک ۱۷۴

۴۱- کد آیه: ۲۷/۹۳ اسم آیه: شناخت ائمه علیهم السلام در رجعت ۱۷۷

سوره مبارکه قصص (۲۸) ۱۷۸

۴۲- کد آیه: ۲۸/۶ اسم آیه: رجعت فرعون و هامان قریش ۱۷۸

۴۳- کد آیه: ۲۸/۶۱ اسم آیه: تحقق وعده الهی در رجعت ۱۷۹

۴۴- کد آیه: ۲۸/۸۵ اسم آیه: رجعت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام ۱۸۰

سوره مبارکه سجده (۳۲) ۱۸۳

۴۵- کد آیه: ۳۲/۲۱ اسم آیه: رجعت، عذابی نزدیک ۱۸۳

۴۶- کد آیه: ۳۲/۲۷ اسم آیه: زمین رجعت ۱۸۶

سوره مبارکه یس (۳۶) ۱۸۷

۴۷- کد آیه: ۳۶/۱۴ و ۳۶/۱۳ اسم آیه: نمونه ای از رجعت در امت های پیشین ۱۸۷

۴۸- کد آیه: ۳۶/۵۲ اسم آیه: صبر تا زمان رجعت ۱۹۴

سوره مبارکه ص (۳۸).....	۱۹۶
<u>۴۹- کد آیه: ۳۸/۴۳ اسم آیه: رجعت فرزندان حضرت ایوب علیه السلام.....</u>	۱۹۶
سوره مبارکه غافر (۴۰).....	۱۹۸
<u>۵۰- کد آیه: ۴۰/۱۱ اسم آیه: حیات دو باره در رجعت.....</u>	۱۹۸
<u>۵۱- کد آیه: ۴۰/۵۱ اسم آیه: یاری انبیاء و ائمه علیهم السلام در رجعت.....</u>	۲۰۰
<u>۵۲- کد آیه: ۴۰/۸۱ اسم آیه: دیدن نشانه‌های خداوند در رجعت.....</u>	۲۰۲
سوره مبارکه شوری (۴۲).....	۲۰۳
<u>۵۳- کد آیه: ۴۲/۴۴ اسم آیه: عذاب ستمگران در رجعت.....</u>	۲۰۳
سوره مبارکه دخان (۴۴).....	۲۰۴
<u>۵۴- کد آیه: ۴۴/۱۰ اسم آیه: دود آشکار در رجعت.....</u>	۲۰۴
سوره مبارکه جاثیه (۴۵).....	۲۰۶
<u>۵۵- کد آیه: ۴۵/۱۴ اسم آیه: رجعت، یکی از روزهای خدا.....</u>	۲۰۶
سوره مبارکه احقاف (۴۶).....	۲۰۷
<u>۵۶- کد آیه: ۴۶/۱۵ اسم آیه: خبر رجعت امام حسین علیه السلام.....</u>	۲۰۷
سوره مبارکه ق (۵۰).....	۲۰۹
<u>۵۷- کد آیه: ۵۰/۴۲ اسم آیه: رجعت، روز بیرون آمدن.....</u>	۲۰۹
<u>۵۸- کد آیه: ۵۰/۴۴ اسم آیه: شکافته شدن زمین در رجعت.....</u>	۲۱۱
سوره مبارکه ذاریات (۵۱).....	۲۱۲
<u>۵۹- کد آیه: ۵۱/۱۳ اسم آیه: امتحان رجعت.....</u>	۲۱۲
<u>۶۰- کد آیه: ۵۱/۲۲ اسم آیه: اخبار رجعت.....</u>	۲۱۳
سوره مبارکه طور (۵۲).....	۲۱۴
<u>۶۱- کد آیه: ۵۲/۴۷ اسم آیه: عذاب در رجعت.....</u>	۲۱۴
سوره مبارکه نجم (۵۳).....	۲۱۶
<u>۶۲- کد آیه: ۵۳/۵۳ اسم آیه: شهر واژگون شده.....</u>	۲۱۶
سوره مبارکه قمر (۵۴).....	۲۱۸
<u>۶۳- کد آیه: ۵۴/۸ اسم آیه: رجعت، روز سختی برای کافران.....</u>	۲۱۸

۱۲..... کلید واژه آیات رجعت در قرآن کریم

- سوره مبارکه ممتحنه (۶۰) ۲۱۹
- ۶۴- کد آیه: ۶۰/۱۳ اسم آیه: یأس کفار در رجعت ۲۱۹
- سوره مبارکه قلم (۶۸) ۲۲۱
- ۶۵- کد آیه: ۶۸/۱۶ اسم آیه: علامت دشمنان در رجعت ۲۲۱
- سوره مبارکه معارج (۷۰) ۲۲۲
- ۶۶- کد آیه: ۷۰/۴ اسم آیه: روز پنج هزار ساله ۲۲۲
- سوره مبارکه جن (۷۲) ۲۲۳
- ۶۷- کد آیه: ۷۲/۲۴ اسم آیه: ضعف کفار در رجعت ۲۲۳
- ۶۸- کد آیه: ۷۲/۲۶ اسم آیه: اسرار رجعت ۲۲۵
- سوره مبارکه مدثر (۷۴) ۲۲۶
- ۶۹- کد آیه: ۷۴/۱ و ۲ اسم آیه: قیام پیامبر ﷺ در رجعت ۲۲۶
- ۷۰- کد آیه: ۷۴/۳۵ و ۳۶ اسم آیه: انذار پیامبر ﷺ در رجعت ۲۲۸
- سوره مبارکه نبا (۷۸) ۲۲۹
- ۷۱- کد آیه: ۷۸/۱۸ اسم آیه: اولین رجعت کننده ۲۲۹
- سوره مبارکه نازعات (۷۹) ۲۳۰
- ۷۲- کد آیه: ۷۹/۶ و ۷ اسم آیه: رجعت امیر المؤمنین ﷺ پس از امام حسین ﷺ ۲۳۰
- ۷۳- کد آیه: ۷۹/۱۲ و ۱۳ اسم آیه: بازگشت زیانبار ۲۳۲
- سوره مبارکه عبس (۸۰) ۲۳۴
- ۷۴- کد آیه: ۸۰/۲۲ اسم آیه: مأموریت امیر المؤمنین ﷺ در رجعت ۲۳۴
- سوره مبارکه انشقاق (۸۴) ۲۳۶
- ۷۵- کد آیه: ۸۴/۱۹ اسم آیه: سنت امتهای گذشته ۲۳۶
- سوره مبارکه طارق (۸۶) ۲۳۸
- ۷۶- کد آیه: ۸۶/۸ اسم آیه: قدرت خدا در رجعت ۲۳۸
- ۷۷- کد آیه: ۸۶/۱۷ اسم آیه: رجعت، پایان مهلت کفار ۲۳۹
- سوره مبارکه شمس (۹۱) ۲۴۱
- ۷۸- کد آیه: ۹۱/۱۴ اسم آیه: تکرار عذاب در رجعت ۲۴۱

فهرست مطالب ۱۳

سوره مبارکه ضحیٰ (۹۳) ۲۴۲

[۷۹- کد آیه: ۹۳/۴](#) اسم آیه: رجعت، بهتر از دنیا ۲۴۲

سوره مبارکه تکوین (۱۰۲) ۲۴۳

[۸۰- کد آیه: ۱۰۲/۳ و ۱۰۲/۴](#) اسم آیه: دیدن حقیقت در رجعت ۲۴۳

منابع و مآخذ ۲۴۵

جدول فهرست سوره‌های قرآن کریم ۲۵۱

آثار دیگری از نویسنده ۲۵۳

مقدمه استاد مهدی پور

سیمای رجعت در آینه آیات نورانی قرآن و دیگر کتب آسمانی

گلوآژه رجعت

رجعت در لغت به معنای بازگشت، و در اصطلاح، بازگشت گروهی از مردگان به دنیا، پیش از رستاخیز می باشد.

خداوند متّان گروهی از مردگان را به هنگام ظهور امام زمان علیه السلام به این دنیا باز می گرداند، برخی از آنها را عزّت می دهد، و برخی دیگر را خوار می سازد.

گروهی از صالحان را برمی گرداند، تا دولت حقّه را مشاهده کنند، به عزّت، شکوه و آرزوی دیرینه خود برسند.

گروهی از تبّهکاران را برمی گرداند، تا انتقام ستم دیدگان را از آنها بگیرد، و دل رنج دیده ها با مشاهده ذلّت آنها مسرور گردد.

آنگاه هر دو گروه می میرند، و به هنگام رستاخیز عمومی برانگیخته می شوند، تا به ثواب و عقاب جاویدان برسند.^۱

۱- شیخ مفید، اوائل المقالات، ص ۷۷؛ همو، تصحیح الاعتقاد، ص ۹؛ همو، المسائل السّرویّة، ص ۳۲.

زیر بنای رجعت، قدرت بی پایان حق تعالی است، خداوند با قدرت بیکران خود، استخوان‌های پوسیده و اجسام فرسوده‌ای را که هزاران سال در زیر خاک‌ها نهفته‌اند، به زندگی باز می‌گرداند، تا هابیلیان شاهد انتقام الهی، از قاییلیان در راستای تاریخ باشند.

خداوند با رجعت انسان‌ها، دورنمای رستاخیز را در سرتاسر گیتی به نمایش می‌گذارد و هزاران انسان را، که از قرن‌ها پیش در زیر خاک‌ها مدفون شده‌اند، با یک فرمان جان می‌بخشد، تا پیش از رستاخیز شاهد گرفتن حق مظلومان از ستم پیشگان باشند.

پیشینه رجعت

قرآن کریم در آیات فراوان از وقوع رجعت در میان اقوام گذشته خبر داده، که با تعدادی از آن‌ها در این کتاب آشنا می‌شوید.

پس از ثبوت وقوع آن در میان اقوام گذشته، اثبات امکان و لزوم وقوع آن در میان امت اسلامی نیز ثابت می‌شود، زیرا:

۱. بهترین دلیل بر امکان هر چیزی وقوع آن است.

پس از اثبات وقوع آن در میان اقوام پیشین، در مورد امکان وقوع آن در میان امت اسلامی، هیچ شک و تردیدی باقی نمی‌ماند.

۲. بر اساس قاعده معروف: «حکم الأمثال فیما یجوز و ما لا یجوز»، اگر ثابت شود که آن در میان گذشتگان واقع شده، احتمال امتناع آن از بین می‌رود و ممکن بودن آن ثابت می‌شود.

۳. در احادیث فراوان از رسول اکرم، آمده است که:

آنچه در امت‌های پیشین واقع شده، حتماً در این امت نیز واقع خواهد شد. و

اینک به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

لَتَرْكَبُنَّ سُنَنَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ؛

بی‌گمان راهی را که پیشینیان پیموده‌اند، شما نیز خواهید پیمود.^۱

لَتَرْكَبُنَّ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ حَذَوِ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ؛

بی‌گمان دقیقاً همان راه پیشینیان را، همانند تطابق دو لنگه کفش خواهید رفت.^۲

لَتَرْكَبُنَّ سُنَنَ مَنْ قَبْلَكُمْ؛

بی‌گمان راه پیشینیان را خواهید پیمود.^۳

لَتَرْكَبُنَّ سُنَنَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ، شَبْرًا بِشَبْرٍ، وَ ذِرَاعًا بِذِرَاعٍ، حَتَّىٰ لَوْ دَخَلُوا جُحْرَ ضَبٍّ لَدَخَلْتُمْ؛

بی‌گمان راه پیشینیان را، وجب به وجب، ذراع به ذراع خواهید پیمود. اگر آن‌ها به لانه سوسماری داخل شده باشند، شما نیز داخل خواهید شد.^۴

لَتَرْكَبُنَّ طَرِيقَتَهُمْ حَذَوِ الْقَدَّةِ بِالْقَدَّةِ؛

۱- احمد حنبل، المسند، ج ۵، ص ۲۱۸ و ۳۴۰.

۲- طبرانی، المعجم الكبير، ج ۶، ص ۲۰.

۳- بخاری، التاريخ الكبير، ج ۴، ص ۱۶۳.

۴- حاکم، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۴۵۵؛ سیوطی، الدر المنثور، ج ۶، ص ۵۶؛ هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۲۶۱؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۱۳۴؛ قرطبی، الجامع الاحکام القرآن، ج ۱۹، ص ۲۷۹.

بی‌گمان همانند تطابق دو تیرکمان، راه آن‌ها را خواهید پیمود.^۱
احادیث یاد شده عموماً از منابع اهل سنت تقدیم گردید، این احادیث از طریق
اهل بیت علیهم‌السلام به قدری زیاد است، که دو تن از محدثان بزرگ، کتاب مستقلی در این
رابطه تألیف کرده‌اند:

۱. فضل بن شاذان، متوفای ۲۶۰ ق.

۲. شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ ق.

هر دو محدث بزرگوار کتاب خود را «حذو النعل بالنعل» نامیده‌اند.^۲
روی این بیان اگر ثابت شود که رجعت در میان امت‌های پیشین واقع شده، نه
تنها امکان، بلکه ضرورت وقوع آن در میان امت اسلامی ثابت خواهد شد.

رجعت در میان پیشینیان

در کتابی که پیش رو دارید، آیات شماره یک تا شماره شش، شش نمونه از بازگشت
انسان‌ها پس از مرگ به این دنیا را در میان امت‌های پیشین بیان نموده است.
شیخ حرّ عاملی، در کتاب گرانسنگ: «الایقاظ من الهجعة فی اثبات الرجعة» ۲۶
روایت از رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل کرده، که آنچه در امت‌های پیشین اتفاق
افتاده، مو به مو، در امت من نیز واقع خواهد شد.^۳

۱- طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱۰، ص ۳۹.

۲- نگارنده، کتابنامه حضرت مهدی علیه‌السلام، ج ۱، ص ۲۱۹.

۳- شیخ حرّ، الايقاظ، ص ۹۸-۱۱۱.

رجعت در اُمت اسلامی

بر اساس روایات فراوانی که از خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام به ما رسیده، در میان اُمت اسلامی نیز به مواردی از وقوع رجعت در قرون اولیه برمی خوریم،^۱ که تعداد ۷۰ مورد آن را شیخ حرّ عاملی گرد آورده است.^۲

عبد الله بن محمد بن عبید، مشهور به: «ابن ابی الدّنیاء» (۱۸۰. ۲۸۱ ق) کتابی به نام: «من عاش بعد الموت» در این رابطه گرد آورده است.^۳

وی در این کتاب، ۶۴ مورد از افرادی که در سه قرن اول اسلامی، پس از مرگ، زنده شده، کم یا زیاد، زنده مانده‌اند را معرفی کرده است.^۴

دکتر «رایموند مودی» در این رابطه کتابی نوشته و آن را «بازگشت روح» نام نهاده است.

او در این کتاب، از کسانی سخن گفته که طبق نظر پزشک قانونی، مرده، سپس زنده شده‌اند.^۵

بر اساس روایات اسلامی، کتاب ابن ابی الدّنیاء و دکتر رایموند مودی، بازگشت

۱- طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ص ۵۳؛ بحرانی، تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۱۵۱؛ فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۴، ص ۳۹۷؛ حویزی، نور الثقلین، ج ۴، ص ۶۱۰.

۲- شیخ حرّ، الايقاظ، ص ۱۸۸-۲۳۱.

۳- ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۴۰۳.

۴- این کتاب به سال ۱۴۰۶ ق. در ۱۵۱ صفحه، در بیروت، از سوی عالم الکتب، منتشر شده است.

۵- مجلّه «التمدن الاسلامی» سال ۴۸، شماره ۴۸ و مجلّه «المختار» شماره شعبان ۱۴۰۰ ق.

۲۰..... کلید واژه آیات رجعت در قرآن کریم

روح به بدن و زنده شدن انسان پس از مرگ، نه تنها ممکن، بلکه اتفاق افتاده است و از نظر زیست‌شناسی نیز مانعی ندارد.

لزوم اعتقاد به رجعت

آیات فراوانی از قرآن کریم، بر اساس روایات معصومین علیهم‌السلام، به رجعت تفسیر شده، که ۸۰ نمونه آن‌ها را در این کتاب ملاحظه می‌فرمایید.

در چهلمین آیه‌ای که در این کتاب، با کُد ۲۷/۸۳ بیان شده، آمده است:

«وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يَكْذِبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ»

آن روز از هر امتی گروهی را محشور می‌سازیم که منکر آیات ما بودند، آن‌ها بازداشت می‌شوند.^۱

به یقین این آیه مربوط به رستاخیز نیست، زیرا در رستاخیز همه محشور می‌شوند و احدی فروگذار نمی‌شود.^۲

امام صادق علیه‌السلام در تفسیر این آیه فرمودند:

«وَلَا يَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحْضًا وَمَنْ مَحَضَ الْكُفْرَ مَحْضًا»؛

تنها کسی در رجعت برمی‌گردد که مؤمن خالص، یا کافر خالص باشد.^۳

۱- سوره نمل، آیه ۸۳.

۲- سوره کهف، آیه ۴۷.

۳- علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۳۱؛ بحرانی، تفسیر البرهان، ج ۳، ص ۲۱۰.

پیشینه اعتقاد به رجعت

اعتقاد به رجعت و بازگشت گروهی از مردگان پیش از رستاخیز، سابقه‌ای بس طولانی دارد و در همه کتب آسمانی به نمونه‌هایی از آن برمی‌خوریم. اینک به سه نمونه، از سه دین معروف «یهود»، «نصاری»، و «مجوس» اشاره می‌کنیم:

۱. رجعت در عهد عتیق

در کتاب «دانیال نبی» آمده است:

بسیاری از آنان که در خاک زمین آرمیده‌اند، بیدار خواهند شد، اینان به جهت حیات جاودانی و آنان به جهت خجالت و حقارت جاودانی.^۱

پدر «آنتونیو دوززو» از کشور پرتغال، رئیس پیشین دیر آگوستین‌های اصفهان، که پس از تشرّف به اسلام به نام: «علی قلی جدید الاسلام»، مشهور شد، در کتابی که به عنوان شرح و نقد تورات نوشته، فراز بالا را از دلایل روشن رجعت بیان کرده است.^۲

۲. رجعت در عهد جدید

در کتاب مکاشفه یوحنا رسول آمده است:

آنان که وحش و صورتش را پرستش نکردند و نشان او را بر پیشانی و دست خود نپذیرفتند، زنده شدند و با مسیح هزار سال سلطنت کردند.

۱- کتاب مقدس، عهد عتیق، کتاب دانیال نبی، باب ۱۲، فراز ۲.

۲- آنتونیو دوززو، ترجمه، شرح و نقد سفر پیدایش، ص ۲۹۸.

سایر مردگان زنده نشدند تا هزار سال به اتمام رسید.^۱
آنتونیو در مورد این فراز نیز به تفصیل سخن گفته، و دلالت آن را بر اثبات رجعت توضیح داده است.^۲

۳. رجعت در آیین مجوس

جز از طریق کتب زرتشتیان به کتاب آسمانی مجوس راه نداریم، از این رهگذر فرازی را از کتب زرتشتیان که برگرفته از کتاب مجوس است نقل می‌کنیم:
در بخش «یشت‌ها» از کتاب «اوستا» در ضمن فرازهای مربوط به «سوشیانت»^۳ آمده است:

بدان هنگام که مردگان دیگر باره زنده شوند و زندگی جاودانه آغاز گردد،
«سوشیانت» بدر آید و جهان را به آرزوی خویش دیگرگون سازد.^۴

سه فراز از سه کتاب مقدس، سه آیین مشهور جهان، تورات، انجیل و اوستا نقل کردیم، در هر سه مورد بر زنده شدن مردگان تأکید شده و کاملاً روشن است که مربوط به رستاخیز نیست، بلکه در همین دنیا و پیش از رستاخیز می‌باشد.

روی این بیان، اعتقاد به رجعت، اختصاص به دین مقدس اسلام ندارد، بلکه سابقه‌ای بس طولانی دارد، و در همه کتاب‌هایی که به اعتقاد پیروانشان کتاب

۱- کتاب مقدس، عهد جدید، مکاشفه یوحنا، باب ۲۰، فرازهای ۵ و ۶.

۲- آنتونیو، همان، ص ۲۹۹.

۳- آخرین رهایی بخش جهان.

۴- اوستا، بخش یشت‌ها، زامیاد یشت، کرده یکم، فراز یازدهم.

آسمانی به شمار می آید، به صراحت و شفافیت آمده است.

تواتر احادیث رجعت

با توجه به این که دشمنان اهل بیت، برای از بین بردن کتاب های شیعیان در طول قرون و اعصار، تلاش فراوان نموده و بیش از ۹۰٪ کتاب های ما را از بین برده اند، هنوز احادیث بر جای مانده پیرامون رجعت بیش از حد تواتر است.

شیخ حرّ عاملی در کتاب گرانسنگ «الایقاظ» ۶۰۰ حدیث پیرامون رجعت گرد آورده و بعد از اثبات تواتر آن ها فرموده:

ثبوت رجعت از ضروریات مذهب شیعه است.^۱

مرحوم علامه مجلسی رحمته الله در دائرة المعارف بزرگ خود می نویسد:

اگر احادیث رجعت متواتر نباشد، در هیچ موردی نمی توان ادّعی تواتر نمود.^۲

رجعت هراسی

در شماری از احادیث رجعت تأکید شده که چون منتقم الهی ظهور کند، دو بت بزرگ قریش را از قبر بیرون می کشد، به دار می زند، طعمه حریق می سازد و خاکسترشان را به باد می دهد.^۳

۱- شیخ حرّ، الايقاظ، ص ۶۰.

۲- مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۲۳.

۳- بحرانی، حلیة الأبرار، ج ۲، ص ۶۰۶. ۵۹۸ (چاپ سنگی).

در شمار دیگری آمده است، زنی که به «ماریه قبطیه» مادر ابراهیم - فرزند پیامبر اکرم ﷺ تهمت زده بود را زنده می‌کند، بر او حد جاری می‌کند.^۱

از این رهگذر شیفتگان آنها از شنیدن نام رجعت هراس دارند و خیال می‌کنند که اگر احادیث رجعت در مجلسی مطرح شود، ترس آن است که سقف آن مجلس بر سرشان فرو بریزد!

سفیان بن عیینه می‌گوید:

در خانه جابر جعفی نشسته بودیم، چیزی گفت که از خان‌هاش بیرون رفتیم، زیرا ترسیدیم که سقف خانه بر سرمان فرو ریزد!^۲

سفیان ثوری می‌گوید:

مردم از جابر بن یزید جعفی روایت می‌کردند، تا هنگامی که عقیده‌اش را ابراز کرد، دیگر از او حدیثی نقل نکردند! پرسیدند: چه چیزی را ابراز کرد؟ گفت: اعتقاد به رجعت را.^۳

در حالی که خود سفیان می‌گوید:

جابر بسیار راستگو بود، من کسی را راستگوتر از او در نقل حدیث ندیدم.^۴ جابر بن یزید جعفی بدون تردید، از راستگوترین اصحاب ائمه بود، حتی به

۱- طبری، دلائل الامامة، ص ۴۸۵.

۲- دمیری، حیاة الحیوان، ج ۱، ص ۴۵۹.

۳- مسلم، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۲۰.

۴- آیه الله خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۲۳.

اعتراف دشمنان اهل بیت:

(۱) شعبه گوید: جابر از موثق‌ترین انسان‌هاست.^۱

(۲) وکیع گوید: اگر در هر چیزی شک بکنید، در این شک نکنید که جابر جعفری ثقه است.^۲

(۳) سفیان گوید: جابر جعفری در نقل حدیث پارسا بود، من در حدیث پارسا تر از او ندیده‌ام.^۳

پس از اعتراف همه بزرگان جرح و تعدیل به وثاقت او، جریر می‌گوید:
من جابر بن یزید جعفری را ملاقات کردم، ولی حدیثی از او ننوشتم، زیرا به رجعت ایمان داشت.^۴

زهیر می‌گوید:

از جابر شنیدم که گفت: نزد من ۵۰/۰۰۰ حدیث است که چیزی از آن را نقل نکرده‌ام.^۵

از این رهگذر علمای شیعه در طول قرون و اعصار، به تألیف آثار گرانقدری در این رابطه همت گماشته‌اند، که با عناوین ۱۳۰ مورد از آن‌ها در مقدمه این کتاب آشنا

۱- ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۳۷۹.

۲- همان.

۳- همان.

۴- مسلم، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۲۰.

۵- همان.

۲۶..... کلید واژه آیات رجعت در قرآن کریم

می‌شوید، که تازه‌ترین آن‌ها کتاب حاضر است، که مؤلف بزرگوار آن، با ابتکار و حسن سلیقه خود، آیات مربوط به رجعت را کُند گذاری کرده، برای هر آیه‌ای نامی برگزیده، آنگاه یک یا چند حدیث از منابع معتبر، در ذیل هر آیه‌ای آورده است.

امیدواریم نشر این اثر به تعمیم فرهنگ مهدویت و غنای مکتب پر بار تشیع کمک کرده، مسائل مرتبط با رجعت را در دسترس پژوهشگران قرار دهد و شاهد انتشار ده‌ها کتاب جدید در این عرصه باشیم.

از خداوند متان تقات روز افزون، مؤلف، ناشر و دیگر دست‌اندرکاران چاپ و نشر این اثر ارزشمند را خواهانیم.

۱۵ ربیع‌الثانی ۱۴۳۶ ق.

حوزه علمی قم

علی اکبر مهدی‌پور

پیشگفتار

۱. لغت رجعت

«رجعت» در لغت، به معنی «بازگشتن» است، و کلمه «رجوع» در لغت به معنای بازگشتن به مبدأ، مکان و یا فعل و حالت اصلی، می باشد.

«ایاب» هم به معنای رجوع است، با این تفاوت که «ایاب» به برگشتن با اراده و اختیار گفته می شود، اما رجوع به معنای اعم از آن استعمال می شود.

۲. اصطلاح رجعت

«رجعت» در اصطلاح، بازگشت و زنده شدن بعضی از مؤمنان و بعضی از کافران، به این دنیا، در هنگام ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، و البته قبل از قیامت.

به تعبیری دیگر «رجعت»، عبارت است از اینکه خداوند، هم زمان با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، عده ای از بندگان صالح خودش را که در ایمان و عمل، اسوه مؤمنان بوده اند، و همچنین عده ای از کفار و منافقان را که در کفر و نفاق، سر سلسله کفار و منافقان بوده اند، به دنیا برمی گرداند، تا اینکه هر دو گروه، نتیجه اعمالشان را در این دنیا ببینند.

پس رجعت یک قیامت کوچکی است، که مهم ترین وجه مشترک آن با قیامت، زنده شدن مردگان، و خروج آنها از قبورشان، می باشد.

۳. اعتقاد به رجعت

اعتقاد به اصل «رجعت» از ضروریات مذهب شیعه امامیه به شمار می‌رود، تمام ائمه اطهار علیهم‌السلام، به طرق مختلف، و شاگردان و پیروان آنها، از صدر اسلام، به «رجعت» اعتقاد داشته و از این عقیده، دفاع و حمایت نموده‌اند.

شاید هیچ شعاری در تشیع برجسته‌تر از «رجعت» نباشد، که قبول آن از نشانه‌های توحید است، و اعتقاد به آن از مظاهر ایمان به قدرت الهی محسوب می‌شود.

یکی از آثار سازنده و تربیتی اعتقاد به «رجعت»، این است که انسان را به آینده امیدوار نموده، و از سقوط در گرداب فساد و گناه، بازداشته، و از ترس اینکه او، از گروه رجعت‌کنندگان حذف شود، و فیض ملاقات معصومین علیهم‌السلام را در عصر شکوهمند رجعت، از دست بدهد، به تلاش و کوشش بیشتر در راه بندگی و اطاعت خداوند می‌پردازد، چنین شخصی اگر در این مسیر مقدّس، مرگ به سراغش بیاید، باکی نداشته، بلکه از آن استقبال هم می‌نماید.

۴. احادیث «رجعت»

در مسئله رجعت، قبل از هر چیز، باید به این نکته دقت شود، که رجعت امری است ممکن، و عقلانی، و بهترین دلیل بر امکان آن، این است که دست قدرت الهی، نمونه‌های زیادی از آن را، که در گذشته تاریخ، به صورت معجزه، رخ داده است، توسط بعضی از پیامبرانش، به بشر نشان داده، که این وقایع، در بعضی از کتب آسمانی، از جمله قرآن کریم، به ثبت رسیده است، که البته در این کتاب، به این آیات، و شرح و تفسیر آنها اشاره شده است.

علاوه بر آنچه که گفته شد، دلائلی که علمای شیعه بر این مسئله اقامه کرده‌اند،

سه دسته است:

۱. آیات قرآن کریم

۲. سنت نبوی

۳. احادیث اهل بیت علیهم السلام، که عمده‌ترین دلیل آنان، احادیثی است که به صورت متواتر، از ائمه اطهار علیهم السلام در این باره، روایت شده است.

در این بخش، از بین صدها حدیثی که در باره «رجعت» وجود دارد، بنا به اختصار، به بعضی از آن‌ها، به عنوان نمونه، اشاره می‌نماییم:

(الف) قال الشيخ في كتاب «من لا يحضره الفقيه»: قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام:
لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِكَرَّتِنَا وَ...^۱

مرحوم شیخ صدوق رحمته الله در کتاب من لا يحضره الفقيه، از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام روایت نموده که آن حضرت فرمودند: از ما نیست کسی که به رجعت ما ایمان نداشته باشد و...

(ب) ... عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: ذَكَرْنَا الْقَائِمَ عليه السلام وَمَنْ مَاتَ مِنْ أَصْحَابِنَا يَنْتَظِرُهُ، فَقَالَ لَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِذَا قَامَ أُتِيَ الْمُؤْمِنُ فِي قَبْرِهِ، فَيَقَالُ لَهُ: يَا هَذَا! إِنَّهُ قَدْ ظَهَرَ صَاحِبُكَ، فَإِنْ تَشَاءُ أَنْ تُلْحَقَ بِهِ فَالْحَقْ، وَإِنْ تَشَاءُ أَنْ تُقِيمَ فِي كَرَامَةِ رَبِّكَ فَأَقِمِ.^۲

۱- إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب عليه السلام، ج ۲، ص ۲۹۷؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۰۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۹۲، ح ۱۰۱؛ تفسير الصافي، ج ۱، ص ۴۴۰؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۳، ص ۳۷۶؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۵۸، ح ۴۵۸۳.

۲- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۷۱، ح ۷۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۹۱، ح ۹۸؛ كتاب الغيبة (طوسی رحمته الله)، ص ۴۵۹.

از مفضل بن عمر نقل است که گفت: در خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام صحبت از حضرت قائم علیه السلام، و کسانی که در انتظار او جان داده‌اند، به میان آمد، حضرت فرمودند: هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، مأمورانی بر سر قبور مؤمنین بیایند، و گویند: مولای تو ظهور کرده است، اگر می‌خواهی، به او ملحق شو، و اگر می‌خواهی، در جوار پروردگارت بمان.

(ج) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَمِعْتُ حُمْرَانَ بْنَ أَعْيَنَ وَ أَبَا الْخَطَّابِ يَخْدَتَانِ جَمِيعاً قَبْلَ أَنْ يَخْدِثَ أَبُو الْخَطَّابِ مَا أَخْدَثَ أَتَاهُمَا سَمِعًا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: أَوَّلُ مَنْ تَنْشَقُّ الْأَرْضُ عَنْهُ وَ يَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام وَإِنَّ الرِّجْعَةَ لَيْسَتْ بِعَامَّةٍ وَ هِيَ خَاصَّةٌ لَا يَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحْضاً أَوْ مَحَضَ الشِّرْكَ مَحْضاً.^۱

از محمد بن مسلم نقل است که گفت: شنیدم: حمران بن اعین و ابو الخطاب، پیش از انحرافش، می‌گفتند: شنیدیم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در حدیثی می‌فرمودند: اول کسی که از قبر بیرون می‌آید و به دنیا برمی‌گردد، حسین بن علی علیه السلام است، و رجعت، عمومی نیست، کسی به این دنیا بر نمی‌گردد، مگر اینکه مؤمن خالص و یا مشرک خالص باشد.

(د) عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: ... ثُمَّ قَالَ: أَمَّا وَاللَّهِ لَا تَذْهَبُ الْأَيَّامُ وَ اللَّيَالِي حَتَّى يَخْبِيَ اللَّهُ الْمَوْتَى، وَ يَمِيتَ الْأَحْيَاءَ، وَ يَرُدَّ اللَّهُ الْحَقَّ إِلَى أَهْلِهِ، وَ يَقِيمَ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَاهُ لِنَفْسِهِ وَ نَبِيِّهِ صلی الله علیه و آله و سلم، فَأَبْشِرُوا

۱- إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب عليه السلام، ج ۲، ص ۳۰۱؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۷۷، ح ۸۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۹، ح ۱؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۳، ص ۵۰۷، ح ۱۲؛ حلية الأبرار في أحوال محمد و آله الأطهار عليهم السلام، ج ۶، ص ۳۶۸، ح ۱۵؛ مختصر البصائر، ص ۱۰۷، ح ۲۳.

ثُمَّ أَبَشِّرُوا ثُمَّ أَبَشِّرُوا، فَوَ اللَّهِ! مَا الْحَقُّ إِلَّا فِي أَيْدِيكُمْ.^۱

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: به خدا قسم! روزها و شب ها به پایان نمی رسد، تا اینکه خداوند، مُرده ها را زنده نماید، و زنده ها را بمیراند، و خداوند، حق را به اهلش بازگرداند، و دینی را که مورد رضایت خود و رسولش می باشد، به پا دارد، پس بشارت باد بر شما! بشارت باد بر شما! و بشارت باد بر شما! به خدا قسم! که حق جز در دست های شما نمی باشد.

ه) عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: ... يَا أَبَا بَصِيرٍ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ قَوْمًا مِنْ شِيعَتِنَا قَبَاغَ سُيُوفِهِمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَيَبْلُغُ ذَلِكَ قَوْمًا مِنْ شِيعَتِنَا لَمْ يَمُوتُوا فَيَقُولُونَ بُعِثَ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ مِنْ قُبُورِهِمْ وَ هُمْ مَعَ الْقَائِمِ علیه السلام. (الحديث)^۲

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام به ابو بصیر فرمودند: ای ابا بصیر! هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند گروهی از شیعیان ما را، که دسته های شمشیرشان را روی دوششان گذارده اند، زنده نماید، این خبر به گوش جمعی از شیعیان ما، که هنوز نمرده اند، برسد، آن ها به هم گویند: فلانی و فلانی و فلانی از قبرهایشان بیرون آمده اند و زنده شده اند، و همراه حضرت قائم علیه السلام هستند.

۱- إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب عنه السلام، ج ۲، ص ۳۰۰؛ بحار الأنوار، ج ۴۱، ص ۱۲۷، ح ۳۶؛ تهذيب الأحكام (تحقيق خراسان)، ج ۴، ص ۹۷، ح ۸؛ الكافي، ج ۳، ص ۵۳۸، ح ۱.

۲- إثبات الهداة، ج ۵، ص ۶۳، ح ۵۴؛ إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب عنه السلام، ج ۱، ص ۷۰؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۴۸، ح ۲۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۹۲، ح ۱۰۲؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۷، ص ۲۰۹؛ تفسير نور الثقلين، ج ۳، ص ۵۴، ح ۸۳، الكافي، ج ۸، ص ۵۱، ح ۱۴.

۵. ادعیه و «رجعت»

در برخی از ادعیه‌ای که از گنجینه‌های علم خاندان وحی به ما رسیده، موضوع «رجعت» در قالب دعا، بیان شده، که ما در اینجا، به بعضی از آن‌ها اشاره می‌نماییم:

الف) دعای روز سوّم شعبان:

چون اولین شخصیتی که در زمان رجعت زنده می‌شود، حضرت امام حسین علیه السلام می‌باشند، از دعای روز ولادت ایشان شروع می‌کنیم:

در کتاب «اقبال» مرحوم سید بن طاوس رحمته الله و کتاب «مصباح» مرحوم شیخ طوسی رحمته الله، روایتی است از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام، که آن را به صورت نامه، برای وکیل‌شان، قاسم بن علاء همدانی، فرستادند، که این طور نوشته بودند: مولای ما، حضرت حسین بن علی علیه السلام، پنجشنبه سوّم شعبان به دنیا آمد، آن روز را روزه بگیر و این دعا را بخوان:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِي هَذَا الْيَوْمِ الْمُؤَعَّدِ بِشَهَادَتِهِ قَبْلَ اسْتِهْلَالِهِ وَوِلَادَتِهِ بِكَتْمِهِ السَّمَاءِ وَمَنْ فِيهَا وَالْأَرْضِ وَمَنْ عَلَيْهَا وَلَمَّا يَطَأُ لَابَتِيهَا، قَتِيلِ الْعَبْرَةِ، وَ سَيِّدِ الْأُسْرَةِ، الْمَمْدُودِ بِالتُّصْرَةِ يَوْمَ الْكَرَةِ، الْمُعْوَضِ مِنْ قَتْلِهِ أَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ نَسْلِهِ، وَ الشِّفَاءَ فِي تُرْبَتِهِ، وَ الْفَوْزَ مَعَهُ فِي أَوْبَتِهِ، وَ الْأَوْصِيَاءَ مِنْ عَثْرَتِهِ بَعْدَ قَائِمِهِمْ وَ غَيْبَتِهِ، حَتَّى يَذَرُوكَ الْأَوْتَارَ وَ يَشَارُوا الشَّارَ وَ يَرْضُوا الْجَبَّارَ وَ يَكُونُوا خَيْرَ أَنْصَارٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَعَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ.

اللَّهُمَّ فَبِحَقِّهِمْ إِلَيْكَ أَتَوَسَّلُ وَ أَسْأَلُ سُؤَالَ مُقْتَرِفِ مُعْتَرِفِ مُسِيءٍ إِلَى نَفْسِهِ مِمَّا فَرَّطَ فِي يَوْمِهِ وَ أَمْسِهِ يَسْأَلُكَ الْعِصْمَةَ إِلَى مَحَلِّ رَمْسِهِ. اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَثْرَتِهِ وَ اخْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ وَ بَوِّئْنَا مَعَهُ دَارَ الْكَرَامَةِ وَ مَحَلَّ الْإِقَامَةِ. اللَّهُمَّ وَ كَمَا أَكْرَمْتَنَا بِمَعْرِفَتِهِ فَأَكْرِمْنَا بِرُفَّتِهِ وَ ارْزُقْنَا مُرَافَقَتَهُ وَ سَابِقَتَهُ

وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَسْلَمُ لَأَمْرِهِ وَيَكْثُرُ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ عِنْدَ ذِكْرِهِ وَعَلَى جَمِيعِ
أَوْصِيَائِهِ وَأَهْلِ أَصْفِيَائِهِ الْمَمْدُودِينَ مِنْكَ بِالْعَدَدِ الْاِثْنَى عَشَرَ التُّجُومِ الزُّهْرِ
وَالْحُجَجِ عَلَى جَمِيعِ الْبَشَرِ.

اللَّهُمَّ وَهَبْ لَنَا فِي هَذَا الْيَوْمِ خَيْرَ مَوْهَبَةٍ وَأَنْجِحْ لَنَا فِيهِ كُلَّ طَلَبَةٍ كَمَا
وَهَبْتَ الْحُسَيْنَ لِمُحَمَّدٍ جَدِّهِ، وَعَاذَ فُطْرَسَ بِمَهْدِهِ، فَتَحْنُ عَائِدُونَ بِقَبْرِهِ
مِنْ بَعْدِهِ، نَشْهَدُ تَرْبَتَهُ وَنَنْتَظِرُ أَوْبَتَهُ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ»^۱.

خداوندا! به حق مولود امروز، که پیش از تولد خبر شهادتش را دادی، و
پیش از آنکه پا بر زمین مدینه نهی، آسمان و اهلش، و زمین و مردمش، بر
او گریستند، آن کشته اشک، و سرور اهل بیت، که وی را در رجعت مدد
می کنی، و در عوض شهادت امامان را از نسل او، و شفاء را در تربتش قرار
دادی، و در هنگام بازگشت غلبه را برای او مقدر کرده ای، و بعد از حضرت
قائم و غیبت وی، اوصیانش را از عترت آن جناب مقرر کردی، تا انتقام
خون های مقدس را بگیرند، و خدای جبار را خشنود کنند، و بهترین یاور
دین باشند، رحمت خدا بر آن ها باد، ما دام که شب و روز پشت سر
یکدیگر در حرکت اند.

خداوندا! درود فرست بر محمد و آلش، و ما را در زمره ایشان محشور فرما، و
با ایشان در منزل نیکان و سرای جاودان جایمان ده.

خداوندا! چنانکه ما را به معرفت او سرفراز کردی، به مجاورتش نیز

۱- الإقبال بالأعمال الحسنة، ج ۳، ص ۳۰۳؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۱۸؛ بحار
الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۴۷، ح ۱؛ زاد المعاد و مفتاح الجنان، ص ۵۱؛ مختصر البصائر، ص ۱۳۵؛ مصباح
المتجهّد و سلاح المتعبّد، ج ۲، ص ۸۲۶.

مفتخرمان فرما، و همنشینی او را نصیبمان گردان، ما را از آنان قرار ده که در برابر او تسلیم‌اند، و چون یاد او می‌کنند، درود فراوان بر او و دوازده ستاره فروزان، اوصیای بزرگوارش می‌فرستند.

خداوند! امروز بهترین عطاها را به ما عنایت نما، چنانکه حسین علیه السلام را به حضرت محمد صلی الله علیه و آله عطا کردی، خدایا! «فطرس» ملک به گهواره او پناه برد، ما به قبرش پناه آورده‌ایم، تربت پاکش را می‌نگریم و در انتظار بازگشتش به سر می‌بریم.

ب) دعای افتتاح:

دعای افتتاح که در شب‌های ماه مبارک رمضان خوانده می‌شود، با این کلمات شروع می‌گردد: اللَّهُمَّ إِنِّي أفتَحُ الثَّنَاءَ بِحَمْدِكَ وَ... تا آنجا که عرضه می‌دارد:

«اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ، الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ، وَالْعَدْلِ الْمُنتَظَرِ، حُفَّهِ بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَيُّدِهِ بِرُوحِ الْقُدُسِ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ...
اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ، تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ، وَتُذِلُّ بِهَا التَّفَاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ، وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ، وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ،... وَانْصُرْنَا عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّنَا، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ بَيْنَا، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَغَيْبَةَ وَلِينَا، وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا، وَقِلَّةَ عَدَدِنَا، وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا، وَتَظَاهَرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعِنَّا عَلَى ذَلِكَ بِمُتَحِّ مِنْكَ تُعَجِّلْهُ، وَبُضْرٍ تَكْشِفُهُ، وَنُصْرٍ تُعِزُّهُ، وَسُلْطَانٍ حَقٍّ تُظْهِرُهُ، وَرَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَلِّلُنَاهَا، وَعَافِيَةٍ مِنْكَ

تُلبِسُنَاهَا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»^۱.

بارالها! ما به درگاه تو شکایت می‌کنیم از فقدان پیامبرمان ﷺ، و غیبت امام‌مان، و بسیاری دشمنان‌مان، و کمی تعدادمان، و فتنه‌های سخت بر ما، و غلبه روزگار بر ما، پس درود فرست بر محمد و آلش، و ما را در همه این امور یاری نما، به پیروزی زود رسی که از جانب خودت است، و برطرف ساختن رنج و سختی، و نصرت و یاری با اقتدار و عزتمند، و سلطنت حقه‌ای که تو آشکار گردانی، و رحمتی از توجّهت که بر همه ما شامل گردد، و لباس عافیت که ما را بپوشاند، به حقّ رحمت نامنتهای‌ات، ای مهربانترین مهربانان عالم.

ج) دعای شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان:

مرحوم سید بن طاووس رحمته الله علیه در اقبال، به اسناد خودش از ائمه اطهار عليهم السلام روایت نموده که: این دعا را در شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان، در حال سجده، برخاستن، نشستن، و در هر حال تکرار می‌کنی، و نیز هر قدر که می‌توانی و هرگاه که به یادت آمد در دوران زندگی‌ات، می‌خوانی، پس از حمد خدای تبارک و تعالی، و درود بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بگو:

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ، الْحُجَّةَ، مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ الْمُهَدِي، عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ أَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَ السَّلَامِ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَلِيّاً وَ حَافِظاً وَ قَائِداً، وَ نَاصِراً وَ دَلِيلاً وَ مُؤَيِّداً، حَتَّى تُشْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً، وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوْلاً وَ عِزّاً، وَ تَجْعَلَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ مِنَ الْأَئِمَّةِ الْوَارِثِينَ.

۱- الإقبال بالأعمال الحسنة، ج ۱، ص ۱۴۲؛ بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۳۳۲؛ تهذيب الأحكام (تحقيق خراسان)، ج ۳، ص ۱۰۸؛ زاد المعاد، ص ۸۹؛ المصباح للكفعمي، ص ۵۸۱؛ مفتاح الجنان، اعمال شب بیست و سوم.

اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ، وَاجْعَلِ النَّصْرَ مِنْكَ لَهُ وَعَلَى يَدِهِ، وَالْفَتْحَ عَلَى وَجْهِهِ، وَلَا تُوجِّهِ الْأَمْرَ إِلَى غَيْرِهِ، اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ، حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةً أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ، تُعَزِّزُ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ، وَتُذِلُّ بِهَا التَّفَاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ، وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ، وَ«آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» وَاجْمَعْ لَنَا خَيْرَ الدَّارَيْنِ، وَأَقْضِ عَنَّا جَمِيعَ مَا تُحِبُّ فِيهِمَا، وَاجْعَلْ لَنَا فِي ذَلِكَ الْخَيْرَةِ بِرَحْمَتِكَ وَمَتِّكْ فِي عَافِيَةٍ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَزِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ وَبِيَدِكَ الْمُلَى، فَإِنَّ كُلَّ مُعْطٍ يَنْقُصُ مِنْ مَلِكِهِ، وَعَظَاوُكَ يَزِيدُ فِي مَلِكِكَ»^۱.

خداوند! برای ولی قائم به امرت، حجت بن الحسن مهدی علیه السلام، که بر او و بر پدراناش بهترین درود و سلام باد، در این ساعت و در همه ساعت‌ها، سرپرست و نگهبان و پیشوا و یاور و راهنما و تأییدکننده باش، تا این که بر سراسر زمینت فرمانروای مطاعش سازی، و از کران تا کران گیتی برخوردارش نمایی، و او و فرزندانش را از امامان وارث قرار دهی.

خدایا! او را یاری نموده، و به وسیله او پیروزی را برای (دین) خویش تحقق بخش، و نصرت خود را برای او و به دست او فراهم آور، و یاری را به او اختصاص ده، و فتح و پیروزی را به روی او بگشای و امر (حکومت) را به غیر او متوجه مساز.

خداوند! دینت و سنت پیامبرت، که درود و سلامت بر او و خاندانش باد، را

۱- الإقبال بالأعمال الحسنة، ج ۱، ص ۱۹۱؛ بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۳۴۹، ح ۱۶.

به وسیله او آشکار نما، تا چیزی از حق را از بیم احدی از خلق مخفی ندارد.

خدایا! من به درگاه تو زاری می‌کنم به جهت دولتی گرامی که اسلام و اهل آن را به آن عزت دهی، و نفاق و اهل آن را خوار گردانی، و ما را در آن دولت از دعوت‌کنندگان به سوی طاعتت قرار داده، و در شمار راهنمایان به راهت منظور داری، و «در دنیا حسنه‌ای و در آخرت حسنه‌ای به ما عنایت فرمای و ما را از عذاب آتش نگهدار»، و خیر دنیا و آخرت را برای ما فراهم ساز، و تمام آنچه در آن دوست داری برای ما قرار ده، و اختیار آن را برایمان محفوظ بدار، به رحمت و ممت خودت و با عافیت، اجابت فرمای، ای پروردگار عالمیان! و از فضل و نعمت بر ما بیفزای (و پیمانمان را) پر کن، که هر بخشنده‌ای از دارائیش کاسته می‌شود، ولی عطای تو در ملکیت می‌افزاید.

(د) دعای عهد:

در کتاب «مصباح الزائر» مرحوم سید بن طاووس رحمته الله از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت نموده که حضرت فرمودند: هر کس چهل بامداد، دعای عهد را بخواند، از یاوران حضرت قائم علیه السلام خواهد بود، و اگر قبل از ظهور آن حضرت بمیرد، خداوند (هنگام ظهور) او را از قبر بیرون می‌آورد، و با هر کلمه این دعا، هزار ثواب به او عطا فرماید، و هزار گناه از نامه عمل او محو نماید، در قسمتی از این دعا می‌خوانیم:

«اللَّهُمَّ إِنَّ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ، الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حُثْمًا مَقْضِيًّا، فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي، مُؤْتِرًا كَفَنِي، شَاهِرًا سَيْفِي، مُجَرِّدًا قَتَاتِي، مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي، فِي الْحَاضِرِ وَ الْبَادِي، اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ، وَالْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ، وَ

اَكْحُلْ نَاطِرِي بِنُظْرَةِ مَنِّي إِلَيْهِ، ...»^۱

پروردگارا! اگر مرگ، که برای بندگان یک امر حتمی قرار داده‌ای، میان من و آن حضرت جدائی انداخت، پس مرا از قبرم بیرون آور، تا در حالی که کفنم را پوشیده و شمشیرم را از غلاف درآورده‌ام و نیزه‌ام را به دست گرفته‌ام، در میان آن‌ها که در شهر حاضرند، یا آنان که کوچ می‌کنند، قرار گیرم و ندای دعوت‌کننده آن حضرت را اجابت کنم؛ خداوندا! آن طلعت رعنا و آن صورت زیبا را به من بنما، و با نگاهی که به او می‌کنم، دیدگانم را روشن گردان.

۶. زیارات و «رجعت»

در بسیاری از زیارت‌هایی که از ناحیه حضرات معصومین علیهم‌السلام رسیده است، اشاره به موضوع «رجعت» شده، که ما در این بخش به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف) زیارت آل یاسین:

از جناب محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری نقل است که گفت: امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در جواب نامه‌ای، پس از جواب مسائل مختلفی، مرقوم فرمودند: بسم الله الرحمن الرحيم ... وقتی که خواستید به وسیله ما متوجه خداوند تبارک و تعالی شوید، چنانکه خدا فرموده است، بگوئید:

«سَلَامٌ عَلَى آلِ يَس، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِي آيَاتِهِ، ... وَ سَأَقُ الزِّيَارَةَ إِلَى أَنْ قَالَ: ... وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ، وَأَنَّ

۱- إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۲، ص ۸۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۹۵، ح ۱۱۱ و ج ۹۹، ص ۱۱۱؛ زاد المعاد، ص ۳۰۲ و ص ۵۴۲؛ مفاتيح الجنان، دعای عهد.

رَجَعْتَكُمْ حَقُّ لَا رَيْبَ فِيهَا، يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ
أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا، ...»^۱

سلام بر آل یاسین، سلام بر تو ای دعوت کننده به سوی خدا ... مولای من!
شما را گواه می گیرم و شهادت می دهم که شما حجت خدا هستید، اول و
آخر، شمائید، رجعت شما حق و بی تردید است، روزی که هرکس قبلاً
ایمان نیاورده باشد، یا در ایمانش خیری به دست نیاورده باشد، ایمانش
سودی نبخشد. ...

(ب) زیارت جامعۀ کبیره:

از جناب موسی بن عبد الله نخعی نقل است که گفت: حضرت امام علی
الهادی علیه السلام، در سه قسمت از زیارت جامعۀ کبیره، اشاره به رجعت ائمه اطهار علیهم السلام
نموده اند:

یکی در این قسمت زیارت که می خوانیم:

«... عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ، مُقَرَّرٌ بِفَضْلِكُمْ، مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ، مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِكُمْ،
مُعْتَرِفٌ بِكُمْ، مُؤْمِنٌ بِإِيَابِكُمْ، مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ، مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ، مُرْتَقِبٌ
لِدَوْلَتِكُمْ ...»

من به حق شما عارف هستم، و به فضل و برتری شما اقرار دارم و قبول
دارم، و علوم شما را حق می دانم، و خود را در امان شما در آورده، دخیل
شما شده ام، و به حقیقت شما اعتراف می کنم، و به بازگشت شما معتقدم،

۱- الإحتجاج (للطبرسی)، ج ۲، ص ۴۹۴؛ إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب عليه السلام، ج ۲، ص ۸۳؛
الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۵۱؛ ح ۹۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۱، ح ۵.

۴..... کلید واژه آیات رجعت در قرآن کریم

و ایمان دارم، و تصدیق کننده رجعت شما هستم، و منتظر امر شما هستم، و انتظار زمان تشکیل دولت شما را می کشم.

و در فرازی دیگر از این زیارت می خوانیم:

«... وَ نُصَرِّتِي لَكُمْ مُعَدَّةً، حَتَّى يَخْيِيَ اللَّهُ دِينَهُ بِكُمْ، وَ يَرْدُّكُمْ فِي أَيَّامِهِ، وَ يَظْهَرَكُمْ لِعَدْلِهِ، وَ يَمَكِّنَكُمْ فِي أَرْضِهِ...»

و یاریم برای شما آماده است، تا آنکه خدا دینش را به وسیله شما زنده سازد، و شما را در ایام خود بازگرداند، و برای اجرای عدالتش پیروز سازد، و در زمین خودش تسلط و تمکین بخشد.

و در قسمتی دیگر عرضه می داریم:

«... وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يَقْتَضُ أَثَارَكُمْ، وَ يَسْلُكُ سَبِيلَكُمْ، وَ يَهْتَدِي بِهِدَاكُمْ، وَ يَخْشَرُ فِي زُمْرَتِكُمْ، وَ يَكِرُّ فِي رَجْعَتِكُمْ، وَ يَمْلِكُ فِي دَوْلَتِكُمْ، وَ يَشْرَفُ فِي عَافِيَتِكُمْ، وَ يَمَكِّنُ فِي أَيَّامِكُمْ، وَ تَقَرُّ عَيْنُهُ غَدًا بِرُؤْيَاكُمْ...»^۱

و مرا در زمره کسانی قرار ده، که در پی شما گام همی سپارند، و به راه شما می روند، و در پرتو هدایت شما راه همی جویند، و در جمع شما محشور می شوند، و در رجعت شما برای پیکار بر ضد دشمنانتان باز می گردند، و در دولت شما به حکومت می رسند، و در جوی از سلامت و عافیت شما به شرف و علو مقام نائل می شوند، و در ایام شما عزت و تمکین می یابند، و فردا چشمشان به دیدار شما روشن می گردد.

۱- بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۲۷، ح ۴؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۷۲، ح ۱؛ مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۰۹، ح ۳۲۱۳.

ج) زیارت رجبیه:

مرحوم شیخ طوسی رحمته الله از جناب ابو القاسم حسین بن روح نوبختی رحمته الله، که سؤمین نایب خاص حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده است، روایت کرده که حضرت فرمودند: در ماه رجب، در هر زیارتگاهی از مشاهد مشرفه که بودی، به این زیارت، صاحب آن مزار را زیارت کن، پس چون وارد حرم می شوی بگو:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدَنَا مَشْهَدَ أَوْلِيَائِهِ فِي رَجَبٍ وَأَوْجَبَ عَلَيْنَا مِنْ حَقِّهِمْ مَا قَدْ وَجَبَ ... وَ سَأَقِ الزِّيَارَةَ إِلَى أَنْ قَالَ:

... وَأَنْ يَرْجِعَنِي مِنْ حَضْرَتِكُمْ خَيْرَ مَرْجِعٍ إِلَى جَنَابِ مُنْعٍ وَ خَفَضِ مُوسَعٍ وَ دَعَا وَ مَهَلٍ إِلَى حِينِ الْأَجَلِ وَ خَيْرِ مَصِيرٍ وَ مَحَلٍ فِي التَّعِيمِ الْأَزَلِ وَ الْعَيْشِ الْمُقْتَبَلِ وَ دَوَامِ الْأَكْلِ وَ شُرْبِ الرَّحِيقِ وَ السَّلْسَلِ وَ عَلٍ وَ نَهْلٍ لَا سَأَمَ مِنْهُ وَ لَا مَلَلٍ وَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ وَ تَحْيَاتِهِ حَتَّى الْعُودِ إِلَى حَضْرَتِكُمْ وَ الْفُوزِ فِي كَرَّتِكُمْ وَ الْحَشْرِ فِي زُمْرَتِكُمْ ...»^۱

و از خدا می خواهد که باز به سوی شما بازگردد، و تلاش و بازگشت او به سوی شما پایان نپذیرد، و این که با بهترین بازگشت در حضور شما بازگردد، یعنی به سوی آستانه پر نعمت و زندگانی آسوده و گسترده و فراخی و آرامش تا به هنگام سرآمد عمر و بهترین بازگشت و جایگاه در نعمت فراوان ازلی و زندگانی نو و خوراکی های پیوسته و نوشیدن شراب و نوشیدنی های گوارا و نوشیدن های پی در پی که از آن خسته و دلتنگ نگردم و رحمت، برکات و

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۳۶؛ بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۹۵؛ مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، ج ۲، ص ۸۲۱؛ مفاتيح الجنان، زیارت رجبیه.

درودهای خدا بر شما، تا هنگام بازگشت به حضور شما و کامیاب گردیدن به حضور در رجعت شما، و زنده شدن جزو گروه شما.

(د) زیارت حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف:

پس از زیارت امامین عسکریین عجل الله تعالی فرجه الشریف، نزد سرداب غیبت حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف برو، و کنار درب بایست، و درها را با دست خود بگیر، و صدا را در سینه رفت و برگشت بده، همانند کسی که اجازه وارد شدن می خواهد، و «بسم الله الرحمن الرحیم» بگو، و به آرامی، و با حضور قلب پایین برو، و در فضای سرداب دو رکعت نماز بخوان، سپس بگو:

«اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، وَ اللَّهُ الْحَمْدُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا، وَ عَزَّفَنَا أَوْلِيَاءَهُ ... وَ سَأَقُ الزِّيَارَةَ إِلَى أَنْ قَالَ:

اللَّهُمَّ كَمَا جَعَلْتَ قَلْبِي بِذِكْرِهِ مَعْمُورًا، فَاجْعَلْ سِلَاحِي بِنُصْرَتِهِ مَشْهُورًا، وَ إِنْ حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَ لِقَائِهِ الْمَوْتُ، الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ عِبَادِكَ حَتْمًا، وَ أَقْدَرْتَ بِهِ عَلَيَّ خَلِيقَتِكَ رَغْمًا، فَابْعَثْنِي عِنْدَ خُرُوجِهِ ظَاهِرًا مِنْ حُفْرَتِي، مُؤْتَرًّا كَفْنِي، حَتَّى أَجَاهِدَ بَيْنَ يَدَيْهِ فِي الصَّفِّ الَّذِي أَثْنَيْتَ عَلَى أَهْلِهِ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتُ: «كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ».

اللَّهُمَّ طَالَ الْإِنْتِظَارُ، وَ شِمِتَ بِنَا الْفُجَارُ، وَ صَعِبَ عَلَيْنَا الْإِنْتِصَارُ، اللَّهُمَّ أَرِنَا وَجْهَ وَلِيِّكَ الْمَيْمُونِ فِي حَيَاتِنَا وَ بَعْدَ الْمَمُوتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُ لَكَ بِالرَّجْعَةِ بَيْنَ يَدَيِ صَاحِبِ هَذِهِ الْبُقْعَةِ ...»^۱.

خدایا! چنانکه دلم را با یادش آباد کردی، پس اسلحه‌ام را در جهت یاری اش

۱- بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۰۳؛ مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف.

آماده گردان، و اگر مرگ، که بر بندگان حتم نمودی، و با آن بر آفریده‌هایت
 علی‌رغم آنان، قدرت نمایی کردی، بین من و دیدارش فاصله انداخت، پس
 مرا به هنگام ظهورش برانگیز، تا از قبرم سر برآورم، درحالی که کفن پوشیده‌ام،
 در پیش رویش به جهاد برخیزم، در صفی که در قرآنت، بر اهل آن ستایش
 نمودی، و فرمودی: «گویی آنان بنای استوارند».

خدایا! انتظار ما طولانی شد، و ناپاکان ما را شماتت کردند، و به دست
 آوردن پیروزی بر ما سخت گشت.

خدایا! جمال بامیمنت ولیّات را، در حیاطمان، و پس از مرگ، به ما بنمایان،
 خدایا! من در پیشگاه صاحب این بارگاه، برای تو به رجعت ایمان دارم.

هـ) زیارت ائمه اطهار علیهم‌السلام از راه دور:

مرحوم شیخ طوسی رحمته‌الله در کتاب «مصباح» در اعمال روز جمعه، از حضرت امام
 جعفر صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند: هرکه بخواهد از راه دور پیامبر
 اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام، حضرت زهراء علیها‌السلام و یا یکی از ائمه
 اطهار علیهم‌السلام را زیارت کند، غسل کند ... و بگوید:

«...إِنِّي مِنَ الْقَائِلِينَ بِفَضْلِكُمْ، مُقِرٌّ بِرَجْعَتِكُمْ، لَا أَنْكُرُ لِلَّهِ قُدْرَهُ، وَلَا أَزْعُمُ إِلَّا
 مَا شَاءَ اللَّهُ...»^۱

من از کسانی هستم که اعتقاد به فضل شما دارم، رجعت شما را اقرار
 می‌کنم، و این قدرت را از خداوند انکار نمی‌نمایم، و به چیزی جز آنچه

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۰۱؛ بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۸۹، ح ۱۲؛ مصباح المتهجد
 و سلاح المتعبد، ج ۱، ص ۲۸۸؛ وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۵۷۹.

خداوند می خواهد عقیده ندارم.

و) زیارت اربعین امام حسین علیه السلام:

مرحوم شیخ طوسی رحمته الله در کتاب «تهذیب» و «مصباح»، در زیارت اربعین امام حسین علیه السلام از صفوان بن مهران نقل می کند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: در زیارت اربعین بگو:

«... وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَبِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ، بِشَرَائِعِ دِينِي، وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي، وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلَمٌ، وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ...»^۱

و شهادت می دهم که من به شما ایمان دارم، و به بازگشتتان، و احکام دینم، و سرانجام کارم یقین دارم، در هر امر پیرو شما هستم، و نیرویم برای نصرتتان آماده است، تا وقتی که خدا به شما رخصت خروج دهد، پس من با شمایم، با شما، نه با دشمنان شما.

۷- زیبایی های «رجعت»

وقتی انسان به آیات قرآن کریم و تفاسیر آن ها و روایاتی که از ناحیه ائمه اطهار علیهم السلام به ما رسیده است، به دقت می نگرد، می بیند در زمان «رجعت» زندگی چه قدر زیبا خواهد شد.

تصور کنید، زندگی در زمان «رجعت» در کنار شخصیت هایی مثل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام، که زنده می شوند و حضور دارند، چه قدر لذت بخش و

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۱۷؛ بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۳۱، ح ۲؛ تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، ج ۶، ص ۱۱۳؛ مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، ج ۲، ص ۷۸۸.

زیبا است.

حتّی وقتی انسان فکر ملاقات با بعضی از اصحاب پیامبر اکرم و امیر مؤمنان علیه السلام، مثل جناب سلمان، را می‌کند، و یا دیدن شهدای کربلا، مثل حضرت علی اکبر و حضرت قاسم علیه السلام، از جوانان، و جناب حبیب بن مظاهر، از پیرمردان را، به بخشی از زیبایی‌های رجعت پی می‌برد.

پس «رجعت» نقطه‌امیدی است، برای هر شیعه معتقد، و منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریع، که اگر هم در طول عمرش توفیق دیدن مولایش حضرت صاحب الزمان علیه السلام را پیدا نکند، با امید به آینده، هیچ‌گاه خودش را در مقابل حوادث ناگوار زندگی نمی‌بازد، و با خواندن ادعیه مخصوص، از خداوند متعال می‌خواهد، که او را جزو رجعت‌کنندگان در زمان ظهور حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا لتراب مقدمه الفداء، قرار دهد.

۸- اقوال علماء در باره «رجعت»

اجماع علمای شیعه، احادیث رجعت را متواتر دانسته‌اند از جمله:

الف) مرحوم علامه شیخ صدوق رحمته الله می‌فرماید:

و قد صحَّ أَنَّ الرَّجْعَةَ كَانَتْ فِي الْأُمَمِ السَّالِفَةِ، وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مِثْلُ مَا يَكُونُ فِي الْأُمَمِ السَّالِفَةِ، حَذُّو النَّعْلِ بِالنَّعْلِ، وَالْقُدَّةُ بِالْقُدَّةِ». فيجب على هذا الأصل أن تكون في هذه الأمة رجعة.^۱

قول صحیح آن است که رجعت در میان امت‌های پیشین بود است، و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر آنچه در بین امت‌های پیشین اتفاق افتاده، در این امت نیز اتفاق خواهد افتاد»، بنا بر این بر این اساس، واجب است که

^۱ - اعتقادات الإمامية (للصدوق)، ص ۶۲.

در این امت نیز «رجعت» باشد.

مرحوم شیخ صدوق رحمته الله در قسمتی دیگر از کتاب اعتقادات می‌فرماید:

إِعْتِقَادُنَا فِي الرَّجْعَةِ أَنَّهَا حَقٌّ.^۱

عقیده ما، درباره رجعت این است که این رویداد قطعاً به وقوع می‌پیوندد.

ب) مرحوم علامه شیخ مفید رحمته الله می‌فرماید:

«فقال: وقد قالت الإمامية إن الله تعالى ينجز الوعد بالنصر للأولياء قبل

الآخرة عند قيام القائم والكثرة التي وعد بها المؤمنين في العاقبة».^۲

«امامیه‌ها معتقدند که خداوند تعالی با نصرت دوستان خود، پیش از

آخرت هنگام قیام حضرت قائم علیه السلام، و در آن رجعتی که راجع به آخر کار

به مؤمنین وعده داده، به وعده خویش وفا می‌کند».

ج) مرحوم علامه سید مرتضی رحمته الله، از علمای بزرگ شیعه، می‌فرماید:

«انّ الذي تذهب الشيعة الإمامية إليه انّ الله تعالى يعيد عند ظهور إمام الزّمان

المهدي عليه السلام قوماً ممّن كان قد تقدّم موته من شيعته ليفوزوا بثواب نصرته و

معونته و مشاهدة دولته، و يعيد أيضاً قوماً من أعدائه لينتقم منهم فيلتذّوا بما

يشاهدون من ظهور الحقّ و علوّ كلمة أهله، و الدّلالة على صحّة هذا المذهب

انّ الذي ذهبوا إليه ممّا لا شبهة على عاقل في أنّه مقدور لله تعالى غير

مستحيل في نفسه، فإنّا نرى كثيراً من مخالفينا ينكرون الرجعة إنكار من يراها

مستحيلة غير مقدورة، وإذا ثبت جواز الرجعة و دخولها تحت المقدور

۱- اعتقادات الإمامية (للسدوق)، باب ۱۸، ص ۶۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۲۸.

۲- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۴۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۳۰؛ الفصول المختارة، ص ۱۵۳.

فالتريق الى إثباتها إجماع الإمامية على وقوعها فإنهم لا يختلفون في ذلك،
و إجماعهم قد بينا في مواضع من كتبنا أنه حجة لدخول قول الإمام عليه السلام
فيه، انتهى»^۱.

خداوند متعال بعد از ظهور حضرت مهدی علیه السلام، گروهی از کسانی که قبلاً از
دنیا رفته‌اند به این جهان باز می‌گرداند، تا در ثواب و افتخارات یاری او و
مشاهده حکومت حق بر سراسر جهان شرکت جویند، و نیز گروهی از
دشمنان سرسخت را باز می‌گرداند تا از آن‌ها انتقام گیرد، دلیل بر صحت این
مذهب این است که هیچ عاقلی نمی‌تواند قدرت خدا را بر این امر انکار
کند، چرا که این، امر محالی نیست، در حالی که بعضی از مخالفین ما چنان
این موضوع را انکار می‌کنند که گوئی آن را محال و غیر ممکن می‌شمرند،
دلیل بر اثبات این عقیده اجماع امامیه است، زیرا احدی از آن‌ها با این عقیده
مخالفت نکرده است.

د) مرحوم شیخ حرّ عاملی رحمه الله ضمن بیان بیش از ششصد آیه و حدیث در این
موضوع، می‌گوید:

«... ولا ريب في بلوغ الاحاديث المذكورة حدّ التواتر المعنوي بدليل
ايجابها لليقين، لكل من خلا قلبه من شبهة أو تقليد...»^۲

هیچ شکی نیست که این احادیث به تواتر معنوی رسیده‌است، زیرا برای
کسی که قلبش از شبهه و تقلید پاک باشد، موجب یقین و قطع می‌شود.

۱- سفينة البحار، ج ۳، ص ۳۱۵، (ماده رجع).

۲- الإيقاظ من الهجة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۳.

و در جای دیگر می‌فرماید:

«... و قوة أحاديث الرجعة و أدلتها كما رأيت، فأنها وصلت الى حدّ التواتر، بل تجاوزت بمراتب، فأوجبت القطع و اليقين بل كل حديث منها موجب لذلك لكثرة القرائن القطعية من موافقة القرآن و الأدلة و السنة النبوية...»^١

و احادیث و ادله رجعت، چنانکه معلوم شد، در کمال قوّت بلکه بحد تواتر یا به درجاتی بالاتر از تواتر است، از این جهت موجب قطع و یقین است، بلکه می‌توان گفت هریک از این احادیث به لحاظ شواهد قطعی زیادی که دارد موجب یقین است، زیرا با قرآن و ادله و سنت پیامبر ﷺ موافق است.

هـ) مرحوم علامه مجلسی رحمته الله بعد از نقل احادیث رجعت می‌فرماید:

«اجمعت الشيعة عليها في جميع الأعصار و اشتهرت بينهم كالشمس في رابعة النهار الى قوله: و كيف يشك مؤمن بحقية الأئمة الأطهار عليهم السلام فيما تواتر عنهم في قريب من مائتي حديث صريح رواها نيف و اربعون من الثقات العظام و العلماء الأعلام في ازید من خمسين من مؤلفاتهم ك: ثقة الأسلام الكليني، و الصدوق محمد بن بابويه، و الشيخ ابی جعفر الطوسي، و السيد المرتضى، و النجاشي، و الكشي، و العياشي، و علی بن ابراهيم، و سليم الهاللي، و الشيخ المفيد، و الكراچكي، و النعماني، و الصفار، و سعد بن عبد الله، و ابن قولويه، و علی بن عبد الحميد، و السيد علی بن طاووس رحمته الله، و...»

شیعه در تمام اعصار معتقد به رجعت بوده و این اعتقاد در میان آنان مسأله‌ای روشنی است. سپس می‌افزاید:

چگونه ممکن است کسی به صدق گفتار اهل بیت علیهم‌السلام ایمان داشته باشد و احادیث متواتر رجعت را نپذیرد؟

بیش از چهل نفر از علمای بزرگ شیعه، به طور متواتر، نزدیک دویست روایت را در بیش از پنجاه کتاب خود راجع به رجعت نقل کرده‌اند، که مرحوم کلینی، صدوق، طوسی، سید مرتضی، نجاشی، کشی، عیاشی، قمی، سلیم هلالی، شیخ مفید، کراچکی، نعمانی، صفار، سعد بن عبد الله، ابن قولویه، علی بن عبد الحمید و سید بن طاووس رحمهم‌الله، در زمره آن‌ها هستند.

سپس می‌گوید:

«و اذا لم یکن مثل هذا متواترا ففی ای شیء یمکن دعوی التواتر مع ماروته کافة الشیعة خلفا عن سلف؟!»^۱

اگر چنین مسئله‌ای متواتر قلمداد نشود، دیگر در چه مسأله‌ای می‌توان ادعای تواتر نمود، با آن که مسأله رجعت را تمام علمای شیعه در طول تاریخ از یکدیگر نقل نموده‌اند.

۹. کتابنامه رجعت

چون مسئله «رجعت» یکی از اعتقادات ویژه شیعیان است و همواره مورد انتقاد و تهاجم دشمنان بوده، علمای شیعه، کتاب‌های فراوانی پیرامون این موضوع تألیف نموده‌اند، و ما در اینجا به تعدادی از این عناوین، که مستقلاً در موضوع «رجعت»

۱- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۲۲.

تألیف شده است، به ترتیب حروف تہجی، اشاره می‌نمائیم:

۱. «آیات الحجّة و الرجعة»، تألیف: شیخ محمدعلی حائری ہمدانی، متوفای ۱۳۷۸ ق.

۲. «آیات الرجعة»، تألیف: حاج میرزا محسن عماد، مشہور بہ خوشنویس و متخلص بہ «اردبیلی» کہ در سال ۱۳۵۷ ق، در تہران بہ چاپ رسیدہ است.

۳. «الآیات المأولة بالحجة و الرجعة»، تألیف: شیخ محمدعلی بن حسن علی حائری سنقری ہمدانی (معروف بہ سنقری)، متوفای ۱۳۷۸ ق، این اثر کتاب مفصلی است درباره امام زمان علیہ السلام و قیام آن حضرت و رجعت، با استفادہ از آیات و روایات و کتب شیعی و سنی، و مرحوم حاج سید محمد حسینی یزدی فیروزآبادی، تقریظی را بر آن نگاشته است.

۴. «اثبات الرجعة»، تألیف: محدث متبحر و جلیل القدر مرحوم علامہ محمد باقر مجلسی رحمۃ اللہ علیہ، متوفای سال ۱۱۱۰ ق، شیخ حرّ عاملی و محدث نوری، از این کتاب بہ نام «رسالة فی الرجعة» نام بردہ اند.

توضیح: مرحوم شیخ حرّ عاملی و مرحوم محدث نوری از آن بہ «رسالة فی الرجعة» تعبیر کردہ اند، ولی صاحب «الذریعة» از آن بہ «اثبات الرجعة» یاد نمودہ است. مصحح بحارالانوار در شرح حال مرحوم علامہ مجلسی رحمۃ اللہ علیہ می‌نویسد: «این کتاب تاکنون بہ چاپ نرسیدہ است»، در حالی کہ این کتاب در سال ۱۰۷۸ ق، تألیف شدہ و در سال ۱۲۶۰ ق، در ہندوستان بہ چاپ رسیدہ است، و اخیراً با تحقیقات آقای ابوذر بیدار در ۱۴۴ صفحہ وزیری، تحت عنوان «رجعت» در تہران انتشار یافتہ است.

۵. «اثبات الرجعة»، تألیف: مرحوم علامہ بزرگوار آقا جمال خوانساری، متوفای

سال ۱۱۲۵ ق.

۶. «اثبات الرجعة»، تألیف: شیخ حسن بن سلیمان بن محمد حلّی، صاحب کتاب «مختصر بصائر الدرجات» که از شاگردان شهید اول و از محدّثین عالی قدر شیعه در قرن هشتم هجری بوده است.
۷. «اثبات الرجعة»، تألیف: آیه الله علامه حسن بن یوسف بن مطهر حلّی، مشهور به علامه حلّی، از علمای قرن هشتم، متوفای سال ۷۲۶ ق.
۸. «اثبات الرجعة»، تألیف: شیخ نور الدین علی بن حسین بن عبد العالی، مشهور به محقق کرکی، متوفای سال ۹۴۰ ق، از علمای نامی شیعه امامیه.
۹. «اثبات الرجعة»، تألیف: میر محمد عباس بن علی اکبر موسوی تستری، مفتی لکهنو، متوفای ۱۳۰۶ ق.
۱۰. «اثبات الرجعة»، تألیف: ملا سلطان محمود بن غلام علی طبسی، از محدّثین عالی قدر قرن ۱۱ ق، و از شاگردان مرحوم علامه مجلسی رحمته الله.
۱۱. «اثبات الرجعة»، تألیف: شیخ شرف الدین یحیی بحرانی، شاگرد محقق کرکی و نایب او در یزد، و صاحب کتاب «اسامی المشایخ فی ذکر علماء الشیعة».
۱۲. «اثبات الرجعة»، تألیف: میرزا حسن بن ملا عبد الرزاق لاهیجی قمی، مؤلف کتاب «شمع الیقین»، که آن را به فارسی نوشته است.
۱۳. «اثبات الرجعة»، تألیف: شیخ محمد رضا طبسی، متوفای ۱۴۰۵ ق، که در سال ۱۳۵۴ ق، در نجف اشرف به چاپ رسیده و به عربی و اردو نیز ترجمه شده است.
۱۴. «اثبات الرجعة»، تألیف: شیخ سلیمان بن احمد آل عبد الجبار قطیفی، متوفای ۱۲۶۶ ق.
۱۵. «اثبات الرجعه»، تألیف: حاج میرزا ولی الله اشراقی سرابی، متوفای ۱۳۹۰ ق، که

در سال ۱۳۶۳ ق، در تبریز چاپ شده است.

۱۶. «اثبات الرجعة»، تألیف: ابو محمد فضل بن شاذان ازدی نیشابوری، از اعلام قرن ۳ هجری، متوفای سال ۲۶۰ ق، و از اصحاب حضرت جواد و حضرت هادی علیه السلام، بوده و ۱۸۰ جلد کتاب پراچ از خود به یادگار گذاشته، که سه جلد آن‌ها مربوط به رجعت است، ولی متأسفانه از کتاب «اثبات الرجعة» ایشان، تنها گزیده آن به نام «منتخب اثبات الرجعة» موجود است.

۱۷. «اثبات الرجعة»، تألیف: علی آل محسن، چاپ اول، تهران، مشعر، ۱۰۳ صفحه، جیبی، ۱۴۲۹ ق.

۱۸. «احادیث الرجعة»، تألیف: آیت الله سید حسن صدر، متوفای ۱۳۵۴ ق.

۱۹. «احیاء السنة و اامة البدعة»، در اثبات رجعت، تألیف: سید دلدار علی نصر آبادی نقوی، متوفای ۱۲۳۵ ق، که در هندوستان به چاپ رسیده است.

۲۰. «ارشاد الجهلة المصرّین علی انکار الغیبة و الرجعة» منسوب به مرحوم ملا محمد هاشم هروی خراسانی، از علماء و محدّثین قرن ۱۲ هجری، عربی.

۲۱. «الامامية و الرجعة»، تألیف: میرزا عبد الله رزاق همدانی، متوفای ۱۲۹۱ ق، ردیه بر کتاب «اسلام و رجعت» نوشته یکی از شاگردان شریعت سنگلجی، به نام فرید تنکابنی.

۲۲. «انيس المحجة فی كيفية الرجعة»، تألیف: مرحوم آیت الله میرزا محمد باقر بن شیخ حسین علی فقیه ایمانی اصفهانی، متوفای ۱۳۷۰ ق.

۲۳. «ایقاظ الامة من الضجعة فی اثبات الرجعة»، تألیف: سید محمد مهدی بن محمد موسوی خوانساری کاظمی، متوفای ۱۳۹۱ ق، چاپ اول ۱۳۶۶ ق، در بغداد.

۲۴. «الایقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة»، تألیف: مرحوم علامه الشیخ محمد بن

الحسن الحرّ العاملی، صاحب «وسائل الشّیعه»، از علمای قرن ۱۱ قمری، عربی، چاپ اوّل ۱۳۸۱ق، قم، علمیّه، ۴۳۲ص، وزیری، ترجمه به فارسی: احمد جنتی، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ اوّل ۱۳۶۲ شمسی، تهران، نوید، وزیری.

۲۵. «الایمان و الرجعة»، تألیف: شیخ محمد علی بن محمد جواد شاه آبادی، (۱۲۵۳-۱۳۲۸ ش)، چاپ اوّل ۱۳۶۸ ق، سنگی، تهران، ۱۹۲ ص، رقعی، به همراه «الانسان و الفطرة»، عربی.

۲۶. «ایمان به رجعت اهل بیت (علیهم السلام)»، یا صفیر ولایت، شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف: آیت الله سید محمد ضیاء آبادی، تهران، ۸۵، پالتویی، ۱۸ ص، فارسی/عربی.

۲۷. «ایمان و رجعت»، تألیف: سید جلال الدین حسینی ارموی، معروف به محدث ارموی، متوفای ۱۳۹۹ هجری، ۴ جلد، خطی، نسخه کتابخانه فرزند مؤلف در تهران، فارسی.

۲۸. «ایمان و رجعت»، تألیف: سید احمد شبیری زنجان، معروف به آقا سید احمد زنجان، متوفای ۱۳۹۳ هجری، که در سال ۱۳۵۹ هجری تألیف کرده و یاوه‌گویی‌های عبدالوهاب فرید تنکابنی را پاسخ گفته است.

۲۹. «بازگشت: نگاهی به مبحث رجعت»، تألیف: سید مجتبی حسینی، تهران، ۱۳۸۲ ش، رقعی، ۱۸۸ ص، فارسی.

۳۰. «بازگشت به دنیا در پایان تاریخ، تحلیل و بررسی مسئله رجعت»، تألیف: خدامراد سلیمیان، قم، ۸۴ ش، رقعی، ۲۶۴ ص، فارسی.

۳۱. «بازگشت شهید در رجعت»، محمد جواد خراسانی (متوفای ۱۳۹۷ ق)، متن پیاده شده از سخنرانی وی، فارسی.

۳۲. «بحث حول الرجعة»، تألیف: سید محمد صدر، چاپ اول ۱۴۱۴ ق، بیروت، دار الاضواء، ۳۶ ص، جیبی، عربی.

۳۳. «برهان الشيعة في اثبات الرجعة»، تألیف: سید محمد علی بن شرف الدین سنقری، چاپ اول ۱۳۶۹ ق، ۱۶۵ ص، در ردّ «کشف الحق»، محمد بن جعفر گلپایگانی سنقری.

۳۴. «برهان الشيعة في اثبات الرجعة»، تألیف: شیخ عباس علی شاهرودی، چاپ اول ۱۳۵۴ ق، سنگی، تهران، ۵۶ ص، جیبی، اثبات امکان رجعت، وقوع آن در ائمه های پیشین، بررسی سند روایات رجعت و دفع شبهات، فارسی.

۳۵. «بشارت الرجعة یا بازگشت مردگان به دنیا»، تألیف: سید هبة الله بهشتی لاری، چاپ اول ۱۳۵۴ شمسی، تهران، انتشارات گلی، ۱۷۶ ص، وزیری، فارسی، مؤلف در این کتاب به اثبات رجعت به وسیله علوم طبیعی و روان شناسی پرداخته است.

۳۶. «بشارة الفرج»، تألیف: ملا محمد بن عاشور کرمانشاهی تهرانی، معاصر فتحعلی شاه قاجار، صاحب کتاب «اعتذار الفقیر»، متوفای ۱۲۵۰ هجری.

۳۷. «بعث الاموات قبل ظهور الحجة»، تألیف: شیخ محمد باقر بهاری همدانی (متوفای ۱۳۳۳ ق)، عربی.

۳۸. «بيان الفرقان»، تألیف: شیخ مجتبی قزوینی، متوفای ۱۳۸۷ هجری، چاپ اول ۱۳۸۰ ق، مشهد، انتشارات توس، ۳۲۰ ص، وزیری، فارسی، که جلد پنجم آن را تحت عنوان «غیبت و رجعت» به مسئله رجعت اختصاص داده، شبهات مخالفان را پاسخ گفته است.

۳۹. «بیداری ائمه در اثبات رجعت»، ترجمه کتاب: «ایقاز الامة من الضجعة فی اثبات الرجعة»، مترجم: ابوالقاسم سحاب، متوفای ۱۳۳۵ شمسی، چاپ اول

۱۳۳۱ شمسی، تهران.

۴۰. «پاسخ نامه ازگلی»، تألیف: سید علی نقی بن محمد سدهی اصفهانی، معروف به فیض الاسلام (متوفای ۱۴۰۵ ق)، چاپ اول ۱۳۵۳ ق، تهران، کتابخانه ایران، ۸۴ ص، رقعی، فاسی.

توضیح: این کتاب در پاسخ نامه عیسی ازگلی شمیرانی تهرانی، در اثبات رجعت با زبان ساده، و پاسخ اجمالی به انحرافات و شبهات شریعت سنگلجی است.
۴۱. «تحفة الشیعة در اثبات رجعت و ظهور ائمة علیهم السلام»، تألیف: حسین بن نصر الله ابن صادق الموسوی الحسینی الارومی، (متوفای ۱۳۶۹ ق)، حسین عرب باغی، (۱۲۵۶-۱۳۲۹)، چاپ اول ۱۳۳۵ ق، تبریز، به همراه «التحفة المهدویة»، رحلی؛ چاپ پنجم ۱۳۵۸ ش، قم، وزیری، فارسی.

۴۲. «تحفة اهل الایمان لصاحب العصر و الزمان علیه السلام»، تألیف: محمد بن عبد علی بن محمد بن عبد الجبار (ق ۱۳)، نسخه کتابخانه وزیری یزد، شماره ۸۰۶، کتابت ۱۲۵۹ ق، ۱۱۱ برگ، بحث در آیات و احادیث رجعت، عربی.

۴۳. «تفریح الکربة عن المنتقم لهم فی الرجعة»، تألیف: سید محمود بن فتح الله حسینی کاظمی نجفی، متوفای سال ۱۰۸۵ ق، عربی، نویسنده از معاصرین مرحوم شیخ حرّ عاملی بوده، و مرحوم شیخ در مقدمه کتاب «الایقاظ»، به این کتاب و مؤلف محترم آن اشاره نموده است.

۴۴. «تلازم بین رجعت و ولایت»، مؤلف ناشناخته، نسخه کتابخانه مدرسه آیت الله گلپایگانی، در مجموعه شماره ۳۱، بیان تلازم رجعت با ولایت امیر مؤمنان علیه السلام به سبک عرفانی، فارسی.

۴۵. «تناسخ و مقایسه آن با رجعت»، تألیف: ایرج حافظی (ق ۱۴)، پایان نامه کارشناسی

- ارشد دانشگاه قم، ۱۳۷۷ش، استاد راهنما دکتر محمد ذبیحی خبیری، فارسی.
۴۶. «تنبيه الامة في اثبات الرجعة»، تألیف: شیخ محمد رضا طبسی خراسانی نجفی (۱۲۸۲-۱۳۶۳ش، ۱۴۰۵ق)، چاپ اول ۱۳۴۵ق، نجف، چاپخانه الغری، ۳۲ص، وزیری؛ چاپ دوم ۱۳۵۴ق، نجف، ۴۸ص، رقعی، آیات و احادیث رجعت، امکان رجعت، کتابنامه رجعت، ضروری بودن اعتقاد به رجعت، فارسی.
۴۷. «تنبيه الامة في اثبات الرجعة»، تألیف: الشیخ محمد رضا الطبسی الخراسانی النجفی، وفات ۱۴۰۵ق، قطع وزیری، فارسی، که در سال ۱۳۵۴ق، در نجف اشرف به چاپ رسیده است.
۴۸. «جامعة البیان فی رجعة صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف»، تألیف: علی بلادی بحرانی (۱۲۷۴-۱۳۴۰ق)، نسخه کتابخانه شیخ محمد صالح، خواهرزاده مؤلف در قطیف، قصیده‌ای است در چهارصد بیت، عربی.
۴۹. «الجواهر المنضود فی اثبات الرجعة الموعود»، تألیف: شیخ احمد بیان اصفهانی از فضلاي معاصر، متولد سال ۱۳۱۴ق.
۵۰. «جوهر المقصود فی اثبات الرجعة الموعود»، تألیف: احمد بن محمد حسن بیان الواعظین اصفهانی (۱۳۱۴-۱۳۷۱ق)، چاپ اول ۱۳۵۴ق، تهران، فارسی.
۵۱. «الحجّة و الرجعة»، تألیف: محمد بن حسین بن مهدی مهدوی سعیدی لاهیجی (متوفای ۱۴۰۳ق)، عربی.
۵۲. «حذو النعل بالنعل»، تألیف: ابو محمد فضل بن شاذان ازدی نیشابوری، از اعلام قرن سوم هجری، متوفای سال ۲۶۰ق، عربی.
۵۳. «حذو النعل بالنعل»، تألیف: شیخ صدوق ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ق)، عربی.

توضیح: فضل بن شاذان و شیخ صدوق، عنوان کتابشان را از حدیث معروف رسول اکرم ﷺ گرفته‌اند که می‌فرمایند: آنچه در ائمت‌های پیشین واقع شده، مو به مو در این ائمت نیز واقع خواهد شد. متن حدیث در بخش «رجعت در ائمت اسلامی» آورده شده است.

۵۴. «حياة الاموات بعد الموت»، تألیف: شیخ احمد بن ابراهیم بحرانی، متوفای سال ۱۱۳۱ هجری، که پسرش در «لؤلؤ البحرين» از آن یاد کرده است.

۵۵. «حیات الاموات»، تألیف: آقا جمال الدین محمد بن آقا حسین خوانساری (متوفای ۱۱۲۵ ق)، فارسی.

توضیح: این اثر در سال ۱۱۰۶ قمری، برای شاه سلطان حسین صفوی، درباره رجعت و بازگشت ائمه اطهار علیهم‌السلام و گروهی از مؤمنان در عصر حضرت حجّت عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف، تألیف شده است.

۵۶. «دحض البدعة من انكار الرجعة»، تألیف: شیخ محمد علی بن حسن علی حائری سنقری همدانی (معروف به سنقری)، متوفای ۱۳۷۸ ق، چاپ اول ۱۳۵۴ ق، نجف، ۶۴ ص، وزیری، عربی.

توضیح: در این اثر مباحثی پیرامون اصل امامت و اثبات دوازده نفر بودن آنان و نصوص مربوط به امام منتظر علیهم‌السلام و مسأله رجعت مطرح شده، و با استفاده از روایات و اقوال علمای شیعه و سنّی ضروری بودن رجعت را نزد شیعه به اثبات رسانده است، و در پایان کتاب نامه‌ای از کتب شیعه و سنّی در این باره ارائه داده است.

۵۷. «دعائم الدین و كشف الرّیبة فی اثبات الکرة والرجعة»، تألیف: شیخ محمد محسن بن عنایت الله مشهدی (قرن ۱۲)، عربی.

۵۸. «دلائل الرجعة، یا ایمان و رجعت»، این کتاب به نام میرزا غلامعلی عقیقی کرمانشاهی، منتشر شده، لکن به گفته صاحب «الذریعة» مؤلف حقیقی آن، آقای شیخ حسن علامی کرمانشاهی (۱۳۰۵-۱۳۹۴ ق)، فاضل معاصر است، چاپ اول ۱۳۲۳ ش، کرمانشاه، شرکت سعادت، ۱۳۹ صفحه، فارسی، رقعی، که نام خود را مستور داشته، و ردیه‌ای است بر کتاب «اسلام و رجعت»، که و به تفاوت رجعت و تناسخ می‌پردازد.

۵۹. «الدین و الرجعة»، تألیف: محمد حسن تبریزی، در رد کتاب «اسلام و رجعت» اثر شریعت سنگلجی، در زمینه اسناد احادیث رجعت، عربی.

۶۰. «الرجعة»، تألیف: ابی نصر محمد بن مسعود عیاشی سمرقندی، صاحب کتاب تفسیر معروف عیاشی، و از بزرگان شیعه در قرن ۳ هجری، و از معاصرین ثقة الاسلام شیخ کلینی رحمه الله بوده است.

۶۱. «الرجعة»، تألیف: رئیس المحدثین، محمد بن علی بن بابویه، مشتهر به «شیخ صدوق رحمه الله» متوفای سال ۳۸۱، و صاحب تألیفات کثیره.

۶۲. «الرجعة»، تألیف: حمد بن صالح بن طوق قطیفی، نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی، رساله دوازدهم از مجموعه شماره ۲۳۵۸، به خط مؤلف، عربی.

۶۳. «الرجعة»، تألیف: ابو یحیی احمد بن داوود بن سعید فزاری جرجانی، (قرن سوم) از مستبصرین و اصحاب امام هادی علیه السلام، عربی.

توضیح: ابو یحیی احمد بن داود بن سعید فزاری جرجانی، از عالمان بلند مرتبه تشیع در قرن سوم هجری است. او در گذشته از عالمان اهل سنت بود و سپس به مذهب اهل بیت علیهم السلام گروید. وی در عصر امام هادی علیه السلام می‌زیسته و کتاب‌هایی در دفاع از مکتب تشیع نوشته است. شیخ طوسی در رجال خود،

وی را در شمار یاران امام هادی علیه السلام ذکر کرده است. محمد بن طاهر خزاعی، والی خراسان دستور داد او را، به خاطر ردّ یک حدیث که به دروغ در مورد خلیفه دوم گفته شده بود، هزار ضربه شلاق بزنند، و سپس زبان و دست و پایش را قطع کنند و آن گاه به دار آویزند!

۶۴. «رجعت»، تألیف: ابراهیم ابراهیمی، قم، ۱۳۸۱ش، قطع پالتویی، ص ۷۲، فارسی.

۶۵. «رجعت»، نویسنده: علامه محمد باقر مجلسی رحمته الله، تحقیق: ابوذر بیدار، تهران، ۸۴ ص، وزیری، ۱۴۴ ص، فارسی.

۶۶. «رجعت» تألیف: سید ابو الحسن رفیعی حکمی قزوینی (متوفای ۱۳۹۵ق)، چاپ اول ۱۳۵۳، تهران، کتابفروشی اسلام، ۳۸ ص، جیبی، فارسی، در سال ۱۳۶۹ قمری، با عنوان «رجعت و معراج»، به ضمیمه هفت مقاله دیگر، و در سال ۱۳۸۹ قمری، با عنوان «رجعت پس از ظهور»، چاپ سوم ۱۳۹۷ قمری، تهران، کتابفروشی اسلام، ۵۰ ص، رقعی.

۶۷. «الرجعة»، تألیف: عبد الکریم بهبهانی، چاپ اول، قم، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، ۲۵ صفحه، رقعی، ۱۴۲۲ق.

۶۸. «رجعت»، تألیف: محمد باقر بهبودی، چاپ اول ۱۳۵۷ش، تهران، معراجی، نسخه کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ۳۸ ص، فارسی.

۶۹. «رجعت»، تألیف: سلیمان بن محمد گیلانی تنکابنی، قرن ۱۲، نگارش در سال ۱۰۸۹ قمری، عربی.

۷۰. «رجعت از دیدگاه اسلام و ادیان»، تألیف: استاد علی اکبر مهدی پور، چاپ اول، زاهدان، امور اهل سنت بلوچستان، ۲۸ صفحه، وزیری، ۱۳۷۹ش.

۷۱. «رجعت از دیدگاه عقل، قرآن و حدیث»، تألیف: حسن طارمی، چاپ اول

۶۰..... کلید واژه آیات رجعت در قرآن کریم

۱۳۶۵ ش، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۷۹ ص، رقعی، زیر نظر جعفر سبحانی، فارسی.

۷۲. «رجعت از دیدگاه قرآن کریم و عترت علیهم السلام» حمید کردنژاد، ۱۳۴۱ ش، چاپ اول ۱۳۷۷ ش، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی سیمیا، ۱۲۱ ص.

۷۳. «رجعت از دیدگاه متکلمان برجسته شیعی و رابطه آن با تناسخ»، تألیف: اصغر بهمنی، ۸۵ ش، ۳۳۶ ص، فارسی.

۷۴. «رجعت از نظر شیعه»، تألیف: شیخ نجم الدین طبسی، چاپ اول ۱۳۵۹ ش، ۱۴۰۰ ق، قم، ناشر مؤلف، ۱۴۲ ص، جیبی، فارسی.

۷۵. «رجعت از نگاه عقل و دین»، تألیف: غلام رضا مغیثی، چاپ اول ۱۳۸۰ ش، قم، ۹۶ ص، فارسی.

۷۶. «الرجعة بین العقل والقرآن»، تألیف: حسن طارمی، تعریب: عبد الکرم محمود، چاپ اول ۱۴۰۷ ق، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۳۵ ص، رقعی.

۷۷. «رجعت، بازگشت بزرگ در هنگام ظهور»، تألیف: حسین شهمیری، نسرین دمیچ، تهران، ۸۶ ش، رقعی، ۲۳۸ ص، فارسی.

۷۸. «الرجعة بین الظهور و المعاد»، تألیف: شیخ محمد سند، چاپ اول، قم، دار زین العابدین، ۲ جلد در یک مجلد، ۵۴۴ صفحه، وزیری، ۱۳۹۳ ش، چاپ دوم، اصفهان، بهار قلوب، ۲ جلد، ۷۶۶ صفحه، وزیری، ۱۳۹۳ ش.

۷۹. «رجعت، حکومت خاندان رسالت»، تألیف: محمد خادمی شیرازی، ترجمه به اردو: حافظ اقبال حسین جاوید، چاپ لاهور، انتشارات ولی عصر، ۲۷۲ ص، رقعی، ۱۴۰۹ ق.

۸۰. «رجعت در آثار علامه مجلسی رحمته الله»، تألیف: نعمت الله صفری فروشانی، جلد

دوم یادنامه علامه مجلسی رحمته الله علیه، به اهتمام مهدی مهریزی و هادی ربانی، تهران، وزارت ارشاد، چاپ اول ۱۳۷۹ ش، فارسی.

۸۱. «رجعت در دولت کریمه اهل بیت علیهم السلام»، برگرفته از کتاب «حق یقین» علامه محمد باقر مجلسی رحمته الله علیه، متوفای ۱۱۱۰ ق، به کوشش: مرتضی جنتیان، چاپ اول، اصفهان، کانون پژوهش، ۱۰۰ صفحه، وزیری، ۱۳۷۹ ش.

۸۲. «الرجعة عند آل محمد»، تألیف: شیخ اسماعیل حریری، چاپ اول، بیروت، دار الولا، ۱۹۲ صفحه، وزیری، ۱۴۲۴ ق.

۸۳. «الرجعة، العودة الى الحياة الدنيا بعد الموت»، بی نا، بی تا، چاپ قم، مرکز الرسالة، ۱۰۷ صفحه، رقعی.

۸۴. «الرجعة فی مصادر الفريقین»، تألیف: نجم الدین طبسی، چاپ اول، بیروت، دار الولا، ۴۸ صفحه، رقعی، ۱۴۲۷ ق.

۸۵. «الرجعة و احادیثها»، تألیف: فضل بن شاذان بن خلیل، ابن محمد ازدی نیشابوری (متوفای ۲۶۰ ق) نسخه کتابخانه میرزا ابراهیم امین الواعظین اصفهانی، عربی.

توضیح: در این کتاب به ذکر روایات رجعت و ظهور و احوال امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته و تا قرن ۱۱ وجود داشته، و سید محمد بن محمد میرلوحی حسینی موسوی سبزواری اصفهانی (۱۰۸۵ ق) «کفایة المهتدی فی احوال المهتدی علیه السلام» را در ترجمه، تفسیر و شرح چهل حدیث از این کتاب، نگاشته است.

۸۶. «الرجعة و احادیثها المنقولة عن آل العصمة»، تألیف: سید احمد بن محسن، از احفاد میر احمد بن موسی کاظم علیه السلام، از علماء قرن ۱۳ هجری، عربی.

۸۷. «الرجعة و الرد علی اهل البدعة»، تألیف: حسن بن سلیمان بن خالد حلّی

- (قرن هشتم)، نسخه کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، شماره ۲۰۸۱، عربی.
۸۸. «الرجعة و الظهور»، تألیف: محمد طیب زاده، چاپ اول ۱۳۷۷ ق، اصفهان، عربی.
۸۹. «الرجعة و ظهور الحجة»، تألیف: سید میرزا محمد مؤمن دوست محمد استرآبادی، داماد مرحوم ملا محمد امین استرآبادی، که مقیم مکه معظمه بود و پس از نوشتن این کتاب، در سال ۱۰۸۸ ق، در مکه به شهادت رسید.
۹۰. «رجعت، یا بازگشت به جهان»، تألیف: محمد رضا ضمیری، چاپ اول ۱۳۷۸ ش، رقعی، ۸۰ ص، تهران، فارسی.
۹۱. «رجعت یا بازگشت به دنیا پس از مرگ»، تألیف: محمد حسین فصیحی، چاپ اول، زاهدان، امور اهل سنت بلوچستان، ۲۶ صفحه، وزیری، ۱۳۷۹ ش.
۹۲. «رجعت، یا جامعه شناسی نجات»، تألیف: رجب خادیمان قزوینی، قزوین، ۱۳۷۹ ش، رقعی، ۱۸۰ ص، فارسی.
۹۳. «رجعت، یا حیات دوباره، از دیدگاه عقل، قرآن و روایات»، تألیف: احمد علی طاهری و رسی، قم، ۸۶ ش، وزیری، ۲۳۲ ص، فارسی.
۹۴. «رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی»، تألیف: محمد خادمی شیرازی، چاپ اول ۱۳۶۵ ش ۱۴۰۶ ق، تهران، مؤسسه نشر و تبلیغ، ۲۲۸ ص، وزیری، با مقدمه و ویرایش استاد علی اکبر مهدی پور، فارسی.
۹۵. «رسالة فی اثبات الرجعة»، تألیف: محمد علی ربانی خوراسگانی، چاپ اول ۱۳۸۱ ق، نجف، ۸۰۵ ص، وزیری، به همراه «الهام ربانی» و چهار رساله دیگر، عربی.
۹۶. «رسالة فی اثبات الرجعة»، تألیف: ملا محمد بن هاشم سرابی تبریزی از علمای معاصر، این کتاب در سه جزء به طبع رسیده است.

۹۷. «رسالة فی الرجعة»، مؤلف: ناشناخته، کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، شماره ۹۷۳۶، کتابت ۱۲۸۰ ق، عربی.

۹۸. «رسالة فی بقاء النفس و رجعتها بعد موت الجسد»، تألیف: احمد بن ابراهیم درازی بحرانی (متوفای ۱۱۳۱ ق)، عربی.

۹۹. «رسالة فی قتال اهل القبلة و انکار الرجعة»، تألیف: عبد العزیز بن یحیی بن احمد بن عیسی جلودی، عربی.

۱۰۰. «رساله ای در بیان رجعت ائمه علیهم السلام»، تألیف: حبیب الله شریف بن علی مدد کاشانی ساوجی (۱۲۶۲-۱۳۴۰ ق)، چاپ اول ۱۳۲۹ ش، به همراه «خواص الاسماء فی شرح الاسماء و اسرار الحسینیة»، و چاپ ۱۳۶۸ ق، وزیری، ترجمه به فارسی به کوشش احمد شریف زاده کاشانی.

۱۰۱. «رهبر گمشدگان فی اثبات الرجعة»، تألیف: سید علی نقی بن محمد سدهی اصفهانی، معروف به فیض الاسلام (متوفای ۱۴۰۵ ق)، چاپ اول ۱۳۵۳، اصفهان، چاپ دوم ۱۳۵۹، اصفهان، ۳۰۰ ص، فارسی.

۱۰۲. «ستارگان درخشان»، ترجمه ی: «الشّیعه و الرجعة» به فارسی: سید محمد میر شاه ولد، ج ۱، چاپ دوم ۱۳۷۱ ش، قم، مؤسسه انصاریان، ۵۱۸ ص، وزیری، ج ۲، با نام «رجعت از نظر شیعه»، چاپ اول ۱۳۸۱ ق، ۵۶۰ ص، وزیری، ج ۲، با نام «رجعت از نظر شیعه»، چاپ دوم ۱۳۷۶ ش، قم، دار النشر اسلام.

۱۰۳. «سرّ مخزون در اثبات رجعت»، تألیف: علی صدراپی خویی، تبریز، رقی، ۸۰ ص، فارسی.

۱۰۴. «سیف الانتقام فی حکومت قائم آل محمد علیهم السلام»، تألیف: ابراهیم بن محمد باقر سخنور، نسخه: کتابخانه مؤلف، ۵۰۵ ص، عربی.

۱۰۵. «سیمای رجعت در آئینه قرآن، تأویل و تفسیر آیات رجعت در روایات معصومین علیهم السلام»، تألیف: علی مشکینی، تهران، ۸۶ ش، جیبی، ۲۳۲ ص، فارسی.
۱۰۶. «الشموس المضيئة في الغيبة و الظهور و الرجعة»، تألیف: علی سعادت پور (۱۳۰۵ ش)، چاپ اول ۱۴۱۶ ق، ۱۳۷۴ ش، تهران، پیام آزادی، ۲۴۰ ص، ترجمه به فارسی: محمد جواد وزیری فرد، با نام: «ظهور نور» پژوهشی نو و مستند پیرامون وقایع دو غیبت امام، ظهور و رجعت، چاپ اول ۱۳۷۶ ش، قم، تشیع، ۲۹۶ ص.
۱۰۷. «الشّیعة و الرجعة»، تألیف: شیخ محمد رضا طبسی خراسانی نجفی، مشهور به فاضل طبسی، ۱۴۰۵ ق، چاپ اول ۱۳۷۴ ق، نجف، چاپخانه حیدریه.
- توضیح: این کتاب تفصیل یافته کتاب «تنبيه الامة في اثبات الرجعة» از همین مؤلف است که در جلد اول «اخبار مهدی منتظر» را آورده و در جلد دوم با ذکر هفتاد آیه و ذکر تواتر احادیث رجعت به «بیان اثبات رجعت» پرداخته است.
۱۰۸. «شیعه و اعتقاد به رجعت، در قرآن و حدیث»، تألیف: جلیل فلاح تفتی، یزد، وزیری، ۱۸۴ ص، فارسی.
۱۰۹. «ظهور و رجعت در اسلام (اهل سنت)، مسیحیت، یهودیت و آیین زردشت»، تألیف: علی سعادت پرور، مترجم: محمد جواد وزیری فرد، دانشیاران ایران، شهر ری، ۸۷ ش، وزیری، ۲۶۴ ص، فارسی.
۱۱۰. «عصر شکوهمند رجعت»، تألیف: محمد رضا اکبری، تهران، ۸۷ ش، رقعی، ۳۰۴ ص، فارسی.
۱۱۱. «عقیده رجعت»، تألیف: سید محمد عبادت تقوی، چاپ شده، اردو.
۱۱۲. «کتاب الرجعة»، تألیف: حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی، عربی.
۱۱۳. «کتاب الرجعة»، تألیف: احمد بن زین الدین احسائی (متوفای ۱۲۴۱ ق)،

چاپ اول ۱۳۹۰ ق، به فرمان محمد علی شاه قاجار، به همراه کتاب «العصمة در کتاب جوامع الحکمه» چاپ ۱۳۹۲ ق، کربلا، ۲۸۰ ص، وزیری؛ چاپ اول ۱۹۹۳ م، ۱۴۱۴ ق، و در بیروت، الدار العالمیه، ۲۳۰ ص، وزیری، مصور، افست از روی چاپ ۱۳۹۲ ق، عربی.

۱۱۴. «کتاب رجعت چهارده حدیث، از ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تا رجعت ائمه عليهم السلام»، تألیف: محمد باقر بن محمد تقی مجلسی رحمته الله، محقق: سید حسن موسوی، ۱۳۸۲ ش، وزیری، فارسی.

۱۱۵. «الکثرة و الرجعة فی اثبات الرجعة بالبيان العصري» تألیف: سید محمد صادق بن باقر بن محمد موسوی هندی، چاپ اول، نجف اشرف، با رعایت اختصار به برخی از آیات رجعت پرداخته است، عربی.

۱۱۶. «کلید واژه آیات رجعت در قرآن کریم»، تألیف: سید محمد جعفر روضاتی، قم، رسالت، وزیری، فارسی/عربی، (کتاب حاضر).

۱۱۷. «مجالس شب های شنبه» بیانات آیت الله العظمی حاج سید تقی طباطبایی قمی رحمته الله، در جلسات شب های شنبه، پیرامون مسئله رجعت (۱۳۰۱ ش)، به قلم عباس حاجیانی رشتی، چاپ اول ۱۳۷۱ ش، ۱۴۱۶ ق، قم.

۱۱۸. «محاضرات فی الرجعة»، تألیف: سید علی الحسینی الصدر، انتشارات دارالعلوم، بئرالعبد، لبنان.

۱۱۹. «مختصر اثبات الرجعة»، تألیف: فضل بن شاذان بن خلیل ازدی نیشابوری (متوفای ۲۶۰ ق)، تلخیص سید بهاء الدین علی بن غیاث الدین عبد الکریم بن عبد الحمید نیلی (متوفای ۷۹۰ ق) چاپ اول ۱۴۰۹ ق، قم، مؤسسه آل البيت، وزیری.

۱۲۰. «مسئله رجعت»، مجموعه رسائل و مقالات فلسفی، به کوشش غلام حسین رضائزاد، چاپ اول ۱۳۶۷ ش، تهران، الزهرا، فارسی.

۱۲۱. «مسئله رجعت از دید قرآن و سنت و عقل»، تألیف: سید محمد علی موحد ابطحی اصفهانی (متوفای ۱۳۸۱ ش)، چاپ نشده است، فارسی.

۱۲۲. «مسئله رجعت و ظهور در آیین زردشت»، تألیف: صادق هدایت (۱۲۸۱-۱۳۳۰ ش)، چاپ اول ۱۹۴۴ م، ۱۳۲۳ ش، تهران، چاپخانه فرهنگ، ۱۲۸ ص، جیبی.

۱۲۳. «مسئله فی الرجعة»، تألیف: شیخ مفید ابی عبد الله محمد بن محمد بن نعمان عکبری (متوفای ۴۱۳ ق)، نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی، عربی.

۱۲۴. «مناهج الوصول فی تفسیر آیات الاصول»، مؤلف ناشناخته، در پایان باب چهارم به صورت مفصل به اثبات رجعت در نزد شیعه پرداخته است، عربی.

۱۲۵. «مهدی علیه السلام و مسئله رجعت»، تألیف: سید ابو الحسن مولانا (۱۳۰۳ ش)، چاپ اول ۱۳۷۵ ش، تبریز، نور ولایت، فارسی.

۱۲۶. «التَّجعة فی اثبات الرَّجعة»، تألیف: سید علی نقی بن ابو الحسن نقوی لکهنوی (۱۳۲۳-۱۴۰۸ ق)، چاپ اول ۱۳۵۴ ق، لکهنو، عربی.

۱۲۷. «التَّجعة فی الرَّجعة»، تعریب رساله فارسی شیخ محمد رضا طبسی، ترجمه به عربی: سید محسن نواب رضوی لکهنوی (متوفای ۱۳۸۹ ق)، چاپ اول ۱۳۵۵ ق، نجف، چاپخانه الغری، ۴۰ ص، وزیری.

۱۲۸. ترجمه به اردو: سید علی بن محمد باقر رضوی کشمیری لکهنوی.

۱۲۹. «نور الابصار فی رجعة اهل بیت النبی المختار»، تألیف: محمد بن عیسی بن محمد علی بن حیدر شروگی (شروقی) مجیراوی نجفی، متوفای ۱۳۳۳ ق، که در سال ۱۳۲۰ ق، به تألیف آن پرداخته است.

۱۳۰. «نور الانوار در آثار ظهور و رجعت ائمه اطهار علیهم السلام»، تألیف: علی اصغر بروجردی (۱۲۳۱-۱۳۳۲ق)، چاپ اول ۱۳۲۸ق، تهران، کتابچی، ۳۶۲ص، وزیری، فارسی.

۱۰- حمد و سپاس

شکر بی پایان و سپاس فراوان می گویم خداوند تبارک و تعالی را، که به بنده حقیر، توفیق نگارش دومین اثر از مجموعه «کلید واژه‌ها» را، با موضوع «رجعت» عنایت نمود، تا پس از تألیف «کلید واژه آیات مهدوی در قرآن کریم» که در آن، به معرفی و شرح و تفسیر ۲۴۰ آیه در موضوع مهدویت پرداختم، آیات مربوط به «رجعت» را در غالب اسم و کُند مشخص همراه با احادیث گهربار ائمه اطهار علیهم السلام، با عنوان «کلید واژه آیات رجعت در قرآن کریم»، که به معرفی و شرح و تفسیر ۸۰ آیه در موضوع رجعت پرداخته، به رشته تحریر در آورم.

در این کتاب، برای هر آیه، یک اسم و یک کُند مشخص تعریف شده است، که هر کُند، از یک عدد صحیح که معرف شماره سوره در ردیف سوره‌های قرآن کریم، و یک عدد اعشاری که معرف شماره آیه می باشد، تشکیل شده است.

البته قابل ذکر است که چاپ اول این کتاب، در آذر ماه سال ۱۳۸۶، در چهاردهمین آیین انتخاب کتاب سال خراسان رضوی در موضوع دین، به عنوان کتاب سال، برگزیده گردید.

امید است، جویندگان معارف اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، به ویژه جوانان عزیز، به کمک این روش، به آسانی بتوانند با آیات رجعت در قرآن کریم آشنا شده و چراغ راهی برای دیگران گردند.

در اینجا بر خود لازم می دانم، تا از استاد خودم، که همیشه بنده را مورد لطف و

۶۸..... کلید واژه آیات رجعت در قرآن کریم

عنایت خویش قرار داده‌اند، و این بار نیز مقدمه این کتاب را، با قلم محققانه و عالمانه خویش، مزین فرموده‌اند، کارشناس مباحث امامت و مهدویت، جناب استاد، علامه حاج شیخ علی اکبر مهدی پور دام بقائه، تقدیر و تشکر فراوان نمایم، و از درگاه خداوند متعال، برای ایشان، و همه خدمت‌گزاران آستان ملک پاسبان حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا لتراب مقدمه الفداء، آرزوی صحت و عافیت و طول عمر با عزت، نمایم.

۸ ربیع الثانی ۱۴۴۶ ق

میلاد حضرت امام حسن عسکری علیه السلام

قم مقدسه - سید محمد جعفر روضاتی

روش جدید برای حفظ و آموزش آیات رجعت



سوره مبارکه بقره (۲)

شماره: ۱۰

کد آیه: ۲/۵۶ اسم آیه: زنده شدن هفتاد نفر از یاران حضرت موسی علیه السلام

ثُمَّ بَعَثْنَاكُم مِّن بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٥٦﴾

سپس شما را پس از مرگتان، حیات بخشیدیم شاید شکر بجا آورید.

۱- عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ، فَقَالَ لَهُ (لَابِن الْكَوَاء) أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: سَلْ عَمَّا بَدَا لَكَ، قَالَ: نَعَمْ إِنَّ أَنْاسًا مِنْ أَصْحَابِكَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ يَرُدُّونَ بَعْدَ الْمَوْتِ، فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: نَعَمْ تَكَلَّمُ بِمَا سَمِعْتَ وَلَا تَزِدْ فِي الْكَلَامِ فَمَا قُلْتَ لَهُمْ؟

قَالَ: قُلْتُ: لَا أُوْمِنُ بِشَيْءٍ مِّمَّا قُلْتُمْ، فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: وَيْلَكَ! إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ ابْتَلَى قَوْمًا بِمَا كَانَ مِنْ ذُنُوبِهِمْ فَأَمَاتَهُمْ قَبْلَ آجَالِهِمُ الَّتِي سُمِّيَتْ لَهُمْ ثُمَّ رَدَّهُمْ إِلَى الدُّنْيَا لِيَسْتَوْفُوا أَزْوَاقَهُمْ ثُمَّ أَمَاتَهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ.

قَالَ: فَكَبَّرَ عَلَى ابْنِ الْكَوَاءِ وَلَمْ يَهْتَدِ لَهُ، فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: وَيْلَكَ! تَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ فِي كِتَابِهِ: «وَ اخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِّمِيقَاتِنَا»^۱، فَانْطَلَقَ بِهِمْ مَعَهُ لِيَشْهَدُوا لَهُ إِذَا رَجَعُوا عِنْدَ الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنَّ رَبِّي قَدْ كَلَّمَني فَلَوْ أَنَّهُمْ سَلَّمُوا ذَلِكَ لَهُ وَ صَدَّقُوا بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ، وَ لَكِنَّهُمْ قَالُوا لِمُوسَى عليه السلام: «لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً»، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «فَاخَذْتُكُمُ الصَّاعِقَةَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ»، ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»، أَتَرَى يَا ابْنَ الْكَوَاءِ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَدْ رَجَعُوا إِلَى مَنَازِلِهِمْ بَعْدَ مَا مَاتُوا؟

۱- سوره اعراف (۷)، آیه ۱۵۵.

فَقَالَ ابْنُ الْكَوَّاءِ: وَمَا ذَاكَ ثُمَّ أَمَاتَهُمْ فَكَأَنَّهُمْ، فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: لَا، وَيْلَكَ! أَوْ لَيْسَ قَدْ أَخْبَرَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ حَيْثُ يَقُولُ: «وَضَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَ السَّلْوَى»، فَهَذَا بَعْدَ الْمَوْتِ إِذْ بَعَثَهُمْ وَ أَيْضاً مِثْلُهُمْ يَا ابْنَ الْكَوَّاءِ الْمَلَأُ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ»^۱، وَقَوْلُهُ أَيْضاً فِي عَزِيرٍ حَيْثُ أَخْبَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَالَ: «أَوُ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَ هِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ»^۲، وَ أَخَذَهُ بِذَلِكَ الدَّنْبِ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ وَ رَدَّهُ إِلَى الدُّنْيَا، «فَقَالَ كَمْ لَبِثْتُ فَقَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ»^۳، فَلَا تَشْكَنَّ يَا ابْنَ الْكَوَّاءِ فِي قُدْرَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.^۴

از اصبع بن نباته نقل است که گفت: حضرت امیر المؤمنین عليه السلام به ابن کواء فرمودند: از هرچه که می خواهی سؤال کن، ابن کواء گفت: گروهی از یاران شما گمان می کنند که پس از مرگ دوباره زنده می شوند و قبل از برپایی قیامت به دنیا باز می گردند. حضرت امیر المؤمنین عليه السلام فرمودند: بله! شما در مقابل این سخن چه گفتی؟ گفت: هیچ کدام از سخنان آن ها را نپذیرفتم و به آن ها گفتم: به هیچ سخنی از سخنان شما اعتقاد ندارم؛ حضرت عليه السلام فرمودند: وای بر تو! خداوند گروهی را به

۱- سورة بقره (۲)، آیه ۲۴۳.

۲- سورة بقره (۲)، آیه ۲۵۹.

۳- همان.

۴- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۷۲، ح ۷۲؛ مختصر البصائر، ص ۱۰۲، ح ۷۴؛ نوادر الأخبار، ص ۲۸۰، ح ۲؛ الوافی، ج ۲، ص ۴۶۱، ح ۷۹۸.

خاطر گناهانی که مرتکب شده بودند، به گرفتاری هایی مبتلا کرد و قبل از فرا رسیدن اجل و عمر حتمی که بر ایشان معین کرده بود، آن ها را می راند و سپس آن ها را زنده کرد و به دنیا بازگرداند تا از باقی مانده روزی خود استفاده کنند و پس از آن دوباره بمیرند.

چون سخن بر ابن کوّاء گران آمد و آن را نپذیرفت، پس امیرالمؤمنین علیه السلام سخن را ادامه دادند و برای اثبات مطلب فرمودند: وای بر تو! ای ابن کوّاء! می دانی که در قرآن آمده است: «حضرت موسی هفتاد نفر از مردان بنی اسرائیل را برای میقات ما انتخاب کرد...» سپس حضرت موسی علیه السلام با آن گروه رفت تا هنگام بازگشت به بنی اسرائیل، شهادت دهند که حضرت موسی با خدا سخن گفته است، ولی وقتی آنان این واقعه را مشاهده کردند، باز منکر شدند و به موسی علیه السلام گفتند: «به تو ایمان نمی آوریم مگر خدا را با چشم بینیم»، در این حال خداوند متعال آن ها را عذاب کرد و همگی را به هلاکت رساند و بعد زنده کرد: «سپس بعد از مرگ شما را زنده کردیم» و همچنین، ای پسر کوّاء! خداوند تعالی در قرآن داستان گروهی از بنی اسرائیل را ذکر کرده است که به فرمان الهی مردند و دوباره زنده شدند. و داستان عزیر را ذکر کرده است که او صد سال مرد و دوباره زنده شد، پس ای پسر کوّاء! در زنده شدن مردگان بعد از مرگ و بازگشت آن ها به دنیا قبل از برپایی قیامت، تردید مکن، زیرا خداوند تعالی بر هر چیزی قدرت و توانایی دارد.

۲- فَقَالَ الرِّضَا علیه السلام: إِنَّ كَلِمَةَ اللَّهِ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ علیه السلام عَلِمَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَعَزُّ أَنْ يُرَى بِالْأَبْصَارِ، وَلَكِنَّهُ لَمَّا كَلَّمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَقَرَّبَهُ نَجِيًّا، رَجَعَ إِلَى قَوْمِهِ، فَأَخْبَرَهُمْ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ كَلَّمَهُ وَقَرَّبَهُ وَ نَاجَاهُ، فَقَالُوا: «لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ»، حَتَّى نَسْتَمِعَ كَلَامَهُ كَمَا سَمِعْتَ، وَ كَانَ الْقَوْمُ سَبْعِمِائَةَ أَلْفٍ رَجُلٍ، فَأَخْتَارَ مِنْهُمْ سَبْعِينَ أَلْفًا، ثُمَّ اخْتَارَ مِنْهُمْ سَبْعَةَ أَلْفٍ، ثُمَّ اخْتَارَ

مِنْهُمْ سَبْعِمِائَةٍ، ثُمَّ اخْتَارَ مِنْهُمْ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِ رَبِّهِمْ، فَخَرَجَ بِهِمْ إِلَى طُورِ سَيْنَاءَ، فَأَقَامَهُمْ فِي سَفْحِ الْجَبَلِ، وَصَعِدَ مُوسَى إِلَى الطُّورِ وَسَأَلَ اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يُكَلِّمَهُ وَيُسْمِعَهُمْ كَلَامَهُ، فَكَلَّمَهُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ وَسَمِعُوا كَلَامَهُ مِنْ فَوْقِ وَأَسْفَلَ وَيَمِينٍ وَشِمَالٍ وَوَرَاءَ وَأَمَامَ، لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَحْدَثَهُ فِي الشَّجَرَةِ، وَجَعَلَهُ مُنْبِعًا مِنْهَا، حَتَّى سَمِعُوهُ مِنْ جَمِيعِ الْوُجُوهِ، فَقَالُوا: «لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ»، بَانَ هَذَا الَّذِي سَمِعْنَاهُ كَلَامَ اللَّهِ، حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً، فَلَمَّا قَالُوا: هَذَا الْقَوْلُ الْعَظِيمُ وَاسْتَكْبَرُوا وَعَتَوْا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِمْ صَاعِقَةً فَأَخَذَتْهُمْ بِظُلْمِهِمْ، فَمَاتُوا، فَقَالَ مُوسَى: يَا رَبِّ! مَا أَقُولُ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ إِذَا رَجَعْتُ إِلَيْهِمْ؟! وَقَالُوا إِنَّكَ ذَهَبْتَ بِهِمْ فَقَتَلْتَهُمْ، لِإِنَّكَ لَمْ تَكُنْ صَادِقًا فِيمَا ادَّعَيْتَ مِنْ مُنَاجَاةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْكَ، فَأَحْيَاهُمْ اللَّهُ وَبَعَثَهُمْ مَعَهُ. (الحديث)^۱

حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمودند: حضرت موسی کلیم الله علیه السلام می دانست که خداوند برتر از این است که با چشم دیده شود، لکن وقتی خداوند با او سخن گفت، و او را به خود نزدیک کرده، با او نجوا کرد، موسی علیه السلام نزد قوم خود برگشت، و به آنان اطلاع داد که خداوند ﷻ با او سخن گفته، و او را به خود نزدیک کرده، و با او نجوا نموده است، در این موقع آنان گفتند: «لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ» (تو را تصدیق نمی کنیم) مگر اینکه، همان طور که تو صدای خدا را شنیدی، ما هم بشنویم، و آن مردم، هفتصد هزار نفر بودند، موسی علیه السلام از بین آنان هفتاد هزار نفر برگزید، سپس از بینشان، هفت هزار نفر را انتخاب کرد، سپس هفتصد تن و در آخر هفتاد نفر از بنی اسرائیل را برای زمان و موعدی که خدا معین کرده بود، برگزید و آنان را به کوه سینا آورد، و در پائین کوه متوقف نمود، و خود به بالای کوه رفت، و از خداوند تبارک و

۱- الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، ج ۲، ص ۴۲۹؛ بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۲۱۸، ح ۱۱؛ عیون أخبار

الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۰۰، باب ۱۵، ح ۱.

تعالی خواست که با او سخن بگوید، و سخن خود را به گوش آنان برساند.

خداوند متعال هم با او سخن گفت و آنان نیز سخن خدا را از بالا و پائین، چپ و راست، پشت سر و روبرو شنیدند، زیرا خداوند آن صدا را در درخت ایجاد نمود، و از آن پراکنده‌اش کرد، به گونه‌ای که آنان صدا را از تمام اطراف شنیدند، ولی گفتند: قبول نمی‌کنیم که آنچه شنیدیم کلام خدا باشد، مگر اینکه آشکارا خدا را ببینیم، و زمانی که چنین سخن بزرگی بر زبان رانند، و تکبر و سرکشی نمودند، خداوند ﷻ صاعقه‌ای بر آنان فرستاد، و صاعقه آنان را به خاطر ظلمشان از بین برد.

حضرت موسی ﷺ به خداوند عرضه داشت: خداوندا! وقتی من نزد بنی اسرائیل برگردم، به آن‌ها چه جوابی بدهم؟ آن‌ها می‌گویند: تو این هفتاد نفر را با خود بردی و آن‌ها را کشتی، چون دروغ گفته بودی که خدا به نجوا با تو سخن گفته است، من چه جوابی به آنان بدهم؟ لذا، خداوند آنان را زنده کرد و به همراه موسی ﷺ فرستاد.

شماره: ۲

کد آیه: ۲/۷۳ اسم آیه: زنده شدن مقتول بنی اسرائیل

فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ ءَايَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٧٣﴾

سپس گفتیم: قسمتی از گاو را به مقتول بزنید! (تا زنده شود، و قاتل را معرفی کند.) خداوند این گونه مردگان را زنده می‌کند و آیات خود را به شما نشان می‌دهد شاید اندیشه کنید!

قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي تَفْسِيرِهِ: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ بَعْضِ رَجَالِهِمْ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: إِنَّ رَجُلًا مِنْ خِيَارِ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَعُلَمَائِهِمْ خَطَبَ امْرَأَةً مِنْهُمْ فَأَنَعَمَتْ لَهُ، وَخَطَبَهَا ابْنُ عَمٍّ لَذَلِكَ الرَّجُلِ وَكَانَ فَاسِقًا رَدِيًّا فَلَمْ يُنْعِمُوا لَهُ، فَحَسَدَ ابْنُ عَمِّهِ الَّذِي أَنْعَمُوا لَهُ، فَقَعَدَ لَهُ فَقَتَلَهُ غِيلَةً، ثُمَّ حَمَلَهُ إِلَى مُوسَى عليه السلام، فَقَالَ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ! هَذَا ابْنُ عَمِّي قَدْ قُتِلَ؛ قَالَ مُوسَى عليه السلام: مَنْ قَتَلَهُ؟ قَالَ: لَا أَدْرِي، وَكَانَ الْقَتْلُ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ عَظِيمًا جَدًّا، فَعَظُمَ ذَلِكَ عَلَى مُوسَى، فَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ، فَقَالُوا: مَا تَرَى يَا نَبِيَّ اللَّهِ؟! ... فَلَمَّا اجْتَمَعُوا إِلَى مُوسَى وَبَكَوْا وَضَجُّوا، قَالَ لَهُمْ مُوسَى: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً»^۱...

ثُمَّ قَالُوا: مَا تَأْمُرُنَا؟ يَا نَبِيَّ اللَّهِ! فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ: قُلْ لَهُمْ: اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا، وَ قُولُوا: مَنْ قَتَلَكَ؟ فَأَخَذُوا الذَّنْبَ فَضَرَبُوهُ بِهِ، وَقَالُوا: مَنْ قَتَلَكَ؟ يَا فَلَانُ! فَقَالَ: فَلَانُ ابْنُ فَلَانٍ ابْنُ عَمِّي الَّذِي جَاءَ بِهِ، وَهُوَ قَوْلُهُ: «فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ

۱- سورة بقره (۲)، آیه ۶۷.

الْمَوْتَىٰ وَ يُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»^۱.

جناب علی بن ابراهیم قمی در تفسیر این آیه، از ابن ابی عمیر، از برخی از کسانی که از آنان حدیث نقل می‌کند، نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: یکی از نیکان و علمای بنی اسرائیل زنی را خواستگاری کرد، زن جواب مثبت داد، سپس پسر عموی آن مرد که مرد فاسق و نالایقی بود خواستگاری کرد، وی را رد کردند، لذا بر پسر عموی خویش حسد برد، و در کمینش نشست تا بی خبر او را کشت، و جنازه را نزد حضرت موسی علیه السلام آورده گفت: پسر عموی مرا کشته‌اند؟

حضرت موسی علیه السلام فرمود: چه کسی او را کشته است؟ گفت: نمی‌دانم، در بنی اسرائیل هم قتل جرم بزرگی بشمار می‌رفت، بستگانش گردآمده شروع به گریه و شیون کردند.

حضرت موسی علیه السلام فرمود: خداوند دستور می‌دهد (برای پیدا کردن قاتل) گاوی را بکشید ...

سپس به حضرت موسی علیه السلام وحی شد: بگو قسمتی از بدن گاو را به مقتول بزنند و از او بپرسند: قاتل تو کیست؟ پس آن‌ها دُم گاو را به او زدند و پرسیدند: چه کسی ترا کشت؟ گفت: فلانی پسر فلانی، که پسر عموی من است، این است که خداوند می‌فرماید: «قسمتی از آن را به وی بزنید، این‌طور خدا مردگان را زنده می‌کند، و آیات خود را به شما می‌نماید شاید به عقل آئید».

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۱۳۷؛ بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۲۵۹، ح ۱؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۴۴، ح ۵۰۹؛ تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۱۴۱؛ تفسیر القمی، ج ۱، ص ۴۹؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۲، ص ۴۷؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۸۸، ح ۲۴۰.

شماره: ۳

کد آیه: ۲/۲۴۳ اسم آیه: زنده شدن هزاران نفر از بنی اسرائیل

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ
اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ
لَا يَشْكُرُونَ ﴿٢٤٣﴾

ندیدی کسانی را که هزاران نفر بودند و از ترس مرگ از سرزمین و دیار
خود بیرون رفتند. خدا به آنان گفت: بمیرید، سپس آن‌ها را زنده کرد،
خدا برای مردم همیشه دارای بخشش و رحمت است ولی اکثر مردم
سپاسگزار نیستند.

عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ، وَغَيْرِهِ عَنْ بَعْضِهِمْ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، وَبَعْضِهِمْ عَنْ أَبِي
جَعْفَرٍ عليه السلام، فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ
حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ»، فَقَالَ: إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلَ مَدِينَةٍ مِنْ مَدَائِنِ
الشَّامِ وَكَانُوا سَبْعِينَ أَلْفَ بَيْتٍ، وَكَانَ الطَّاغُوتُ يَقْعُ فِيهِمْ فِي كُلِّ أَوَانٍ، فَكَانُوا إِذَا
أَحْسَوْا بِهِ خَرَجَ مِنَ الْمَدِينَةِ الْأَغْنِيَاءُ لِقُوتِهِمْ، وَبَقِيَ فِيهَا الْفُقَرَاءُ لِضَعْفِهِمْ، فَكَانَ الْمَوْتُ
يَكْثُرُ فِي الَّذِينَ أَقَامُوا، وَيَقِلُّ فِي الَّذِينَ خَرَجُوا، فَيَقُولُ الَّذِينَ خَرَجُوا: لَوْ كُنَّا أَقْمَنَّا لَكُنَّا
فِيْنَا الْمَوْتُ، وَيَقُولُ الَّذِينَ أَقَامُوا لَوْ كُنَّا خَرَجْنَا لَقُلَّ فِيْنَا الْمَوْتُ.

قَالَ: فَاجْتَمَعَ رَأْيُهُمْ جَمِيعاً أَنَّهُ إِذَا وَقَعَ الطَّاغُوتُ فِيهِمْ وَأَحْسَوْا بِهِ خَرَجُوا كُلُّهُمْ مِنَ
الْمَدِينَةِ، فَلَمَّا أَحْسَوْا بِالطَّاغُوتِ خَرَجُوا جَمِيعاً وَتَنَحَّوْا عَنِ الطَّاغُوتِ حَذَرَ الْمَوْتِ،
فَسَارُوا فِي الْبِلَادِ مَا شَاءَ اللَّهُ، ثُمَّ إِنَّهُمْ مَرُّوا بِمَدِينَةٍ خَرِبَةٍ قَدْ جَلَا أَهْلُهَا عَنْهَا وَأَفْنَاهُمْ
الطَّاغُوتُ، فَتَزَلُّوا بِهَا، فَلَمَّا حَظُّوا رِحَالَهُمْ وَاطْمَأْنَنُوا بِهَا، قَالَ لَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: مُوتُوا

جَمِيعًا، فَمَاتُوا مِنْ سَاعَتِهِمْ وَصَارُوا رَمِيمًا يُلَوَّحُ وَكَانُوا عَلَى طَرِيقِ الْمَارَّةِ، فَكَنَسَتْهُمْ الْمَارَّةُ، فَنَحَّوهُمْ وَجَمَعُوهُمْ فِي مَوْضِعٍ، فَمَرَّ بِهِمْ نَبِيٌّ مِنْ أَنْبِيَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ، يُقَالُ لَهُ «حَرْقِيلُ»، فَلَمَّا رَأَى تِلْكَ الْعِظَامَ بَكَى وَاسْتَعْبَرَ، وَقَالَ: يَا رَبِّ! لَوْ شِئْتَ لَأَخْيَيْتَهُمْ السَّاعَةَ كَمَا أَمَتَّهُمْ، فَعَمَرُوا بِلَادَكَ وَوَلَدُوا عِبَادَكَ وَعَبَدُوكَ مَعَ مَنْ يَعْبُدُكَ مِنْ خَلْقِكَ.

فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ: أَفَتُحِبُّ ذَلِكَ؟ قَالَ: نَعَمْ، يَا رَبِّ! فَأَخْيَيْتَهُمْ، قَالَ: فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ: أَنْ قُلْ: كَذَا وَكَذَا، فَقَالَ الَّذِي أَمَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَقُولَهُ: فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: وَهُوَ الْإِسْمُ الْأَعْظَمُ، فَلَمَّا قَالَ حَرْقِيلُ ذَلِكَ الْكَلَامَ نَظَرَ إِلَى الْعِظَامِ يَطِيرُ بَعْضُهَا إِلَى بَعْضٍ، فَعَادُوا أَحْيَاءً يَنْظُرُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ، يُسَبِّحُونَ اللَّهَ عَزَّ وَذَكَرُهُ وَ يُكَبِّرُونَهُ وَيُهَلِّلُونَهُ، فَقَالَ حَرْقِيلُ عِنْدَ ذَلِكَ: أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، قَالَ عُمَرُ بْنُ يَزِيدَ: فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: فِيهِمْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ.^۱

از عمر بن یزید نقل است که گفت: به نقل بعضی حضرت امام جعفر صادق علیه السلام، و به نقل بعضی دیگر حضرت امام محمد باقر علیه السلام، در تفسیر این آیه: «مگر قصه آنان را که هزاران نفر بودند و از بیم مرگ از وطن بیرون رفتند، خداوند به آنان فرمود بمیرید، سپس همه را زنده کرد، ندانستی؟» فرمودند: اینان هفتاد هزار خانوار، و اهل یکی از شهرهای شام بودند، گاه گاهی در شهرشان طاعون می آمد، و ثروتمندان که قدرت داشتند، چون مطلب را حس می کردند، از شهر بیرون می رفتند، و فقرا که توانائی نداشتند می ماندند، و در نتیجه طاعون زده در میان باقی مانده ها بیشتر بود، از این رو همه تصمیم گرفتند وقتی که آثار طاعون را مشاهده کردند، به اتفاق از شهر بیرون روند.

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۱۲۴، ح ۹؛ بحار الأنوار، ج ۶، ص ۱۲۳، ح ۹ و ج ۱۳، ص ۳۸۵، ح ۶؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۵۰۲، ح ۱۳۴۱؛ تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۲۷۲؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۲، ص ۳۷۴؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۴۱، ح ۹۶۱؛ الکافی، ج ۸، ص ۱۹۸، ح ۲۳۷.

این دفعه که احساس طاعون کردند، همه از ترس مرگ بیرون رفتند، مدّتی در شهرها می‌گشتند، تا به خرابه‌ای رسیدند که اهلش همه هجرت کرده بودند، و طاعون همه را نابود کرده بود، پس در آنجا پیاده شدند.

وقتی که بارها را بر زمین گذاشتند، خداوند امر فرمود: بمیرید! همه در یک ساعت مُردند، و کم‌کم پوسیدند، چون در راه عابرین بودند همه را در محلّی جمع کردند. یکی از پیامبران بنی اسرائیل به او حزقیل می‌گفتند، از آنجا عبور کرد، این وضع را که دید، گریه کرد و اشکش جاری شد، و گفت: پروردگارا! ای کاش همان‌طور که اینان را می‌راندی اکنون زنده‌شان می‌کردی، تا شهرها را آباد کنند، و نسلها را به وجودآورند، و مثل سایر بندگان تو را پرستند و عبادت کنند.

از جانب خداوند وحی شد: می‌خواهی آن‌ها را زنده کنم! عرض کرد: آری! خطاب شد: چنین و چنان بگو، و آن کلمات اسم اعظم بود، چون به زبان جاری کرد دید استخوان‌ها به جانب یکدیگر پرواز کردند و به هم پیوستند، و همه زنده شدند، و بنا کردند به یکدیگر نگریستن، و سبحان الله، و الله اکبر، و لا اله الا الله گفتن، در این هنگام جناب حزقیل علیه السلام گفت: می‌دانم که خدا بر هر چیز توانا است، عمر بن یزید گفت: حضرت صادق علیه السلام فرمودند: این آیه درباره این‌ها نازل شده است.

شماره: ۴

کد آیه: ۲/۲۵۹ اسم آیه: زنده شدن عزیر یسی از صد سال

قَدِير ۲۵۹

یا همانند کسی که از کنار یک آبادی (ویران شده) عبور کرد، در حالی که دیوارهای آن، به روی سقف‌ها فرو ریخته بود، (و اجساد و استخوان‌های اهل آن، در هر سو پراکنده بود، او با خود) گفت: «چگونه خدا این‌ها را پس از مرگ، زنده می‌کند؟!» (در این هنگام،) خدا او را یکصد سال می‌راند، سپس زنده کرد، و به او گفت: «چه قدر درنگ کردی؟» گفت: «یک روز، یا بخشی از یک روز». فرمود: «نه، بلکه یکصد سال درنگ کردی! نگاه کن به غذا و نوشیدنی خود (که همراه داشتی، با گذشت سال‌ها) هیچ‌گونه تغییر نیافته است! (خدایی که یک چنین مواد فاسد شدنی را در طول این مدت، حفظ کرده، بر همه چیز قادر است!) ولی به الاغ خود نگاه کن (که چگونه از هم متلاشی شده! این زنده شدن تو پس از مرگ، هم برای اطمینان خاطر توست، و هم) برای این‌که تو را نشانه‌ای برای مردم (در مورد معاد) قرار دهیم. (اکنون) به استخوان‌ها (ی الاغ خود) نگاه کن که چگونه آن‌ها را برداشته، به هم پیوند می‌دهیم، و گوشت بر آن می‌پوشانیم!» هنگامی که (این حقایق) بر او آشکار شد، گفت: «می‌دانم خدا بر هر کاری توانا است».

۱- عَنْ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ، أَنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ الْكَوَّاءِ الْيَشْكُرِيَّ، قَامَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام، فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! إِنَّ أَبَا الْمُعْتَمِرِ تَكَلَّمَ أَيْفَاءً بِكَلَامٍ لَا يَحْتَمِلُهُ قَلْبِي، فَقَالَ: وَمَا ذَاكَ؟ قَالَ: يَزْعُمُ أَنَّكَ حَدَّثْتَهُ أَنَّكَ سَمِعْتَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: إِنَّا قَدْ رَأَيْنَا أَوْ سَمِعْنَا بِرَجُلٍ أَكْبَرَ سِنًا مِنْ أَبِيهِ؛ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: فَهَذَا الَّذِي كَبَّرَ عَلَيْكَ؟ قَالَ: نَعَمْ، فَهَلْ تُؤْمِنُ أَنْتَ بِهَذَا وَتَعْرِفُهُ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، وَيْلَكَ! يَا ابْنَ الْكَوَّاءِ! افْقَهُ عَنِّي أَخْبَرَكَ عَنْ ذَلِكَ إِنَّ عَزِيرًا خَرَجَ مِنْ أَهْلِهِ وَامْرَأَتِهِ فِي شَهْرَهَا وَلَهُ يَوْمٌ خَمْسُونَ سَنَةً، فَلَمَّا ابْتَلَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِذَنْبِهِ وَآمَاتَهُ «مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ»، فَرَجَعَ إِلَى أَهْلِهِ وَهُوَ ابْنُ خَمْسِينَ سَنَةً، فَاسْتَقْبَلَهُ ابْنُهُ وَهُوَ ابْنُ مِائَةِ سَنَةٍ، وَرَدَّ اللَّهُ عَزِيرًا فِي السِّنِّ الَّذِي كَانَ بِهِ^۱.

از اصبع بن نباته نقل است که گفت: عبدالله بن ابی بکر یشکری نزد حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام رفت و گفت: ای امیرالمؤمنین! ابوالمعتمر اندکی پیش کلامی گفت که دلم تحمل آن را ندارد! حضرت فرمودند: مگر چه گفت؟ عرض کرد: او می‌پندارد که شما به او فرموده‌اید که از رسول خدا ﷺ شنیده‌اید که فرمودند: ما دیده‌ایم یا شنیده‌ایم احوال مردی را که سنش از پدرش بزرگ‌تر است!

امیرالمؤمنین عليه السلام فرمودند: آیا این امر بر تو گران آمده؟ عرض کرد: بله، آیا شما به این سخن اطمینان داشته و آن را می‌پذیرید؟ حضرت فرمودند: بله، وای بر تو! ای ابن کواء! از من بشنو و بفهم تا تو را از آن مطلع سازم، عزیر نبی از نزد اهل و عیال خود خارج شد، در ماهی که زنش در آستانه وضع حمل بود و عزیر نبی پنجاه سال داشت، پس هنگامی که خداوند او را به سبب نافرمانی‌اش مبتلا ساخت و صد سال او را میراند، سپس او را زنده نمود و به نزد اهلش برگشت، در حالی که پنجاه سال داشت، پس پسرش به پیشواز او آمد، در حالی که صد سال داشت و خدا عزیر را به سنی که داشت (همان پنجاه

۱- بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۳۷۴، ح ۱۷ و ج ۵۳، ص ۷۲، ح ۷۲؛ مختصر البصائر، ص ۱۰۲، ح ۷۴.

سال) برگرداند.

۲- رُوِيَ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام، قَالَ: إِنَّ عَزِيزًا خَرَجَ مِنْ أَهْلِهِ وَامْرَأَتُهُ حَامِلَةً وَلَهُ خَمْسُونَ سَنَةً، فَأَمَاتَهُ اللَّهُ «مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ»، فَرَجَعَ إِلَى أَهْلِهِ هُوَ ابْنُ خَمْسِينَ سَنَةً، فَكَانَ ابْنُهُ أَكْبَرَ مِنْهُ، وَذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ.^۱

از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت است که فرمودند: جناب «عزیز» وقتی از نزد عائله اش خارج شد، همسرش باردار بود، و خود او در سن پنجاه سالگی بود، تا خدا او را صد سال میراند و پس از آن، زنده کرد، پس برگشت به سوی اهلش به همان سن پنجاه سالگی، در حالی که پسرش به سن صد سالگی رسیده بود، و پسرش پنجاه سال از خودش بزرگتر بود! و این، یکی از آیات خداوند است.

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۱۶۹، ح ۱۴؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۵۳۴، ح ۱۴۴۲؛ تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۲۹۲؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۶۹، ح ۱۰۸۲؛ روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۴؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۶۴۱.

شماره: ۵

کد آیه: ۲/۲۶۰ اسم آیه: زنده شدن پرندگان به دست حضرت ابراهیم علیه السلام

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ ارْنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِنْ لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٦٠﴾

و چون ابراهیم گفت: بار پروردگارا! به من بنما که چگونه مردگان را زنده خواهی کرد؟ خدا فرمود: باور نداری؟ گفت: آری باور دارم، ولی برای آنکه دلم آرام گیرد. خدا فرمود: چهار مرغ را بگیر و گوشت آن‌ها را به هم درآمیز نزد خود، آن گاه هر قسمتی را بر سر کوهی بگذار، سپس آن مرغان را بخوان، که به سوی تو شتابان پرواز کنند و بدان که خدا (بر همه چیز) توانا و داناست.

۱- عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: لَمَّا رَأَىٰ إِبْرَاهِيمُ عليه السلام مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ، ... إِلَىٰ أَنْ قَالَ: ثُمَّ انْتَفَتَ فَرَأَىٰ جِيفَةً عَلَىٰ سَاحِلِ الْبَحْرِ، يَصْفُهَا فِي الْمَاءِ وَ يَصْفُهَا فِي الْبَرِّ، تَجِيءُ سِبَاعُ الْبَحْرِ فَتَأْكُلُ مَا فِي الْمَاءِ، ثُمَّ تَرْجِعُ فَيَشُدُّ بَعْضُهَا عَلَىٰ بَعْضٍ، فَيَأْكُلُ بَعْضُهَا بَعْضًا، وَ تَجِيءُ سِبَاعُ الْبَرِّ فَتَأْكُلُ مِنْهَا، فَيَشُدُّ بَعْضُهَا عَلَىٰ بَعْضٍ، فَيَأْكُلُ بَعْضُهَا بَعْضًا، فَعِنْدَ ذَلِكَ تَعَجَّبَ إِبْرَاهِيمُ عليه السلام مِمَّا رَأَىٰ، وَ قَالَ: «رَبِّ ارْنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ»، قَالَ: كَيْفَ تُخْرِجُ مَا تَنَاسَلَ النَّبِيُّ أَكَلَ بَعْضُهَا بَعْضًا؟ «قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِنْ لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي»، يَعْنِي حَتَّىٰ أَرَىٰ هَذَا كَمَا رَأَيْتُ الْأَشْيَاءَ كُلَّهَا، «قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ

مِنْهُمْ جُزْءًا، فَقَطَّعْنَهُنَّ وَأَخْلَطْنَهُنَّ كَمَا اخْتَلَطَتْ هَذِهِ الْحَيْفَةُ فِي هَذِهِ السَّبَاعِ الَّتِي أَكَلَ بَعْضُهَا بَعْضًا، فَخَلَطَ ثُمَّ جَعَلَ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُمْ جُزْءًا، «ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِيَنَّكَ سَعْيًا»، فَلَمَّا دَعَاهُنَّ أَجَبْنَهُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ عَشْرَةً.^۱

از ابو بصیر نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: هنگامی که حضرت ابراهیم علیه السلام ملکوت آسمان ها و زمین را مشاهده نمود، ... تا آنجا که راوی گفت: پس از آن، حضرت ابراهیم علیه السلام نگاهی کرد و در ساحل دریا، مرداری را دید که نیمی از آن در آب و نیمی از آن در خشکی قرار دارد، و حیوانات دریا را دید که می آیند و نیمه او را که در دریا قرار دارد می خورند و سپس باز می گردند و به یک دیگر حمله می کنند و هم را می خورند و آن گاه درندگان خشکی می آیند و از آن می خورند و آن ها هم به یک دیگر یورش می برند و یک دیگر را می خورند.

ابراهیم علیه السلام از آنچه دید در شگفت شد و گفت: «رَبِّ ارْنِي كَيْفَ تُخِي الْمَوْتَى»، یعنی: چگونه در روز معاد حیواناتی را زنده می کنی، که یک دیگر را خورده اند؟

«قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِنْ لِيُظْمِنَنَّ قَلْبِي»، یعنی همچنان که همه چیز را به چشم می بینم، این حقیقت را نیز به چشم خود بنگرم، «قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَضُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُمْ جُزْءًا»، یعنی: چهار پرنده را بگیر، آن ها را قطعه قطعه کن و با یکدیگر درهم آمیز، چنانچه گوشت این مردار در تن این درندگان که یکدیگر را خورده اند درهم آمیخته.

و او چنین کرد، «ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُمْ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِيَنَّكَ سَعْيًا»،

۱- بحار الأنوار، ج ۷، ص ۴۱، ح ۱۲ و ج ۱۲، ص ۶۱، ح ۶؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۵۳۷، ح ۱۴۵۰؛ تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۴۲، ح ۴۶۹؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۸۰، ح ۱۰۹۸؛ علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۸۵، ح ۳۱؛ الکافی، ج ۸، ص ۳۰۵، ح ۴۷۳.

سپس آن گوشت‌های درهم آمیخته را به چهار قسمت تقسیم کن و هر قسمت را بر فراز کوهی بگذار، سپس آن‌ها را صدا بزن، و چون ابراهیم علیه السلام آن‌ها را صدا زد، زنده شدند و به نزدش آمدند، و تعداد آن کوه‌ها، ده بود.

۲- عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ: حَضَرْتُ مَجْلِسَ الْمَأْمُونِ وَعِنْدَهُ الرِّضَا عَلَيْهِ بُنُ مُوسَى عليه السلام، فَقَالَ لَهُ الْمَأْمُونُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! أَلَيْسَ مِنْ قَوْلِكَ أَنَّ الْأَنْبِيَاءَ مَعْصُومُونَ؟ قَالَ: بَلَى، ... إِلَى أَنْ قَالَ:

فَقَالَ لَهُ الْمَأْمُونُ: فَأَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ إِبْرَاهِيمَ: «رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَى وَلَكِنْ لِيُظْمِنَنَّ قَلْبِي».

قَالَ الرِّضَا عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كَانَ أَوْحَى إِلَى إِبْرَاهِيمَ عليه السلام أَنِّي مُتَّخِذٌ مِنْ عِبَادِي خَلِيلاً إِنْ سَأَلَنِي إِحْيَاءُ الْمَوْتَى أَجَبْتُهُ، فَوَقَعَ فِي نَفْسِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام أَنَّهُ ذَلِكَ الْخَلِيلُ، فَقَالَ: «رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَى وَلَكِنْ لِيُظْمِنَنَّ قَلْبِي»، عَلَى الْخَلَّةِ، «قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ».

فَأَخَذَ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام نَسْرًا وَبَطْأً وَطَاوُسًا وَدِيكًا، فَقَطَّعَهُنَّ وَخَلَطَهُنَّ ثُمَّ جَعَلَ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنَ الْجِبَالِ الَّتِي حَوْلَهُ، وَكَانَتْ عَشْرَةً مِنْهُنَّ جُزْءًا، وَجَعَلَ مَنَاقِيرَهُنَّ بَيْنَ أَصَابِعِهِ، ثُمَّ دَعَاهُنَّ بِأَسْمَائِهِنَّ، وَوَضَعَ عِنْدَهُ حَبًّا وَمَاءً، فَتَطَايَرَتْ تِلْكَ الْأَجْزَاءُ بَعْضُهَا إِلَى بَعْضٍ، حَتَّى اسْتَوَتْ الْأَبْدَانُ وَجَاءَ كُلُّ بَدَنٍ حَتَّى انْضَمَّ إِلَى رَقَبَتِهِ وَرَأْسِهِ.

فَخَلَّى إِبْرَاهِيمَ عليه السلام عَنْ مَنَاقِيرِهِنَّ فَطَرْنَ، ثُمَّ وَقَعْنَ فَشَرِبْنَ مِنْ ذَلِكَ الْمَاءِ، وَالتَّقَطْنَ مِنْ ذَلِكَ الْحَبِّ، وَقُلْنَ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ! أَحْيَيْتَنَا أَحْيَاكَ اللَّهُ، فَقَالَ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام: بَلَى اللَّهُ

«يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^۱، قَالَ الْمَأْمُونُ: بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ، يَا أَبَا الْحَسَنِ! (الحديث)^۲

علی بن محمد بن الجهم گفت: در مجلس مأمون حاضر شدم در زمانی که حضرت علی بن موسی علیه السلام در نزد مأمون بودند، مأمون به آن جناب عرض کرد: ای پسر رسول خدا! آیا این قول شما نیست، که انبیاء معصوم هستند؟ حضرت فرمودند: بله، قول من است، ... تا آنجا که راوی گفت:

مأمون عرض کرد: خداوند تو را اجر خیر دهد، ای فرزند رسول خدا! خبر دهید مرا از قول ابراهیم علیه السلام که گفت: «رَبِّ ارْنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَى وَ لَكِنْ لِيُظْمِنَنَّ قَلْبِي»، حضرت فرمودند: خداوند به ابراهیم علیه السلام وحی فرمود که: من برای خودم، از میان بندگانم، دوستی را انتخاب خواهم کرد، که حتی اگر از من بخواهد، مرده‌ها را زنده کنم، این کار را برای او خواهم کرد.

پس ابراهیم علیه السلام به دلش الهام شد که او، آن دوست و خلیل است، لذا عرض کرد: خدایا! به من نشان بده که چگونه مرده‌ها را زنده می‌کنی، خداوند فرمود: آیا تو ایمان نداری؟ عرض کرد: چرا، ولی به خاطر اینکه قلبم آرام گیرد، یعنی نسبت به خلیل بودنم، خداوند فرمود: چهار پرنده را بگیر، آن‌ها را تگه تگه کن، سپس بر هر کوهی، بخشی از آن‌ها را قرار ده، آنگاه آن‌ها را بخوان، به سرعت خود را به تو می‌رسانند، و بدان خداوند

۱- سورة شوری (۴۲)، آیه ۹.

۲- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۱۱۸، ح ۳؛ بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۷۸، ح ۸ و ج ۱۲، ص ۶۴، ح ۱۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۵۳۵، ح ۱۴۴۵؛ تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۲۹۳؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۲، ص ۴۳۱؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۷۵، ح ۱۰۸۸؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۹۸، باب ۱۵، ح ۱.

عزیز و حکیم است.

پس ابراهیم علیه السلام، یک کرکس، یک طاوس، یک مرغابی و یک خروس گرفته، ذبح کرد، و سپس آن‌ها را تکه تکه نمود، و اجزای آن‌ها را با هم مخلوط کرد، و سپس هر بخشی از این اجزاء مخلوط شده را، بر کوهی از ده کوه اطراف خود قرار داد، و آنگاه منقار آن‌ها را به دست گرفت، و هر کدام را با نامشان صدا زد، و مقداری دانه و آب، نزد خود گذاشته بود، آن اجزاء به سوی یکدیگر پرواز کردند، و به هم متصل شدند، و بدن‌ها کامل شد، و هر بدنی به سوی سر خود حرکت کرد، و به آن پیوست، سپس ابراهیم علیه السلام منقار آن‌ها را از دست خود رها نمود، و آن‌ها پرواز کردند، و سپس فرود آمدند، و از آن آب و دانه‌ها خوردند، و گفتند: ای پیامبر خدا! تو ما را زنده کردی، خدا تو را زنده بدارد.

ابراهیم علیه السلام فرمود: بلکه خداوند «زنده می‌کند و می‌میراند، و اوست که بر هر کاری تواناست»؛ مأمون عرض کرد: آفرین بر شما، ای ابا الحسن!

سوره مبارکه آل عمران (۳)

شماره: ۶

کد آیه: ۳/۴۹ اسم آیه: زنده شدن مردگان توسط حضرت عیسی علیه السلام

وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدْخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٤٩﴾

و او را به رسالت به سوی بنی اسرائیل فرستد که به آنان گوید: من از طرف خدا معجزی آورده‌ام، من از گل مجسمه مرغی ساخته و بر آن بدمم تا به امر خدا مرغی گردد، و کور مادر زاد و مبتلای به پیری را به امر خدا شفا دهم، و مردگان را به امر خدا زنده کنم، و به شما خبر دهم که در خانه‌هایتان چه می‌خورید و چه ذخیره می‌کنید. این معجزات برای شما حجت و نشانه (حقانیت من) است اگر اهل ایمان هستید.

۱- مرحوم طبرسی رحمته الله در تفسیرش می‌گوید: گفته‌اند که حضرت عیسی علیه السلام چهار نفر را زنده کرده است:

اول: عازر، که دوست وی بود، و سه روز پس از مرگش بر سر قبر او رفت، و گفت: (بار خدایا! ای پروردگار آسمان‌ها و زمین! تو مرا به سوی بنی اسرائیل فرستادی که آن‌ها را به دین تو دعوت کنم، و به ایشان خبر دهم که مردگان را زنده خواهی کرد، اینک عازر را زنده گردان)؛ پس عازر زنده شد، و برخاست، و پس از آن هم، صاحب فرزندی گردید.

۹۰..... کلید واژه آیات رجعت در قرآن کریم

دوم: پسر پیرزنی بود، که حضرت عیسیٰ علیه السلام جنازه او را بر دوش مردم دید، که با تابوت می‌برند، پس دعایی کرد، و او زنده شد، و از دوش مردم پایین آمد، و لباس پوشید، و به خانه برگشت، و بعداً صاحب فرزند شد.

سوم: دختری ده ساله را، که یک روز پس از مردن زنده ساخت، تا به خانه خود برگشت و شوهر کرد و بچه دار شد.

چهارم: سام بن نوح، که اسم اعظم خدا را خواند، و دعا کرد، و زنده شد، سپس حضرت عیسیٰ علیه السلام به او گفت: باید بمیری، وی شرط کرد که خدا مرا از سكرات موت و رنج جان‌کندن در امان نگهدارد، عیسیٰ علیه السلام در این باره دعایی نمود و دعایش مستجاب شد.^۱

۲. عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ، عَنْ مُهَاجِرِ الْأَسَدِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَرَّ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عليه السلام عَلَى قَرْيَةٍ قَدْ مَاتَ أَهْلُهَا وَ طَيْرُهَا وَ دَوَابُّهَا، فَقَالَ: أَمَّا أَنْتُمْ لَمْ يَمُوتُوا إِلَّا بِسَخَطَةٍ، وَلَوْ مَاتُوا مُتَّفَقِينَ لَتَدَافَنُوا.

فَقَالَ الْحَوَارِيُّونَ: يَا رُوحَ اللَّهِ! وَ كَلِمَتَهُ ادْعُ اللَّهَ أَنْ يُخَيِّبَهُمْ، لَنَا فَيُخْبِرُونَا مَا كَانَتْ أَعْمَالُهُمْ فَنَجْتَنِبَهَا؛ فَدَعَا عِيسَى عليه السلام رَبَّهُ، فَتَوَدَّى مِنَ الْجَوِّ أَنْ نَادَاهُمْ، فَقَامَ عِيسَى عليه السلام بِاللَّيْلِ عَلَى شَرْفٍ مِنَ الْأَرْضِ، فَقَالَ: يَا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ! فَأَجَابَهُ مِنْهُمْ مُجِيبٌ لَبَّيْكَ يَا رُوحَ اللَّهِ وَ كَلِمَتَهُ! فَقَالَ: وَيُحَكِّمُ! مَا كَانَتْ أَعْمَالُكُمْ؟ قَالَ: عِبَادَةُ الطَّاغُوتِ، وَ حُبُّ الدُّنْيَا، مَعَ خَوْفٍ قَلِيلٍ وَ أَمَلٍ بَعِيدٍ، وَ غَفْلَةٍ فِي لَهْوٍ وَ لَعِبٍ.

فَقَالَ: كَيْفَ كَانَ حُبُّكُمْ لِلدُّنْيَا؟ قَالَ: كَحُبِّ الصَّبِيِّ لِأُمِّهِ، إِذَا أَقْبَلَتْ عَلَيْنَا فَرَحْنَا وَ

۱- ترجمه مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ۴، ص ۸۰.

سُرَرْنَا، وَإِذَا أَذْبَرْتُ عَنْنَا بَكَيْنًا وَحَزْنًا، قَالَ: كَيْفَ كَانَتْ عِبَادَتُكُمْ لِلطَّاغُوتِ؟ قَالَ: الطَّاغُوتُ لِأَهْلِ الْمَعَاصِي، قَالَ: كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِكُمْ؟ قَالَ: بَشْنَا لَيْلَةً فِي عَافِيَةٍ وَ أَصْبَحْنَا فِي الْهَآوِيَةِ، فَقَالَ: وَمَا الْهَآوِيَةُ؟ فَقَالَ: سَجِينٌ، قَالَ: وَمَا سَجِينٌ؟ قَالَ: جِبَالٌ مِنْ جَمْرِ تُوقَدُ عَلَيْنَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، قَالَ: فَمَا قُلْتُمْ وَمَا قِيلَ لَكُمْ؟ قَالَ: قُلْنَا رُذْنَا إِلَى الدُّنْيَا فَتَزْهَدَ فِيهَا، قِيلَ لَنَا كَذِبُكُمْ، قَالَ: وَيْحَكَ! كَيْفَ لَمْ يُكَلِّمْنِي غَيْرُكَ مِنْ بَيْنِهِمْ؟ قَالَ: يَا رُوحَ اللَّهِ! إِنَّهُمْ مُلْجَمُونَ بِلِجَامٍ مِنْ نَارٍ بِأَيْدِي مَلَائِكَةٍ غَلَظِ شِدَادِهِ، وَإِنِّي كُنْتُ فِيهِمْ، وَلَمْ أَكُنْ مِنْهُمْ، فَلَمَّا نَزَلَ الْعَذَابُ عَمَّنِي مَعَهُمْ، فَأَنَا مُعَلَّقٌ بِشَعْرَةٍ عَلَى شَفِيرِ جَهَنَّمَ، لَا أَذْرِي أَكْبَكُ فِيهَا أَمْ أَنْجُو مِنْهَا، فَالْتَفَتَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ، فَقَالَ: يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ! أَكُلِ الْخُبْزِ الْيَابِسِ، بِالْمِلْحِ الْجَرِيشِ، وَ التَّوْمِ عَلَى الْمَزَابِلِ، خَيْرٌ كَثِيرٌ مَعَ عَافِيَةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.^۱

از مهاجر اسدی نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: روزی حضرت عیسی علیه السلام همراه حواریون در سیر و سیاحت خود، به روستایی رسیدند. در آنجا متوجه شدند اهالی روستا و پرندگان و حیوانات، به طور کلی مرده‌اند. حضرت عیسی علیه السلام به همراهان خود فرمود: معلوم است که اینها به عذاب عمومی خداوند مبتلا گردیده‌اند، اگر به تدریج مرده بودند جنازه مردگان را به خاک می‌سپردند؛ حواریون گفتند: ای روح خدا! از خداوند بخواه تا اینان را زنده سازد، تا علت عذابی که بر سر آنها فرود آمده را برای ما بیان کنند، تا ما از کرداری که موجب عذاب الهی شود، دوری جویم.

۱- بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۱۰، ح ۳؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۷۴۱، ح ۱۱۸۵۶؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۴، ص ۱۸۰؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۳۱، ح ۲۰؛ الکافی، ج ۲، ص ۳۱۸، ح ۱۱؛ وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۲۵۵، ح ۲۱۵۰۲.

حضرت عیسیٰ علیه السلام از درگاه خداوند خواست تا آن‌ها را زنده نماید، از جانب آسمان به او ندا شد: آنان را صدا بزن.

حضرت عیسیٰ علیه السلام شب هنگام بر بالای تپه‌ای رفت و با صدای بلند گفت: ای مردم روستا! در این حال یک نفر از آن‌ها زنده شد و گفت: بله، ای روح خدا! حضرت عیسیٰ علیه السلام رو به او کرد و فرمود: وای بر شما! کردار شما چگونه بوده؟ فرد زنده شده گفت: چهار چیز ما را به عذاب الهی مبتلا نمود: ۱- اطاعت از طاغوت، ۲- دلبستگی به دنیا، ۳- آرزوی دور و دراز، ۴- سرگرمی به بازی‌های دنیا.

حضرت عیسیٰ علیه السلام فرمود: دلبستگی شما به دنیا چه اندازه بود؟ او گفت: همانند علاقه‌ای که کودک به مادرش دارد، هنگامی که دنیا به ما روی می‌آورد، شاد می‌شدیم، و وقتی که دنیا به ما پشت می‌کرد، گریه می‌نمودیم.

حضرت عیسیٰ علیه السلام فرمود: طاغوت را چگونه می‌پرستیدید؟ او جواب داد: از گناهکاران پیروی می‌کردیم.

حضرت عیسیٰ علیه السلام فرمود: عاقبت، کارتان چگونه پایان یافت؟ عرض کرد: شبی با خوشی به سر بردیم، و صبح آن، در «هاویه» بودیم.

حضرت فرمود: هاویه چیست؟ گفت: «سجّین» است. فرمود: سجّین چیست؟ گفت: سجّین کوه‌های گداخته به آتش است، که تا روز قیامت بر ما می‌افروزند. حضرت عیسیٰ علیه السلام فرمود: وقتی به هلاکت رسیدید چه گفتید و مأموران الهی به شما چه گفتند؟ گفتیم: ما را به دنیا برگردانید تا کارهای نیک انجام دهیم و زاهد و پارسا شویم، پس به ما گفته شد: دروغ می‌گویید. حضرت عیسیٰ علیه السلام فرمود: وای بر شما! چرا غیر از تو شخص دیگری از این هلاک‌شدگان با من سخن نگفت؟ آن مرد گفت: ای روح خدا! دهان تمامی آن‌ها با دهنه آتشین بسته شده است و آن‌ها به دست فرشتگان خشن

گرفتار می باشند، و من در میان آن ها زندگی می کردم، ولی از آن ها نبودم، (گنهکار نبودم) تا اینکه زمان عذاب الهی فرا رسید و مرا نیز فرا گرفت، اکنون به تار مویی در لبه پرتگاه دوزخ آویزان می باشم، نمی دانم که به دوزخ واژگون می شوم یا نجات می یابم؟

حضرت عیسای علیه السلام به حواریون رو کرد و فرمود: ای اولیای خدا! خوردن نان خشک با نمک زبر و خوابیدن بر خاشاک های آلوده، اگر همراه با عافیت و سلامتی در دنیا و آخرت باشد، بهتر است.

شماره: ۷

کد آیه: ۳/۸۱ اسم آیه: رجعت انبیاء علیهم السلام و نصرت امیرالمؤمنین علیه السلام

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْنُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿٨١﴾

و (یاد کن) آنگاه که خدا از پیامبران (و امت‌هایشان) پیمان گرفت که چون به شما کتاب و حکمت بخشیدم سپس بر شما (اهل کتاب) رسولی از جانب خدا آمد که گواهی به راستی کتاب و شریعت شما می‌داد به او ایمان آورده و یاری او کنید، خدا فرمود: آیا اقرار داشته و پیمان مرا بر این امر پذیرفتید؟ همه گفتند: اقرار داریم؛ خدا فرمود: گواه باشید، من هم با شما گواهم.

۱- عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام، قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ أَحَدٌ وَاحِدٌ، تَفَرَّدَ فِي وَحْدَانِيَّتِهِ، ثُمَّ تَكَلَّمَ بِكَلِمَةٍ فَصَارَتْ نُورًا، ثُمَّ خَلَقَ مِنْ ذَٰلِكَ النُّورِ مُحَمَّدًا صلی الله علیه و آله و سلم وَ خَلَقَنِي وَ ذُرِّيَّتِي، ثُمَّ تَكَلَّمَ بِكَلِمَةٍ فَصَارَتْ رُوحًا فَأَسْكَنَهُ اللَّهُ فِي ذَٰلِكَ النُّورِ وَأَسْكَنَهُ فِي أَبْدَانِنَا، فَنَحْنُ رُوحُ اللَّهِ وَ كَلِمَاتُهُ، فَبِنَا اخْتَجَّ عَلَىٰ خَلْقِهِ، فَمَا زِلْنَا فِي ظُلَّةٍ خَضِرَاءَ حَيْثُ لَا شَمْسٌ وَلَا قَمَرٌ، وَلَا لَيْلٌ وَلَا نَهَارٌ، وَلَا عَيْنٌ تَنْظُرُ، نَعْبُدُهُ وَ نُقَدِّسُهُ وَ نُسَبِّحُهُ، وَ ذَٰلِكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ الْخَلْقَ، وَ أَخَذَ مِيثَاقَ الْأَنْبِيَاءِ بِالْإِيمَانِ وَ النُّصْرَةِ لَنَا، وَ ذَٰلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْنُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ»، يَعْنِي لَتُؤْمِنُنَّ بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم، وَ

لَتَنْصُرُنَّ وَصِيَّهٗ، وَ سَيَنْصُرُوهٗ جَمِيعًا. (الحديث)^۱

از جناب ابو حمزه ثمالی نقل است که گفت: حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: همانا خداوند تبارک و تعالی، احد واحد است و در یگانگی خود متفرد است، سپس خداوند کلامی فرمود که تبدیل به نور شد و از آن نور، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را آفرید و من و ذریه ام را نیز از آن، خلق نمود، سپس کلامی فرمود که تبدیل به روح شد و خدا آن روح را در آن نور سکونت داد و آن را در ابدان ما ساکن نمود، پس ما روح الله و کلمات الله هستیم، پس به وسیله ما بر خلق خود احتجاج نمود، پس ما پیوسته در سایه ای سبز بودیم، جایی که از خورشید و ماه و شب و روز خبری نبود و چشمی نبود که بجنبد، ما خدا را عبادت و تقدیس و تسبیح می کردیم و این امر قبل از خلقت مخلوقات و گرفتن پیمان ایمان از پیامبران و نصرت و یاری برای ما بود و این همان معنای سخن خداوند صلی الله علیه و آله و سلم می باشد که فرمود: «وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُم مِّنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُّصَدِّقٌ لِّمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ»، یعنی به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم ایمان بیاورید و وصی و جانشین او را یاری نمایید و به زودی همگی شما او را یاری خواهید کرد.

۲- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي قَوْلِهِ: «وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُم مِّنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُّصَدِّقٌ لِّمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ

۱- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۴۶، ح ۲۰؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۱، ص ۶۴۷، ح ۱۷۶۸؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۳، ص ۱۴۸؛ مختصر البصائر، ص ۱۳۱، ح ۱۰۲؛ نوادر الأخبار فيما يتعلق بأصول الدين (للفيض)، ص ۲۸۸، ح ۶.

وَلَتَنْصُرُنَّهُ»، قَالَ: مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَى عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا أَنْ يَرْجَعَ إِلَى الدُّنْيَا فَيَنْصُرَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَهُوَ قَوْلُهُ: «لَتُؤْمِنَنَّ بِهِ»، يَعْنِي رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، «وَلَتَنْصُرُنَّهُ»، يَعْنِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.^۱

جناب علی بن ابراهیم قمی رحمته، در تفسیرش، از عبد الله بن مسکان نقل می‌کند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در باره این سخن خدای متعال: «هنگامی که خدا از پیمبران پیمان گرفت که این کتاب و حکمتی را که به شما دادم، اگر پیامبری سویتان آمد و آنچه نزد شما است تصدیق کرد باید به وی ایمان آرید و یاریش کنید»، فرمودند: از زمان حضرت آدم علیه السلام، تا کنون، خداوند هیچ پیامبری را نفرستاده، جز این که به دنیا برمی‌گردد، و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام را یاری می‌کند، و تأویل آیه چنین است که: «لَتُؤْمِنَنَّ بِهِ»، یعنی باید به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آورید، «وَلَتَنْصُرُنَّهُ»، یعنی و امیرالمؤمنین علیه السلام را یاری نمایید. (و این در زمان رجعت محقق خواهد شد. ان شاء الله تعالی)

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۳۲، ح ۴۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۶۱، ح ۵۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۹۱ و ص ۶۴۶، ح ۱۷۶۶؛ تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۳۵۱؛ تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۵۱ و ص ۱۰۶؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۳، ص ۱۵۰؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۵۹، ح ۲۱۸؛ مختصر البصائر، ص ۱۵۰، ح ۱۱۶.

شماره: ۸

اسم آیه: رجعت شهدا

کد آیه: ۳/۱۴۴

وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ
عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي
اللَّهُ الشَّاكِرِينَ ﴿١٤٤﴾

و محمد ﷺ فقط فرستاده خدا بود و پیش از او فرستادگان دیگری
نیز بودند، آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود شما به عقب بر می گردید؟ و هر
کس به عقب بازگردد هرگز ضرری به خدا نمی زند و به زودی خداوند
شاكران (و استقامت کنندگان) را پاداش خواهد داد.

عَنْ زُرَّارَةَ، قَالَ: كَرِهْتُ أَنْ أَسْأَلَ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام، فَاحْتَلْتُ مَسْأَلَةً لَطِيفَةً لِأُبَلِّغَ بِهَا
حَاجَتِي مِنْهَا، فَقُلْتُ: أَخْبِرْنِي عَمَّنْ قُتِلَ مَاتَ؟ قَالَ: لَا، الْمَوْتُ مَوْتُ، وَالْقَتْلُ قَتْلٌ.
فَقُلْتُ لَهُ: مَا أَحَدٌ يُقْتَلُ إِلَّا مَاتَ، قَالَ: فَقَالَ: يَا زُرَّارَةُ! قَوْلُ اللَّهِ أَصْدَقُ مِنْ قَوْلِكَ، قَدْ
فَرَّقَ بَيْنَ الْقَتْلِ وَالْمَوْتِ فِي الْقُرْآنِ، فَقَالَ عليه السلام: «أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ»، وَقَالَ: «وَلَيْنَ مُتُّمُ
أَوْ قُتِلْتُمْ لِلَّهِ تُحْشَرُونَ»^۱، فَلَيْسَ كَمَا قُلْتَ يَا زُرَّارَةُ! فَالْمَوْتُ مَوْتُ وَالْقَتْلُ قَتْلٌ، وَقَدْ
قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ
يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا»^۲.

۱- سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۵۸.

۲- سوره توبه (۹)، آیه ۱۱۱.

قَالَ: فَقُلْتُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ»^۱، أَفَرَأَيْتَ مَنْ قُتِلَ لَمْ يَذُقِ الْمَوْتَ؟ فَقَالَ: لَيْسَ مَنْ قُتِلَ بِالسَّيْفِ كَمَنْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ، إِنَّ مَنْ قُتِلَ لَا بُدَّ أَنْ يَرْجَعَ إِلَى الدُّنْيَا حَتَّى يَذُوقَ الْمَوْتَ.^۲

از زرارہ نقل است کہ گفت: کراہت داشتم (خجالت می کشیدم) کہ از حضرت امام محمد باقر علیہ السلام درباره رجعت سؤالی بپرسم، پس مسأله ای لطیف طرح نمودم، تا در ضمن پاسخ آن، بہ خواستہ خود برسم، پس عرض کردم: فدایتان شوم! مرا از حال شخصی خبر دهید، کہ اگر کشته شود، آیا مردہ بہ شمار می آید؟

حضرت فرمودند: خیر، مردن، مردن است، و کشته شدن، کشته شدن است.

زرارہ گفت: سپس بہ آن حضرت عرض کردم: هیچ کس کشته نشدہ، مگر اینکہ بمیرد، پس حضرت فرمودند: ای زرارہ! فرمایش خداوند متعال، از گفتہ تو صحیح تر است، و او در قرآن میان آن دو (یعنی کشته شدن و مردن) تفاوت قائل شدہ است، آنجا کہ فرمودہ: «أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ»، و فرمودہ: «وَلَسِنَّ مُتُّمَ أَوْ قُتِلْتُمْ لِأَلَى اللَّهِ تُخْشَرُونَ»، ای زرارہ! اینگونہ کہ شما می گویی نیست، مردن، مردن است، و کشته شدن، کشته شدن است. همانا خداوند تعالی می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعُذًّا عَلَيْهِمْ حَقًّا»، یعنی: خداوند جان ها و اموال مؤمنین را از آن ها می خرد تا در عوض بہ آن ها بہشت بدهد، آن ها در راہ خدا جہاد می کنند و دشمنان خدا را می کشند، و خود

۱- سورة آل عمران (۳)، آیه ۱۸۵.

۲- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۷۳، ح ۸۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۶۵، ح ۵۸؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۷۰۵، ح ۱۹۶۱ و ج ۲، ص ۸۵۶، ح ۴۷۵۶؛ تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۱۲، ح ۱۳۹؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۳، ص ۲۳۸؛ مختصر البصائر، ص ۹۳، ح ۶۱.

کشته می شوند این وعده راست خداوند است.

زراره می گوید: عرض کردم: خداوند در آیه دیگر می فرماید: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ»، یعنی: هر کس مرگ را می چشد، آیا می فرمائید کسی که کشته می شود مرگ را نمی چشد؟ حضرت فرمودند: کسی که با شمشیر در راه خدا کشته می شود، با آن کسی که در بسترش جان می دهد یکسان نیست، کسی که کشته می شود، به ناچار می باید به دنیا برگردد، (و مجدداً زندگی کند و بعد بمیرد) تا مرّه مرگ را بچشد.

توضیح: با توجه به روایت فوق، این بازگشت به دنیا، که همان رجعت است، مخصوص شهادتی است که در راه خدای متعال جهاد کرده، جانشان را تقدیم حق نموده اند، پس آن ها دوباره بازمی گردند و زندگی می کنند و از نعمت ها بهره مند شده و سپس مرگ را می چشند و می میرند.

شماره: ۹

کد آیه: ۱۵۸ و ۱۵۷/۳ اسم آیه: شهادت یا مردن، در رجعت

وَلَيْنَ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِمَّا
يَجْمَعُونَ ﴿١٥٧﴾ وَلَيْنَ مُتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَلَّيَ اللَّهُ تَحْشُرُونَ ﴿١٥٨﴾

اگر در راه خدا کشته شده یا بمیرید، همانا آمرزش و رحمت خدا بهتر
از هر چیز است که فراهم آورند. (۱۵۷) و اگر (در راه خدا) بمیرید یا
کشته شوید، به سوی خدا محشور خواهید شد. (۱۵۸)

عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلَيْنَ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ»، فَقَالَ: يَا جَابِرُ! أَتَدْرِي مَا سَبِيلُ اللَّهِ؟ قُلْتُ: لَا، وَاللَّهِ! إِذَا سَمِعْتُ مِنْكَ، فَقَالَ: الْقَتْلُ فِي سَبِيلِ عَلِيِّ عليه السلام وَذُرِّيَّتِهِ، فَمَنْ قُتِلَ فِي وَلَايَتِهِ قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ لَيْسَ أَحَدٌ يُؤْمِنُ بِهَذِهِ الْآيَةِ إِلَّا وَلَهُ قَتْلَةٌ وَ مَيِّتَةٌ، إِنَّهُ مَنْ قُتِلَ يُنْشَرُ حَتَّى يَمُوتَ، وَ مَنْ مَاتَ يُنْشَرُ حَتَّى يُقْتَلَ.^۱

از جابر بن یزید نقل است که گفت: از حضرت امام محمد باقر عليه السلام در باره تفسیر این سخن خداوند تعالى: «اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید، آمرزش و رحمت خدا از آنچه جمع می کنند بهتر است»، پرسیدم، حضرت فرمودند: ای جابر! آیا می دانی راه خدا کدام است؟ گوید: عرض کردم، نه، به خدا قسم! مگر آنکه آن را از شما بشنوم،

۱- بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۳۷۱، ح ۱۵ و ج ۵۳، ص ۴۰، ح ۸؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۷۰۶، ح ۱۹۶۵؛

تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۰۲، ح ۱۶۲؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۴۰۴، ح ۴۰۷؛ مختصر البصائر، ص ۱۱۱،

حضرت فرمودند: مقصود از راه خدا و «سبیل الله»، حضرت علی علیه السلام و فرزندان او می باشند، پس کسی که در راه ولایت او کشته شود، در راه خدا کشته شده، و هر مؤمنی که به این آیه ایمان داشته باشد، کشته شدنی دارد و مرگی، اگر کشته شده باشد، زنده شود، (رجعت نماید) تا بمیرد، و اگر مرده باشد، زنده شود تا کشته گردد.

توضیح: با توجه به این آیه شریفه، برای مؤمنان لازم می آید که هم به مرگ طبیعی بمیرند و هم در راه خدا به قتل برسند و این نمی شود مگر این که پس از این که در زندگی دنیا مردند یا کشته شدند، دو باره به زندگی بازگردند تا حالت دیگر را تجربه نمایند.

این رجعت فقط برای مؤمنان به آیه مذکور است و با توجه به توضیحی که امام علیه السلام در باره قتل در راه خدا می دهند و آن را به قتل در راه حضرت علی علیه السلام و فرزندان علیهم السلام تفسیر می کنند و نیز با در نظر داشتن سایر روایات این باب، روشن می شود که مقصود، همان مؤمنان خالص مد نظر می باشد.

شماره: ۱۰

کد آیه: ۳/۱۸۵ اسم آیه: چشیدن طعم مرگ در رجعت

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ... ﴿١٨٥﴾

هر نفسی طعم مرگ را خواهد چشید.

عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: كَرِهْتُ أَنْ أَسْأَلَ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام فِي الرَّجْعَةِ ... قَالَ: فَقُلْتُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ»، أَفَرَأَيْتَ مَنْ قُتِلَ لَمْ يَذُقِ الْمَوْتَ؟ فَقَالَ: لَيْسَ مَنْ قُتِلَ بِالسَّيْفِ كَمَنْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ، إِنَّ مَنْ قُتِلَ لَا بُدَّ أَنْ يَرْجَعَ إِلَى الدُّنْيَا حَتَّى يَذُوقَ الْمَوْتَ.^۱

از زرارہ نقل است کہ گفت: خجالت می کشیدم کہ آشکارا، از حضرت امام محمد باقر علیه السلام در باره رجعت، سؤال کنم، تا اینکه ... عرض کردم: همانا خداوند تعالی می فرماید: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ»، آیا می فرمایید: کسی کہ کشته می شود، مرگ را نمی چشد؟ حضرت فرمودند: کسی کہ با شمشیر، در راه خدا کشته می شود، با آن کسی کہ در بسترش جان می دهد، یکسان نیست، کسی کہ کشته می شود به ناچار می باید به دنیا برگردد، (و مجدداً زندگی کند و بعد بمیرد) تا طعم و مزه مرگ را بچشد.

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۷۳، ح ۸۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۶۶، ح ۵۸؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۱، ص ۷۰۵، ح ۱۹۶۱ و ج ۲، ص ۸۵۶، ح ۴۷۵۶؛ تفسير العياشي، ج ۱، ص ۲۰۲، ح ۱۶۰؛ تفسير نور الثقلين، ج ۱، ص ۴۰۳، ح ۴۰۴؛ مختصر البصائر، ص ۹۳، ح ۶۱.

سوره مبارکه نساء (۴)

شماره: ۱۱

کد آیه: ۴/۱۵۹ اسم آیه: ایمان به پیامبر ﷺ در رجعت

وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا ﴿١٥٩﴾

هیچکس از اهل کتاب نیست جز آنکه پیش از مرگش به او ایمان می آورد و روز قیامت گواه بر او خواهد بود.

۱- فِي تَفْسِيرِ الْقُمِّي، فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا»، فَإِنَّهُ رُوِيَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ إِذَا رَجَعَ آمَنَ بِهِ النَّاسُ كُلُّهُمْ.^۱

در تفسیر قمی در باره این سخن خدای متعال: «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا»، روایت شده که به تحقیق، وقتی که رسول خدا ﷺ به دنیا رجعت می کنند، همه مردم به ایشان ایمان می آورند.

۲- عَنْ شَهْرِ بْنِ حَوْشَبٍ، قَالَ: قَالَ لِي الْحَجَّاجُ: يَا شَهْرُ! آيَةٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ قَدْ أَعْيَيْتَنِي، فَقُلْتُ: أَيُّهَا الْأَمِيرُ! آيَةٌ آيَةٌ هِيَ؟

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۹۰، ح ۳۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۵۰، ح ۲۴؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۲، ص ۱۹۷، ح ۲۸۳۰؛ تفسير الصافي، ج ۱، ص ۵۱۹؛ تفسير القمي، ج ۱، ص ۱۵۸؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۳، ص ۵۸۴؛ تفسير نور الثقلين، ج ۱، ص ۵۷۱، ح ۶۶۱.

فَقَالَ: قَوْلُهُ: «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ»، وَاللَّهُ! إِنِّي لَأَمَرُ بِالْيَهُودِيِّ وَ النَّصْرَانِيِّ فَتُضْرَبُ عُنُقُهُ، ثُمَّ أَرْمَقُهُ بِعَيْنِي، فَمَا أَرَاهُ يَحْرِكُ شَفَتَيْهِ حَتَّى يَخْمُدَ.
فَقُلْتُ: أَصْلَحَ اللَّهُ الْأَمِيرَ، لَيْسَ عَلَى مَا تَأَوَّلْتَ.
قَالَ: كَيْفَ هُوَ؟ قُلْتُ: إِنَّ عِيسَى يَنْزِلُ قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِلَى الدُّنْيَا، فَلَا يَبْقَى أَهْلُ مِلَّةِ يَهُودِيٍّ وَلَا غَيْرِهِ إِلَّا آمَنَ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَصَلِّيَ خَلْفَ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.
قَالَ: وَيَحَكَ! أَنَّى لَكَ هَذَا وَمِنْ أَيْنَ جِئْتَ بِهِ؟
فَقُلْتُ: حَدَّثَنِي بِهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.
فَقَالَ: جِئْتَ وَاللَّهِ! بِهَا مِنْ عَيْنٍ صَافِيَةٍ^۱.

از شهر بن حوشب نقل است که گفت: حجاج به من گفت: یک آیه در قرآن مرا خسته کرده، گفتم: ای امیر! آن کدام آیه است؟
گفت: این آیه: «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ»، هیچ یک از اهل کتاب نیستند مگر اینکه ایمان می آورند به او قبل از مرگش، گفت: من دستور می دهم گردن یک یهودی یا نصرانی را بزنند، بعد با دقت تماشا می کنم، هرگز لب های خود را تکان نمی دهد، تا موقعی که می میرد و چیزی نمی گوید، که معلوم شود ایمان آورده باشد.
گفتم: خدا امیر را خیر دهد، آن طور که تو تأویل کرده ای نیست، پرسید: پس چگونه است؟

۱- إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَجُلُهُ الشَّرِيفُ، ج ۱، ص ۵۷ و ج ۲، ص ۲۸۴؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۴۰، ح ۶۴؛ بحار الأنوار، ج ۹، ص ۱۹۵، ح ۴۵ و ج ۱۴، ص ۳۴۹، ح ۱۳ و ج ۵۳، ص ۵۰، ذیل ح ۲۴؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۲، ص ۱۹۷، ح ۲۸۳۱؛ تفسير شريف لاهيجي، ج ۱، ص ۵۸۵؛ تفسير الصافي، ج ۱، ص ۵۱۹؛ تفسير القمي، ج ۱، ص ۱۵۸؛ تفسير نور الثقلين، ج ۱، ص ۵۷۱، ح ۶۶۲.

گفتم: حضرت عیسیٰ علیه السلام قبل از قیامت به دنیا فرود خواهد آمد، احدی از ملت‌ها، چه یهودی و چه دیگران، نمی‌ماند، مگر اینکه به او ایمان می‌آورد، و او پشت سر حضرت مهدی علیه السلام، نماز خواهد خواند.

گفت: وای بر تو! از کجا این مطلب را کشف نموده‌ای، و از چه کسی استفاده کرده‌ای؟ گفتم: این مطلب را محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام برایم نقل نموده، گفت: به خدا قسم! از سرچشمه پاکی گرفته‌ای.

سوره مبارکه مائده (۵)

شماره: ۱۲

اسم آیه: پادشاهان رجعت

کد آیه: ۵/۲۰

... إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَءَاتَاكُمْ مَا لَمْ يُوْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿٢٠﴾

... هنگامی که در میان شما، پیامبرانی قرار داد و شما را حاکم و صاحب اختیار خود قرار داد و به شما چیزهایی بخشید که به هیچ یک از جهانیان نداده بود!

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الدَّيْلَمِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا»، فَقَالَ: الْأَنْبِيَاءُ، رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ إِبْرَاهِيمُ وَ إِسْمَاعِيلُ وَ ذُرِّيَّتُهُ، وَ الْمُلُوكُ، الْأَئِمَّةُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: فَقُلْتُ: وَ أَيُّ مُلْكٍ أُعْطِيتُمْ؟ قَالَ: مُلْكُ الْجَنَّةِ وَ مُلْكُ الْكَرَّةِ^۱.

از محمد بن سلیمان دیلمی نقل است که از قول پدرش گفت: از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام تفسیر این فرمایش خداوند عزوجل: «إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَ جَعَلَكُمْ مُلُوكًا»، را پرسیدم: حضرت فرمودند: مقصود از انبیاء، رسول خدا ﷺ و ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام و ذریه او هستند، و منظور از پادشاهان، ائمه اطهار علیه السلام می باشند. عرض کردم: خداوند چه سلطنتی به شما عطا می کند؟ فرمودند: سلطنت بهشت، و

۱- إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب عجل الله تعالى فرجه، ج ۲، ص ۲۷۳؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۶۳، ح ۱۱۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۴۵، ح ۱۸؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۲، ص ۲۶۶، ح ۳۰۱۰؛ مختصر البصائر، ص ۱۱۹، ح ۹۷.

سورۃ مبارکہ مائدہ (۵) ۱۰۷

سلطنت زمان رجعت را.

سوره مبارکه انعام (۶)

شماره: ۱۳

اسم آیه: آرزوی کفار

کد آیه: ۲۸ و ۶/۲۷

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذَّبُ بِآيَاتِ رَبِّنَا
وَنَكُونَنَّ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٧﴾ بَلْ بَدَأَ لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا
لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿٢٨﴾

و اگر ببینی حال آن‌ها را هنگامی که بر آتش دوزخشان بازدارند که در
آن حال (با نهایت حسرت) گویند: ای کاش ما را به دنیا باز
می‌گردانیدند تا دیگر آیات خدا را تکذیب نکرده و ایمان
می‌آوردیم! (۲۷) بلکه آنچه پیش از این پنهان می‌داشتند بر آن‌ها
آشکار شده و اگر بار دیگر هم (به دنیا) برگردند باز همان اعمال زشتی را
که از آن نهی شدند اعاده خواهند کرد، و آنان دروغ می‌گویند.

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: رَأَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ
خَارِجٌ مِنَ الْكُوفَةِ، فَتَبِعْتُهُ مِنْ وَرَائِهِ حَتَّى صَارَ إِلَى جَبَانَةِ الْيَهُودِ وَقَفَ فِي وَسْطِهَا وَ
نَادَى: يَا يَهُودُ! فَأَجَابُوهُ مِنْ جَوْفِ الْقُبُورِ: لَبَّيْكَ! لَبَّيْكَ! مُطَاعٌ يَعْنُونَ بِذَلِكَ يَا سَيِّدَنَا!
فَقَالَ: كَيْفَ تَرَوْنَ الْعَذَابَ؟ فَقَالُوا: بَعْضِيَانِنَا لَكَ كَهَارُونَ، فَنَحْنُ وَمَنْ عَصَاكَ فِي
الْعَذَابِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، ثُمَّ صَاحَ صَيْحَةً كَادَتْ السَّمَاوَاتُ يَنْقَلِبْنَ، فَوَقَعَتْ مَغْشِيًا
عَلَى وَجْهِهِ مِنْ هَوْلٍ مَا رَأَيْتُ.

فَلَمَّا أَفْقَتْ رَأَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى سَرِيرٍ مِنْ يَاقُوتَةٍ حَمْرَاءَ عَلَى رَأْسِهِ إِكْلِيلٌ مِنَ
الْجَوْهَرِ وَ عَلَيْهِ حُلٌّ خُضْرٌ وَ صُفْرٌ وَ وَجْهُهُ كَدَارَةِ الْقَمَرِ، فَقُلْتُ: يَا سَيِّدِي! هَذَا مُلْكُ

عَظِيمٌ؟ قَالَ: نَعَمْ يَا جَابِرُ! إِنَّ مُلْكَنَا أَعْظَمُ مِنْ مُلْكِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ وَ سُلْطَانَنَا أَعْظَمُ مِنْ سُلْطَانِهِ، ثُمَّ رَجَعَ وَ دَخَلْنَا الْكُوفَةَ وَ دَخَلْتُ خَلْفَهُ إِلَى الْمَسْجِدِ، فَجَعَلَ يَخْطُو خُطَوَاتٍ وَ هُوَ يَقُولُ: لَا، وَ اللَّهُ! لَا فَعَلْتُ، لَا، وَ اللَّهُ! لَا كَانَ ذَلِكَ أَبَدًا.

فَقُلْتُ: يَا مَوْلَايَ! لِمَنْ تُكَلِّمُ وَ لِمَنْ تُخَاطِبُ وَ لَيْسَ أَرَى أَحَدًا، فَقَالَ: يَا جَابِرُ! كُشِفَ لِي عَنْ بَرَهُوتَ فَرَأَيْتُ شَنْبُوتِيهِ وَ حَبْتَرِ، وَ هُمَا يُعَذِّبَانِ فِي جَوْفِ تَابُوتٍ فِي بَرَهُوتَ، فَتَادِيَانِي: يَا أَبَا الْحَسَنِ! يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! رُدُّنَا إِلَى الدُّنْيَا نُقَرِّ بِفَضْلِكَ وَ نُقَرِّ بِالْوَلَايَةِ لَكَ؛ فَقُلْتُ: لَا، وَ اللَّهُ! لَا فَعَلْتُ، لَا، وَ اللَّهُ! لَا كَانَ ذَلِكَ أَبَدًا، ثُمَّ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ: «وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ»، يَا جَابِرُ! وَ مَا مِنْ أَحَدٍ خَالَفَ وَصِيَّ نَبِيِّ إِلَّا حُسِرَ أَعْمَى يَتَكَبَّكِبُ فِي عَرَصَاتِ الْقِيَامَةِ.^۱

از جابر بن عبدالله انصاری نقل است که گفت: حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را خارج کوفه دیدم، به دنبال آن حضرت رفتم تا اینکه رسیدند به قبرستان یهودیان، در وسط قبرستان صدا زدند: ای یهود! از درون قبور جواب دادند: لیبیک! لیبیک! ای سرور ما! حضرت فرمودند: عذاب را چگونه دیدید؟ جواب دادند: به خاطر مخالفت ما با تو، مانند مخالفتی که ما با هارون کردیم، و هر کسی مخالف تو باشد تا روز قیامت در عذاب است، سپس حضرت فریادی زدند، که نزدیک بود آسمان زیر و رو شود، من از ترس بیهوش شدم.

تا به هوش آمدم، دیدم امیرالمؤمنین علیه السلام بر تختی از یاقوت قرمز نشسته‌اند، و بر سر تاجی از جواهر دارند، و لباس‌های عالی سبز و زرد پوشیده، و چهره ایشان مثل

۱- بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۳۰۶، ح ۱۱ و ج ۴۱، ص ۲۲۲، ح ۳۳؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۱۲، ح ۳۴۴۷؛ تأویل الآیات الظاهرة، ص ۱۶۸؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۴، ص ۳۱۳؛ مدینه معاجز الأئمة الإثنی عشر، ج ۲، ص ۹۸، ح ۴۲۲.

ماه می درخشد؛ عرض کردم: آقا این سلطنت بزرگی است! حضرت فرمودند: آری، ای جابر! قدرت و فرمانروائی ما از سلیمان بن داود بزرگتر است، و سلطنت ما از سلطنت او بالاتر.

پس از آن با امیر المؤمنین علیه السلام برگشتیم و داخل کوفه شدیم، من پشت سر آن حضرت وارد مسجد شدم، امام علیه السلام هر گام بر می داشتند می فرمودند: نه به خدا انجام نمی دهم، نه به خدا چنین کاری هرگز نخواهد شد.

عرض کردم: ای سرورم! با چه کسی صحبت می کنید و حرف می زنید، من که کسی را نمی بینم؟

حضرت فرمودند: ای جابر! بیهوشت برایم آشکار شد، «شنبویه» و «حبتر» را دیدم که در درون تابوت در عذاب بودند، مرا صدا زدند که: ای ابا الحسن! ای امیر المؤمنین! اگر ما را به دنیا برگردانید، اقرار به برتری تو می کنیم، و ولایت تو را می پذیریم، گفتم: نه، به خدا! نخواهم کرد، هرگز چنین کاری نخواهد شد، بعد، این آیه را تلاوت فرمودند: «وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ»، ای جابر! هیچ کس با وصی پیامبری مخالفت نکرد، مگر آنکه کور برانگیخته می شود، و در عرصه های قیامت با صورت بر زمین می افتد.

سوره مبارکه اعراف (۷)

شماره: ۱۴

کد آیه: ۷/۹۶ اسم آیه: رجعت پیامبر ﷺ و امام حسین ﷺ

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ
وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٩٦﴾

و اگر مردم شهر و روستاها ایمان می آوردند و خداترس و پرهیزکار می شدند، ما برکات آسمان و زمین را برای آنان می گشودیم. ولی آنان حقایق را تکذیب کردند، ما نیز آن ها را به کیفر اعمالشان گرفتار ساختیم.

عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ الْحُسَيْنُ عليه السلام لِأَصْحَابِهِ قَبْلَ أَنْ يُقْتَلَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ لِي: يَا بُنَيَّ! إِنَّكَ سَتُسَاقَى إِلَى الْعِرَاقِ وَهِيَ أَرْضٌ قَدِ اتَّقَى بِهَا النَّبِيُّونَ وَأَوْصِيَاءُ النَّبِيِّينَ، وَهِيَ أَرْضٌ تُدْعَى عَمُورًا، وَإِنَّكَ لَتُسْتَشْهَدُ بِهَا، وَيُسْتَشْهَدُ مَعَكَ جَمَاعَةٌ مِّنْ أَصْحَابِكَ لَا يَجِدُونَ أَلَمَ مَسِّ الْحَدِيدِ، وَتَلَا: «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ»^۱، تَكُونُ الْحَرْبُ عَلَيْكَ وَعَلَيْهِمْ بَرْدًا وَسَلَامًا، فَأَبَشِرُوا، فَوَ اللَّهِ! لَئِنْ قَتَلُونَا فَإِنَّا نَرِدُّ عَلَىٰ نَبِيِّنَا، ثُمَّ أَمَكْتُ مَا شَاءَ اللَّهُ، فَأَكُونُ أَوَّلَ مَنْ تَشْتَقُّ عَنْهُ الْأَرْضُ فَأَخْرُجُ خَرْجَةً يُؤَافِقُ ذَلِكَ خَرْجَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَفِيَّامَ قَائِمِنَا وَحَيَاةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، ثُمَّ لَيَنْزِلَنَّ عَلَيَّ وَفْدٌ مِّنَ السَّمَاءِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَمْ يَنْزِلُوا إِلَى الْأَرْضِ قَطُّ، وَلَيَنْزِلَنَّ إِلَيَّ جَبْرَائِيلُ وَمِيكَائِيلُ وَإِسْرَافِيلُ وَجُنُودٌ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ، وَلَيَنْزِلَنَّ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَأَنَا وَآخِي وَجَمِيعٌ مِّنَ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي حُمُولَاتٍ مِّنْ حُمُولَاتِ الرَّبِّ خَيْلٍ بُلُقٍ مِنْ نُورٍ لَمْ يَرْكَبْهَا مَخْلُوقٌ، ثُمَّ لَيَهْرَنَّ مُحَمَّدٌ ﷺ

۱- سوره انبياء (۲۱)، آیه ۶۹.

لِوَاؤُهُ وَ لَيَدْفَعُنَّهُ إِلَى قَائِمِنَا مَعَ سَيْفِهِ، ثُمَّ إِنَّا نَمُكُّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ مَا شَاءَ اللَّهُ.

ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ يَخْرِجُ مِنْ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ عَيْنًا مِنْ دُهْنٍ وَ عَيْنًا مِنْ لَبَنٍ وَ عَيْنًا مِنْ مَاءٍ، ثُمَّ إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَدْفَعُ إِلَيْهِ سَيْفَ رَسُولِ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم فَيَبْعَثُنِي إِلَى الشَّرْقِ وَ الْغَرْبِ، وَ لَا آتِي عَلَى عَدُوٍّ إِلَّا أَهْرَقْتُ دَمَهُ، وَ لَا أَدْعُ صَنَمًا إِلَّا أَحْرَقْتُهُ، حَتَّى أَقَعَ إِلَى الْهِنْدِ فَأَفْتَحَهَا، وَ إِنَّ دَانِيَالَ وَ يُوشَعَ يَخْرُجَانِ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَقُولَانِ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ، وَ يَبْعَثُ مَعَهُمَا إِلَى الْبَصْرَةِ سَبْعِينَ رَجُلًا فَيَقْتُلُونَ مُقَاتِلَتَهُمْ، وَ يَبْعَثُ بَعْثًا إِلَى الرُّومِ فَيَفْتَحُ اللَّهُ لَهُمْ، ثُمَّ لَا قَتْلَ كُلِّ دَابَّةٍ حَرَّمَ اللَّهُ لَحْمَهَا، حَتَّى لَا يَكُونَ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ إِلَّا الطَّيِّبُ، وَ أَغْرَضَ عَلَى الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى وَ سَائِرِ الْمَلِكِ وَ لَاخَيْرَتَهُمْ بَيْنَ الْإِسْلَامِ وَ السَّيْفِ، فَمَنْ أَسْلَمَ مَنَنْتُ عَلَيْهِ، وَ مَنْ كَرِهَ الْإِسْلَامَ أَهْرَقَ اللَّهُ دَمَهُ.

وَ لَا يَبْقَى رَجُلٌ مِنْ شِيعَتِنَا إِلَّا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْهِ مَلَكًا يَمْسَحُ عَنْ وَجْهِهِ التُّرَابَ، وَ يَعْرِفُهُ أَزْوَاجَهُ وَ مَنَازِلَهُ فِي الْجَنَّةِ، وَ لَا يَبْقَى عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَعْمَى وَ لَا مُقْعَدٌ وَ لَا مُبْتَلَى إِلَّا كَشَفَ اللَّهُ عَنْهُ بَلَاءَهُ بَنَى أَهْلَ الْبَيْتِ.

وَ لَنَنْزِلَنَّ الْبَرَكَةَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، حَتَّى إِنَّ الشَّجَرَةَ لَتَنْقِصُفُ بِمَا يَزِيدُ اللَّهُ فِيهَا مِنَ الثَّمَرَةِ، وَ لَتُؤَكَلَنَّ ثَمَرَةُ الشِّتَاءِ فِي الصَّيْفِ، وَ ثَمَرَةُ الصَّيْفِ فِي الشِّتَاءِ، وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»، ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ لَيَهْبُ لِشِيعَتِنَا كَرَامَةً لَا يَخْفَى عَلَيْهِمْ شَيْءٌ مِنَ الْأَرْضِ وَ مَا كَانَ فِيهَا، حَتَّى إِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يُرِيدُ أَنْ يَعْلَمَ عِلْمَ أَهْلِ بَيْتِهِ، فَيُخْبِرُهُمْ بِعِلْمِ مَا يَعْلَمُونَ^١.

١- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ٣٥٢، ح ٩٥؛ بحار الأنوار، ج ٤٥، ص ٨٠، ح ٦ و ج ٥٣، ص ٦١، ح ٥٢؛ الخرائج و الجرائح، ج ٢، ص ٨٤٨، ح ٦٣؛ مختصر البصائر، ص ١٣٩، ح ١٠٧؛ نوادر الأخبار فيما يتعلق بأصول الدين (للفيض)، ص ٢٨٦، ح ٥.

از جابر نقل است که گفت: حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: امام حسین علیه السلام قبل از اینکه به شهادت برسند، به اصحاب خود می فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمودند: ای پسر عزیزم! تو به زودی به سوی عراق رانده خواهی شد، زمین عراق همان زمینی است که پیامبران و اوصیای آنان، در آن با یکدیگر ملاقات کردند، آن زمین را عمور می خوانند، و تو در آن زمین شهید خواهی شد، و گروهی که با تو شهید می شوند، درد نیزه و شمشیر را احساس نمی کنند، سپس این آیه را تلاوت کردند: «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ»، جنگ برای تو و یارانت سرد و سلامت خواهد شد.

سپس امام حسین علیه السلام به اصحاب خود فرمودند: مژده باد شما را! گر چه دشمنان، ما را می کشند، ولی ما بر پیامبران وارد خواهیم شد، سپس من به قدری که خدا بخواهد مکث خواهم نمود! سپس اول کسی که زمین برایش شکافته خواهد شد، و او خارج می شود، من خواهم بود.

پس من با خروج حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و قیام حضرت قائم علیه السلام، و زنده شدن رسول خدا صلی الله علیه و آله، خروج خواهم کرد، سپس افرادی از آسمان از طرف خدا نزد من می آیند، که هرگز در زمین نازل نشده اند؛ جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و گروهی از ملائکه بر من نازل خواهند شد، سپس حضرت محمد صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام و من و برادرم و جمیع آن افرادی که خدا بر آنان ممت نهاده، به وسیله شترانی از نور، که احدی از مخلوقین بر آنها سوار نشده، فرود می آئیم، پس از این جریان حضرت محمد صلی الله علیه و آله پرچم خود را به اهتزاز در می آورد، و آن را با شمشیر خود به قائم ما علیه السلام تحویل می دهد.

سپس ما به اندازه ای که خدا بخواهد مکث می نمائیم، بعداً خدای متعال چشمه ای از روغن و چشمه ای از آب و چشمه ای از شیر، از مسجد کوفه خارج می کند، پس از این جریان، امیر المؤمنین علیه السلام شمشیر رسول خدا صلی الله علیه و آله را به من می دهند، و مرا به سوی

مشرق و مغرب زمین می فرستند، پس من به هیچ یک از دشمنان خدا بر نمی خورم، مگر اینکه خون او را می ریزم، هیچ بُتی را نمی بینم مگر اینکه آن را می سوزانم، تا اینکه به هند می رسم، و آن را فتح می نمایم، دانیال و یوشع خارج می شوند، و به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می گویند: خدا و رسول، راست گفته اند، سپس ایشان با تعداد هفتاد مرد، به سوی بصره می روند، و دشمنان خود را می کشند، گروهی به جانب روم اعزام می شوند، و خدای توانا پیروزی را نصیب آنان می نماید.

سپس من هر حیوانی که خداوند گوشت آن را حرام کرده را می کشم، تا اینکه در روی زمین غیر از گوشت طیب و طاهر چیزی نباشد. من بر یهودی و نصارا و سائر ملل، اسلام را عرضه می کنم، و آنان را بین اسلام و شمشیر مخیر می نمایم، هر کسی که اسلام بیاورد، متت بر او می گذارم، و هر کس که از اسلام بیزار باشد، خداوند خون او را خواهد ریخت.

هیچ مردی از شیعیان ما روی زمین نیست، مگر اینکه خدا ملکی می فرستد تا خاک را از روی او پاک نماید، و همسران و مقام و منزلت او را در بهشت به وی معرفی نماید، در روی زمین شخص کور و زمین گیر و مبتلائی نخواهد بود، مگر اینکه خدا به وسیله ما اهل بیت علیهم السلام، بلا را از او بر طرف می نماید.

به قدری برکت از آسمان به زمین نازل می شود، که شاخه درخت، از زیادی میوه می شکند! میوه زمستانی در تابستان، و میوه تابستانی در زمستان خورده می شود، و این همان سخن خدای متعال است که می فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»، سپس خدای متعال کرامتی به شیعیان ما عطا می کند، که چیزی در زمین بر آنان پنهان نخواهد بود. تا آنجا که مردی از ایشان تصمیم می گیرد، که علم اهل بیت خود را بداند، پس خداوند او را از آنچه آن ها می دانند آگاه می نماید.

شماره: ۱۵

کد آیه: ۷/۱۵۷ اسم آیه: یاری رسول خدا ﷺ در رجعت

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ ... فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ
وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٥٧﴾

کسانی که پیروی کنند از آن رسول و پیامبر امی ... پس آنان که به او
گرویدند و از او حرمت و عزت نگاه داشتند و یاری او کردند و نوری را که
به او نازل شد پیروی نمودند آن گروه به حقیقت رستگاران عالمند.

في تفسير القمي: «فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ»، يَعْنِي بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ، «وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَ
اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ»، يَعْنِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا ع، «أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»، فَأَخَذَ
اللَّهُ مِيثَاقَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ أَنْ يُخْبِرُوا أُمَّهَاتِهِمْ وَيَنْصُرُوهُ، فَقَدْ نَصَرُوهُ بِالْقَوْلِ
وَأَمَرُوا أُمَّهَاتِهِمْ بِذَلِكَ، وَسَيَرْجِعُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَيَرْجِعُونَ وَيَنْصُرُونَهُ فِي الدُّنْيَا.^۱

در تفسیر قمی روایت است که: «فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ»، مقصود، کسانی هستند که ایمان به
رسول خدا ﷺ آورند، «وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ»، یعنی از
امیرالمؤمنین ع پیروی و تبعیت کنند، «أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»، آنها رستگاران هستند،
خداوند درباره رسول خدا ﷺ از پیامبران پیمان گرفت که به امت های خود خبر دهند و
او را یاری نمایند، آنها نیز او را به گفتار یاری نمودند و به امت های خود این دستور را دادند
در آینده رسول خدا ﷺ برمی گردد، آنها نیز برمی گردند و او را در دنیا یاری می کنند.

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۴۱؛ بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۳۰۹، ح ۹؛ البرهان في

تفسير القرآن، ج ۲، ص ۵۹۴، ح ۴۰۰۸؛ تفسير القمي، ج ۱، ص ۲۴۲.

شماره: ۱۶

کد آیه: ۷/۱۵۹ اسم آیه: رجعت عده‌ای از یهودیان مؤمن

وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ﴿١٥٩﴾

و از قوم موسی، گروهی هستند که به سوی حق هدایت می‌کنند و به حق و عدالت حکم می‌نمایند.

۱- عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: يَخْرُجُ الْقَائِمُ عليه السلام مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ سَبْعَ وَ عَشْرُونَ رَجُلًا، خَمْسَةَ عَشَرَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى عليه السلام، الَّذِينَ كَانُوا «يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ»، وَ سَبْعَةً مِنْ أَهْلِ الْكَهْفِ، وَ يُوشَعَ بْنِ نُونٍ، وَ سَلْمَانَ، وَ أَبُو دُجَانَةَ الْأَنْصَارِيِّ، وَ الْمَقْدَادُ، وَ مَالِكُ الْأَشْترِ، فَيَكُونُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ أَنْصَارًا وَ حُكَّامًا.^۱

از مفضل بن عمر نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق عليه السلام فرمودند: از پشت شهر کوفه بیست و هفت نفر، همراه حضرت قائم عليه السلام خروج می‌کنند، که پانزده نفر آنان از قوم حضرت موسی عليه السلام می‌باشند، و به حق هدایت می‌کنند و بدان دادگری می‌نمایند، و هفت تن آنان اصحاب کهف، و یوشع بن نون، و سلمان فارسی، و ابودجانه انصاری، و مقداد، و مالک اشتر، می‌باشند، پس این‌ها یاران و حکمرانان او هستند.

۲- عَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۴۹، ح ۲۷؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۰، ح ۹۵؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۶۲۰، ح ۶۶۳۵؛ تفسیر الصافی، ج ۳، ص ۲۳۸؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۸، ص ۴۳؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۲۵۲، ح ۴۰؛ کشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۴۶۶.

اَسْتَخْرِجَ مِنْ ظَهْرِ الْكَعْبَةِ سَبْعَةً وَعِشْرِينَ رَجُلًا، خَمْسَةَ عَشَرَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى، الَّذِينَ يَقْضُونَ «بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ»، وَ سَبْعَةً مِنْ أَصْحَابِ الْكَهْفِ، وَيُوشَعَ وَصِيِّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ مُؤْمِنِ آلِ فِرْعَوْنَ، وَ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ، وَ أَبَا دُجَانَةَ الْأَنْصَارِيِّ، وَ مَالِكَ الْأَشْثَرِ^۱

از جناب مفضل بن عمر نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: هنگامی که حضرت قائم آل محمد علیه السلام قیام کند، بیست و هفت تن را (از قبرهایشان) در پشت کعبه بیرون می کشد که پانزده تن آنها از قوم حضرت موسی علیه السلام می باشند، همان کسانی که به حق و عدالت داوری می کنند، و هفت تن از اصحاب کهف، و یوشع وصی حضرت موسی علیه السلام، و مؤمن آل فرعون، و سلمان فارسی، و ابودجانه انصاری، و مالک اشتر.

۱- إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ج ۵، ص ۱۷۳، ح ۵۵۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۶، ح ۹۲؛ تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۳۲، ح ۹۰؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۵، ص ۲۱۰؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۸۵، ح ۳۰۶.

سوره مبارکه توبه (۹)

شماره: ۱۷

کد آیه: ۹/۳۳ اسم آیه: برتری دین حق، در رجعت

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴿٣٣﴾

او خدایی است که پیامبرش را با دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان جهان برتری بخشد، هر چند مشرکان را خوش آیند نباشد.

۱- عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: إِنَّ لِعَلِيِّ عليه السلام فِي الْأَرْضِ كَرَّةً مَعَ الْحُسَيْنِ عليه السلام ابْنِهِ عليه السلام، يُقْبَلُ بِرَأْيِهِ حَتَّى يَنْتَقِمَ لَهُ مِنْ بَنِي أُمَيَّةَ وَمُعَاوِيَةَ وَآلِ مُعَاوِيَةَ وَمَنْ شَهِدَ حَرْبَهُ، ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ بِأَنْصَارِهِ يَوْمَئِذٍ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ ثَلَاثِينَ أَلْفًا، وَمِنْ سَائِرِ النَّاسِ سَبْعِينَ أَلْفًا، فَيُلْقَاهُمْ بِصَفَيْنَ مِثْلَ الْمَرَّةِ الْأُولَى، حَتَّى يَفْتُلَهُمْ وَلَا يَبْقَى مِنْهُمْ مُخْبِرًا، ثُمَّ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَيُدْخِلُهُمْ أَشَدَّ عَذَابِهِ مَعَ فِرْعَوْنَ وَآلِ فِرْعَوْنَ. ثُمَّ كَرَّةٌ أُخْرَى مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم حَتَّى يَكُونَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ، وَتَكُونَ الْأَئِمَّةُ عليهم السلام عُمَّالَهُ وَحَتَّى يَبْعَثَهُ اللَّهُ عَلَانِيَةً، فَتَكُونَ عِبَادَتُهُ عَلَانِيَةً فِي الْأَرْضِ، كَمَا عَبْدَ اللَّهُ سِرًّا فِي الْأَرْضِ، ثُمَّ قَالَ: إِي، وَاللَّهِ! وَأَضْعَافَ ذَلِكَ، ثُمَّ عَقَدَ بِيَدِهِ أَضْعَافًا يُعْطِي اللَّهُ نَبِيَّهُ صلی الله علیه و آله و سلم مُلْكَ جَمِيعِ أَهْلِ الدُّنْيَا مِنْذُ يَوْمَ خَلَقَ اللَّهُ الدُّنْيَا إِلَى يَوْمٍ يُفْنِيهَا، حَتَّى يُنْجِزَ لَهُ مَوْعُودَهُ فِي كِتَابِهِ، كَمَا قَالَ: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۱.

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۶۳، ح ۱۱۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۷۴، ح ۷۵؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۳، ص ۵۰۷، ح ۶۲۶۲؛ حلية الأبرار في أحوال محمد وآله الأطهار عليهم السلام، ج ۶،

از جابر بن یزید نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: حضرت علی علیه السلام دو رجعت دارند، یکی با امام حسین علیه السلام، که با پرچم خویش بیایند، و از بنی امیه و معاویه و آل معاویه و تمام آنان که شاهد جنگ با آن حضرت بودند، انتقام گیرند، سپس خداوند سی هزار یاور از کوفه، و هفتاد هزار نفر از جاهای دیگر برای ایشان بفرستد، در «صفین» مثل مرتبه اول جنگ کنند، و طوری دشمنان را نابود کنند که یک نفر هم از آنان نماند تا سرگذشت جنگ را تعریف کند، سپس در روز قیامت هم خداوند آنان را برانگیخته و با فرعون و آل فرعون، به شدیدترین عذاب ها گرفتار می سازد. سپس در رجعت دیگر همراه با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر می گردند، و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پادشاه روی زمین می شوند و سایر ائمه علیهم السلام فرمانداران او خواهند بود، و به عکس روز نخست، این بار آشکارا مبعوث می گردد و خدا را آشکارا عبادت می کند. سپس حضرت صادق علیه السلام فرمودند: آری، به خدا سوگند! امیرالمؤمنین علیه السلام دوبار به دنیا رجعت می کند، و با دست اشاره کردند که چندبار آن حضرت رجعت خواهند کرد، خداوند سلطنت تمام اهل عالم را از روز آفرینش دنیا تا روز فتنای جهان به پیامبرش صلی الله علیه و آله و سلم می دهد، تا وعده ای که در قرآن به او داده، مصداق پیدا کند، چنان که فرمود: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ».

۲- عَنْ أَبِي الْمَقْدَامِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام، فِي قَوْلِ اللَّهِ: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»، يَكُونُ أَنْ لَا يَبْقَى أَحَدٌ إِلَّا أَقَرَّ بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم، وَقَالَ: فِي خَبَرٍ آخَرَ

۱۲۰..... کلید واژه آیات رجعت در قرآن کریم

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لِيُظْهَرَهُ اللَّهُ فِي الرَّجْعَةِ.^۱

از ابو مقداد نقل است که گفت: حضرت امام محمد باقر عليه السلام در باره این سخن خدای متعال: «لِيُظْهَرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»، فرمودند: هیچ کس باقی نمی ماند، مگر اینکه اقرار به نبوت حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می کند. و در خبر دیگری که از آن حضرت است، فرمودند: خداوند او (حضرت مهدی عليه السلام) را در رجعت غالب و پیروز می گرداند.

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۶، ح ۹۳؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۲، ص ۷۷۰، ح ۴۵۲ و ۴۵۲۱؛ تفسير الصافي، ج ۲، ص ۳۳۸؛ تفسير العياشي، ج ۲، ص ۸۷، ح ۵۰ و ۵۱.

شماره: ۱۸

کد آیه: ۹/۱۱۱ اسم آیه: خریداری جان و مال مؤمنین، در رجعت

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١١١﴾

خدا، جان و مال مردم با ایمان را در مقابل بهشتی که نصیب آنان خواهد کرد، پیش خرید می کند. این مردم با ایمان در راه خدا پیکار می کنند، می کشند و کشته می شوند. این وعده حقی است که خدا در هر سه کتاب آسمانی تورات و انجیل و قرآن یاد کرده است. وفادارتر از خدا به عهد خود کیست؟ شما را به داد و ستدی که با وی انجام داده‌اید، بشارت باد، سعادت و پیروزی بزرگ همین است.

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام، عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ»، إِلَى آخِرِ الْآيَةِ، فَقَالَ: ذَلِكَ فِي الْمِيثَاقِ، ثُمَّ قَرَأْتُ: «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ»، فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: لَا تَقْرَأْ هَكَذَا، وَلَكِنْ اقْرَأْ: «التَّائِبِينَ الْعَابِدِينَ» إِلَى آخِرِ الْآيَةِ، ثُمَّ قَالَ: إِذَا رَأَيْتَ هَؤُلَاءِ فَعِنْدَ ذَلِكَ هُمُ الَّذِينَ اشْتَرَى مِنْهُمْ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ يَغْنِي فِي الرَّجْعَةِ، ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَلَهُ مِئْتَةٌ وَقَتْلَةٌ مَنْ مَاتَ بُعِثَ حَتَّى يُقْتَلَ وَمَنْ قُتِلَ بُعِثَ حَتَّى يَمُوتَ.^۱

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۹۳، ح ۱۱۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۷۱، ح ۷۰؛ البرهان

۱۲۲..... کلید واژه آیات رجعت در قرآن کریم

از ابو بصیر نقل است که گفت: تفسیر این آیه را از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدم، حضرت فرمودند: این میثاق و معامله در عالم ذر بوده، سپس آیه بعد را خواندم: «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ»، (یعنی مؤمنان عبارت اند از توبه کنندگان و عبادت کنندگان)

حضرت فرمودند: چنین بخوان: «التائبين العابدین» آنگاه فرمودند: هرگاه این توبه کنندگان و عبادت کنندگان را دیدی، بدان همان‌ها ایند که خدا جان و مالشان را خریده، یعنی در زمان رجعت، سپس حضرت فرمودند: هیچ مؤمنی نیست جز اینکه مردنی دارد، و کشته شدنی، پس هرکه بمیرد، زنده شود تا کشته گردد، و هرکه کشته شود، زنده گردد تا بمیرد.

→

فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۸۵۷، ح ۴۷۶۰؛ تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۳۸۲؛ تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۱۲، ح ۱۴۰؛ مختصر البصائر، ص ۹۹، ح ۶۹.

سوره مبارکه یونس (۱۰)

شماره: ۱۹

کد آیه: ۱۰/۳۹ اسم آیه: تکذیب رجعت از روی نادانی

بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ
مِنْ قَبْلِهِمْ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ﴿٣٩﴾

بلکه چیزی را تکذیب کردند که آگاهی از آن نداشتند، و هنوز واقعیتش
بر آنان روشن نشده است! پیشینیان آن ها نیز همین گونه تکذیب کردند
پس بنگر عاقبت کار ظالمان چگونه بود!

۱- عَنْ زُرَّارَةَ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، عَنْ هَذِهِ الْأُمُورِ الْعِظَامِ مِنَ الرَّجْعَةِ وَ
أَشْبَاهِهَا، فَقَالَ: إِنَّ هَذَا الَّذِي تَسْأَلُونَ عَنْهُ لَمْ يَجِئْ أَوَانُهُ، وَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «بَلْ
كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ»^۱.

از زرارہ نقل است که گفت: از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام در باره رجعت و امثال
این امور مهم سؤال کردم، حضرت فرمودند: همانا این را که می پرسى هنوز وقتش نرسیده
است، و به تحقیق خداوند تعالی می فرماید: «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ
تَأْوِيلُهُ»، یعنی: بلکه آن ها آنچه را که با علم خود به آن احاطه نداشتند، دروغ پنداشتند
در صورتی که (دروغ نیست) و هنوز (موقع) تأویل آن نرسیده است.

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۷۸، ح ۸۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۴۰، ح ۴؛ البرهان فی

تفسير القرآن، ج ۳، ص ۳۱، ح ۴۸۹۸؛ تفسير الصافي، ج ۲، ص ۴۰۳؛ مختصر البصائر، ص ۱۰۸، ح ۸۰.

۲- فی تفسیر القمی: «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ»، أَيْ لَمْ يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ، «كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»، قَالَ: نَزَلَتْ فِي الرَّجْعَةِ، كَذَّبُوا بِهَا أَيْ أَنَّهَا لَا تَكُونُ، ثُمَّ قَالَ: «وَمِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ»^۱.

در تفسیر علی بن ابراهیم قمی، بعد از ذکر این آیه: «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ»، یعنی: چیزی را که علم آن‌ها به آن احاطه ندارد، تکذیب کردند، در صورتی که هنوز تأویل آن برای آن‌ها نیامده است، «كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»، و بدین گونه پیشینیان را نیز تکذیب نمودند، این آیه در باره رجعت نازل شده، بی‌دینان وقوع رجعت را تکذیب می‌کنند و می‌گویند: رجعتی نخواهد بود، سپس فرمود: «وَمِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ».

۱- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۵۱، ح ۲۵؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۱، ح ۴۸۹۵؛ تفسیر القمی، ج ۱،

ص ۳۱۲؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۳۰۵، ح ۶۷.

شماره: ۲۰

کد آیه: ۱۰/۵۴ اسم آیه: پشیمانی ظالمین در رجعت

وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٥٤﴾

و اگر هر چه در روی زمین است، متعلق بکسی باشد که بسیار ظلم کرده است و بخواهد همه آن را فدا کند از او پذیرفته نخواهد شد و چون عذاب را مشاهده کنند، پشیمانی خود را نهان می دارند و میان آن ها به عدالت حکم می شود و ستمی به آنان نخواهد شد.

في تفسير القمي، في قوله تعالى: «وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ»، آل محمد ﷺ حَقَّهُمْ، «ما في الأرض جميعاً لَافْتَدَتْ بِهِ»، في ذَلِكَ الْوَقْتِ يَعْنِي الرَّجْعَةَ.^۱

در تفسیر قمی، در باره این سخن خدای متعال: «وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ»، می فرماید: هر کس در حق آل محمد ﷺ ظلمی کرده باشد، حاضر است تمام آنچه را که در روی زمین است، اگر مالک باشد، همه را بدهد تا از کیفر روز رجعت نجات یابد.

۱- إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب عنه السلام، ج ۲، ص ۲۸۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۵۱، ح ۲۶؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۳، ص ۳۴، ح ۴۹۱۱؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۶، ص ۶۶؛ تفسير القمي، ج ۱، ص ۳۱۳؛ تفسير نور الثقلين، ج ۲، ص ۳۰۶، ح ۷۶.

سوره مبارکه ابراهیم (۱۴)

شماره: ۲۱

کد آیه: ۱۴/۵ اسم آیه: رجعت، یکی از روزهای خدا

... وَذَكَرَهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿٥﴾

و «ایام الله» را به آنان یاد آور! در این، نشانه‌هایی است برای هر صبرکننده شکرگزار!

۱- عَنْ مُثَنَّى الْحَنَاطِ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ: «أَيَّامُ اللَّهِ»، ثَلَاثَةُ يَوْمٍ، يَقُومُ الْقَائِمُ وَ يَوْمُ الْكَرَّةِ وَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ.^۱

از مثنای حنط نقل است که گفت: شنیدم از حضرت امام محمد باقر عليه السلام که می‌فرمودند: روزهای خداوند عليه السلام سه روزند، روزی که حضرت قائم عليه السلام قیام می‌کند، و روز رجعت، و روز قیامت.

۲- رُوِيَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، أَنَّهُ قَالَ: أَيَّامُ اللَّهِ الْمَرْجُوءَةُ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ: يَوْمُ قِيَامِ الْقَائِمِ وَ يَوْمُ الْكَرَّةِ وَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ.^۲

۱- اثبات الهداة، ج ۵، ص ۱۸۵، ح ۶۲۳؛ إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب عليه السلام، ج ۱، ص ۶۸ و ج ۲، ص ۲۹۱؛ بحار الانوار، ج ۷، ص ۶۱ و ج ۵۱، ص ۵۰؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۳، ص ۲۸۶، ح ۵۶۷؛ تفسير الصافي، ج ۳، ص ۸۰؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۷، ص ۲۹؛ تفسير نور الثقلين، ج ۲، ص ۵۲۶؛ الخصال، ج ۱، ص ۱۰۸، ح ۷۵.

۲- احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۴۸؛ إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب عليه السلام، ج ۱، ص ۹۰؛ البرهان في

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقل است که فرمودند: روزهایی که مورد امید و آرزو هستند، سه روز هستند: روز قیام حضرت قائم علیه السلام، و روز رجعت، و روز قیامت.

توضیح: با این که همه روزها از آن خداوند می باشند، ولی خدای متعال در کتاب خودش، برخی از آن ها که از ویژگی خاصی برخوردار هستند را، «ایام الله» نامیده است و انتساب آن ها به خدای متعال به خاطر وقایع و حوادثی است که در آن روزهای خاص اتفاق می افتد، و به نوعی خداوند در آن روزها قدرت نمایی می کند.

یکی از مهم ترین و باشکوه ترین آن روزها، روز «رجعت» می باشد، که در آن روز خداوند ﷻ با اراده و قدرت بی منتهای خودش، جلوه ای از روز قیامت (زنده شدن مردگان) را به جهانیان نشان می دهد.



سوره مبارکه حجر (۱۵)

شماره: ۲۲

کد آیه: ۱۵/۲ اسم آیه: رجعت امیرالمؤمنین علیه السلام و شیعیانشان

رُبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ ﴿۲﴾

کافران چه بسا آرزو می کنند که ای کاش مسلمان بودند!

عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، فِي خَبَرٍ طَوِيلٍ ... إِلَى أَنْ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: «رُبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ»، قَالَ: هُوَ أَنَا، إِذَا خَرَجْتُ أَنَا وَشِيعَتِي، وَخَرَجَ عُثْمَانُ بْنُ عَفَّانَ وَشِيعَتُهُ، وَنَقُتِلُ بَنِي أُمَيَّةَ، فَعِنْدَهَا «يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ».^۱

از جابر بن یزید نقل است که گفت: در روایتی طولانی حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: وجود مقدس امیرمؤمنان علی علیه السلام در تفسیر این فرمایش خداوند تبارک و تعالی: «رُبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ»، فرمودند: آن هنگامی است که من و شیعیانم خارج شویم، عثمان و پیروانش نیز خارج شوند و بنی امیه را از دم شمشیر بگذرانیم، آن روز کافران آرزو می کنند که ای کاش مسلمان بودند.

۱- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۶۴، ح ۵۵؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۷۲۱، ذیل ح ۲۹۱۲ و ج ۳، ص ۳۳۱؛

مختصر البصائر، ص ۸۹، ذیل ح ۵۵؛ مدینه معاجز الأئمة الإثنی عشر، ج ۳، ص ۹۸، ح ۷۵۸.

شماره: ۲۳

کد آیه: ۱۵/۳۸ اسم آیه: کشته شدن شیطان در رجعت

إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿٣٨﴾

تا روزی که وقت آن نزد ما معلوم و مشخص است.

۱- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يَنْعَثُونَ»، «قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ»، «إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»، قَالَ: يَوْمُ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ، يَوْمٌ يَذْبَحُهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَى الصَّخْرَةِ الَّتِي فِي بَيْتِ الْمَقْدِسِ.^۱

حضرت امام جعفر صادق عليه السلام در باره فرمایش خداوند تبارک و تعالی: «فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يَنْعَثُونَ»، «قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ»، «إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»، فرمودند: «يَوْمُ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»، روزی است که رسول خدا ﷺ، شیطان را بر صخره‌ای در بیت المقدس ذبح می‌کنند.

۲- عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو الْخَثْعَمِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ إِبْلِيسَ «قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ»^۲، فَأَبَى اللَّهُ ذَلِكَ عَلَيْهِ، فَقَالَ: «فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ»، «إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»، فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ظَهَرَ إِبْلِيسُ لَعْنَهُ

۱- بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۱۵۴، ح ۳۱ و ج ۶، ص ۲۴۴، ح ۹۶؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۶۵، ح ۵۸۶۳؛ تفسیر الصافی، ج ۳، ص ۱۱۳؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۴۵؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۷، ص ۱۲۹؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۴۷۲، ح ۹۴.

۲- سوره اعراف (۷)، آیه ۱۴.

الله في جميع اشياعه منذ خلق الله آدم إلى يوم الوقت المعلوم، وهي آخر كزة يكرها أمير المؤمنين عليه السلام، فقلت: وإنها لكرات؟

قال: نعم، إنها لكرات وكرات، ما من إمام في قرن إلا ويكر معه البر والفاجر في دهره، حتى يدل الله عز وجل المؤمن من الكافر.

فإذا كان يوم الوقت المعلوم، كر أمير المؤمنين عليه السلام في أصحابه، وجاء إبليس في أصحابه، ويكون مقاتلهم في أرض من أراضي الفرات، يقال لها: الرحاء قريب من كوفتك، فيقتلون قتالا لم يقتل مثله منذ خلق الله عز وجل العالمين، فكأنني أنظر إلى أصحاب علي أمير المؤمنين عليه السلام قد رجعوا إلى خلفهم القهقري مائة قدم، وكأنني أنظر إليهم وقد وقعت بعض أرجلهم في الفرات.

ف عند ذلك يهبط الجبار عز وجل «في ظلل من الغمام والملائكة وقضي الأمر»، رسول الله صلى الله عليه وآله أمامه بيده حربة من نور، فإذا نظر إليه إبليس رجع القهقري ناكصاً على عقبيه، فيقولون له أصحابه: أين تريد وقد ظفرت؟ فيقول: «إني أرى ما لا ترون...»^١، «...إني أخاف الله رب العالمين»^٢، فيلحقه النبي صلى الله عليه وآله فيطعنه طعنة بين كتفيه، فيكون هلاكه وهلاك جميع أشياعه، فعند ذلك يعبد الله عز وجل ولا يشرك به شيئاً.

ويفلح أمير المؤمنين عليه السلام أربعاً وأربعين ألف سنة، حتى يلد الرجل من شيعة علي عليه السلام ألف ولد من ضلبيه ذكراً، في كل سنة ذكراً، وعند ذلك تظهر الجنتان

١- سورة بقره (٢)، آية ٢١٠.

٢- سورة انفال (٨)، آية ٤٨.

٣- سورة حشر (٥٩)، آية ١٦.

الْمُدْهَامَتَانِ عِنْدَ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ مَا حَوْلَهُ بِمَا شَاءَ اللَّهُ.^۱

از عبد الکرم بن عمرو خثعمی نقل است که گفت: از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند: همانا ابلیس به خداوند عرض کرد: مرا تا روز قیامت مهلت ده، خدای سبحان خواسته او را نپذیرفت و فرمود: تا روز وقت معلوم مهلت داری، زمانی که روز وقت معلوم فرارسد، ابلیس که لعنت خدا بر او باد، با تمام هوادارانش، از زمان آفرینش حضرت آدم تا آن روز، پدیدار می شود، آن هنگام آخرین رجعتی است که امیرالمؤمنین علیه السلام انجام می دهند، به آن حضرت عرض کردم: مگر رجعت، چند بار صورت می گیرد؟

حضرت فرمودند: آری، رجعت چندین و چند بار است، هیچ امام و پیشوایی در هیچ قرنی نیست، مگر اینکه افراد مؤمن و نیکوکار و انسان های تبهکار زمان خودش، با او رجعت می کنند، تا اینکه خداوند به وسیله مؤمن، از کافر انتقام بگیرد، آن زمان که روز وقت معلوم فرا برسد، امیرالمؤمنین علیه السلام با یاران خودشان رجعت دارند، و ابلیس و هوادارانش نیز می آیند، و میعادگاه آنان در زمینی از زمین های فرات است که به آن (روحاء) می گویند، و آن نزدیک کوفه شما است، آنان با یکدیگر آنچنان نبردی می کنند، که از زمانی که خداوند جهانیان را آفریده، بی سابقه بوده است.

گویا به یاران امیرالمؤمنین علی علیه السلام می نگرم، که صد گام به عقب بر می گردند، (عقب نشینی می کنند) و گویا می بینم که قسمتی از پاهای آنان داخل فرات شده است، در این هنگام تجلی خدای جبار تبارک و تعالی، «به وسیله قطعه به هم پیوسته ای از ابر

۱- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۴۲، ح ۱۲؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۴۸، ح ۱۰۹۸ و ج ۳، ص ۳۶۵، ح ۵۸۶۴؛ مختصر البصائر، ص ۱۱۵، ح ۹۱؛ مدینه معجز الأئمة الإثنی عشر، ج ۳، ص ۱۰۱، ح ۷۶۴؛ نوادر الأخبار فیما يتعلق بأصول الدین (للفیض)، ص ۲۹۰، ح ۹.

و فرشتگان، فرود می آید، و وعده عملی می شود».

آنگاه رسول خدا ﷺ سلاحی از نور در دست دارند، هنگامی که ابلیس به آن حضرت می نگرَد، به عقب بر می گردد، و عقب می نشیند. یارانش به او می گویند: کجا می خواهی بروی، تو پیروز شده ای؟

پس ابلیس می گوید: «چیزی را که من می بینم شما نمی بینید»، «من از خداوند، پروردگار جهانیان بیم دارم»، در اینجا رسول خدا ﷺ با او درگیر می شوند و حربه ای به میان کتف او فرود می آورند، که هلاکت ابلیس و کلیه هوادارانش را در پی خواهد داشت، در این زمان خداوند ﷻ (به حق) عبادت می شود و نسبت به او شرک ورزیده نمی شود، و امیرالمؤمنین ﷺ مدّت چهل و چهار هزار سال حکومت می کنند، تا آنجا که از هر مرد شیعه و پیرو آن حضرت، هزار فرزند پسر به وجود آید، که در هر سال یک پسر، و در این زمان دو باغ سر سبز و سیاه فام در کنار مسجد کوفه و اطراف آن، آنگونه که خداوند بخواهد، پدیدار می گردد.

توضیح: یکی از شاگردان معروف حضرت امام جعفر صادق ﷺ، ابو جعفر محمد بن علی بن نعمان، معروف به (مؤمن الطاق) است. او مردی سخنور و حاضر جواب و شیرین زبان، و از متکلمین شیعه به شمار می آید، و به همین جهت، بزرگان و دانشمندان اهل تسنّن، از وی حساب می بردند.

بعضی گفته اند: علّت اینکه او را، مؤمن الطاق، می گفتند، این است که، وی در کوفه دگانی در محل معروف به (طاق المحامل) داشته، و در آن زمان سکه های تقلّبی شیوع یافته، که تشخیص آن، از پول اصلی برای مردم مشکل بود، و تنها مؤمن الطاق بود که به خوبی سکه های تقلّبی را تشخیص می داده است، از این جهت اهل تسنّن

او را (شیطان الطاق) می گفتند!

ابو جعفر مؤمن الطاق با ابو حنیفه که بزرگترین دانشمند اهل تسنن و فقیه نامی آن‌ها بود، داستان‌های شیرین و حکایت‌های لطیفی دارد، که همه حاکی از ظرافت طبع و سرعت انتقال و لطافت بیان او است، به عنوان مثال توجه شما را به یکی از آن داستان‌ها جلب می‌نمایم:

قَالَ أَبُو حَنِيفَةَ لِمُؤْمِنِ الطَّاقِ وَقَدْ مَاتَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليه السلام: يَا أَبَا جَعْفَرٍ! إِنَّ إِمَامَكَ قَدْ مَاتَ، فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ: لَكِنَّ إِمَامَكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ.

وقتی که حضرت امام جعفر صادق عليه السلام به شهادت رسیدند، ابو حنیفه، به مؤمن الطاق گفت: ای ابو جعفر! امام تو فوت شد! مؤمن الطاق در جواب گفت: آری، امام من به شهادت رسید، ولی امام تو (شیطان) زنده است، تا روزی که خداوند برای او معین کرده است!

مرحوم شیخ بهائی رحمته الله، در کتاب کشکولش نوشته است که مهدی خلیفه عباسی از سخن مؤمن الطاق خندید و امر کرد که ده هزار درهم به او بدهند!

سوره مبارکه نحل (۱۶)

شماره: ۲۴

اسم آیه: کفر منکران رجعت

کد آیه: ۱۶/۲۲

إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ ﴿۲۲﴾

معبود شما خداوند یگانه است اما کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند،
دل‌هایشان (حق را) انکار می کنند و مستکبرند.

۱- عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثُّمَالِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام، يَقُولُ: فِي قَوْلِهِ: «فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ»، يَعْنِي أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ بِالرَّجْعَةِ أَنَّهَا حَقٌّ، «قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ»، يَعْنِي أَنَّهَا كَافِرَةٌ. (الحديث)^۱

از جناب ابو حمزه ثمالی نقل است که گفت: از حضرت امام محمد باقر عليه السلام شنیدم که درباره این فرمایش خدای متعال: «فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ»، می فرمودند: یعنی کسانی که به آخرت ایمان نیاورند، آن‌ها به رجعت هم اعتقادی ندارند که البته رجعت حق است، و مقصود از: «قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ»، یعنی دل‌هایشان به انکار خو گرفته و آن‌ها کافرند.

۲- فِي تَفْسِيرِ الْعِيَاشِيِّ: عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «أَمْوَاتٌ غَيْرُ

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۵۳، ح ۳۳؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۱۰۴، ح ۴۶؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۳، ص ۴۱۱، ح ۵۹۹۷؛ تفسير القمى، ج ۱، ص ۳۸۳؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۷، ص ۱۹۵؛ تفسير نور الثقلين، ج ۳، ص ۴۷، ح ۵۴.

أَحْيَاءٍ^۱، يَعْنِي كُفَّارًا غَيْرَ مُؤْمِنِينَ، وَأَمَّا قَوْلُهُ: «وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ»^۲، فَإِنَّهُ يَعْنِي أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ وَأَنَّهُمْ يُشْرِكُونَ، «إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ»، فَإِنَّهُ كَمَا قَالَ اللَّهُ، وَأَمَّا قَوْلُهُ: «فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ»، فَإِنَّهُ يَعْنِي لَا يُؤْمِنُونَ بِالرَّجْعَةِ أَنَّهَا حَقٌّ^۳.

در تفسیر عیاشی: از جابر نقل است که گفت: حضرت امام محمد باقر علیه السلام در باره این سخن خدای متعال: «أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ»، فرمودند: یعنی آن مردگان کافرانند، چراکه مؤمن نیستند، و اما مقصود از: «وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ»، یعنی آنان ایمان نمی آورند و همانا آن ها مشرکند، و: «إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ»، همان گونه که خداوند فرموده، معبود یگانه است، و مقصود از: «وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ» یعنی به رجعت ایمان نمی آورند همانا آن، حق است.

۱- سورة نحل (۱۶)، آیه ۲۱.

۲- همان.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۱۸، ح ۱۴۷؛ تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۵۶، ح ۱۴؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۷، ص ۱۹۵؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۴۷، ح ۵۳.

شماره: ۲۵

کد آیه: ۱۶/۳۴ اسم آیه: عذاب در رجعت

فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٣٤﴾

و سرانجام بدی‌های اعمالشان به آن‌ها رسید و آنچه را (از وعده‌های عذاب) استهزا می‌کردند، بر آنان وارد شد.

روی علی بن ابراهیم، فی قوله تعالى: «فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ»، قَالَ: مِنَ الْعَذَابِ فِي الرَّجْعَةِ^۱.

جناب علی بن ابراهیم قمی، در تفسیر این سخن خدای متعال: «فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ»، می‌فرماید: مقصود از عذابی که مسخره می‌کردند، عذاب در رجعت است.

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۵۳؛ ح ۳۴؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۴۱۹، ح ۶۰۱۶؛

تفسیر الصافی، ج ۳، ص ۱۳۴؛ تفسیر القمی، ج ۱، ص ۳۸۵؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۷، ص ۲۰۶.

شماره: ۲۶

کد آیه: ۳۹ و ۱۶/۳۸ اسم آیه: کافران این امت

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَىٰ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٨﴾ لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلِفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ ﴿٣٩﴾

آن ها سوگندهای شدید به خدا یاد کردند که: «هرگز خداوند کسی را که می میرد، بر نمی انگیزد!» آری، این وعده قطعی خداست ، ولی بیشتر مردم نمی دانند! (۳۸) تا آنچه در آن اختلاف داشتند بر آنان آشکار گردد و کافران از سخنان دروغ آمیز و افکار نادرست خود کاملاً آگاه شوند. (۳۹)

۱- عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: قَوْلُهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَىٰ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»، قَالَ: فَقَالَ لِي: يَا أَبَا بَصِيرٍ! مَا تَقُولُ فِي هَذِهِ الْآيَةِ؟ قَالَ: قُلْتُ: إِنَّ الْمُشْرِكِينَ يَزْعُمُونَ وَ يَخْلِفُونَ لِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم أَنَّ اللَّهَ لَا يَبْعَثُ الْمَوْتَى. قَالَ: فَقَالَ: تَبَا لِمَنْ قَالَ هَذَا، سَلَهُمْ هَلْ كَانَ الْمُشْرِكُونَ يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ أَمْ بِاللَّاتِ وَ الْعُزَّى؟ قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَأَوْجَدْنِيهِ.

قَالَ: فَقَالَ لِي: يَا أَبَا بَصِيرٍ! لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ قَوْمًا مِنْ شِيعَتِنَا قِبَاغُ سَيُوفِهِمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ، فَيَبْلُغُ ذَلِكَ قَوْمًا مِنْ شِيعَتِنَا لَمْ يَمُوتُوا، فَيَقُولُونَ: بُعِثَ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ مِنْ قُبُورِهِمْ، وَ هُمْ مَعَ الْقَائِمِ عليه السلام، فَيَبْلُغُ ذَلِكَ قَوْمًا مِنْ عَدُوِّنَا، فَيَقُولُونَ: يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ! مَا أَكْذَبَكُمْ هَذِهِ دَوْلَتُكُمْ وَ أَنْتُمْ تَقُولُونَ فِيهَا الْكَذِبَ، لَا، وَ اللَّهِ! مَا عَاشَ

هَؤُلَاءِ وَلَا يَعِيشُونَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، قَالَ: فَحَكَى اللَّهُ قَوْلَهُمْ، فَقَالَ: «وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ».^۱

از ابو بصیر نقل است که گفت: به حضرت امام جعفر صادق عليه السلام عرض کردم که در باره این فرمایش خدای تبارک و تعالی: «وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَى وَغَدَا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»، برای من بفرمایید، حضرت فرمودند: ای ابو بصیر! مردم در باره این آیه چه می گویند؟ عرض کردم: می گویند: مشرکان می گفتند خدا مردگان را زنده نمی کند و برای اثبات این مدعی نزد رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قسم می خوردند.

حضرت فرمودند: مرگ بر کسانی که آیه را این چنین تفسیر می کنند، از اینان پیرس: مشرکان به خدا قسم می خوردند، یا به «لات و عزی»؟ عرض کردم: فدایتان شوم! پس آن را برایم معلوم و روشن فرمایید.

حضرت به من فرمودند: ای ابو بصیر! هنگام قیام قائم ما خداوند جمعی از شیعیان ما را در حالی که قبضه شمشیرشان را بر دوش نهاده اند، زنده می کند، از طرفی، وقتی این خبر به شیعیان ما، که در آن وقت زنده اند، می رسد، به یکدیگر بشارت می دهند که: فلانی و فلانی و فلانی، از قبرهایشان برخاسته اند، و در رکاب حضرت قائم عليه السلام هستند، از طرف دیگر، تا این خبر به عده ای از دشمنان ما می رسد، می گویند: ای گروه شیعه! شما چه قدر دروغ می گوید؟! این دوران دولت شما است، که در آن دروغ می گوید؟ نه،

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۴۷، ح ۲۴؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۲، ح ۱۰۲؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۴۲۰، ح ۶۰۲۰؛ تأویل الآيات الظاهرة، ص ۲۵۸؛ تفسیر الصافی، ج ۳، ص ۱۳۵؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۷، ص ۲۰۹؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۴، ح ۸۳؛ الکافی، ج ۸، ص ۵۱، ح ۱۴؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۵، ص ۱۱۰، ح ۱۴.

به خدا! اینها زنده نشده‌اند، و تا قیامت هم زنده نشوند، لذا خدای متعال در اینجا سخن آن‌ها را حکایت کرده است که می‌فرماید: «وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ».

۲- عَنْ سِيرِينَ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، إِذْ قَالَ: مَا يَقُولُ النَّاسُ فِي هَذِهِ الْآيَةِ: «وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ»؟ قَالَ: يَقُولُونَ: لَا قِيَامَةَ وَلَا بَعْثَ وَلَا نُشُورَ، فَقَالَ: كَذَبُوا، وَاللَّهِ! إِنَّمَا ذَلِكَ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكَرَّرَ مَعَهُ الْمُكْرَرُونَ. فَقَالَ أَهْلُ خِلَافِكُمْ: قَدْ ظَهَرَتْ دَوْلَتُكُمْ، يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ! وَهَذَا مِنْ كَذِبِكُمْ، تَقُولُونَ: رَجَعَ فُلَانٌ وَفُلَانٌ، لَا، وَاللَّهِ! «لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ»، أَلَا تَرَى أَنَّهُمْ قَالُوا: «وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ»، كَانَتْ الْمُشْرِكُونَ أَشَدَّ تَعْظِيمًا لِبِلَاتٍ وَ الْعُرَى مِنْ أَنْ يُقْسِمُوا بِغَيْرِهَا، فَقَالَ اللَّهُ: «...بَلَى وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا...»، «لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلِفُونَ فِيهِ وَ لِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ»، «إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»^۱.

از سیرین نقل است که گفت: خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بودم، حضرت فرمودند: مردم درباره این آیه چه می‌گویند: «وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ»؟ گفتم: می‌گویند: یعنی نه قیامت است، نه رستاخیز و نه روز محشر، حضرت فرمودند: به خدا قسم! دروغ می‌گویند، همانا این امر مربوط به ظهور حضرت قائم علیه السلام است، هنگامی که قیام می‌کند و رجعت کنندگان، همراه او

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۹۳، ح ۱۱۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۷۱، ح ۶۹؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۳، ص ۴۲۱، ح ۶۰۲۴؛ تفسير الصافي، ج ۳، ص ۱۳۶؛ تفسير العياشي، ج ۲، ص ۲۵۹، ح ۲۸؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۷، ص ۲۰۸؛ تفسير نور الثقلين، ج ۳، ص ۵۳، ح ۸۱.

رجعت می‌کنند، مخالفین شما می‌گویند: ای شیعیان! دولت شما برپا شده و اینکه می‌گویید: فلانی و فلانی زنده شده‌اند، از دروغ‌های شماس‌ست، نه، به خدا سوگند! خدا مردگان را زنده نمی‌کند، و آیا نمی‌بینی که خداوند فرموده است: «وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ»؟ مشرکان، لات و عزی را بسیار بزرگ می‌دانستند و جز به آن دو سوگند نمی‌خوردند، پس خدای متعال فرموده است: «...بَلَى وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا...»، «لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلَفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ»، «إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ».

۳- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: مَا يَقُولُ النَّاسُ فِيهَا؟ قَالَ: يَقُولُونَ: نَزَلَتْ فِي الْكُفَّارِ، قَالَ: إِنَّ الْكُفَّارَ كَانُوا لَا يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ، وَإِنَّمَا نَزَلَتْ فِي قَوْمٍ مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.
قِيلَ لَهُمْ: تُرْجَعُونَ بَعْدَ الْمَوْتِ قَبْلَ الْقِيَامَةِ، فَحَلَفُوا إِنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ، فَرَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فَقَالَ: «لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلَفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ»، يَعْنِي فِي الرَّجْعَةِ يَرُدُّهُمْ فَيَقْتُلُهُمْ وَ يَشْفِي صُدُورَ الْمُؤْمِنِينَ فِيهِمْ.^۱

حضرت امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: مردم درباره این آیه چه می‌گویند؟ عرض شد: می‌گویند که این آیه درباره کفار نازل شده، حضرت فرمودند: هیچ وقت کفار به خدا، قسم نمی‌خورند، این آیه درباره جمعی از امت حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل شده، که چون به آن‌ها گویند: بعد از مرگ، پیش از قیامت به دنیا برمی‌گردید، آن‌ها قسم

۱- إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب عَلَيْهِ السَّلَامُ، ج ۲، ص ۲۸۷؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۵۳، ح ۳۵؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۳، ص ۴۲۰، ح ۶۰۲؛ تفسير الصافي، ج ۳، ص ۱۳۵؛ تفسير القمي، ج ۱، ص ۳۸۵؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۷، ص ۲۰۹؛ تفسير نور الثقلين، ج ۳، ص ۵۴، ح ۸۴.

می خورند که برنمی گردند، پس خدای متعال سخن آنان را ردّ کرده، می فرماید: «لَيَبَيِّنَنَّ لَهُمْ الَّذِي يَخْتَلِفُونَ فِيهِ وَلَيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ»، (چرا برمی گردند) تا آنچه در آن اختلاف دارند بر ایشان بیان کند، و آن ها که کافر شدند بدانند دروغ گو بوده اند، یعنی در زمان رجعت، خداوند آنان را برمی گرداند، و می کشد، تا دلهای مؤمنان از این واقعه شاد و مسرور گردد.

سوره مبارکه اسراء (۱۷)

شماره: ۲۷

اسم آیه: رجعت جناب سلمان

کد آیه: ۱۷/۵

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا
خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا ﴿٥﴾

پس هنگامی که نخستین وعده فرا رسد، بندگان سرسخت و خشن را بر شما می فرستیم (تا سخت شما را در هم کوبند حتی برای به دست آوردن مجرمان) خانه ها را جستجو می کنند، و این وعده ای است قطعی.

عَنْ زَادَانَ، عَنْ سَلْمَانَ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَوْمًا فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيَّ قَالَ: يَا سَلْمَانُ! إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا وَلَا رَسُولًا إِلَّا جَعَلَ لَهُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا، قَالَ: قُلْتُ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! لَقَدْ عَرَفْتُ هَذَا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابَيْنِ، قَالَ: يَا سَلْمَانُ فَهَلْ عَرَفْتَ مَنْ نَقَبَائِي الْإِثْنَا عَشَرَ، الَّذِينَ اخْتَارَهُمُ اللَّهُ لِلْإِمَامَةِ مِنْ بَعْدِي؟ فَقُلْتُ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ! قَالَ: يَا سَلْمَانُ! خَلَقَنِي اللَّهُ مِنْ صَفْوَةِ نُورِهِ، وَدَعَانِي فَأَطَعْتُهُ وَخَلَقَ مِنْ نُورِي نُورَ عَلِيٍِّّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَدَعَاهُ إِلَى طَاعَتِهِ فَأَطَاعَهُ، وَخَلَقَ مِنْ نُورِي وَنُورِ عَلِيٍِّّ فَاطِمَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَدَعَاَهَا فَأَطَاعَتْهُ، وَخَلَقَ مِنْ بَيْنِي وَبَيْنِ عَلِيٍِّّ وَفَاطِمَةَ، الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ، فَدَعَاَهُمَا فَأَطَاعَاهُ، فَسَمَانَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِخَمْسَةِ أَسْمَاءٍ مِنْ أَسْمَائِهِ، فَاللَّهُ مُحَمَّدٌ وَأَنَا مُحَمَّدٌ، وَاللَّهُ الْعَلِيُّ وَهَذَا عَلِيٌّ، وَاللَّهُ فَاطِرٌ وَهَذِهِ فَاطِمَةُ، وَاللَّهُ ذُو الْإِحْسَانِ وَهَذَا الْحَسَنُ وَاللَّهُ الْمُحْسِنُ وَهَذَا الْحُسَيْنُ، ثُمَّ خَلَقَ مِنَّا وَ مِنْ نُورِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تِسْعَةَ أَيْمَةٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَدَعَاهُمْ فَأَطَاعُوهُ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ سَمَاءً مَبْنِيَّةً، أَوْ أَرْضاً مَدْحِيَّةً، أَوْ هَوَاءً وَ مَاءً وَ مَلَكاً أَوْ بَشَرًا، وَكُنَّا بِعِلْمِهِ أَنْوَارًا نُسَبِّحُهُ وَ نَسْمَعُ لَهُ وَ نَطِيعُ.

فَقَالَ سَلْمَانُ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! بِأَيِّ أَنْتَ وَأُمِّي! مَا لِمَنْ عَرَفَ هَؤُلَاءِ؟ فَقَالَ: يَا سَلْمَانُ! مَنْ عَرَفَهُمْ حَقَّ مَعْرِفَتِهِمْ وَافْتَدَى بِهِمْ، فَوَالَى وَلِيِّهِمْ وَتَبَرَّأَ مِنْ عَدُوِّهِمْ، فَهُوَ وَ اللَّهِ! مِنَّا يَرِدُ حَيْثُ نَرُدُّ وَ يَسْكُنُ حَيْثُ نَسْكُنُ.

قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَهَلْ يَكُونُ إِيْمَانُ بِهِمْ بِغَيْرِ مَعْرِفَةٍ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَنْسَابِهِمْ؟ فَقَالَ: لَا، يَا سَلْمَانُ! فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَأَنَّى لِي لِحَنَابِهِمْ؟ قَالَ: قَدْ عَرَفْتَ إِلَى الْحُسَيْنِ (عليه السلام)، قَالَ: ثُمَّ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ، عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عليه السلام)، ثُمَّ وَلَدُهُ، مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ (عليه السلام)، بَاقِرُ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، ثُمَّ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (عليه السلام)، لِسَانَ اللَّهِ الصَّادِقِ، ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ (عليه السلام)، الْكَاطِمُ غَيْظَهُ صَبْرًا فِي اللَّهِ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى (عليه السلام)، الرِّضَا لِأَمْرِ اللَّهِ، ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ (عليه السلام)، الْجَوَادُ الْمُخْتَارُ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ (عليه السلام)، الْهَادِي إِلَى اللَّهِ، ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ (عليه السلام)، الصَّامِتُ الْأَمِينُ عَلَى دِينِ اللَّهِ الْعَسْكَرِيُّ، ثُمَّ ابْنُهُ حُجَّةُ اللَّهِ فَلَانٌ، سَمَاهُ بِاسْمِهِ ابْنُ الْحَسَنِ الْمَهْدِيُّ (عليه السلام)، وَ النَّاطِقُ الْقَائِمُ بِحَقِّ اللَّهِ.

قَالَ سَلْمَانُ: فَبَكَيْتُ، ثُمَّ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَأَنَّى لِسَلْمَانَ يَأْذِرَاكِهِمْ؟ قَالَ: يَا سَلْمَانُ! إِنَّكَ مُدْرِكُهُمْ وَأَمْثَالُكَ وَمَنْ تَوَلَّاهُمْ بِحَقِيقَةِ الْمَعْرِفَةِ، قَالَ سَلْمَانُ: فَشَكَرْتُ اللَّهَ كَثِيرًا، ثُمَّ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنِّي مُوجَلٌّ إِلَى عَهْدِهِمْ؟ قَالَ: يَا سَلْمَانُ! اقْرَأْ: «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَى بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَ كَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا»، ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَيْنَ وَ جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا.

قَالَ سَلْمَانُ: فَاشْتَدَّ بُكَائِي وَ شَوْقِي وَ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! بِعَهْدٍ مِنْكَ؟ فَقَالَ: إِي، وَ الَّذِي أَرْسَلَ مُحَمَّدًا! إِنَّهُ لِبِعْهْدٍ مِنِّي وَ بِعَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ تِسْعَةَ أَيْمَةٍ، وَ كُلِّ مَنْ هُوَ مِنَّا وَ مَظْلُومٌ مِنَّا، إِي، وَ اللَّهِ! يَا سَلْمَانُ! ثُمَّ لِيَحْضُرَنَّ إِبْلِيسُ وَ جُنُودُهُ وَ كُلُّ مَنْ مَحْضُ الْإِيْمَانِ مَحْضًا، وَ مَحْضُ الْكُفْرِ مَحْضًا، حَتَّى يُؤْخَذَ بِالْقِصَاصِ وَ الْأَوْتَارِ وَ الشَّارَاتِ

«وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا»^۱، وَ يَحَقِّقُ تَأْوِيلَ هَذِهِ الْآيَةِ: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»، «وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ»^۲.

قَالَ سَلْمَانُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: فَقُمْتُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ مَا يُبَالِي سَلْمَانُ مَتَى لَقِيَ الْمَوْتَ أَوْ لَقِيَهُ^۳.

از زاذان نقل است که گفت: جناب سلمان عليه السلام فرمود: روزی محضر مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد شدم، چون نظرشان به من افتاد، فرمودند: ای سلمان! خداوند ﷻ، هیچ پیامبر و رسولی را مبعوث نفرموده، جز اینکه برای او دوازده نقیب قرار داده، عرض کردم: ای رسول خدا! این مطلب را از اهل کتاب تورات و انجیل دانسته‌ام، حضرت فرمودند: ای سلمان! آیا می‌دانی آن دوازده تن که خداوند بعد از من برای پیشوایی برگزیده است، چه کسانی هستند؟ عرض کردم: خدا و پیامبرش بهتر می‌دانند!

حضرت فرمودند: ای سلمان! خداوند مرا از نور پاک خود آفرید، مرا خواند پس اطاعت کردم، و از نور من، علی را آفرید، او را نیز خواند پس او اطاعت کرد، سپس از نور من و علی، فاطمه علیها السلام را خلق نمود، و او را نیز خواند پس اطاعت کرد، آنگاه از نور من و علی و فاطمه، حسن و حسین علیهما السلام را آفرید، آن‌دو را نیز به بندگی و اطاعت خود

۱- سوره کهف (۱۸)، آیه ۴۹.

۲- سوره قصص (۲۸)، آیه ۵ و ۶.

۳- بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۶، ح ۹ و ج ۵۳، ص ۱۴۲، ح ۱۶۲؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۵۰۳، ح ۶۲۴۹ و ج ۴، ص ۲۵۲، ح ۸۰۹۶؛ حلیه الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار علیهم السلام، ج ۶، ص ۳۵۸، ح ۳؛ دلائل الإمامة، ص ۴۴۸، ح ۴۲۴؛ مقتضب الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر، ص ۶؛ نوادر الأخبار فیما یتعلق بأصول الدین (للفیض)، ص ۱۲۸، ح ۲۶؛ الهدایة الکبری، ص ۳۷۵.

فراخواند پس آن‌ها نیز اطاعت کردند، پس خداوند ﷻ ما را به پنج اسم خود موسوم نمود، خدا محمود است و من محمد ﷺ هستم، خدا علی است، این هم علی بن ابی طالب ﷺ است، خدا فاطر السموات و الارض است، این هم فاطمه ﷺ است، خداوند صاحب احسان است، این هم حسن ﷺ است، و خداوند محسن است، این نیز حسین ﷺ است.

از آن پس از نور ما و نور حسین ﷺ، بقیّه امامان نه‌گانه را آفرید و آن‌ها را به پیروی از خود دعوت نمود، آن‌ها نیز پیش از آنکه آسمانی درست شود و زمینی پهن گردد و هوایی و آبی و فرشته‌ای و بشری باشد، پذیرفتند و خدا را اطاعت کردند، پس ما با علم خداوند، انواری بودیم، که او را پاک و منزه می‌دانستیم و از او اطاعت می‌کردیم. سلمان گفت: عرض کردم: ای رسول خدا! پدر و مادرم به فدایتان! کسی که ایشان را بشناسد چه ثواب و پاداشی دارد؟ حضرت فرمودند: ای سلمان! هر کس ایشان را بشناسد و به حقیقت به آنان معرفت پیدا نماید و از آنان پیروی کند، و دوستان آن‌ها را دوست بدارد، و از دشمنان آنان بیزاری بجوید، به خدا قسم! با ما خواهد بود، هر جا ما وارد شویم، آن‌ها نیز وارد می‌شوند و هر جا مسکن کنیم، آن‌ها نیز ساکن می‌شوند.

عرض کردم: ای رسول خدا! آیا بدون شناختن نام‌های ایشان، ایمان به آن‌ها کافی است؟ فرمودند: نه، ای سلمان! عرض کردم: ای رسول خدا! پس آن‌ها را به من معرفی فرمایید، حضرت فرمودند: آن‌ها را تا حسین دانستی (یعنی امیرالمؤمنین ﷺ و امام حسن ﷺ) بعد از حسین ﷺ، آقای عبادت‌کنندگان، علی بن الحسین ﷺ، و بعد از او فرزندش محمد بن علی ﷺ، شکافنده علم اولین و آخرین از پیامبران و مرسلین، بعد از او فرزندش جعفر بن محمد ﷺ، زبان صادق و گویای خداوند، بعد از او موسی بن جعفر ﷺ، فرو نشاننده غیظ و غضب خود به بردباری و صبر در راه خدای متعال، بعد

از او علی بن موسی علیه السلام، راضی به امر پروردگار، بعد از او محمد بن علی علیه السلام، برگزیده خلق خدا، بعد از او علی بن محمد علیه السلام، راهنمای خلق به سوی خدا، بعد از او حسن بن علی علیه السلام، صامت (خاموش) و امین بر اسرار خدا، و بعد از او فرزندش مهدی علیه السلام، ناطق و قائم بر حق خداوند صلی الله علیه و آله است.

سلمان گفت: پس من گریستم و عرض کردم: ای رسول خدا! سلمان کجاست که آن‌ها را درک کند؟ حضرت فرمودند: ای سلمان! تو و امثال تو، و هر کس که آنان را حقیقتاً و با معرفت، دوست بدارد، ایشان را درک خواهید کرد.

سلمان گفت: خدا را بسیار شکر کردم و سپس عرض کردم: ای رسول خدا! آیا من تا زمان آن‌ها خواهم بود؟ حضرت فرمودند: ای سلمان! این آیه را بخوان: «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا»، «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا».

سلمان گفت: گریه من از روی شوق شدت یافت و عرض کردم: ای رسول خدا! آیا این، در زمان شما خواهد بود؟ فرمودند: آری، سوگند به خدایی که محمد را فرستاده! در آن زمان، من و علی و فاطمه و حسن و حسین و نه امام دیگر علیه السلام، و هر که از ما است و به خاطر ما به او ستم شده، همه یک جا جمع خواهیم شد.

آری، به خدا سوگند! ای سلمان! سپس شیطان و لشکریانش، و همچنین هر مؤمن خالص، و هر کافر واقعی، بیایند تا قصاص و انتقام ظلم‌ها و خون‌ها گرفته شود، و خداوند به هیچ کس ستم نکند، و ماییم تأویل این آیه: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»، «وَنُرِىَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ»، سلمان گوید: از محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله برخاستم و باکی نداشتم که چه زمانی به استقبال مرگ بروم و یا مرگ مرا ملاقات نماید.

شماره: ۲۸

کد آیه: ۱۷/۶ اسم آیه: رجعت امام حسین علیه السلام

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا ﴿٦﴾

سپس شما را بر آن ها چیره می کنیم و شما را به وسیله دارایی ها و فرزندان کمکی خواهیم کرد و نفرات شما را بیشتر (از دشمن) قرار می دهیم.

۱- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْبَظَلِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، ... فِي قَوْلِهِ: «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ»، خُرُوجَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فِي سَبْعِينَ مِنْ أَصْحَابِهِ، عَلَيْهِمُ الْبَيْضُ، الْمَذْهَبُ لِكُلِّ بَيْضَةٍ وَجْهَانِ، الْمُؤَدُّونَ إِلَى النَّاسِ أَنَّ هَذَا الْحُسَيْنَ عليه السلام قَدْ خَرَجَ حَتَّى لَا يَشَكَّ الْمُؤْمِنُونَ فِيهِ، وَأَنَّهُ لَيْسَ بِدَجَالٍ وَلَا شَيْطَانٍ، وَالْحُبَّةُ الْقَائِمُ بَيْنَ أَظْهُرِهِمْ، فَإِذَا اسْتَقَرَّتِ الْمَعْرِفَةُ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّهُ الْحُسَيْنُ عليه السلام، جَاءَ الْحُبَّةُ الْمَوْتُ، فَيَكُونُ الَّذِي يُعَسِّلُهُ وَ يُكَفِّنُهُ وَيَحْتَطُّهُ وَيَلْحَدُهُ فِي حُفْرَتِهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام، وَلَا يَلِي الْوَصِيَّ إِلَّا الْوَصِيُّ^۱.

از عبد الله بن قاسم بطل نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق عليه السلام فرمودند: ... و مقصود از این سخن خدای متعال: «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ»، رجعت

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۰۹، ح ۱۱؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۳، ح ۱۰۳؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۳، ص ۵۰۳، ح ۶۲۴۸؛ تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ص ۲۷۲؛ تفسير الصافي، ج ۳، ص ۱۷۹؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۷، ص ۳۶۱؛ تفسير نور الثقلين، ج ۳، ص ۱۳۸، ح ۷۷؛ حلية الأبرار في أحوال محمد وآله الأطهار عليهم السلام، ج ۶، ص ۳۶۲، ح ۵؛ الكافي، ج ۸، ص ۲۰۶، ح ۲۵۰؛ مختصر البصائر، ص ۱۶۴، ح ۱۳۸.

امام حسین علیه السلام است، که همراه با هفتاد تن از یاران وفادار خود، کلاه خودهای زرین بر سر دارند، که از هر دو رو طلاست، آن‌ها به مردم خبر می‌دهند که این شخص، امام حسین علیه السلام است که رجعت نموده و بیرون آمده، تا هیچ مؤمنی در باره آن حضرت شک و تردید نکند، و بدون تردید، او دجال و شیطان نیست، و هنوز حجت بن الحسن علیه السلام میان مردم است، و چون در دل مؤمنان استوار شود که او امام حسین علیه السلام است، اجل امام دوازدهم، که حجت خدا است، فرا می‌رسد، پس امام حسین علیه السلام خواهد بود، که او را غسل می‌دهد و کفن و حنوط می‌کند، و به خاکش می‌سپارد، چرا که عهده‌دار تجهیز جنازه وصی نشود، مگر وصی و امام.

۲- عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يَكُرُّ إِلَى الدُّنْيَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام وَأَصْحَابُهُ، وَيَزِيدُ بْنُ مُعَاوِيَةَ وَأَصْحَابُهُ، فَيَقْتُلُهُمْ حَذْوُ الْقَدَّةِ بِالْقَدَّةِ، ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمْ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا»^۱.

از رفاعه بن موسی نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: اوّل کسی که به دنیا برمی‌گردد، حضرت حسین بن علی علیه السلام و اصحاب او هستند، و یزید و یارانش نیز بر می‌گردند، آنگاه بدون ذره‌ای کم و زیاد از آنان انتقام می‌گیرد، سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمودند: «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمْ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمَدَدْنَاكُمْ

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۹۴، ح ۱۱۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۷۶، ح ۷۸؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۵۰۶، ح ۶۲۵۶؛ تفسیر الصافی، ج ۳، ص ۱۷۹؛ تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۸۲، ح ۲۳؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۷، ص ۳۶۲؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۱۴۰، ح ۸۳؛ حلیة الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار علیهم السلام، ج ۶، ص ۳۶۹، ح ۱۸.

بِأَمْوَالٍ وَبَيْنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا».

۳- عَنْ الْمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ وَزَيْدِ الشَّحَامِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: سَمِعْنَاهُ يَقُولُ: إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يَكُرُّ فِي الرَّجْعَةِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام، وَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ أَرْبَعِينَ سَنَةً، حَتَّى يَسْقُطَ حَاجِبَاهُ عَلَى عَيْنَيْهِ.^۱

از معلى بن خنيس و زید شحام نقل است که گفتند: ما شنیدیم که حضرت امام جعفر صادق عليه السلام می فرمودند: همانا اول کسی که در رجعت برمی گردد، حضرت امام حسین عليه السلام است، و چهل سال در دنیا می ماند، تا ابروهایش روی چشمانش را بگیرد.

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۵۸، ح ۱۰۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۶۴، ح ۵۴؛ البرهان فى تفسير القرآن، ج ۳، ص ۵۰۶، ح ۶۲۵۷؛ حلیة الأبرار فى أحوال محمد وآله الأطهار عليهم السلام، ج ۶، ص ۳۶۷، ح ۱۳؛ مختصر البصائر، ص ۹۱، ح ۵۸.

شماره: ۲۹

کد آیه: ۱۷/۷۲ اسم آیه: رجعت کوردلان

وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٧٢﴾

اما کسی که در این جهان نابینا بوده است، در آخرت نیز نابینا و گمراه‌تر است!

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام، فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا»، قَالَ: فِي الرَّجْعَةِ.^۱

از ابو بصیر نقل است که گفت: حضرت امام محمد باقر عليه السلام، یا حضرت امام جعفر صادق عليه السلام، درباره این فرمایش خداوند تعالى: «وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا»، فرمودند: این مربوط به رجعت است.

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۷۴، ح ۸۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۶۷، ح ۶۱؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۵۶۰، ح ۶۴۸۴؛ تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۳۰۶، ح ۱۳۱؛ مختصر البصائر، ص ۹۶، ح ۶۵.

سورة مبارکه كهف (۱۸)

شماره: ۳۰

اسم آیه: رجعت اصحاب كهف

كد آیه: ۱۸/۱۲

ثُمَّ بَعَثْنَا هُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَى لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا ﴿١٢﴾

پس از آن خواب آنان را برانگیختیم تا معلوم گردانیم کدام یک از آن دو گروه، مدت درنگ در آن غار را بهتر احصا خواهند کرد.

رَوَى الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: يُخْرَجُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ سَبْعَةً وَعِشْرِينَ رَجُلًا، خَمْسَةَ عَشَرَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ، الَّذِينَ كَانُوا «يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَغْدِلُونَ»^۱، وَ سَبْعَةً مِنْ أَهْلِ الْكَهْفِ، وَ يُوشَعَ بْنِ نُونٍ، وَ سَلْمَانَ، وَ أَبَا دُجَانَةَ الْأَنْصَارِيِّ، وَ الْمُقْدَادَ، وَ مَالِكًا الْأَشْتَرِ، فَيَكُونُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ أَنْصَارًا وَ حُكَّامًا.^۲

از جناب مفضل بن عمر نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: از پشت شهر کوفه بیست و هفت نفر، همراه با حضرت قائم علیه السلام بیرون می آیند، پانزده نفر از آنان، از قوم حضرت موسی علیه السلام می باشند، همان کسانی که «به حق هدایت می کنند و به حق دآوری می نمایند»، و هفت نفر آنان، از اصحاب

۱- سورة اعراف (۷)، آیه ۱۵۹.

۲- الإرشاد فی معرفة حجج الله على العباد، ج ۲، ص ۳۸۶؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۵۰، ح ۲۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۹۰، ح ۹۵؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۶۲۰، ح ۶۶۳۵؛ تفسیر الصافی، ج ۳، ص ۲۳۸؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۸، ص ۴۳؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۲۵۲، ح ۴۰؛ روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۲، ص ۲۶۶؛ كشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۴۶۶.

کهف هستند، و یوشع بن نون، و سلمان، و ابو دجانة انصاری، و مقداد، و مالک اشتر، می باشند، که در دولت او، یاوران و حکمرانان او هستند.

توضیح: مرحوم علامه شیخ مفید رحمته الله در کتاب «الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد» می فرماید: ... صبح روز بعد ابن زیاد (لعتن خدا بر او باد) دستور داد که سر مقدس امام حسین علیه السلام را، در همه کوجه های کوفه و میان قبائل بگردانند؛ پس نقل است که زید بن ارقم گفت:

مُرَّ بِهِ عَلَيَّ وَهُوَ عَلَى رُمَحٍ وَأَنَا فِي غُرْفَةٍ، فَلَمَّا حَاذَانِي سَمِعْتُهُ يَقْرَأُ: «أُمَّ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا»، فَقَفَّ، وَ
الله! شَعْرِي وَنَادَيْتُ: رَأْسُكَ وَالله! يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ! أَعْجَبُ وَأَعْجَبُ.

سر امام حسین علیه السلام را، از نزدیک منزل من عبور دادند، در حالی که بالای نیزه قرار داشت، و من در آن وقت در میان اطاق نشسته بودم، هنگامی که سر مقدس آن حضرت، مقابل من رسید، شنیدم که این آیه مبارکه را قرائت می فرمودند:

«أُمَّ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا»، به خداوند قسم! از شنیدن این آیه موهای بدنم راست شد، و گفتم: ای پسر رسول خدا! به خدا قسم! داستان سر مبارک شما، عجیب تر و عجیب تر است.^۱

۱- الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۱۱۷؛ إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۱، ص ۴۷۳؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة، ص ۲۱۴، ح ۱۱؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۲۱؛ كشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۶۷؛ مدينة معاجز الأئمة الإثنی عشر، ج ۴، ص ۱۳۵، ح ۱۱۳۶.

سورة مباركة كهف (۱۸) ۱۵۳

مرحوم شیخ حرّ عاملی رحمته الله می فرماید: این از رجعت هم عجیب و غریب تر است، زیرا برگشتن روح در همه بدن، بسیار اتفاق افتاده، اما برگشتن روح به سر و زنده شدن سر، به تنهایی، بی سابقه است، پس هیچگاه اصل اعتقاد به رجعت را نباید بعید شمرد.^۱

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۱۴، ذیل ح ۱۱.

شماره: ۳۱

کد آیه: ۱۸/۸۳ اسم آیه: ذوالقرنین این امت

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْقَرْنَيْنِ قُلْ سَأَتْلُوا عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا ﴿٨٣﴾

و از تو (ای رسول) سؤال از ذوالقرنین می کنند، پاسخ ده که من به زودی حکایتی از او برای شما خواهم خواند.

۱- قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ: إِنَّ ذَا الْقَرْنَيْنِ كَانَ مَلِكًا عَادِلًا، فَأَحْبَبَهُ اللَّهُ وَ نَاصَحَ اللَّهُ فَنَصَحَهُ اللَّهُ، أَمَرَ قَوْمَهُ بِتَقْوَى اللَّهِ، فَضَرَبُوهُ عَلَى قَرْنَيْهِ بِالسَّيْفِ، فَغَابَ عَنْهُمْ مَا شَاءَ اللَّهُ، ثُمَّ رَجَعَ إِلَيْهِمْ فَدَعَاهُمْ إِلَى اللَّهِ، فَضَرَبُوهُ عَلَى قَرْنَيْهِ الْآخَرِ بِالسَّيْفِ، فَذَلِكَ قَرْنَاهُ، وَ فِيكُمْ مِثْلُهُ يَغْنِي نَفْسَهُ، لِأَنَّهُ ضُرِبَ عَلَى رَأْسِهِ ضَرْبَتَيْنِ، أَحَدُهُمَا يَوْمَ الْخَنْدَقِ، وَ الثَّانِي ضَرْبُهُ ابْنِ مُلْجَمٍ لَعَنَهُ اللَّهُ.^۱

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: همانا ذوالقرنین پادشاهی عادل بود، از این رو خداوند او را دوست می داشت، او برای رضای خدا مردم را موعظه نمود، خداوند هم خیرخواه او بود، قوم خود را به پرهیزگاری و ترس از خدا فرمان داد، ولی آن ها با شمشیر به یک طرف پیشانیش زدند، که بر اثر آن مدتی از ایشان دور شد، سپس نزد آنان بازگشته و آنان را به پرستش خدای متعال دعوت نمود، ولی ضربت دیگری با شمشیر به طرف دیگر پیشانیش زدند، و دو فرق او این دو بود (ذوالقرنین، یعنی صاحب دو شاخ)، و در بین شما نیز، نظیر او هست، که منظور آن حضرت،

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۳۵، ح ۵۴؛ بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۴۳، ح ۱۴؛ مناقب

آل أبی طالب علیه السلام (لابن شهر آشوب)، ج ۳، ص ۸۷.

خودشان بود، كه دو ضربت بر فرق مباركشان وارد شد؛ يك ضربت در جنگ خندق، و ديگرى ضربت ابن ملجم كه لعنت خدا بر او باد.

۲- عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: إِنَّ ذَا الْقُرْنَيْنِ كَانَ عَبْدًا صَالِحًا، جَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حُجَّةً عَلَى عِبَادِهِ، فَدَعَا قَوْمَهُ إِلَى اللَّهِ وَآمَرَهُمْ بِتَقْوَاهُ، فَضَرَبُوهُ عَلَى قَرْنِهِ، فَغَابَ عَنْهُمْ زَمَانًا، حَتَّى قِيلَ مَاتَ أَوْ هَلَكَ بِأَيِّ وَادٍ سَلَكَ، ثُمَّ ظَهَرَ وَرَجَعَ إِلَى قَوْمِهِ، فَضَرَبُوهُ عَلَى قَرْنِهِ الْآخَرِ، وَفِيكُمْ مَنْ هُوَ عَلَى سُنَّتِهِ وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مَكِّنَ لِدَيِ الْقُرْنَيْنِ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ لَهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا وَبَلَغَ الْمَغْرِبَ وَالْمَشْرِقَ، وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى سَيَجْرِي سُنَّتُهُ فِي الْقَائِمِ مِنْ وَلَدِي، فَيُبَلِّغُهُ شَرْقَ الْأَرْضِ وَغَرْبَهَا، حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْهُلٌ وَلَا مَوْضِعٌ مِنْ سَهْلٍ وَلَا جَبَلٍ وَطْنُهُ ذُو الْقُرْنَيْنِ إِلَّا وَطْنُهُ، وَيُظْهِرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ وَمَعَادِنَهَا، وَيَنْصُرُهُ بِالرُّعْبِ، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ بِهِ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا.^۱

از جناب جابر بن عبد الله انصاری نقل است كه گفت: از رسول خدا ﷺ شنيدم كه مى فرمودند: ذو القرنين يكي از بندگان صالح بود، كه خداوند ﷻ او را براى بندگان شبحت قرار داده بود، او قوم خود را به سوى خداوند دعوت نمود و آنها را به تقوى فرمان داد، ولى آنان به پيشانى او ضربتى زدند، پس او هم مدتى از آنها پنهان شد، تا جايى كه گفتند: او مرده يا هلاك شده، آيا به کدام وادى رفته؟

۱- إثبات الهداة، ج ۵، ص ۹۶، ح ۱۸۱؛ إعلام الورى بأعلام الهدى، ج ۲، ص ۲۴۹؛ بحار الأنوار، ج ۱۲، ص ۱۹۵، ح ۱۹ و ج ۵۲، ص ۳۲۳، ح ۳۱؛ البرهان فى تفسير القرآن، ج ۳، ص ۶۶۲، ح ۶۷۵۸؛ تفسير نور الثقلين، ج ۳، ص ۲۹۴، ح ۲۰۴؛ كشف الغمة فى معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۵۲۷؛ كمال الدين و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۹۴، ح ۴.

پس از مدّتی، بار دیگر ظاهر شد، و به میان قومش مراجعت کرد، ولی این بار به طرف دیگر پیشانی او ضربه زدند.

آگاه باشید! که در میان شما هم کسی هست که مانند او خواهد بود، خداوند ﷻ به ذو القرنین قدرت فوق العاده‌ای داد، و سلطنت او تا شرق و غرب عالم پیش رفت، و خداوند تبارک و تعالی همین سنّت را در قائم ﷺ، که از فرزندان من است، جاری خواهد نمود، و سلطنت او را هم به شرق و غرب عالم خواهد رسانید، و هر جا که مورد تصرّف ذو القرنین بوده، به تصرّف او هم خواهد رسید، خدای متعال گنج‌ها و معادن زمین را برای او ظاهر می‌کند، و او را با رعب و ترس، یاری می‌نماید، و زمین را پس از آن که از ظلم و جور پر شده باشد، آکنده از عدل و داد می‌سازد.

توضیح: با توجّه به روایاتی که می‌فرمایند: «هرچه در امتّهای گذشته بوده، در این امتّ هم هست»، و با توجّه به حکایت ذو القرنین و امثال آن، می‌توان بر اثبات رجعت، استدلال نمود.

سورة مبارکه مریم (۱۹)

شماره: ۳۲

کد آیه: ۱۹/۵۴ اسم آیه: وعده رجعت به اسماعیل بن حزقیل علیه السلام

وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا ﴿۵۴﴾

و در این کتاب (آسمانی) از اسماعیل (نیز) یاد کن، که او در وعده هایش صادق، و رسول و پیامبر بود!

عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْعَجَلِيِّ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! أَخْبِرْنِي عَنْ إِسْمَاعِيلَ الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ حَيْثُ يَقُولُ: «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا»، أَكَانَ إِسْمَاعِيلُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام؟ فَإِنَّ النَّاسَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُ إِسْمَاعِيلُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ.

فَقَالَ عليه السلام: إِنَّ إِسْمَاعِيلَ مَاتَ قَبْلَ إِبْرَاهِيمَ، وَإِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ حُجَّةً لِلَّهِ كُلَّهَا قَائِمًا صَاحِبَ شَرِيعَةٍ، فَإِلَى مَنْ أُرْسِلَ إِسْمَاعِيلُ إِذَنْ؟

فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَمَنْ كَانَ؟ قَالَ عليه السلام: ذَلِكَ إِسْمَاعِيلُ بْنُ حَزْقِيلَ النَّبِيِّ عليه السلام، بَعَثَهُ اللَّهُ إِلَى قَوْمِهِ، فَكَذَّبُوهُ فَقَتَلُوهُ وَسَلَخُوا وَجْهَهُ، فَغَضِبَ اللَّهُ لَهُ عَلَيْهِمْ، فَوَجَّهَ إِلَيْهِ أَسْطَاطَانِيلَ مَلَكَ الْعَذَابِ، فَقَالَ لَهُ: يَا إِسْمَاعِيلُ! أَنَا أَسْطَاطَانِيلُ مَلَكُ الْعَذَابِ وَجَّهَنِي إِلَيْكَ رَبُّ الْعِزَّةِ لِأَعَذِّبَ قَوْمَكَ بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ إِنْ شِئْتُ، فَقَالَ لَهُ إِسْمَاعِيلُ: لَا حَاجَةَ لِي فِي ذَلِكَ، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: فَمَا حَاجَتُكَ يَا إِسْمَاعِيلُ؟ فَقَالَ: يَا رَبِّ! إِنَّكَ أَخَذْتَ الْمِيثَاقَ لِنَفْسِكَ بِالزُّبُوبِيَّةِ وَلِمُحَمَّدٍ عليه السلام بِالنُّبُوَّةِ وَلِأَوْصِيَائِهِ بِالْوِلَايَةِ وَأَخْبَرْتَ خَيْرَ خَلْقِكَ بِمَا تَفْعَلُ أُمَّتُهُ بِالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام مِنْ بَعْدِ نَبِيِّهَا، وَإِنَّكَ وَعَدْتَ

الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ تَكْرَهُ إِلَى الدُّنْيَا حَتَّى يَنْتَقِمَ بِنَفْسِهِ مِمَّنْ فَعَلَ ذَلِكَ بِهِ، فَحَاجَتِي إِلَيْكَ يَا رَبِّ! أَنْ تَكْرِنِي إِلَى الدُّنْيَا حَتَّى أُنْتَقِمَ مِمَّنْ فَعَلَ ذَلِكَ بِي كَمَا تَكْرُ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَوَعَدَ اللَّهُ إِسْمَاعِيلَ بْنَ حَزْقِيلَ ذَلِكَ، فَهُوَ يُكْرُ مَعَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.^۱

از برید بن معاویه العجلی نقل است که گفت: خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم: ای پسر رسول خدا! مرا از اسماعیل که حق تعالی در کتاب خودش از او یاد کرده و فرموده: «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا»، خبر دهید، آیا مقصود، اسماعیل بن ابراهیم علیه السلام است، همان طور که مردم این گونه می‌پندارند، که او اسماعیل بن ابراهیم علیه السلام می‌باشد؟

حضرت علیه السلام فرمودند: اسماعیل علیه السلام، قبل از حضرت ابراهیم علیه السلام از دنیا رفت، و جناب ابراهیم علیه السلام حجت قائم حق تعالی، و صاحب شریعت بود، و با این حال، اسماعیل علیه السلام با چنین موقعیتی، به جانب چه کسانی می‌توانست مبعوث شده باشد؟! راوی می‌گوید: عرض کردم: پس اسماعیل در آیه مذکور چه کسی است؟

حضرت فرمودند: او، اسماعیل پسر حزقیل پیامبر می‌باشد، که خدای متعال او را به جانب قومش مبعوث نمود، و آن‌ها وی را تکذیب کرده و کشتند، و سپس پوست صورتش را کردند، پس خداوند به ایشان غضب نمود، و اسطاطایل را، که فرشته عذاب است، بر او نازل کرد، فرشته عرضه داشت: ای اسماعیل! من اسطاطایل فرشته عذاب هستم، پروردگار ﷻ مرا نزد تو فرستاده، تا اگر بخواهی قوم تو را با انواع عذاب‌ها، عذاب نمایم، اسماعیل علیه السلام به او فرمود: ای اسطاطایل! به این امر نیاز و احتیاجی ندارم.

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۲۸، ح ۴۲؛ بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۳۹۰، ح ۶ و ج ۴۴، ص ۲۳۷، ح ۲۸ و ج ۵۳، ص ۱۰۵، ح ۱۳۲؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۷۲۰، ح ۶۹۰؛ کامل الزیارات، ص ۶۵، ح ۳؛ مختصر البصائر، ص ۴۳۱، ح ۵۰۹.

پس حق تعالی به او وحی نمود: ای اسماعیل! حاجت تو چیست؟ اسماعیل عرض کرد: پروردگارا! تو برای خودت پیمان ربوبیت گرفتی و برای حضرت محمد ﷺ پیمان نبوت و برای اوصیایش پیمان ولایت گرفتی، و مردم را به آنچه امت پیامبرت پس از او با حسین بن علی علیه السلام انجام می دهند، خبر دادی و به حسین علیه السلام وعده دادی که او را به دنیا برگردانی تا اینکه به دست خود از کسانی که با او آن رفتار را داشتند، انتقام بگیرد. پروردگارا! حاجت من از تو این است که مرا به دنیا برگردانی تا من نیز از کسی که آن مصیبت را بر من وارد نمود، انتقام بگیرم، همان گونه که حسین علیه السلام رجعت خواهد نمود.

پس خدای متعال به اسماعیل بن حزقیل علیه السلام، وعده داد، که او را با حضرت حسین بن علی علیه السلام به دنیا برگرداند.

سوره مبارکه طه (۲۰)

شماره: ۳۳

اسم آیه: رجعت ناصیان

کد آیه: ۲۰/۱۲۴

وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمًى ﴿١٢٤﴾

و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت و روز قیامت، او را نابینا محسوس می‌کنیم!

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: «فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا»، قَالَ: هِيَ، وَاللَّهُ! النَّصَابُ، قَالَ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! قَدْ رَأَيْنَاهُمْ دَهْرَهُمْ الْأَطْوَلَ فِي كِفَايَةٍ حَتَّى مَاتُوا، قَالَ: ذَلِكَ، وَاللَّهُ! فِي الرَّجْعَةِ، يَأْكُلُونَ الْعَذْرَةَ^۱.

از معاویه بن عمار نقل است که گفت: به حضرت امام جعفر صادق عليه السلام عرض کردم: مقصود این سخن خدای متعال: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا»، چیست؟ حضرت فرمودند: به خدا قسم! این آیه در باره نواصب (و دشمنان ما) است.

عرض کردم: فدایتان شوم! ما که آن‌ها را همواره در ناز و نعمت دیده و می‌بینیم و بدین گونه هم می‌میرند، حضرت فرمودند: به خدا قسم! این، در هنگام رجعت

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۵۵، ح ۳۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۵۱، ح ۲۸؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۳، ص ۷۸۵، ح ۷۰۶۸ و ۷۰۶۹؛ تفسير الصافي، ج ۳، ص ۳۲۵؛ تفسير القمي، ج ۲، ص ۶۵؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۸، ص ۳۶۹؛ تفسير نور الثقلين، ج ۳، ص ۴۰۵، ح ۱۶۸؛ مختصر البصائر، ص ۹۱، ح ۵۹.

خواهد بود، که در آن زمان آن‌ها نجاست می‌خورند.

توضیح: مرحوم طبرسی رحمته الله در کتاب (الاحتجاج) خود می‌نویسد: مؤمن الطاق، را با ابو حنیفه حکایات بسیاری است، از جمله اینکه روزی ابو حنیفه از مؤمن الطاق پرسید:

إِنَّكُمْ تَقُولُونَ بِالرَّجْعَةِ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ أَبُو حَنِيفَةَ: فَأَعْطِنِي الْآنَ أَلْفَ دِرْهَمٍ، حَتَّى أُعْطِيَكَ أَلْفَ دِينَارٍ، إِذَا رَجَعْنَا، قَالَ الطَّاقِيُّ لِأَبِي حَنِيفَةَ: فَأَعْطِنِي كَفِيلًا، بِأَنَّكَ تَرْجِعُ إِنْسَانًا، وَلَا تَرْجِعُ خِنْزِيرًا^۱.

ای ابو جعفر! آیا شما به رجعت عقیده دارید؟ گفت: آری، ابو حنیفه از روی تمسخر گفت: پس، از این کیسه خود، هزار درهم به من قرض بده، تا وقتی من و تو در رجعت دوباره به دنیا برگشتیم، من به تو هزار دینار بپردازم! مؤمن الطاق به سرعت در جواب گفت: تو یک ضامن بیاور تا برایت ضمانت کند که تو به صورت آدم به دنیا برمی‌گردی، تا من این مبلغ را به تو بدهم، چون من می‌ترسم که تو به شکل خوک برگردی، و من نتوانم طلب خود را وصول نمایم!

۱- الاحتجاج على أهل اللجاج (للطبرسي)، ج ۲، ص ۳۸۱؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۶۶؛ بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۳۹۹؛ مختصر البصائر، ص ۴۷۸، ح ۵۲۷.

سوره مبارکه انبیاء (۲۱)

شماره: ۳۴

کد آیه: ۲۱/۳۵ اسم آیه: مرگ شهدا بعد از رجعت

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً ۖ وَالْيَنَّا تَرْجِعُونَ ﴿٣٥﴾

هر کسی طعم مرگ را خواهد چشید و شما را با شر و خیر مورد آزمایش قرار می دهیم و همه شما به سوی ما بازگشت می کنید.

عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، قَالَ: لَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَلَهُ قَتْلَةٌ وَ مَوْتَةٌ، إِنَّهُ مَنْ قُتِلَ نُشِرَ حَتَّى يَمُوتَ، وَ مَنْ مَاتَ نُشِرَ حَتَّى يُقْتَلَ، ثُمَّ تَلَوْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام هَذِهِ الْآيَةَ: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ»، فَقَالَ: وَ مَنْشُورَةٌ، قُلْتُ: قَوْلُكَ وَ مَنْشُورَةٌ، مَا هُوَ؟ فَقَالَ: هَكَذَا نَزَلَ بِهَا جَبْرَائِيلُ عَلَى مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله وسلم: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ - مَنْشُورَةٌ»، ثُمَّ قَالَ: مَا فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ إِلَّا وَ يُنْشَرُ، أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ فَيُنْشَرُونَ إِلَى قَرَّةٍ أَعْيُنِهِمْ، وَ أَمَّا الْفَجَّارُ فَيُنْشَرُونَ إِلَى خَزْيٍ اللَّهِ إِيَّاهُمْ. (الحديث)^۱

از جناب جابر بن یزید نقل است که گفت: حضرت امام محمد باقر عليه السلام فرمودند: هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه یک کشته شدن دارد و یک مرگ، همانا کسی که کشته شود، برمی گردد تا بمیرد و کسی که بمیرد، برمی گردد تا کشته شود، جابر بن یزید می گوید: سپس من این آیه را برای حضرت خواندم که فرمود: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ»، پس حضرت فرمودند: «و منشوره»، پرسیدم: منظور شما از عبارت «و منشوره» چیست؟

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۷۲، ح ۷۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۶۴، ح ۵۵؛ البرهان

في تفسير القرآن، ج ۱، ص ۷۲۱، ح ۲۰۱۲ و ج ۴، ص ۴۰۰، ح ۸۵۰۰؛ مختصر البصائر، ص ۸۸، ح ۵۵.

فرمودند: جبرئیل این آیه را این چنین بر حضرت محمد ﷺ نازل نمود: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ مَنْشُورَةٌ». سپس فرمودند: در این امت هیچ نیکوکار و بدکاری نیست، مگر اینکه برمی گردد، اما مؤمنان باز می گردند تا چشمشان روشن شود، ولی کفار باز می گردند تا دچار عذاب الهی شوند.

تذکر: البته شما می توانید در این زمینه، به گدهای: ۳/۱۴۴ و ۳/۱۸۵ نیز مراجعه فرمائید.

شماره: ۳۵

کد آیه: ۲۱/۹۵ **اسم آیه: عدم رجعت عذاب شدگان**

وَحَرَامٌ عَلَىٰ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿٩٥﴾

و حرام است بر شهرها و آبادی‌هایی که (بر اثر گناه) نابودشان کردیم
(که به دنیا بازگردند) آن‌ها هرگز باز نخواهند گشت!

فَقَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: كُلُّ قَرْيَةٍ أَهْلَكَ اللَّهُ أَهْلَهَا بِالْعَذَابِ لَا يَرْجِعُونَ فِي الرَّجْعَةِ، وَأَمَّا
يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَرْجِعُونَ الَّذِينَ مَحَضُوا الْإِيمَانَ مَحَضًا، وَغَيْرُهُمْ مِمَّنْ لَمْ يَهْلِكُوا بِالْعَذَابِ
وَمَحَضُوا الْكُفْرَ مَحَضًا يَرْجِعُونَ.^۱

حضرت امام جعفر صادق عليه السلام فرمودند: هر شهری که خداوند اهلش را به عذاب
هلاک کرده است، در رجعت باز نمی‌گردند، اما در قیامت برمی‌گردند، و در رجعت
مؤمن خالص، و کافر خالص و آنان که به عذاب خدا نمرده‌اند، برمی‌گردند.

نکته: اگر خوب دقت کنید، متوجه خواهید شد که این آیه شریفه، یکی از
بزرگترین دلایل، اثبات رجعت است، چون هیچ مسلمانی منکر آن نیست که در
قیامت همه مردم زنده می‌شوند، چه هلاک شده باشند و چه نشده باشند، پس

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۴۷، ح ۲۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۶۱ و ص ۴۹؛ البرهان
فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۹۱ و ج ۳، ص ۸۴۰، ذیل ح ۷۱۹۹؛ تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۵؛ تفسیر کنز
الدقائق و بحر الغرائب، ج ۸، ص ۴۷۱؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۴۵۸، ح ۱۶۷؛ مختصر البصائر،
ص ۱۵۰، ذیل ح ۱۱۵.

اینکه می فرماید: «کسانی که هلاک شده اند بر نمی گردند»، یعنی آن ها در رجعت بر نمی گردند، ولی هلاک شدگان حتماً در قیامت بر می گردند تا به حسابشان رسیدگی شود و سپس در دوزخ، کیفر اعمال زشت خود را ببینند و به عذاب الهی دچار شوند.

شماره: ۳۶

کد آیه: ۲۱/۱۰۵ اسم آیه: وارثان زمین در رجعت

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ﴿۱۰۵﴾

و ما بعد از تورات در زبور (داود) نوشتیم که البته بندگان نیکوکار من
ملک زمین را وارث و متصرف خواهند شد.

۱- عَنْ أَبِي الْوَرْدِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، قَالَ: قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ
الصَّالِحُونَ»، هُمْ آلُ مُحَمَّدٍ عليه السلام.^۱

از ابو الورد نقل است که گفت: حضرت امام محمد باقر عليه السلام در باره این فرمایش
خداوند تعالی: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»، فرمودند: مقصود از عباد صالح در
این آیه، آل محمد عليه السلام هستند.

۲- مِنْ كِتَابِ عِلَلِ الشَّرَائِعِ، لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، وَكَانَتْ عِنْدَنَا
مِنْهُ نُسخةٌ قَدِيمَةٌ، قَالَ: أَخْبَرَ اللَّهُ تَعَالَى نَبِيَّهُ صلی الله علیه و آله فِي كِتَابِهِ مَا يُصِيبُ أَهْلَ بَيْتِهِ بَعْدَهُ
مِنَ الْقَتْلِ وَالْغَضَبِ وَالْبَلَاءِ، ثُمَّ يَرُدُّهُمْ إِلَى الدُّنْيَا وَيَقْتُلُونَ أَعْدَاءَهُمْ وَيَمْلِكُهُمُ
الْأَرْضَ، وَهُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ
الصَّالِحُونَ»، وَقَوْلُهُ: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»^۲، الْآيَةُ.^۱

۱- بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۳۵۸، ح ۷۸؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۸۴۷، ح ۷۲۱۷؛ تأویل الآیات
الظاهرة، ص ۳۲۶؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۸، ص ۴۸۳.

۲- سورة نور (۲۴)، آیه ۵۵.

مرحوم علامه مجلسی رحمته الله از کتاب «علل الشرائع»، تألیف: محمد بن علی بن ابراهیم بن هاشم (قمی)، (فرزند صاحب تفسیر قمی) که نسخه قدیمی آن نزد ایشان موجود بوده است، می نویسد: خداوند در قرآن به پیامبرش صلی الله علیه و آله خبر داد که اهل بیتش بعد از او مبتلای به کشته شدن، و غصب حقشان، و گرفتاری هایی می شوند، و آنگاه خداوند آن ها را به دنیا برمی گرداند، و آن ها دشمنان خود را به مجازات اعمال و کردارشان می رسانند، و سپس خداوند زمین را در اختیار آن ها قرار می دهد، و این همان فرمایش خدای متعال است که فرمود: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»، و این که فرمود: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ».

→

۱- إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب عليه السلام، ج ۲، ص ۲۷۷؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۹۰، ح ۱۷۵، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۱۷، ح ۱۴۳.

سوره مبارکه مؤمنون (۲۳)

شماره: ۳۷

کد آیه: ۲۳/۷۷ اسم آیه: رجعت امیر المؤمنین علیه السلام

حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴿٧٧﴾

تا زمانی که دری از عذاب شدید به روی آنان بگشاییم، (و چنان گرفتار می شوند که) ناگهان به کلی مأیوس گردند.

عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، قَالَ: ... وَ قَوْلُهُ: «حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ»، هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام إِذَا رَجَعَ فِي الرَّجْعَةِ.^۱

از جابر بن یزید نقل است که گفت: حضرت امام محمد باقر علیه السلام در باره این فرمایش خدای متعال: «حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ»، فرمودند: او حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام است، هنگامی که در زمان رجعت، برمی گردد.

۱- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۶۴، ح ۵۵؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۷۲۱، ذیل ح ۲۰۱۲ و ج ۴، ص ۳۲،

ح ۷۵۱۴؛ مختصر البصائر، ص ۸۸، ذیل ح ۵۵.

سوره مبارکه شعراء (۲۶)

شماره: ۳۸

کد آیه: ۲۶/۴ اسم آیه: ذلت بنی امیه در رجعت

إِنْ نَشَأْ نُنْزِلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ ﴿٤﴾

ما اگر بخواهیم از آسمان آیت قهری نازل گردانیم که همه به جبر گردن
زیر بار (ایمان به) آن فرود آرند.

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «إِنْ نَشَأْ نُنْزِلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ»، قَالَ: تَخَضَّعُ لَهَا رِقَابُ بَنِي أُمَيَّةَ، قَالَ: ذَلِكَ بَارِزٌ عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ، قَالَ: وَ ذَلِكَ عَلَيَّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام، يَبْرُزُ عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ عَلَى رُءُوسِ النَّاسِ سَاعَةً حَتَّى يَبْرُزَ وَجْهُهُ، وَيَعْرِفُ النَّاسُ حَسْبَهُ وَ نَسَبَهُ؛ ثُمَّ قَالَ: أَمَّا إِنْ بَنِي أُمَيَّةَ لِيَخْتَبِينَ الرَّجُلَ مِنْهُمْ إِلَى جَنْبِ شَجَرَةٍ، فَتَقُولُ: هَذَا رَجُلٌ مِنْ بَنِي أُمَيَّةَ فَاقْتُلُوهُ.^۱

از ابو بصیر نقل است که گفت: از حضرت امام محمد باقر عليه السلام در باره این فرمایش خداوند عز وجل: «إِنْ نَشَأْ نُنْزِلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ»، پرسیدم، حضرت فرمودند: گردن های بنی امیه در برابر آن آیه خاضع

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۸۲، ح ۱۵۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۰۹، ذیل ح ۱۳۸؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۱۶۸، ح ۷۸۸ و ص ۱۶۹، ح ۷۸۸۳؛ حلیة الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار عليهم السلام، ج ۶، ص ۲۹۴، ح ۹؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۹، ص ۴۵۸؛ مختصر البصائر، ص ۴۸۲، ح ۵۳۳.

۱۷۰..... کلید واژه آیات رجعت در قرآن کریم

می شود، سپس فرمودند: آن آیه و نشانه، هنگام زوال خورشید آشکار می گردد، و آن آیه، علی بن ابی طالب علیه السلام است که هنگام زوال خورشید، ساعتی بالای سر مردم آشکار می گردد، به گونه ای که صورت مبارکش هویدا می شود و مردم حسب و نسب او را می شناسند.

سپس فرمودند: آگاه باشید! که در آن ایام، بنی امیه آنقدر خوار می شوند که اگر یکی از آن ها در زیر درختی پنهان شود، آن درخت بانگ می زند که: اینجا یک نفر اموی است، او را بکشید.

سوره مبارکه نمل (۲۷)

شماره: ۳۹

اسم آیه: جنبنده زمین

کد آیه: ۲۷/۸۲

وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ
كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ ﴿۸۲﴾

و هنگامی که وعده عذاب کافران به وقوع پیوندد (و یا زمان انتقام
به ظهور قائم فرا رسد) جنبنده‌ای از زمین بیرون آریم که با آنان
تکلم کند، که مردم به آیات ما (بعد از این) از روی یقین نمی‌گروند.

۱- عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: انْتَهَى رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِلَى أَمِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَهُوَ نَائِمٌ فِي الْمَسْجِدِ، قَدْ جَمَعَ رَمْلًا وَوَضَعَ رَأْسَهُ عَلَيْهِ، فَحَرَّكَهُ، فَقَالَ:
قُمْ، يَا دَابَّةَ اللَّهِ! فَقَالَ رَجُلٌ مِّنْ أَصْحَابِهِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَيْسَرِي بَعْضَنَا بَعْضًا بِهَذَا الْإِسْمِ؟
فَقَالَ: لَا، وَاللَّهِ! مَا هُوَ إِلَّا لَهُ خَاصَّةٌ، وَهُوَ الدَّابَّةُ الَّتِي ذَكَرَهَا اللَّهُ فِي كِتَابِهِ: «وَإِذَا وَقَعَ
الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ».
ثُمَّ قَالَ: يَا عَلِيُّ! إِذَا كَانَ آخِرُ الزَّمَانِ، أَخْرَجَكَ اللَّهُ فِي أَحْسَنِ صُورَةٍ، وَمَعَكَ مِيسَمٌ
تَسِمُ بِهِ أَعْدَاءَكَ. (الحديث)^۱

از ابو بصیر نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق عليه السلام فرمودند: رسول

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۴۲، ح ۷۲؛ بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۲۴۳، ح ۳۱ و ج ۵۳،
ص ۵۲، ح ۳۰؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۴، ص ۲۲۸، ح ۸۰۴۳؛ تأويل الآيات الظاهرة، ص ۴۰۱؛ تفسير
القمي، ج ۲، ص ۱۳۰؛ تفسير نور الثقلين، ج ۴، ص ۹۸، ح ۱۰۴؛ مختصر البصائر، ص ۱۵۲، ح ۱۱۸.

خدا ﷻ به امیر مؤمنان ﷺ رسیدند در حالی که در مسجد خوابیده و مقداری رمل و خاک جمع کرده و به عنوان بالش زیر سر گذاشته بودند، پس رسول خدا ﷺ او را با پای خود تکان دادند و سپس فرمودند: برخیز، ای جنبنده خدا! پس مردی از اصحاب گفت: ای رسول خدا! آیا ما نیز می توانیم یکدیگر را به این نام بخوانیم؟

حضرت فرمودند: نه، به خدا قسم! این نام مخصوص علی ﷺ است، او همان جنبنده ای است که خدای متعال در کتابش فرموده: «وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ».

سپس فرمودند: ای علی! در آخر الزمان، خداوند تو را به بهترین صورت بیرون می آورد، در حالی که به وسیله آهنی که در دست داری، دشمنانت را داغ و نشان خواهی زد.

۲- قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: قَالَ رَجُلٌ لِّعَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ: يَا أَبَا الْيَقْظَانِ! آيَةٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى قَدْ أَفْسَدَتْ قَلْبِي وَشَكَّكْتَنِي، قَالَ عَمَّارٌ: وَآيَةُ آيَةٍ هِيَ؟ قَالَ: قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: «وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ»، الْآيَةُ، فَأَيَّةُ دَابَّةٍ هَذِهِ؟ قَالَ عَمَّارٌ: وَاللَّهِ! مَا أَجْلِسُ وَلَا أَكُلُ وَلَا أَشْرَبُ حَتَّى أُرِيكَهَا، فَجَاءَ عَمَّارٌ مَعَ الرَّجُلِ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ وَهُوَ يَأْكُلُ تَمْرًا وَزُبْدًا، فَقَالَ: يَا أَبَا الْيَقْظَانِ! هَلُمَّ، فَجَلَسَ عَمَّارٌ وَاقْبَلَ يَأْكُلُ مَعَهُ، فَتَعَجَّبَ الرَّجُلُ مِنْهُ، فَلَمَّا قَامَ عَمَّارٌ، قَالَ الرَّجُلُ: سُبْحَانَ اللَّهِ! يَا أَبَا الْيَقْظَانِ! حَلَفْتَ أَنَّكَ لَا تَأْكُلُ وَلَا تَشْرَبُ وَلَا تَجْلِسُ حَتَّى تُرِيَنِيهَا، قَالَ عَمَّارٌ: قَدْ أَرَيْتُكَهَا إِنْ كُنْتَ تَعْقِلُ^۱.

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۳۶، ج ۵۹؛ بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۲۴۲، ج ۳۰ و ج ۵۳،

ص ۵۳، ذیل ح ۳۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۲۸، ج ۸۰۴۵؛ تفسیر الصافی، ج ۴، ص ۷۴؛ تفسیر

القمری، ج ۲، ص ۱۳۱؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۹، ص ۵۹۱؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۹۸،

جناب علی بن ابراهیم قمی در تفسیرش، از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمودند: فرمود: مردی به عمار یاسر گفت: ای ابا الیقظان! آیه ای در قرآن است که دلم را فاسد کرده و مرا به تردید و شک واداشته، عمار گفت: کدام آیه؟ گفت: این سخن خدای متعال: «وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ»، این کدام جنبنده است؟ عمار گفت: به خدا قسم! نمی نشینم و نمی خورم و نمی آشامم، تا او را به تو نشان دهم.

پس عمار همراه آن مرد به محضر امیرالمؤمنین علیه السلام شرفیاب شد، در حالی که حضرت مشغول تناول خرما و کره بودند، پس فرمودند: ای ابا الیقظان! جلو بیا (بفرما)، پس عمار نشست و همراه آن حضرت شروع به خوردن کرد، پس آن مرد از کار عمار تعجب کرد، وقتی عمار برخاست، مرد به او گفت: سبحان الله! ای ابا الیقظان! تو سوگند یاد کردی که نخوری و نیاشامی و ننشینی تا او را به من نشان بدهی، عمار گفت: اگر خوب فکر می کنی می فهمی که من او را به تو نشان دادم.

شماره: ۴۰

کد آیه: ۲۷/۸۳ اسم آیه: رجعت، رستاخیزی کوچک

وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿٨٣﴾

آن روز از هر امتی جمعی را که منکر آیات ما بودند، محشور می سازیم
و آن ها باز داشته می شوند.

۱- عَنْ حَمَّادٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: مَا يَقُولُ النَّاسُ فِي هَذِهِ الْآيَةِ: «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا»؟ قُلْتُ: يَقُولُونَ: إِنَّهَا فِي الْقِيَامَةِ، قَالَ: لَيْسَ كَمَا يَقُولُونَ، إِنَّ ذَلِكَ فِي الرَّجْعَةِ، أَيْحْشُرُ اللَّهُ فِي الْقِيَامَةِ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا وَ يَدْعُ الْبَاقِينَ، إِنَّمَا آيَةُ الْقِيَامَةِ قَوْلُهُ تَعَالَى: «وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا»^۱. (الحديث)^۲

از حمّاد نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق عليه السلام فرمودند: مردم در باره این آیه: «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا»، چه می گویند؟ عرض کردم: می گویند این آیه درباره قیامت است، حضرت فرمودند: چنین نیست! به راستی این آیه درباره رجعت است، آیا خداوند در روز قیامت فقط گروهی از هر امتی را محشور می کند، و بقیه را رها می سازد؟ آیه ای که به قیامت مربوط است، این است که می فرماید: «وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا»، (و همه آنان (انسان ها) را برمی انگیزیم، و احدی از ایشان را فروگذار نخواهیم کرد).

۱- سورة كهف (۱۸)، آیه ۴۷.

۲- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۴۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۶۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۹۰ و ج ۴، ص ۲۲۸؛ تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۴؛ مختصر البصائر، ص ۱۵۰.

۲- عَنِ الْمُفَضَّلِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا»، قَالَ: لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ قُتِلَ إِلَّا وَ يَرْجِعُ حَتَّى يَمُوتَ، وَلَا يَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحَضًا، وَ مَحَضَ الْكُفْرَ مَحَضًا.^۱

از جناب مفصل بن عمر نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق عليه السلام در باره این فرمایش خداوند تعالی: «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا»، فرمودند: هر کدام از مؤمنین که کشته شده باشد، در زمان رجعت برمی گردد، تا به مرگ عادی و طبیعی بمیرد، و رجعت مختص مؤمن محض و کافر محض است.

۳- تَفْسِيرُ التُّعْمَانِيِّ، فِيمَا رَوَاهُ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام، قَالَ: وَ أَمَّا الرَّدُّ عَلَى مَنْ أَنْكَرَ الرَّجْعَةَ، فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ»، أَيْ إِلَى الدُّنْيَا، فَأَمَّا مَعْنَى حَشْرِ الْآخِرَةِ، فَقَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا». (الحديث)^۲

مرحوم علامه مجلسی رحمته الله به نقل از تفسیر نعمانی روایتی را از امیرالمؤمنین عليه السلام آورده که حضرت می فرمایند: اما رد قول منکرین رجعت این آیه است که خداوند تعالی فرموده: «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ»، (و آن روز که از هر امتی، گروهی از کسانی را که آیات ما را تکذیب کرده اند محشور می گردانیم، پس آنان نگاه

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۵۸، ح ۴۴ و ص ۳۴۳، ح ۷۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۵۳، ذیل ح ۳۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۲۸، ح ۸۰۴۵؛ تفسیر الصافی، ج ۴، ص ۷۶؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۳۱؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۹، ص ۵۹۵؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۱۰۰، ح ۱۱۳؛ مختصر البصائر، ص ۱۵۳، ح ۱۱۹.

۲- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۷۷، ح ۱۴۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۱۸، ح ۱۴۹.

داشته می شوند تا همه به هم پیوندند)، یعنی در دنیا محشور می شوند، اما حشر در آخرت در این آیه است که خداوند ﷻ فرموده: «وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا»، (و آنان را گرد می آوریم و هیچ یک را فرو گذار نمی کنیم).

۴- عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ يُعْنِي أَبَا بَصِيرٍ، قَالَ: قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: يُنْكَرُ أَهْلُ الْعِرَاقِ الرَّجْعَةَ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: أَمَا يَفْرَهُونَ الْقُرْآنَ: «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا»، الآية^۱.

از ابو محمد یعنی ابو بصیر نقل است که گفت: حضرت امام محمد باقر عليه السلام به من فرمودند: آیا اهل عراق، رجعت را انکار می کنند؟ عرض کردم: آری، حضرت فرمودند: مگر قرآن نمی خوانند که می فرماید: «و روزی که از هر امتی دسته ای را محشور می کنیم».

۵- عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، مِنْ تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ الْعَزِيزِ، قَالَ: وَأَمَّا الرَّدُّ عَلَى مَنْ أَنْكَرَ الرَّجْعَةَ، فَقَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا»^۲.

از علی بن ابراهیم بن هاشم نقل است از تفسیر قرآن کریم، که گفت: و اما رد قول کسی که منکر رجعت است، پس این فرمایش خداوند ﷻ: «و یوم نحشر من کل امة فوجا» می باشد.

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۷۸، ح ۹۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۴۰، ح ۶؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۳۱، ح ۸۰۵۶؛ مختصر البصائر، ص ۱۱۰، ح ۸۳.

۲- مختصر البصائر، ص ۱۴۹، ذیل ح ۱۱۴.

شماره: ۴۱

کد آیه: ۲۷/۹۳ اسم آیه: شناخت ائمه علیهم السلام در رجعت

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيَرِّكُمْ ؕ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾

بگو: حمد و ستایش مخصوص ذات خداست به زودی آیاتش را به شما نشان می دهد تا آن را بشناسید و پروردگار تواز آنچه انجام می دهید غافل نیست!

فِي تَفْسِيرِ الْقُمِّي: ... قَوْلُهُ: «سَيَرِّكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا»، قَالَ: «أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةُ عليهم السلام، إِذَا رَجَعُوا يَعْرِفُهُمْ أَعْدَاؤُهُمْ إِذَا رَأَوْهُمْ، وَ الدَّلِيلُ عَلَى أَنَّ الْآيَاتِ هُمْ الْأَئِمَّةُ عليهم السلام قَوْلُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليهم السلام: وَ اللَّهِ! مَا لِلَّهِ آيَةٌ أَكْبَرُ مِنِّي، فَإِذَا رَجَعُوا إِلَى الدُّنْيَا يَعْرِفُهُمْ أَعْدَاؤُهُمْ إِذَا رَأَوْهُمْ فِي الدُّنْيَا»^۱

در تفسیر علی بن ابراهیم در باره این آیه: «سَيَرِّكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا»، می گوید: منظور از «آیات»، امیرالمؤمنین و امامان عليهم السلام هستند، هنگامی که امیرالمؤمنین و ائمه طاهرين عليهم السلام به دنیا رجعت می کنند، دشمنانی که آن ها را می بینند، آنان را می شناسند، و دلیل بر اینکه این «آیات» ائمه عليهم السلام می باشند، این فرمایش امیرالمؤمنین عليهم السلام است که فرمودند: به خدا قسم! خدا را آیتی بزرگ تر از من نیست، پس وقتی که آن ذوات مقدسه به دنیا باز گشتند، دشمنان آن ها، آنان را می شناسند.

۱- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۵۳، ح ۳۱؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۳۶، ح ۸۰۷۹؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۳۲؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۹، ص ۶۰۷؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۱۰۶، ح ۱۳۸؛ مختصر البصائر، ص ۱۵۴، ح ۱۲۰.

سوره مبارکه قصص (۲۸)

شماره: ۴۲

اسم آیه: رجعت فرعون و هامان قریش

کد آیه: ۲۸/۶

وَنُمَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ ﴿٦﴾

و حکومتشان را در زمین پابرجا سازیم و به فرعون و هامان و لشکریانشان، آنچه را از آن‌ها (بنی اسرائیل) بیم داشتند نشان دهیم!

رُوي عَنْ الْبَاقِرِ، وَ الصَّادِقِ عليه السلام: أَنَّ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ، هُنَا هُمَا شَخْصَانِ مِنْ جَبَابِرَةِ قُرَيْشٍ، يُخَيِّبُهُمَا اللَّهُ تَعَالَى عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام فِي آخِرِ الزَّمَانِ، فَيَنْتَقِمُ مِنْهُمَا بِمَا أَسْلَفَا.^۱

از حضرت امام محمد باقر عليه السلام و حضرت امام جعفر صادق عليه السلام روایت است که در باره آیه: «فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ»، فرمودند: مقصود از «فرعون و هامان»، در این آیه، دو مرد جبار و ظالم از قریش است، که خداوند آن‌ها را، هنگام قیام قائم آل محمد عليه السلام، در آخر الزمان، زنده می‌گرداند، تا به خاطر ظلمها و جنایاتشان، از آن دو انتقام می‌گیرد.

۱- البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۵۴، ح ۸۱۰۰؛ حلیة الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار عليهم السلام، ج ۶،

شماره: ۴۳

کد آیه: ۲۸/۶۱ اسم آیه: تحقق وعده الهی در رجعت

أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ كَمَنْ مَتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ ﴿٦١﴾

آیا کسی که ما برای او وعده نیک دادیم و البته به آن خواهد رسید، همانند کسی است که او را از متاع زندگانی دنیا برخوردار کنیم؟ و روز قیامت از حاضران در عذاب گردد؟

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ»، قَالَ: الْمُؤْعُودُ، عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَعَدَهُ اللَّهُ أَنْ يَنْتَقِمَ لَهُ مِنْ أَعْدَائِهِ فِي الدُّنْيَا، وَ وَعَدَهُ الْجَنَّةَ لَهُ وَلِوَلِيَّائِهِ فِي الْآخِرَةِ.^۱

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در باره این فرمایش خداوند ﷻ: «أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ»، فرمودند: آن موعودی که این وعده به او داده شده، حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام است، که خداوند به او وعده داده است که در دنیا (رجعت) از دشمنانش انتقام بگیرد، و در آخرت نیز به او و دوستانش وعده بهشت داده است.

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۹۵، ح ۱۱۹؛ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۶۳، ح ۲ و ج ۳۶، ص ۱۵۱، ح ۱۲۹ و ج ۵۳، ص ۷۶، ح ۷۹؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۴، ص ۲۸۰، ح ۸۱۷۸؛ تأويل الآيات الظاهرة، ص ۴۱۴؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۰، ص ۸۸.

شماره: ۴۴

کد آیه: ۲۸/۸۵ اسم آیه: رجعت پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ
بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٨٥﴾

آن کس که قرآن را بر تو فرض کرد تو را به جایگاهت بازمی گرداند، بگو
پروردگار من از همه بهتر می داند چه کسی هدایت آورده، و چه کسی در
گمراهی آشکار است.

۱- عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْكَابُلِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فِي قَوْلِهِ: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ
عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ»، قَالَ: يَرْجِعُ إِلَيْكُمْ نَبِيُّكُمْ ﷺ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ
الْأَئِمَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.^۱

از ابو خالد کابلی نقل است که گفت: حضرت امام سجاد علیه السلام، درباره این فرمایش
خدای متعال: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ»، فرمودند: مقصود، زمانی
است که پیامبرتان ﷺ و امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه علیهم السلام، به سوی شما بازمی گردند.

۲- عَنْ حَمَّادٍ، عَنْ حَرِيزٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: سُئِلَ عَنْ جَابِرٍ، فَقَالَ: رَحِمَ اللَّهُ
جَابِرًا! بَلَغَ مِنْ فَفْهِهِ أَنَّهُ كَانَ يَعْرِفُ تَأْوِيلَ هَذِهِ الْآيَةِ: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۴۳، ح ۷۵؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۴، ص ۲۹۱،
ح ۸۱۹۴؛ تفسير الصافي، ج ۴، ص ۱۰۷؛ تفسير القمي، ج ۲، ص ۱۴۷؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب،
ج ۱۰، ص ۱۰۸؛ تفسير نور الثقلين، ج ۴، ص ۱۴۴، ح ۱۲۶.

إِلَى مَعَادٍ»، يَغْنِي الرِّجْعَةَ.^۱

از حمّاد، از حرّیز نقل است که گفت: از حضرت امام محمد باقر علیه السلام، درباره جابر سؤال شد؟ حضرت فرمودند: خداوند جابر را رحمت فرماید! علمش به جائی رسیده بود، که تأویل این آیه را می دانست: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ»، یعنی می دانست که این آیه مربوط به رجعت است.

۳- عَنْ أَبِي مَرْوَانَ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ»، قَالَ: فَقَالَ لِي: لَا، وَاللَّهِ! لَا تَنْقُضِي الدُّنْيَا وَلَا تَذْهَبُ حَتَّى يَجْتَمِعَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ عَلِيٌّ عليه السلام بِالثُّوَيَّةِ، فَيَلْتَقِيَانِ وَ يَبْنِيَانِ بِالثُّوَيَّةِ مَسْجِدًا لَهُ اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ بَابٍ، يَغْنِي مَوْضِعًا بِالْكُوفَةِ.^۲

از ابو مروان نقل است که گفت: از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام درباره این فرمایش خداوند صلی الله علیه و آله: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ» پرسیدم؛ حضرت به من فرمودند: نه، به خدا قسم! دنیا تمام نمی شود و عمر آن به سر نمی رسد، تا اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام در منطقه «ثویه» جمع شده و در آن جا مسجدی بنا

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۴۳، ح ۷۴؛ بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۹۹، ح ۵۳؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۴، ص ۲۹۱، ح ۸۱۹۳؛ تأویل الآيات الظاهرة، ص ۴۱۶؛ تفسير الصافي، ج ۴، ص ۱۰۷؛ تفسير القمي، ج ۱، ص ۲۵ و ج ۲، ص ۱۴۷؛ تفسير نور الثقلين، ج ۴، ص ۱۴۴، ح ۱۲۵؛ مختصر البصائر، ص ۱۵۱، ح ۱۱۷ و ص ۱۵۵، ح ۱۲۱.

۲- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۸۶، ح ۱۶۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۱۳؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۴، ص ۲۹۲، ح ۸۲۰۰؛ تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ص ۴۱۶؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۰، ص ۱۰۹؛ مختصر البصائر، ص ۴۹۰، ح ۵۵۰.

می‌کنند که دوازده هزار درب دارد، و «ثویه» نام منطقه‌ای در کوفه است.

۴- عَنْ الْمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ، قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَوَّلُ مَنْ يَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام، فَيَمْلِكُ حَتَّى يَسْقُطَ حَاجِبَاهُ عَلَى عَيْنَيْهِ مِنَ الْكِبَرِ، قَالَ: فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ»، قَالَ: نَبِيُّكُمْ صلوات الله وسلامه عليه رَاجِعٌ إِلَيْكُمْ^۱.

از معلى بن خنيس نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق عليه السلام به من فرمودند: نخستين کسی که به دنيا بازمی‌گردد، حسين بن علی عليه السلام است، پس او آن قدر سلطنت می‌کند که از پیری، ابروانش به روی دیدگانش می‌افتد، سپس حضرت صادق عليه السلام فرمودند: در باره این سخن خداوند تعالى: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ»، مقصود، پیامبر شما صلوات الله وسلامه عليه است که به دنيا برمی‌گردد.

۵- عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام، قَالَ: وَأَمَّا الرَّدُّ عَلَى مَنْ أَنْكَرَ الرَّجْعَةَ ... وَقَوْلُهُ سُبْحَانَهُ: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ»، أَيُّ رَجْعَةِ الدُّنْيَا. (الحديث)^۲

از حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام روایت است که فرمودند: و اما کسی که رجعت را انکار کند این کلام خدا آن را رد می‌کند که خدای سبحان فرموده: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ»، یعنی بازگشت و رجعت به دنيا.

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۶۳، ح ۱۱۶ و ح ۱۱۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۴۶، ح ۱۹؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۳، ص ۵۰۷، ح ۶۲۶۱ و ج ۴، ص ۲۹۲، ح ۸۱۹۷ و ح ۸۱۹۸؛ مختصر البصائر، ص ۱۲، ح ۹۸.

۲- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۷۸، ح ۱۴۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۱۹، ح ۱۴۹.

سورة مبارکه سجده (۳۲)

شماره: ۴۵

کد آیه: ۳۲/۲۱ اسم آیه: رجعت، عذابى نزدیک

وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿۲۱﴾

به آنان از عذاب نزدیک (عذاب این دنیا) پیش از عذاب بزرگ (آخرت) می چشانیم، شاید بازگردند!

۱- عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، قَالَ: سَأَلْتُ سَيِّدِي الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَلْ لِلْمَأْمُورِ الْمُنتَظَرِ الْمُهْدِيَّ عَلَيْهِ مِنَ وَقْتٍ مُوقَّتٍ يَعْلَمُهُ النَّاسُ؟ فَقَالَ: حَاشَ لِلَّهِ! أَنْ يُوقَّتَ ظُهُورُهُ بِوَقْتٍ يَعْلَمُهُ شَيْعَتُنَا ... إِلَى أَنْ قَالَ:

قَالَ الْمُفَضَّلُ: يَا مَوْلَايَ! إِنَّ مِنْ شَيْعَتِكُمْ مَنْ لَا يَقُولُ بِرَجْعَتِكُمْ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّمَا سَمِعُوا قَوْلَ جَدِّنا رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَنَحْنُ سَائِرُ الْأَئِمَّةِ، نَقُولُ: «وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ»، قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعَذَابُ الْأَدْنَى عَذَابُ الرَّجْعَةِ، وَ الْعَذَابُ الْأَكْبَرُ عَذَابُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ الَّذِي: «تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ»^۱. (الحديث)^۲

مرحوم علامه مجلسی رحمته الله روایتی طولانی را از جناب مفضّل بن عمر نقل نموده که

۱- سورة ابراهيم (۱۴)، آیه ۴۸.

۲- إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب عليه السلام، ج ۲، ص ۲۲۴؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۸۷، ح ۱۰۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۲۴؛ حلية الأبرار في أحوال محمد وآله الأطهار عليهم السلام، ج ۶، ص ۳۹۷، باب ۴۶، ح ۱.

مفضّل در آن، از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در باره حضرت مهدی علیه السلام و نحوه ظهور و قیام و یاران ایشان و اخبار آخر الزمان پرسش هایی نموده که این روایت اینگونه شروع می شود که مفضّل گفت: از آقایم حضرت صادق علیه السلام پرسیدم: آیا مأموریت حضرت مهدی علیه السلام وقت معینی دارد که باید مردم بدانند کی خواهد بود؟ حضرت فرمودند: حاشا! که خداوند وقت ظهور او را طوری معین کند که شیعیان ما آن را بدانند ... تا آن جا که مفضّل گفت: عرض کرد: آقای من! بعضی از شیعیان شما به رجعت شما عقیده ندارند، حضرت فرمودند: آیا آن ها سخن جدّ ما پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و گفته ما ائمه را نشنیده اند که می گوئیم: «وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»، یعنی: به جای عذاب بزرگ تر، عذاب نزدیک تر به آن ها می چشانیم تا شاید برگردند.

ای مفضّل! عذاب نزدیک تر، رجعت آل محمد علیهم السلام، و عذاب بزرگ تر عذاب روز قیامت است، همان روزی که خدا می فرماید: «يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ»، یعنی: روز قیامت روزی است که اوضاع زمین و آسمان ها دگرگون می گردد و همه در پیشگاه خداوند حاضر می شوند.

۲- فِي تَفْسِيرِ الْقُمِّي، فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ»، قَالَ: الْعَذَابُ الْأَذْنَىٰ عَذَابُ الرَّجْعَةِ بِالسَّيْفِ، وَ مَعْنَى قَوْلِهِ: «لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»، أَيْ يَرْجِعُونَ فِي الرَّجْعَةِ حَتَّى يُعَذَّبُوا.^۱

۱- إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب عليه السلام، ج ۲، ص ۲۹۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۵۶، ح ۳۴؛ تفسیر الصافی، ج ۴، ص ۱۵۸؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۷۰؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۰، ص ۳۰۳؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۳۱، ح ۴۴.

در تفسیر قمی، جناب علی بن ابراهیم در باره این فرمایش خدای متعال: «وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ»، می فرماید: عذاب نزدیک، عذاب رجعت می باشد که با شمشیر است، و منظور از: «لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»، یعنی در رجعت برمی گردند، تا عذاب شوند.

شماره: ۴۶

اسم آیه: زمین رجعت

کد آیه: ۳۲/۲۷

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ
أَنْعَامُهُمْ وَانْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ ﴿٢٧﴾

مگر نمی بینند که ما آب را در زمین خشک جاری می سازیم و با آن
کشت را به ثمر می رسانیم، تا از محصول آن چهار پایان آن ها و هم
خودشان تغذیه کنند؟ آیا باز هم نمی بینند؟

في تفسیر القمّي، في قوله تعالى: «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ»،
قال: الأرض الخراب، وهو مثل ضربته الله عز وجل في الرجعة والقائم عليه السلام، فلما
أخبرهم رسول الله ﷺ بخبر الرجعة، قالوا: «متى هذا الفتح إن كنتم صادقين»^۱.
در تفسیر قمی در باره این سخن خدای متعال: «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ
الْجُرُزِ»، می فرماید: زمین ویران، مثلی است که خداوند درباره رجعت و حضرت
قائم عليه السلام، زده است، چون هنگامی که رسول خدا ﷺ قضیه رجعت را به آنان خبر
دادند، آنان گفتند: «اگر راست می گوئید این فتح و پیروزی در چه زمانی روی می دهد؟»

۱- سورة سجده (۳۲)، آیه ۲۸.

۲- إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب عليه السلام، ج ۲، ص ۲۹۰؛ البرهان في تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۴۰۲،
ح ۸۵۱؛ تفسیر الصافی، ج ۴، ص ۱۶۰؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۷۱؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱،
ص ۳۰۸؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۳۳، ح ۵۱.

سوره مبارکه یس (۳۶)

شماره: ۴۷

کد آیه: ۳۶/۱۴ و ۱۳ اسم آیه: نمونه‌ای از رجعت در اتمهای پیشین

وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿١٣﴾ إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُم مُّرْسَلُونَ ﴿١٤﴾

برای این مردم حال آن قریه را مثل بزن که رسولان حق برای هدایت آن‌ها آمدند. (۱۳) که نخست دو تن از رسولان را فرستادیم و چون تکذیب کردند باز رسول سوّمی برای مدد و نصرت، مأمور کردیم، و همه گفتند: ما (از جانب خدا) به رسالت برای هدایت شما آمده‌ایم.

عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِي، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ تَفْسِيرِ هَذِهِ الْآيَةِ: «وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ»، «إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُم مُّرْسَلُونَ»، فَقَالَ: بَعَثَ اللَّهُ رَجُلَيْنِ إِلَى أَهْلِ مَدِينَةِ أَنْطَاكِيَّةَ، فَجَاءَاهُم بِمَا لَا يَعْرِفُونَهُ، فَعَلَّظُوا عَلَيْهِمَا فَأَخَذُوهُمَا وَحَبَسُوهُمَا فِي بَيْتِ الْأَصْنَامِ، فَبَعَثَ اللَّهُ الثَّالِثَ فَدَخَلَ الْمَدِينَةَ، فَقَالَ: أُرْشِدُونِي إِلَى بَابِ الْمَلِكِ.

قَالَ: فَلَمَّا وَقَفَ عَلَى بَابِ الْمَلِكِ، قَالَ: أَنَا رَجُلٌ كُنْتُ أَتَعَبَّدُ فِي فَلَاةٍ مِنَ الْأَرْضِ وَ قَدْ أَحْبَبْتُ أَنْ أَعْبُدَ إِلَهَ الْمَلِكِ، فَأَبْلَغُوا كَلَامَهُ الْمَلِكِ، فَقَالَ: أَذْخُلُوه إِلَى بَيْتِ الْأَلْهَةِ، فَأَذْخُلُوه فَمَكَتْ سَنَةٌ مَعَ صَاحِبِيهِ، فَقَالَ لَهُمَا: بِهَذَا نَنْقُلُ قَوْمًا مِنْ دِينٍ إِلَى دِينٍ لَا بِالْخُرْقِ أَفَلَا رَفَقْتُمَا، ثُمَّ قَالَ لَهُمَا: لَا تُقَرَّانِ بِمَعْرِفَتِي.

ثُمَّ أَدْخَلَ عَلَى الْمَلِكِ، فَقَالَ لَهُ الْمَلِكُ: بَلَّغْنِي أَنَّكَ كُنْتَ تَعْبُدُ إِلَهِي، فَلَمْ أَزَلْ وَ أَنْتَ أَخِي فَسَلْنِي حَاجَتَكَ، قَالَ: مَا لِي حَاجَةٌ، أَيُّهَا الْمَلِكُ! وَلَكِنْ رَجُلَيْنِ رَأَيْتُهُمَا فِي

بَيْتِ الْإِلَهِةِ فَمَا حَالُهُمَا؟

قَالَ الْمَلِكُ: هَذَانِ رَجُلَانِ أَتَيَانِي يُضِلَّانِ عَنْ دِينِي وَ يَدْعُوَانِ إِلَى إِلِهِ سَمَاوِيٍّ.
فَقَالَ: أَيُّهَا الْمَلِكُ! فَمُنَاطَرَةٌ جَمِيلَةٌ، فَإِنْ يَكُنِ الْحَقُّ لَهُمَا اتَّبَعْنَاهُمَا، وَإِنْ يَكُنِ
الْحَقُّ لَنَا دَخَلْنَا مَعَنَا فِي دِينِنَا، فَكَانَ لَهُمَا مَا لَنَا وَ عَلَيْهِمَا مَا عَلَيْنَا.
قَالَ: فَبَعَثَ الْمَلِكُ إِلَيْهِمَا، فَلَمَّا دَخَلَا إِلَيْهِ، قَالَ لَهُمَا صَاحِبُهُمَا: مَا الَّذِي
جِئْتُمَانِي بِهِ؟

قَالَا: جِئْنَا نَدْعُو إِلَى عِبَادَةِ اللَّهِ، الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ يَخْلُقُ فِي الْأَرْحَامِ
مَا يَشَاءُ وَ يُصَوِّرُ كَيْفَ يَشَاءُ وَ أَنْبَتَ الْأَشْجَارَ وَ الثَّمَارَ وَ أَنْزَلَ الْقَطَرَ مِنَ السَّمَاءِ.
قَالَ: فَقَالَ لَهُمَا: إِلَهُكُمَا هَذَا الَّذِي تَدْعُوَانِ إِلَيْهِ وَ إِلَى عِبَادَتِهِ إِنْ جِئْتَاكُمَا بِأَعْمَى
يَقْدِرُ أَنْ يَرُدَّهُ صَحِيحًا؟

قَالَا: إِنْ سَأَلْنَاهُ أَنْ يَفْعَلَ فَعَلَ إِنْ شَاءَ.

قَالَ: أَيُّهَا الْمَلِكُ! عَلَيَّ بِأَعْمَى لَا يُبْصِرُ قَطُّ، قَالَ: فَأَتَيْتُ بِهِ، فَقَالَ لَهُمَا: اذْعُوا إِلَهُكُمَا
أَنْ يَرُدَّ بَصَرَ هَذَا، فَقَامَا وَ صَلَّيَا رُكْعَتَيْنِ، فَإِذَا عَيْنَاهُ مَفْتُوحَتَانِ وَ هُوَ يَنْظُرُ إِلَى السَّمَاءِ.
فَقَالَ: أَيُّهَا الْمَلِكُ! عَلَيَّ بِأَعْمَى آخَرَ، فَأَتَيْتُ بِهِ، قَالَ: فَسَجَدَ سَجْدَةً، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ
فَإِذَا الْأَعْمَى بِصِيرٍ.

فَقَالَ: أَيُّهَا الْمَلِكُ! حُجَّةٌ بِحُجَّةٍ، عَلَيَّ بِمُقْعَدٍ، فَأَتَيْتُ بِهِ، فَقَالَ لَهُمَا: مِثْلَ ذَلِكَ
فَصَلَّيَا وَ دَعَا اللَّهَ، فَإِذَا الْمُقْعَدُ قَدْ أُطْلِقَتْ رِجْلَاهُ وَ قَامَ يَمْشِي.
فَقَالَ: أَيُّهَا الْمَلِكُ! عَلَيَّ بِمُقْعَدٍ آخَرَ، فَأَتَيْتُ بِهِ، فَصَنَعَ بِهِ كَمَا صَنَعَ أَوَّلَ مَرَّةٍ، فَانْطَلَقَ
الْمُقْعَدُ.

فَقَالَ: أَيُّهَا الْمَلِكُ! قَدْ أَتَيْتَا بِحُجَّتَيْنِ وَ أَتَيْنَا بِمِثْلِهِمَا، وَ لَكِنْ بَقِيَ شَيْءٌ وَاحِدٌ، فَإِنْ

كَانَ هُمَا فَعَلَاهُ، دَخَلْتُ مَعَهُمَا فِي دِينِهِمَا.
ثُمَّ قَالَ: أَيُّهَا الْمَلِكُ! بَلَّغْنِي أَنَّهُ كَانَ لِلْمَلِكِ، ابْنٌ وَاحِدٌ وَ مَاتَ، فَإِنْ أَحْيَاهُ إِلَهُهُمَا،
دَخَلْتُ مَعَهُمَا فِي دِينِهِمَا، فَقَالَ لَهُ الْمَلِكُ: وَ أَنَا أَيْضاً مَعَكَ، ثُمَّ قَالَ لَهُمَا: قَدْ بَقِيَتْ
هَذِهِ الْخَصْلَةُ الْوَاحِدَةُ، قَدْ مَاتَ ابْنُ الْمَلِكِ فَادْعُوا إِلَهُكُمَا أَنْ يُحْيِيَهُ.
قَالَ: فَخَرَّ سَاجِدِينَ لِلَّهِ وَ أَطَالَ السُّجُودَ، ثُمَّ رَفَعَا رَأْسَيْهِمَا، وَ قَالَ لِلْمَلِكِ: ابْعَثْ إِلَيَّ
قَبْرَ ابْنِكَ، نَجِدُهُ قَدْ قَامَ مِنْ قَبْرِهِ، إِنْ شَاءَ اللَّهُ.
قَالَ: فَخَرَجَ النَّاسُ يَنْظُرُونَ فَوَجَدُوهُ قَدْ خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ يَنْفُضُ رَأْسَهُ مِنَ التُّرَابِ، قَالَ:
فَأْتِنِي بِهِ إِلَى الْمَلِكِ، فَعَرَفَ أَنَّهُ ابْنُهُ، فَقَالَ لَهُ: مَا حَالُكَ يَا بُنَيَّ؟
قَالَ: كُنْتُ مَيِّتاً، فَزَأَيْتُ رَجُلَيْنِ بَيْنَ يَدَيَّ رَبِّي السَّاعَةَ سَاجِدِينَ، يَسْأَلَانِيهِ أَنْ
يُحْيِيَنِي فَأَحْيَانِي، قَالَ: يَا بُنَيَّ! فَتَعَرَّفُهُمَا إِذَا رَأَيْتَهُمَا؟ قَالَ: نَعَمْ.
قَالَ: فَأَخْرَجَ النَّاسَ جُمْلَةً إِلَى الصَّحَرَاءِ، فَكَانَ يَمُرُّ عَلَيْهِ رَجُلٌ رَجُلٌ، فَيَقُولُ لَهُ أَبُوهُ:
اُنْظُرْ، فَيَقُولُ: لَا، ثُمَّ مَرَّ عَلَيْهِ بِأَحَدِهِمَا بَعْدَ جَمْعٍ كَثِيرٍ، فَقَالَ: هَذَا أَحَدُهُمَا وَ أَشَارَ
بِيَدِهِ إِلَيْهِ، ثُمَّ مَرَّ أَيْضاً بِقَوْمٍ كَثِيرِينَ، حَتَّى رَأَى صَاحِبَهُ الْآخَرَ، فَقَالَ: وَ هَذَا الْآخَرُ.
قَالَ: فَقَالَ النَّبِيُّ صَاحِبُ الرَّجُلَيْنِ: أَمَّا أَنَا فَقَدْ آمَنْتُ بِاللَّهِكُمَا، وَ عَلِمْتُ أَنَّ مَا جِئْتُمَا بِهِ
هُوَ الْحَقُّ، فَقَالَ الْمَلِكُ: وَ أَنَا أَيْضاً آمَنْتُ بِاللَّهِكُمَا، وَ آمَنَ أَهْلُ مَمْلَكَتِهِ كُلُّهُمْ.^۱

از جناب ابو حمزه ثمالی نقل است که گفت: حضرت امام محمد باقر علیه السلام در پاسخ
به سؤال از آیه «و برای آنان مثل بزن داستان مردم آن شهری را که رسولان بدان جا آمدند»،

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۱۴۰، ح ۳۵؛ بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۲۴۰، ح ۲۰؛ البرهان فی
تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۵۷۰، ح ۸۹۱۱؛ تفسیر الصافی، ج ۴، ص ۲۴۷؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۱۳؛ تفسیر
کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۱، ص ۶۴؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۷۹، ح ۳۰.

«آنگاه که دو تن سوی آنان فرستادیم ولی آن دو را دروغگو خواندند تا با فرستاده سؤمین آنان را تأیید کردیم. پس رسولان گفتند: ما به سوی شما به پیامبری فرستاده شده ایم»، فرمودند: خداوند دو مرد به سوی مردم شهر انطاکیه فرستاد، و آنان برای مردم چیزهایی (سخنانی) آوردند که برایشان ناآشنا و بیگانه بود، لذا بر آن دو خشم گرفتند و آن‌ها را دستگیر و در بتکده زندانی کردند.

آنگاه خداوند فرستاده سؤمی را به سوی آنان فرستاد، و او وارد شهر شد و گفت: مرا به کاخ پادشاه راهنمایی کنید، وقتی بر درگاه پادشاه ایستاد، گفت: من مردی هستم که روزگار خود را در بیابانی به عبادت می‌گذراندم، اما علاقه‌مند شدم که خدای پادشاه را بپرستم.

سخن او را به گوش پادشاه رساندند، شاه گفت: او را به خانه خدایان (بتکده) ببرید، آن مرد را به آن جا بردند، او یک سال با دو یار خود در آن جا ماند و به آن دو گفت: با مهارت و هوشیاری است که می‌توان مردی را از دینی به دین دیگر درآورد، چرا از راه مدارا وارد نشدید! سپس به آنان گفت: چنان وانمود کنید که مرا نمی‌شناسید.

آنگاه او را به حضور پادشاه بردند، پادشاه به او گفت: شنیده‌ام که تو خدای مرا می‌پرستیدی، از این پس تو برادر من هستی، حالا بگو چه می‌خواهی؟
مرد گفت: پادشاه! من حاجتی ندارم، اما در معبد خدایان، دو مرد دیدم، آن‌ها چه کرده‌اند؟

پادشاه گفت: این دو مرد نزد من آمده‌اند و می‌گویند دین من باطل است و مرا به سوی خدایی آسمانی دعوت می‌کنند.

مرد گفت: پادشاه! مناظره‌ای نیکو (منطقی) ترتیب دهید، تا اگر حق با آن دو بود ما پیرو آنان شویم، و اگر حق با ما بود، آن‌ها به دین و آیین ما درآیند.

پادشاه در پی آن دو نفر فرستاد، چون بر او وارد شدند، دوست آن دو به ایشان گفت: شما برای چه آمده‌اید؟

گفتند: آمده‌ایم تا شما را به عبادت و پرستش خداوندی دعوت کنیم که آسمان‌ها و زمین را آفریده و در رحم مادران آنچه را بخواهد می‌آفریند و آن‌گونه که بخواهد شکل می‌دهد و درختان و میوه‌ها را می‌رویانند و از آسمان باران می‌فرستد.

او به آن دو نفر گفت: آیا این خدای شما که به او و عبادتش دعوت می‌کنید، اگر نابینایی را بیاوریم می‌تواند بینایش گرداند؟

گفتند: اگر از او تقاضا کنیم که این کار را بکند، و او بخواهد، البته چنین می‌کند. آن مرد گفت: پادشاه! شخص نابینایی را که هیچگاه بینایی نداشته است، برایم بیاورید، چنین شخصی را آوردند، به آن دو گفت: از خدایتان بخواهید بینایی این مرد را به او برگردانند.

آن دو برخاستند و دو رکعت نماز خواندند، ناگهان هر دو چشم آن نابینا باز شد، و به آسمان می‌نگریست.

آن مرد گفت: پادشاه! بگو نابینای دیگری بیاورند، پس نابینای دیگری آوردند، خود آن مرد سجده‌ای کرد و سپس سر از سجده برداشت، ناگهان آن نابینا، بینا شد.

آن مرد گفت: پادشاه! این هم حجتی از ما بود در برابر حجت آنان، اکنون شخصی زمین‌گیر و فلج را نزد من بیاورید، چنین کردند و دوباره از آن دو خواست که سلامتی این شخص را نیز به او بازگردانند، پس نماز گزارند و خداوند را خوانند، به یک باره پاهای شخص زمین‌گیر آزاد شدند و او برخاست و به راه افتاد.

او گفت: ای پادشاه! زمین‌گیر دیگری را نزد من بیاورید، آورده شد و آن مرد با او چنان کرد که بار پیش کرده بود، پس زمین‌گیر به راه افتاد، آن مرد گفت: ای پادشاه! دو

دلیل آوردند و ما نیز مانندشان را آوردیم، ولی یک چیز باقی مانده است که اگر آن دو انجام دهند، با هم به کیش و آئین شان درخواهیم آمد.

سپس گفت: ای پادشاه! مرا خبر رسیده که شما تک پسری داشته‌اید که وفات نموده، پس اگر خدای این دو شخص او را زنده گرداند همراه آنان دینشان را خواهیم پذیرفت، پادشاه به او گفت: من نیز با تو هم عقیده‌ام، آن‌گاه به آن دو گفت: یک هدف باقی مانده است، پسر پادشاه وفات نموده است، پس خدای خویش را بخوانید تا او را زنده گرداند.

پس آن دو مرد سجده‌کنان به درگاه خداوند بر زمین افتادند و سجده‌ای طولانی انجام دادند، سپس سرشان را از سجده برداشتند و به پادشاه گفتند: شخصی را به سوی مزار پسرت روانه دار این شاء الله او را خواهی یافت که از مزارش برخاسته است.

پس مردم خارج شدند و می‌نگریستند، آن‌گاه پسر پادشاه را مشاهده کردند که از قبر خارج شده و گرد و خاک را از سرش می‌تکاند، آن پسر را نزد پادشاه آوردند و او پی برد که واقعاً پسرش است، پس به او گفت: ای پسر! حال تو چگونه است؟

گفت: من مرده بودم، و اکنون دو مرد را مشاهده کردم که در مقابل پروردگارم به سجده افتادند در حالی که از او می‌خواستند که مرا زنده گرداند، پس خداوند مرا زنده گرداند.

پادشاه گفت: ای پسر! اگر آن دو را ببینی آن‌ها را می‌شناسی؟ گفت: بله، پس پادشاه تمام مردم را به سوی صحرا خارج کرد، و یک یک مردان آن قوم از مقابل پسر پادشاه عبور می‌کردند و پدرش به او می‌گفت: بنگر، و پسر می‌گفت: نه، نه، بعد از آمدن جمع کثیری از مردان، یکی از آن دو مرد بر پسر گذر کرد، پس گفت: این یکی از آن دو مرد است و با دستش به او اشاره کرد، آن‌گاه تعداد زیادی از مردان بر او گذشتند تا اینکه پسر پادشاه دوست دیگر آن مرد را نیز مشاهده کرد و گفت: و این، مرد دیگر است.

در این هنگام، آن پیامبری که دوست آن دو مرد بود گفت: اینک من به خداوند شما
دو تن ایمان آوردم و دانستم که آنچه به ارمغان آورده‌اید حقّ است، پادشاه نیز گفت:
من هم به خدای شما دو نفر ایمان آوردم، و تمام مردم سرزمین او نیز ایمان آوردند.

شماره: ۴۸

کد آیه: ۳۶/۵۲ اسم آیه: صبر تا زمان رجعت

قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ ﴿٥٢﴾

و خواهند گفت: وای بر ما! چه کسی ما را از آرامگاه ابدی خود
برانگیخت؟ این همان وعدهٔ خدای رحمان است و پیامبران حقیقت را
برای ما می گفتند.

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ شَاذَانَ الْوَاسِطِيِّ، قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَشْكُو
جَفَاءَ أَهْلِ وَاسِطٍ، وَ حَمْلَهُمْ عَلَيَّ، وَ كَانَتْ عِصَابَةً مِنَ الْعُثْمَانِيَّةِ تُؤْذِينِي، فَوَقَعَ بِخَطِّهِ:
إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ أَخَذَ مِيثَاقَ أَوْلِيَائِنَا عَلَى الصَّبْرِ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ، «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ
رَبِّكَ»^۱، فَلَوْ قَدْ قَامَ سَيِّدُ الْخَلْقِ لَقَالُوا: «يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ
الرَّحْمَنُ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ»^۲.

از حسن بن شاذان واسطی نقل است که گفت: به امام هشتم، حضرت امام
رضا علیه السلام نامه ای نوشتم، و از ستم مردم واسط و حملاتی که به من وارد می کردند، به آن
حضرت شکایت کردم، و آن ها گروهی از طرفداران عثمان بودند، که به من آزار

۱- سورة قلم (۶۸)، آیه ۴۸.

۲- إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب عليه السلام، ج ۲، ص ۲۹۰؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على
الرجعة، ص ۲۹۵، ح ۱۲۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۸۹، ح ۸۷؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۴، ص ۵۷۹،
ح ۸۹۳۴؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۱، ص ۸۵؛ تفسير نور الثقلين، ج ۴، ص ۳۸۸، ح ۶۲؛
الكافي، ج ۸، ص ۲۴۷، ح ۳۴۶.

می‌رساندند. آن حضرت ﷺ به خط شریف خود به من این گونه نوشتند:

همانا خدای تبارک و تعالی از دوستان ما پیمان گرفته، که در دوره حکومت باطل، صبر پیشه کنند، پس در برابر حکم پروردگارت شکیبا باش، و آن گاه که سرور خلائق ظهور کند (و زمان رجعت فرا رسد) آن‌ها خواهند گفت: «یا ویلنا من بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ».

سوره مبارکه ص (۳۸)

شماره: ۴۹

اسم آیه: رجعت فرزندان حضرت ایوب علیه السلام

کد آیه: ۳۸/۴۳

وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿٤٣﴾

و ما اهل و فرزندانی که از او مردند، و به مقدار آن ها هم علاوه به او عطا کردیم، تا در حق او لطف و رحمتی کنیم و تا صاحبان عقل متذکر شوند.

۱- عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَأَتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ»، قُلْتُ: وَلَدُهُ كَيْفَ أُوتِيَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ؟ قَالَ: أَحْيَا لَهُ مِنْ وَلَدِهِ الَّذِينَ كَانُوا مَاتُوا قَبْلَ ذَلِكَ بِأَجَالِهِمْ مِثْلَ الَّذِينَ هَلَكُوا يَوْمَئِذٍ^۱.

از ابوبصیر نقل است که گفت: از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام درباره این فرمایش خداوند تعالی: «وَأَتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ»، پرسیدم که چگونه خداوند، مانند آن ها را، به ایوب عليه السلام داد؟ حضرت فرمودند: خداوند، چه آن فرزندان را، که قبلاً مرده بودند، و چه آنان که در واقعه امتحان مردند، همه را با هم زنده نمود.

۲- قَالَ الشَّيْخُ الطَّبْرَسِيُّ رحمته الله: قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ وَابْنُ مَسْعُودٍ: رَدَّ اللَّهُ سُبْحَانَهُ عَلَيْهِ أَهْلَهُ وَوَلَدَهُ الَّذِينَ هَلَكُوا بِأَعْيَانِهِمْ، وَأَعْطَاهُ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ، وَكَذَلِكَ رَدَّ عَلَيْهِ أَمْوَالَهُ وَمَوَاشِيَهُ

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۱۲۵، ح ۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۱۲، ص ۳۴۷، ح ۷؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۳ ص ۸۳۳، ح ۷۱۸۱؛ تفسير الصافي، ج ۳، ص ۳۵۱ و ج ۴، ص ۳۰۱؛ تفسير نور الثقلين، ج ۳، ص ۴۴۸، ح ۱۳۲؛ الكافي، ج ۸، ص ۲۵۲، ح ۳۵۴.

بِأَعْيَانِهَا، وَأَعْطَاهُ مِثْلَهَا مَعَهَا.^۱

مرحوم طبرسی رحمته الله در تفسیر مجمع البیان، ذیل این آیه: «وَأَتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ»، روایتی را از ابن عباس و ابن مسعود نقل نموده، که: خداوند، فرزندان حضرت ایوب علیه السلام را که مرده بودند، به او برگرداند، و مثل آنان نیز به او عطا نمود، و همچنین اموال و چارپایانش را نیز، دو برابر به او برگرداند.

سپس مرحوم طبرسی رحمته الله از قول ابن یسار می نویسد: فرزندان حضرت ایوب علیه السلام، هفت پسر، و هفت دختر بودند، که از دنیا رفته بودند، و سپس خداوند آن‌ها را زنده نمود.

توضیح: همان طور که بیان شد، خداوند اموال و فرزندان حضرت ایوب علیه السلام را عیناً به او بازگرداند و مثل آن‌ها را نیز به وی ارزانی داشت، بنا بر این وقتی ثابت شود که در امت‌های گذشته، مثل فرزندان حضرت ایوب علیه السلام، بازگشت پس از مرگ به دنیا، اتفاق افتاده و ده‌ها روایت صحیح از ائمه اطهار علیهم السلام نیز، این مسأله را تأیید کند، دیگر چه مانعی می‌تواند از اعتقاد به رجعت جلوگیری نماید؟

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۱۳۶، ح ۲۹؛ بحار الأنوار، ج ۱۲، ص ۳۴۶، ذیل ح ۶؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۹۴؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۶، ص ۲۳۰.

سوره مبارکه غافر (۴۰)

شماره: ۵۰

کد آیه: ۴۰/۱۱ اسم آیه: حیات دو باره در رجعت

قَالُوا رَبَّنَا آمَنَّا أَثْنَتَيْنِ وَأُحْيَيْتَنَا أَثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ
مِنْ سَبِيلٍ ﴿۱۱﴾

آن‌ها می‌گویند: پروردگارا! ما را دو بار میراندی و دو بار زنده کردی
اکنون به گناهان خود معترفیم آیا راهی برای خارج شدن (از دوزخ)
وجود دارد؟

۱- قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «رَبَّنَا آمَنَّا أَثْنَتَيْنِ وَأُحْيَيْتَنَا أَثْنَتَيْنِ»، قَالَ
الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ذَلِكَ فِي الرَّجْعَةِ.^۱

جناب علی بن ابراهیم قمی در باره این فرمایش خدای متعال: «رَبَّنَا آمَنَّا أَثْنَتَيْنِ
وَأُحْيَيْتَنَا أَثْنَتَيْنِ»، (خداوند! ما را دو بار می‌رانیدی و دو بار زنده کردی)، گفت:
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: این آیه در باره رجعت است.

۲. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَلَامٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «رَبَّنَا آمَنَّا أَثْنَتَيْنِ وَ

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۵۸، ح ۴۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۵۶، ح ۳۶؛ البرهان
فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۷۴۹، ح ۹۳۲۷؛ تفسیر الصافی، ج ۴، ص ۳۳۶؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۵۶؛
تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۱، ص ۳۶۵؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۱۳، ح ۱۹؛ مختصر
البصائر، ص ۱۵۷، ح ۱۲۴.

أَخْيَيْنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ»، قَالَ ﷺ: هُوَ خَاصٌّ لِأَقْوَامٍ فِي الرَّجْعَةِ بَعْدَ الْمَوْتِ وَ يَجْرِي فِي الْقِيَامَةِ، «فَبُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»^۱.

از محمد بن سلام نقل است که گفت: حضرت امام محمد باقر علیه السلام در باره این فرمایش خدای متعال: «رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَأَخْيَيْنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ»، فرمودند: فرمود: این آیه مخصوص اقوامی است که پس از مرگ رجعت می کنند و در خصوص قیامت هم جاری می شود، «پس رحمت خدا از ستمکاران دور باد».

۳- مرحوم علامه مجلسی رحمته الله می فرماید: و من به خط بعضی از بزرگان، به خط شهید اول رحمته الله دیدم که فرمود: صفوانی با اسنادش در کتابش روایت کرده: سُئِلَ الرَّضَا علیه السلام عَنْ تَفْسِيرِ: «أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَأَخْيَيْنَا اثْنَتَيْنِ»، قَالَ: وَاللَّهِ! مَا هَذِهِ الْآيَةُ إِلَّا فِي الْكَرَّةِ.^۲
از حضرت امام رضا علیه السلام از تفسیر این آیه: «أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَأَخْيَيْنَا اثْنَتَيْنِ»، سؤال شد، حضرت فرمودند: به خدا قسم! این آیه تنها در مورد رجعت، تحقق خواهد یافت.

توضیح: یکی از مواردی که خداوند مرده، زنده می کند، در رجعت است، و دیگری در قیامت، پس یکی از مرگ ها، در دنیا است، و دیگری در رجعت می باشد.

۱- سوره مؤمنون (۲۳)، آیه ۴۱.

۲- إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب عنه السلام، ج ۲، ص ۲۹۱؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۹۸، ح ۱۲۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۱۶، ح ۱۳۹؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۴، ص ۷۴۹، ح ۹۳۲۸؛ مختصر البصائر، ص ۴۶۳، ح ۵۱۹.

۳- إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب عنه السلام، ج ۲، ص ۲۹۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۴۴.

شماره: ۵۱

کد آیه: ۴۰/۵۱ اسم آیه: یاری انبیاء و ائمه علیهم السلام در رجعت

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ ﴿٥١﴾

ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و (در آخرت) روزی که گواهان به پا می‌خیزند یاری می‌دهیم!

عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: قُلْتُ لَهُ: قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»، قَالَ: ذَلِكَ، وَ اللَّهُ! فِي الرَّجْعَةِ، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ كَثِيرًا لَمْ يُنْصَرُوا فِي الدُّنْيَا وَ قُتِلُوا، وَ الْأَيِّمَةُ قَدْ قُتِلُوا وَ لَمْ يُنْصَرُوا، فَذَلِكَ فِي الرَّجْعَةِ^۱.

از جمیل بن درّاج نقل است که گفت: از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در باره این فرمایش خداوند تعالی: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»، پرسیدم، حضرت فرمودند: به خدا قسم! این در رجعت است، مگر نمی‌دانی که بسیاری از پیامبران الهی در دنیا یاری نشدند، بلکه کشته شدند، و ائمه علیهم السلام هم کشته شدند، و کسی آن‌ها را یاری نکرد؟ پس این نصرت و یاری در زمان رجعت خواهد بود.

۲- عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «يَوْمَ تَرْجُفُ

۱- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۶۵، ح ۵۷؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۷۶۴، ح ۹۳۷۰؛ تفسیر کنز الدقائق و

بحر الغرائب، ج ۱۱، ص ۳۹۸؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۲۶، ح ۶۹؛ مختصر البصائر، ص ۹۲، ح ۶۰.

الرَّاحِفَةُ»، «تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ»^۱، قَالَ: «الرَّاحِفَةُ»، الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ «الرَّادِفَةُ»، عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَأَوَّلُ مَنْ يَنْفُضُ عَنْ رَأْسِهِ التُّرَابَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي خَمْسَةِ وَ سَبْعِينَ أَلْفًا، وَ هُوَ قَوْلُهُ جَلَّ وَ عَزَّ: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»، «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ وَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ»^۲.

از سلیمان بن خالد نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در باره این فرمایش خدای متعال: «يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاحِفَةُ»، «تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ»، فرمودند: مقصود از «الرَّاحِفَةُ»، حضرت حسین بن علی علیه السلام هستند، و مقصود از «الرَّادِفَةُ»، حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام می باشند، و اولین کسی که (در رجعت) گرد و خاک از سرش پاک می کند، حضرت حسین بن علی علیه السلام هستند، که با هفتاد و پنج هزار نفر برانگیخته می شوند، و این همان سخن خداوند عزَّ و جَلَّ است: «ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده اند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان به پا می خیزند یاری می دهیم»، «روزی که عذرخواهی ظالمان سودی به حالشان نمی بخشد و لعنت خدا برای آن ها، و جایگاهی بد نیز برای آنان است».

۱- سوره نازعات (۷۹)، آیه ۶ و ۷.

۲- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۸۲، ح ۱۵۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۰۶، ح ۱۳۴؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۵۷۵، ح ۱۱۳۶۱؛ تأویل الآيات الظاهرة، ص ۷۳۷؛ تفسیر فرات الکوفی، ص ۵۳۷، ح ۶۸۹؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۴، ص ۱۱۵؛ مختصر البصائر، ص ۴۹۲، ح ۵۵۴.

شماره: ۵۲

کد آیه: ۴۰/۸۱ اسم آیه: دیدن نشانه‌های خداوند در رجعت

وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَآيَ آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ ﴿٨١﴾

خداوند آیات خود را برای شما نشان می‌دهد، پس کدام یک از آیات
خدا را انکار توانید کرد؟

في تفسير القمي، قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي قَوْلِهِ: «وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ»، يَعْنِي أَمِيرَ
الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَيُّمَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الرَّجْعَةِ فَإِذَا رَأَوْهُمْ، «قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَخَدَّهْ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ
مُشْرِكِينَ»^۱، أَيْ جَحَدْنَا بِمَا أَشْرَكْنَاهُمْ، «فَلَمْ يَكُنْ يَنْفَعُهُمْ إِيْمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بِأَسْنَا سُنَّتَ
اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ»^۲.

جناب علی بن ابراهیم قمی در باره این فرمایش خدای متعال: «وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ»،
می‌فرماید: مقصود این است که خداوند، امیرالمؤمنین عليه السلام و ائمه معصومین عليهم السلام را در
رجعت به دشمنان آن‌ها نشان می‌دهد، پس چون آن‌ها را دیدند، «گفتند: ما فقط به خدا
ایمان آوردیم و بدانچه با او شریک می‌گردانیدیم کافریم»، یعنی: به آنچه قبلاً شرک
می‌ورزیدیم، کافر شدیم، «ولی هنگامی که عذاب ما را مشاهده کردند، دیگر ایمان‌شان
برای آن‌ها سودی نداد، این سنت خداست که همیشه در میان بندگان جریانی داشته و
در این مورد کافران زیانکارند».

۱- سورة غافر (۴۰)، آیه ۸۴.

۲- سورة غافر (۴۰)، آیه ۸۵.

۳- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۴۴، ح ۷۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۵۶، ح ۳۷؛ تفسیر
القمی، ج ۲، ص ۲۶۱؛ مختصر البصائر، ص ۱۵۸، ح ۱۲۶.

سوره مبارکه شوری (۴۲)

شماره: ۵۳

کد آیه: ۴۲/۴۴ اسم آیه: عذاب ستمگران در رجعت

وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَلِيٍّ مِنْ بَعْدِهِ وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ
يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ ﴿٤٤﴾

و کسی را که خدا گمراه کند ولی و یاورى بعد از او نخواهد داشت، و
ستمگران را مى بینى هنگامى که عذاب را مشاهده مى کنند، مى گویند:
آیا راهى به سوى بازگشت وجود دارد؟

في تفسير القمي، في قوله تعالى: «وَتَرَى الظَّالِمِينَ»، آل مُحَمَّد ﷺ حَقَّهُمْ، «لَمَّا
رَأَوْا الْعَذَابَ»، وَ عَلِيٍّ ﷺ هُوَ الْعَذَابُ فِي هَذَا الْوَجْهِ، «يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ»،
فَنُؤَالِي عَلِيًّا^۱.

جناب علی بن ابراهیم قمی در باره این فرمایش خدای متعال: «وَتَرَى الظَّالِمِينَ»،
می فرماید: مقصود، ستمگران در حق آل محمد ﷺ است، «لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ»، و اینجا
مقصود از عذاب، حضرت علی ﷺ هستند، یعنی چون آن ستمکاران (در رجعت)
چشمشان به حضرت علی ﷺ می افتد، می گویند: آیا راهی برای بازگشت هست؟ تا
ولایت حضرت علی ﷺ را بپذیریم.

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الزجعة، ص ۲۵۸، ح ۴۷؛ بحار الأنوار، ج ۳۱، ص ۵۸۰، ذیل ح ۱۴؛
البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۸۳۰، ذیل ح ۹۵۴۲؛ تفسیر الصافی، ج ۴، ص ۳۸۰؛ تفسیر القمی، ج ۲،
ص ۲۷۸؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۱، ص ۵۳۵.

سوره مبارکه دخان (۴۴)

شماره: ۵۴

اسم آیه: دود آشکار در رجعت

کد آیه: ۴۴/۱۰

فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ ﴿۱۰﴾

پس در انتظار روزی باش که دودی آشکار از آسمان پدید آید.

في تفسير القمي، في قوله تعالى: «فَارْتَقِبْ»، أي اصْبِرْ، «يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ»، قَالَ: ذَلِكَ إِذَا خَرَجُوا فِي الرَّجْعَةِ مِنَ الْقَبْرِ، «يَغْشَى النَّاسَ»، كُلُّهُمْ الظُّلْمَةُ، فَيَقُولُوا: «هَذَا عَذَابُ الْيَمِّ»، «رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ»، فَقَالَ اللَّهُ رَدًّا عَلَيْهِمْ: «أَنْتَى لَهُمُ الذِّكْرَى»، فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ، «وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُبِينٌ»، أَي رَسُولٌ قَدْ بَيَّنَّ لَهُمْ ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ، «وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ»، قَالَ: قَالُوا: ذَلِكَ لَمَّا نَزَلَ الْوَحْيُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَأَخَذَهُ الْغَشْيُ، فَقَالُوا: هُوَ مَجْنُونٌ، ثُمَّ قَالَ: «إِنَّا كَاثِبُوا الْعَذَابَ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ»، يَعْنِي إِلَى الْقِيَامَةِ، وَلَوْ كَانَ قَوْلُهُ: «يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ»، فِي الْقِيَامَةِ لَمْ يَقُلْ إِنَّكُمْ عَائِدُونَ، لِأَنَّهُ لَيْسَ بَعْدَ الْآخِرَةِ وَالْقِيَامَةِ حَالَةٌ يُعَوَّدُونَ إِلَيْهَا، ثُمَّ قَالَ: «يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى»، يَعْنِي فِي الْقِيَامَةِ، «إِنَّا مُنْتَقِمُونَ».^{۱ ۲}

۱- آیاتی که در این روایت است، مربوط به سوره دخان (۴۴)، از آیه ۱۰ تا ۱۶، می باشد.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۵۷، ح ۳۹؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۳، ح ۹۶۹۶؛ تفسیر الصافی، ج ۴،

ص ۴۰۶؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۹۰؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۶۲۷، ح ۲۶؛ مختصر البصائر، ص ۱۵۸،

در تفسیر قمی، ذیل آیه: «فَازْتَقَبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ»، یعنی منتظر باش روزی خواهد آمد که آسمان دودی آشکار می آورد، می گوید: این هنگامی است که مردم در رجعت از قبر بیرون آمده به دنیا باز می گردند، و ظلمت و تاریکی همه مردم را فرا می گیرد، به همین دلیل خواهند گفت: این است عذاب دردناک، «رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ»، خدایا! این عذاب را از ما برطرف کن، ما ایمان آوردیم.

خداوند جواب رد به آن ها می دهد، و می فرماید: «أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُبِينٌ»، یعنی: چه شده است که در آن روز ایمان می آورند، در حالی که قبلاً پیامبری برای آن ها آمده بود تا حقیقت را آشکار نماید، «ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ»، سپس از او روی برتافتند و گفتند: او چیزهائی را آموخته و دیوانه است.

وقتی وحی بر رسول خدا ﷺ نازل می شد، آن حضرت از هیبت وحی الهی از هوش می رفتند، آن ها می گفتند: پیامبر دیوانه شده است.

سپس علی بن ابراهیم این آیه را ذکر می کند: «إِنَّا كَاشِفُوا الْعَذَابَ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ»، یعنی: اندکی از عذاب را برطرف می کنیم، زیرا شما به قیامت برخواهید گشت، اگر منظور از: «يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ»، آن بود که این امر در قیامت اتفاق خواهد افتاد، خداوند در پایان آن نمی فرمود: شما بازگشت خواهید نمود، زیرا بعد از آخرت و قیامت حالتی وجود ندارد که مردگان بازگشت به آن کنند.

سپس علی بن ابراهیم می گوید: «يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنْتَقِمُونَ»، روزی که باز خواست بزرگ را از مردم می نمائیم، ما انتقام از آن ها می گیریم، که البته این انتقام و بازخواست در قیامت است.

سوره مبارکه جاثیه (۴۵)

شماره: ۵۵

کد آیه: ۴۵/۱۴ اسم آیه: رجعت، یکی از روزهای خدا

قُلْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا
كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٤﴾

به مؤمنان بگو: کسانی را که امید به ایام الله ندارند مورد عفو قرار
دهند تا خداوند هر قومی را به اعمالی که انجام می دادند جزا دهد.

رُوي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، أَنَّهُ قَالَ: أَيَّامُ اللَّهِ الْمَرْجُوءَةُ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ: يَوْمُ قِيَامِ الْقَائِمِ عليه السلام،
وَيَوْمُ الْكَرَّةِ، وَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ.^۱

از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام روایت است که فرمودند: روزهای خدا که مورد
امید و آرزو هستند سه روزند: روز قیام حضرت قائم عليه السلام، و روز رجعت، و روز قیامت.

تذکر: البته شما می توانید در این زمینه، به کُد: ۱۴/۵ نیز مراجعه فرمائید.

۱- إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب عليه السلام، ج ۱، ص ۹۰؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۵، ص ۲۸،
ح ۹۷۳۹؛ تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ص ۵۵۸؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب،
ج ۱۲، ص ۱۵۳.

سوره مبارکه احقاف (٤٦)

شماره: ٥٦

کد آیه: ٤٦/١٥

اسم آیه: خبر رجعت امام حسین علیه السلام

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا... ﴿١٥﴾

و ما انسان را بر احسان و نیکی در حق پدر و مادر سفارش بسیار کردیم،
مادرش با رنج و زحمت بار حمل کشیده و با درد و رنج وضع حمل
نموده.

في تفسير القمي، في قوله تعالى: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ»، إِنَّمَا عَنِ الْحَسَنِ وَ
الْحُسَيْنِ عليهما السلام، ثُمَّ عَطَفَ عَلَى الْحُسَيْنِ عليه السلام، فَقَالَ: «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا»،
وَذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ أَخْبَرَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَبَشَّرَهُ بِالْحُسَيْنِ عليه السلام قَبْلَ حَمْلِهِ، وَأَنَّ الْإِمَامَةَ
يَكُونُ فِي وَلَدِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، ثُمَّ أَخْبَرَهُ بِمَا يُصِيبُهُ مِنَ الْقَتْلِ وَالْمُصِيبَةِ فِي نَفْسِهِ وَ
وَلَدِهِ، ثُمَّ عَوَّضَهُ بِأَنْ جَعَلَ الْإِمَامَةَ فِي عَقِبِهِ، وَأَعْلَمَهُ أَنَّهُ يُقْتَلُ، ثُمَّ يَرْدُّهُ إِلَى الدُّنْيَا وَ
يَنْصُرُهُ حَتَّى يَقْتُلَ أَعْدَاءَهُ. (الحديث)^١

در تفسیر جناب علی بن ابراهیم قمی، ذیل آیه: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ»،
می فرماید: منظور، امام حسن و امام حسین علیهما السلام هستند، سپس بر امام حسین علیه السلام
عطف توجّه نموده و فرمود: «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا»، (مادرش با تحمل رنج

١- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ٣٤٥، ح ٨١؛ بحار الأنوار، ج ٤٣، ص ٢٤٦، ح ٢١ و ج ٥٣،
ص ١٠٢، ١٢٦؛ تفسير القمي، ج ٢، ص ٢٩٧؛ تفسير نور الثقلين، ج ٥، ص ١١، ح ١٢؛ تفسير كنز الدقائق و
بحر الغرائب، ج ١٢، ص ١٧٩؛ مختصر البصائر، ص ١٥٩، ح ١٢٨.

به او باردار شد و با تحمل رنج او را به دنیا آورد) زیرا خدای علیم، قبل از انعقاد نطفه امام حسین علیه السلام، رسول گرامی خود را به وجود حسین علیه السلام و اینکه مقام امامت تا روز قیامت نصیب فرزندان او خواهد شد، بشارت و مژده داده بود، آنگاه آن حضرت را از آن مصائبی که دچار حسین علیه السلام و فرزندان او می شود، آگاه نمود، سپس مقام امامت را، در عوض آن مصائب، به فرزندان او خواهد داد، و پیامبر خود را خبر داد که حسین علیه السلام کشته خواهد شد، سپس خداوند او را به دنیا باز می گرداند و او را یاری می کند تا دشمنان خود را به مجازات برساند.

سوره مبارکه ق (۵۰)

شماره: ۵۷

کد آیه: ۵۰/۴۲ اسم آیه: رجعت، روز بیرون آمدن

يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ ﴿٤٢﴾

آن روز همه مخلوقات، آن صیحه آسمانی را قطعاً خواهند شنید که
(می گوید) امروز، روز خروج از قبرهاست.

۱- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ»، قَالَ: هِيَ الرَّجْعَةُ.^۱

حضرت امام جعفر صادق عليه السلام در در باره این سخن خدای متعال: «يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ»، (روزی که مردم صدای حق را می شنوند، آن روز روز قیام است)، فرمودند: این آیه مربوط به رجعت است.

۲- عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: قُلْتُ لَهُ: قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»^۲، قَالَ: ذَلِكَ، وَ اللَّهُ! فِي الرَّجْعَةِ، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ كَثِيرًا لَمْ يُنْصَرُوا فِي الدُّنْيَا وَ قُتِلُوا، وَ الْأَيْمَةُ قَدْ قُتِلُوا وَ

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۵۹، ح ۵۱؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۵، ص ۱۵۲، ح ۱۰۱۰۱؛ تفسير الصافي، ج ۵، ص ۶۵؛ تفسير القمي، ج ۲، ص ۳۲۷؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۲، ص ۴۰۰؛ تفسير نور الثقلين، ج ۵، ص ۱۱۹، ذیل ح ۵۹؛ مختصر البصائر، ص ۱۶۰، ح ۱۲۹.

۲- سوره غافر (۴۰)، آیه ۵۱.

لَمْ يُنْصَرُوا، فَذَلِكَ فِي الرَّجْعَةِ، قُلْتُ: «وَأَسْتَمِعُ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادُ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ»، «يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ»، قَالَ: هِيَ الرَّجْعَةُ^۱.

از جمیل بن درّاج نقل است که گفت: از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در باره این فرمایش خداوند تبارک و تعالی: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»، پرسیدم، حضرت فرمودند: به خدا قسم! این در رجعت است، مگر نمی دانی که بسیاری از پیامبران الهی در دنیا یاری نشدند، بلکه کشته شدند، و ائمه علیهم السلام هم کشته شدند، و کسی آن‌ها را یاری نکرد؟ بنا بر این، یاری آنان در رجعت خواهد بود.

جمیل درّاج گوید، عرض کردم: مقصود از: «وَأَسْتَمِعُ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادُ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ»، «يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ»، چیست؟ حضرت فرمودند: این رجعت است.

۱- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۶۵، ح ۵۷؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۵۱، ح ۱۰۰۹۸؛ مختصر البصائر، ص ۹۲، ح ۶۰؛ نوادر الأخبار فیما يتعلق بأصول الدین (للفیض)، ص ۲۸۱، ح ۳.

شماره: ۵۸

کد آیه: ۵۰/۴۴ اسم آیه: شکافته شدن زمین در رجعت

يَوْمَ تَشَقُّ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ ﴿٤٤﴾

روزی که زمین سریعاً شکافته و از وجود آنان خالی گردد، آن روز، روز
حشر است و اینکار برای ما بسیار آسان است.

قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «يَوْمَ تَشَقُّ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا»، قَالَ: فِي
الرَّجْعَةِ^۱.

علی بن ابراهیم در باره این سخن خدای متعال: «يَوْمَ تَشَقُّ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا»،
(روزی که زمین به سرعت از آنان جدا و شکافته می شود) می فرماید: یعنی در رجعت
چنین می شود.

۱- إلزام الناصب، ج ۲، ص ۲۹۲؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۹۵، ح ۵۳ و ص ۲۶۰، ح ۵۲؛
بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۵۸، ح ۴۰؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۵، ص ۱۵۲، ح ۱۰۱۱؛ تفسير القمی، ج ۲،
ص ۳۲۷؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۲، ص ۴۰۱؛ تفسير نور الثقلين، ج ۵، ص ۱۱۹، ح ۵۹؛
مختصر البصائر، ص ۱۶۰، ح ۱۳۰.

سوره مبارکه ذاریات (۵۱)

شماره: ۵۹

اسم آیه: امتحان رجعت

کد آیه: ۵۱/۱۳

يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ ﴿١٣﴾

همان روزی است که آن ها را بر آتش می سوزانند!

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ»، قَالَ: يُكْسَرُونَ فِي الْكُرَّةِ كَمَا يُكْسَرُ الذَّهَبُ، حَتَّى يَرْجِعَ كُلُّ شَيْءٍ إِلَى شِبْهِهِ، يَعْنِي إِلَى حَقِيقَتِهِ^۱.

حضرت امام جعفر صادق عليه السلام در باره این فرمایش خداوند تعالى: «يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ»، فرمودند: مقصود این است که در رجعت، شکسته می شوند، همان گونه که طلا شکسته می شود (و ناخالصی آن از اصلش جدا می گردد)، تا اینکه هر چیزی به شکل و شبیه خودش درآید، یعنی به حقیقت خود بازگردد.

۱- إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب عليه السلام، ج ۲، ص ۲۹۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۴۴، ح ۱۵؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۵، ص ۱۵۹، ح ۱۰۱۱۷؛ مختصر البصائر، ص ۱۱۷، ح ۹۴؛ نوادر الأخبار فيما يتعلق بأصول الدين (للفيض)، ص ۲۸۵، ح ۱۹.

شماره: ۶۰

اسم آیه: اخبار رجعت

کد آیه: ۵۱/۲۲

وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ ﴿۲۲﴾

و روزی شما در آسمان است و آنچه به شما وعده داده می شود.

فِي تَفْسِيرِ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ»، قَالَ: الْمَطَرُ يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ، فَتُخْرَجُ بِهِ أَقْوَاتُ الْعَالَمِ مِنَ الْأَرْضِ، «وَمَا تُوعَدُونَ»، مِنْ أَخْبَارِ الرَّجْعَةِ وَالْقِيَامَةِ، وَالْأَخْبَارِ الَّتِي فِي السَّمَاءِ^۱.

علی بن ابراهیم در تفسیر این آیه: «روزی شما و آنچه به شما وعده داده می شود، در آسمان است»، روایت می کند که: منظور از روزی، بارانی است که از آسمان می آید، و به وسیله آن رزق عالم از زمین خارج می شود، و منظور از «ما توعدون»، یعنی آنچه که از اخبار رجعت و قیامت، وعده می دهند، و آن ها اخباری است که در آسمان است.

۱- إلزام الناصب، ج ۲، ص ۲۹۲؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۶۰، ح ۵۳؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۶۱، ح ۱۰۱۲۶؛ تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۷۱؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۳۰؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۲، ص ۴۱۷؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۲۴، ح ۲۵.

سوره مبارکه طور (۵۲)

شماره: ۶۱

اسم آیه: عذاب در رجعت

کد آیه: ۵۲/۴۷

وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٧﴾

و برای ستمگران عذابی قبل از آن است (در همین جهان) ولی بیشترشان نمی‌دانند.

۱- قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: نَزَلَ جِبْرِيلُ بِهَذِهِ الْآيَةِ هَكَذَا: فَإِنَّ لِلظَّالِمِينَ آلَ مُحَمَّدٍ عليه السلام حَقَّهُمْ، «عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»، يَعْنِي عَذَابًا فِي الرَّجْعَةِ.^۱

حضرت امام محمد باقر عليه السلام فرمودند: جبرئیل این آیه را این چنین نازل کرد: همانا برای ظالمین در حق آل محمد عليه السلام، عذابی دیگر است، ولی بیشترشان نمی‌دانند (که آن عذاب چیست) و منظور عذاب در رجعت است.

۲- قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا»، آلَ مُحَمَّدٍ عليه السلام حَقَّهُمْ، «عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ»، قَالَ: عَذَابُ الرَّجْعَةِ بِالسَّيْفِ.^۲

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۹۸، ح ۱۲۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۱۷، ح ۱۴۴ و ج ۸۹، ص ۶۴.

۲- بحار الأنوار، ج ۹، ص ۲۳۹، ح ۱۳۸ و ج ۵۳، ص ۱۰۳، ح ۱۲۷؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۵، ص ۱۸۰، ح ۱۰۱۷۳؛ تفسير القمی، ج ۲، ص ۳۳۳؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۲، ص ۴۶۲؛ تفسير نور الثقلين، ج ۵، ص ۱۴۳، ح ۳۸؛ مختصر البصائر، ص ۱۶۰، ح ۱۳۱.

جناب علی بن ابراهیم قمی، در باره این سخن خدای متعال: «وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا» می فرماید: مقصود از ستمگران، کسانی هستند که در حق آل محمد ﷺ ظلم و ستم کردند، «عَذَاباً دُونَ ذَلِكَ»، و مقصود از عذاب دیگر، عذاب در رجعت است که به وسیله شمشیر خواهد بود.

سوره مبارکه نجم (۵۳)

شماره: ۶۲

اسم آیه: شهر واژگون شده

کد آیه: ۵۳/۵۳

وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَىٰ ﴿۵۳﴾

و نیز شهرهای زیر و رو شده، را فرو کوبید.

قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَى»، قَالَ: الْمُؤْتَفِكَةُ الْبَصْرَةُ، وَ الدَّلِيلُ عَلَى ذَلِكَ قَوْلُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: يَا أَهْلَ الْبَصْرَةِ! يَا أَهْلَ الْمُؤْتَفِكَةِ! يَا جُنْدَ الْمَرْأَةِ وَ أَتْبَاعَ الْبَهِيمَةِ! رَغَا فَأَجَبْتُمْ، وَ عُقِرَ فَهَرَبْتُمْ، مَاؤُكُمْ زُعَاقٌ، وَ أَحْلَاهُكُمْ دِقَاقٌ وَ فِيكُمْ خَنَمُ التَّفَاقِ، وَ لُعِنْتُمْ عَلَى لِسَانِ سَبْعِينَ نَبِيًّا، إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَخْبَرَنِي أَنَّ جَبْرِئِيلَ أَخْبَرَهُ، أَنَّهُ طَوَى لَهُ الْأَرْضَ فَرَأَى الْبَصْرَةَ أَقْرَبَ الْأَرْضِينَ مِنَ الْمَاءِ، وَ أَبْعَدَهَا مِنَ السَّمَاءِ وَ فِيهَا تِسْعَةُ أَغْشَارِ الشَّرِّ وَ الدَّاءِ الْعُضَالُ، الْمُقِيمُ فِيهَا مُذْنِبٌ، وَ الْخَارِجُ مِنْهَا بِرَحْمَةٍ، وَ قَدْ ائْتَفَكَتْ بِأَهْلِهَا مَرَّتَيْنِ، وَ عَلَى اللَّهِ تَمَامُ الثَّالِثَةِ، وَ تَمَامُ الثَّالِثَةِ فِي الرَّجْعَةِ.^۱

علی بن ابراهیم قمی، در تفسیر خود، در باره این فرمایش خدای متعال: «وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَى»، می فرماید: شهر واژگون شده، همان شهر بصره است، به دلیل خطبه امیرالمؤمنین عليه السلام که فرمودند:

۱- إلزام الناصب، ج ۲، ص ۲۹۲، ح ۳۹؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۶۰، ح ۵۵؛ بحار الأنوار، ج ۳۲، ص ۲۲۶، ح ۱۷۶؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۵، ص ۲۰۹، ح ۱۰۲۴۷؛ تفسير الصافي، ج ۵، ص ۹۷؛ تفسير القمي، ج ۲، ص ۳۳۹؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۲، ص ۵۲۰؛ تفسير نور الثقلين، ج ۵، ص ۱۷۲، ح ۱۰۵.

ای مردم بصره! ای سپاهیان زن! و ای پیروان چهارپائی که زوزه کشید و شما او را اجابت کردید! و زمانی که پی شد، فرار کردید! آب شما تلخ، دین شما سطحی است، و در دل هایتان نفاق است، شما از با زبان هفتاد پیامبر الهی، نفرین شده‌اید.

همانا رسول خدا ﷺ به من خبر داد که: جبرئیل علیه السلام او را آگاه ساخته است که: زمین برای او در هم پیچیده شد و او بصره را دید که نزدیک‌ترین سرزمین‌ها به آب، و دورترین آن‌ها به آسمان است، نه دهم شرّ و بیماری سخت در آن قرار دارد، هر که در آن بماند، اهل معصیت است، و هر که از آن خارج شود، به رحمت الهی دست یافته است. این شهر، دو بار بر اهلش واژگون گشته، و بر خداست که سوّمین بار نیز آن را واژگون نماید، و مرتبه سوّم در زمان رجعت است.

سوره مبارکه قمر (۵۴)

شماره: ۶۳

کد آیه: ۵۴/۸ اسم آیه: رجعت، روز سختی برای کافران

مُهِطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِرٌ ﴿۸﴾

در حالی که به سوی این دعوت کننده گردن می کشند، کافران
می گویند: امروز روز سخت و دردناکی است!

قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «مُهِطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ»، إِذَا رَجَعَ، فَيَقُولُ:
إِرْجِعُوا، «يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِرٌ»^۱.

جناب علی بن ابراهیم قمی در در باره این سخن خدای متعال: «مُهِطِعِينَ إِلَى
الدَّاعِ»، (شتابان به سوی دعوت کننده می کشانند)، می فرماید: هنگامی که در رجعت،
به آنان می گویند: برگردید، «و کافران می گویند: این روز سخت و دشواری است».

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۶۱، ح ۵۶؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۵، ص ۲۱۸؛

تفسير الصافي، ج ۵، ص ۱۰۱؛ تفسير القمي، ج ۲، ص ۳۴۱.

سوره مبارکه ممتحنه (۶۰)

شماره: ۶۴

کد آیه: ۶۰/۱۳ اسم آیه: یأس کفار در رجعت

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ
كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ ﴿١٣﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید! با قومی که خداوند آنان را مورد غضب قرار داده دوستی نکنید، آنان از آخرت مأیوسند همان گونه که کفار مدفون در قبرها مأیوس می باشند!

عَنْ أَبِي الْجَارُودِ، عَمَّنْ سَمِعَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ، يَقُولُ: الْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ بَيْنَ جُمَادَى وَ رَجَبٍ! فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! مَا هَذَا الْعَجَبُ الَّذِي لَا تَزَالُ تَعَجَبُ مِنْهُ؟
فَقَالَ: ثَكَلْتُكَ أُمُّكَ! وَ أَيْ عَجَبٍ أَعْجَبَ مِنْ أَمْوَاتٍ يَضْرِبُونَ كُلَّ عَدُوِّ اللَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِأَهْلِ بَيْتِهِ، وَ ذَلِكَ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ»، فَإِذَا اشْتَدَّ الْقَتْلُ، قُلْتُمْ: مَاتَ أَوْ هَلَكَ أَوْ أَيْ وَادٍ سَلَكَ، وَ ذَلِكَ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ: «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَ أَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا».^۱

از ابو جارود نقل است که گفت: از قول کسی که از امیرالمؤمنین عليه السلام شنیده

۱- سوره اسراء (۱۷)، آیه ۶.

۲- الزام الناصب، ج ۱، ص ۹۴؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۰، ح ۴۸؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۳۶۰، ح ۱۰۶۷۶؛ تأویل الآيات الظاهرة، ص ۶۵۹؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۳، ص ۲۱۷.

است، که آن حضرت می فرمودند: عجب و همه عجب بین جمادی و رجب است! مردی به پا خاست و عرضه داشت: یا امیرالمؤمنین! این چه امر شگفت آوری است که دائماً از آن تعجب می فرمایید؟ حضرت فرمود: مادرت به عزایت بنشیند! چه تعجبی از این بالاتر که مردگانی، هر کس را که دشمن خدا و رسول و اهل بیتش باشد، گردن می زنند! و آن تأویل این آیه است که خداوند فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ»، پس وقتی کشتار بالا گرفت، خواهید گفت: او مُرد یا هلاک شد؟ یا در کدام وادی پای نهاد؟ و آن تأویل این سخن خدای متعال است که فرمود: «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا»، (پس دوباره شما را بر آنان چیره می کنیم و شما را با اموال و پسران یاری می دهیم و نفرات شما را بیشتر می گردانیم).

سوره مبارکه قلم (۶۸)

شماره: ۶۵

اسم آیه: علامت دشمنان در رجعت

کد آیه: ۶۸/۱۶

سَنَسِمْهُ عَلَى الْخُرْطُومِ ﴿١٦﴾

(ولی) ما به زودی بر بینی او علامت و داغ ننگ می نهیم!

في تفسير القمي: قوله تعالى: «سَنَسِمْهُ عَلَى الْخُرْطُومِ»، قَالَ: فِي الرَّجْعَةِ إِذَا رَجَعَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ يَرْجِعُ أَعْدَاؤُهُ، فَيَسِمْهُمْ بِمِيسَمٍ مَعَهُ، كَمَا تُوسَمُ الْبَهَائِمُ عَلَى الْخِرَاطِيمِ الْأَنْفِ وَالشَّفَتَانِ^۱.

در تفسیر قمی روایت است که: در باره این سخن خدای متعال: «سَنَسِمْهُ عَلَى الْخُرْطُومِ»، فرمود: این داغ نهادن در رجعت است، هنگامی که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام رجعت فرمایند و دشمنانشان نیز رجعت کنند، آن حضرت با داغی که همراه خود دارند، بر آن‌ها داغ می زنند، پس همان گونه که بر بینی و لب‌های چهارپایان، داغ می زنند، بر بینی و لب‌های دشمنانشان داغ می زنند.

۱- إلزام الناصب، ج ۲، ص ۲۹۳؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۴۶، ح ۸۳؛ بحار الأنوار، ج ۳۰، ص ۱۶۶ و ج ۵۳، ص ۱۰۳، ح ۱۲۸؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۵، ص ۴۵۹، ح ۱۰۹۷۷؛ تفسير الصافي، ج ۵، ص ۲۱۰؛ تفسير القمي، ج ۲، ص ۳۸۱؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۳، ص ۳۸۴؛ تفسير نور الثقلين، ج ۵، ص ۳۹۴، ح ۴۵؛ مختصر البصائر، ص ۱۶۱، ح ۱۳۲.

سوره مبارکه معارج (۷۰)

شماره: ۶۶

اسم آیه: روز پنج هزار ساله

کد آیه: ۷۰/۴

تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ ﴿٤﴾

فرشتگان و روح (فرشته مقرب خداوند) به سوی او عروج می کنند در آن روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است!

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، أَنَّهُ قَالَ: حِينَ سُئِلَ عَنِ الْيَوْمِ الَّذِي ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى مِقْدَارَهُ فِي الْقُرْآنِ: «فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ»، وَهِيَ كَرَّةُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله، فَيَكُونُ مُلْكُهُ فِي كَرَّتِهِ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ، وَيَمْلِكُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فِي كَرَّتِهِ أَرْبَعَةً وَأَرْبَعِينَ أَلْفَ سَنَةٍ.^۱

از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام روایت است که فرمودند: وقتی تفسیر روزی که خدای متعال مقدار آن را در قرآن در آیه: «فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ»، ذکر کرده از آن حضرت پرسیدند، فرمودند: این در موقع بازگشت و رجعت رسول خدا صلی الله علیه و آله به دنیا است، که مدت سلطنت شان پنجاه هزار سال خواهد بود، و امیرالمؤمنین عليه السلام نیز چهل و چهار هزار سال سلطنت می کنند.

۱- إلزام الناصب، ج ۲، ص ۲۹۴؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۶۸، ح ۱۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۰۴، ذیل ح ۱۳۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۴۸۷، ح ۱۱۰۷۴؛ مختصر البصائر، ص ۱۶۷، ح ۱۴۳.

سوره مبارکه جن (۷۲)

شماره: ۶۷

کد آیه: ۷۲/۲۴ اسم آیه: ضعف کفار در رجعت

حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَسْئَلُونَ مَنْ أَوْعَدُ نَاصِرًا وَقَلَّ عَدَدًا ﴿٢٤﴾

(این کارشکنی کفار همچنان ادامه می یابد) تا آنچه را به آن ها وعده داده شده ببینند، آنگاه می دانند چه کسی یاورش ضعیفتر و جمعیتش کمتر است!

علی بن ابراهیم: قوله تعالى: «حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ»، قَالَ: الْقَائِمُ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الرَّجْعَةِ، «فَيَسْئَلُونَ مَنْ أَوْعَدُ نَاصِرًا وَقَلَّ عَدَدًا»، قَالَ: هُوَ قَوْلُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِرُفَرٍ، وَ اللَّهِ! يَا ابْنَ صَهْلٍ! لَوْلَا عَهْدُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ «كِتَابُ مِنْ اللَّهِ سَبَقَ»، لَعَلِمْتُ أَنَّنَا أَوْعَدُ نَاصِرًا وَقَلَّ عَدَدًا، قَالَ: فَلَمَّا أَخْبَرَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا يَكُونُ مِنَ الرَّجْعَةِ، قَالُوا: مَتَى يَكُونُ هَذَا؟ قَالَ اللَّهُ: «قُلْ - يَا مُحَمَّدُ - إِنَّ أَدْرِي أَقْرَبَ مَا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا». (الحديث)^۱

جناب علی بن ابراهیم در باره این فرمایش خدای متعال: «حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ»، می فرماید: مقصود، وعده دیدن حضرت قائم و امیرالمؤمنین علیه السلام در رجعت است، آیه:

۱- سوره انفال (۸)، آیه ۶۸.

۲- الزام الناصب، ج ۱، ص ۹۷ و ج ۲، ص ۲۹۴؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۸، ح ۴۱؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۵۱۳، ح ۱۱۱۴۹؛ تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۲۳۸؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۹۱؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۳، ص ۴۸۸؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۱، ح ۴۷؛ مختصر البصائر، ص ۱۶۱، ح ۱۳۳.

«فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا»، (آنگاه دریابند که یاورِ چه کسی ضعیف‌تر و کدام یک شماره‌اش کمتر است) این سخن امیرالمؤمنین علیه السلام به عمر است که به او فرمودند: ای پسر صهاک! به خدا قسم! اگر پیمانم با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و عهدی که با خدا بسته‌ام نبود، می‌فهمیدی کدام یک از ما یاورش ضعیف‌تر و گروهش کمتر است، علی بن ابراهیم می‌گوید: وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مردم را از اخبار رجعت آگاه نمودند، گفتند: چه زمانی رجعت اتفاق می‌افتد؟ خدا فرمود: ای محمد! «قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقْرَبُ مَا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا»، (بگو: نمی‌دانم آنچه را که وعده داده شده‌اید نزدیک است یا پروردگارم برای آن زمانی نهاده است؟)

شماره: ۶۸

اسم آیه: اسرار رجعت

کد آیه: ۷۲/۲۶

عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا ﴿٢٦﴾

عالم بر غیب تنها اوست و هیچ دانایی بر غیب او آگاه نیست.

في تفسير القمي، ... وَقَوْلُهُ: «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا»، «إِلَّا مَنْ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا»، قَالَ: يُخْبِرُ اللَّهُ رَسُولَهُ الَّذِي يَرْضِيهِ بِمَا كَانَ قَبْلَهُ مِنَ الْأَخْبَارِ وَ مَا يَكُونُ بَعْدَهُ مِنَ أَخْبَارِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الرَّجْعَةِ وَ الْقِيَامَةِ^۱.

جناب علی بن ابراهیم در تفسیر آیه: «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا»، «إِلَّا مَنْ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا»، (دانای نهان است، و کسی را بر غیب خود آگاه نمی کند)، (جز پیامبری را که از او خشنود باشد، که برای او از پیش رو و از پشت سرش نگهبانانی بر خواهد گماشت) می فرماید: خدا به پیامبر برگزیده اش اخبار وقایع قبل از او را می رساند و اخبار وقایع پس از او که مربوط به حضرت قائم علیه السلام و رجعت و قیامت است را، خبر می دهد.

۱- إلزام الناصب، ج ۲، ص ۲۹۴؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۶۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۵۸، ح ۴۱؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۵، ص ۵۱۳، ح ۱۱۱۴۹؛ تفسير الصافي، ج ۵، ص ۲۳۸؛ تفسير القمي، ج ۲، ص ۳۹۱؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۳، ص ۴۹۳؛ تفسير نور الثقلين، ج ۵، ص ۴۴۵، ح ۶۳.

سوره مبارکه مدثر (۷۴)

شماره: ۶۹

کد آیه: ۷۴/۱ و ۲ اسم آیه: قیام پیامبر ﷺ در رجعت

يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ ﴿١﴾ قُمْ فَأَنْذِرْ ﴿٢﴾

ای جامه به خود پیچیده! (۱) برخیز و انداز کن (و عالمیان را بیم ده) (۲)

۱- عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ»، «قُمْ فَأَنْذِرْ»، يَعْنِي بِذَلِكَ مُحَمَّدًا عليه السلام وَ قِيَامَهُ فِي الرَّجْعَةِ يُنْذِرُ فِيهَا. (الحديث)^۱
از جابر بن یزید نقل است که گفت: حضرت امام محمد باقر عليه السلام در باره این فرمایش خداوند عز وجل: «يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ»، «قُمْ فَأَنْذِرْ»، فرمودند: مقصود از «مدثر»، حضرت محمد عليه السلام و قیام و برخاستن ایشان در زمان رجعت است که در آن، مردم را انداز می دهند.

۲- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام، كَانَ يَقُولُ: إِنَّ الْمُدَّثِّرَ هُوَ كَائِنٌ عِنْدَ الرَّجْعَةِ، فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! أَحْيَاةٌ قَبْلَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ مَوْتٌ؟ قَالَ: فَقَالَ لَهُ: عِنْدَ ذَلِكَ نَعَمْ، وَاللَّهِ! لَكُفْرَةٌ مِنَ الْكُفْرِ بَعْدَ الرَّجْعَةِ أَشَدُّ مِنْ كُفْرَاتٍ قَبْلَهَا.^۲

۱- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۴۲، ح ۱۰؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۵، ص ۵۲۲، ح ۱۱۱۸۴؛ تفسير نور الثقلين، ج ۵، ص ۵۳، ح ۳؛ مختصر البصائر، ص ۱۱۳، ح ۸۸.

۲- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۸۵، ح ۱۰۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۴۲، ح ۱۱؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۵، ص ۵۲۲، ح ۱۱۱۸۵؛ مختصر البصائر، ص ۱۱۴، ح ۸۹.

حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: هنگامی که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مسئله رجعت را برای مردم بیان کردند، فرمودند: آمدن «مدثر» در رجعت حتمی است، مردی پرسید: ای امیرمؤمنان! آیا پیش از قیامت انسان زنده می شود، و دوباره می میرد؟ حضرت به او فرمودند: آری، به خدا قسم! یک لحظه کفر بعد از رجعت سخت تر از چند کفر قبل از رجعت است.

شماره: ۷۰

کد آیه: ۷۴/۳۵ و ۳۶ اسم آیه: انذار پیامبر ﷺ در رجعت

إِنَّهَا لِأَحَدَى الْكُبَرِ ﴿٣٥﴾ نَذِيرًا لِلْبَشَرِ ﴿٣٦﴾

همانا این یکی از بزرگترین آیات خداست (۳۵) در آن پند و اندرز آدمیان
است (۳۶)

عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ... وَ فِي قَوْلِهِ: «إِنَّهَا لِأَحَدَى الْكُبَرِ»، «نَذِيرًا لِلْبَشَرِ»، يُعْنَى مُحَمَّدٌ صلى الله عليه وآله نَذِيرًا لِلْبَشَرِ فِي الرَّجْعَةِ^۱.

از جابر بن یزید نقل است که گفت: حضرت امام محمد باقر عليه السلام در تفسیر آیات
سوره مدثر فرمودند: ... تا اینکه در باره این سخن خدای متعال: «إِنَّهَا لِأَحَدَى الْكُبَرِ»،
«نَذِيرًا لِلْبَشَرِ»، فرمودند: مقصود، حضرت محمد صلى الله عليه وآله هستند، که در رجعت به
دنیا بازگشته، بشر را از معصیت خدا، برحذر می دارند.

۱- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۴۲، ح ۱۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۵۲۲، ح ۱۱۱۸۴؛ مختصر البصائر،
ص ۱۱۴، ح ۸۸.

سوره مبارکه نبا (۷۸)

شماره: ۷۱

اسم آیه: اولین رجعت کننده

کد آیه: ۷۸/۱۸

يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا ﴿١٨﴾

روزی که در «صور» دمیده می شود و شما فوج فوج می آیید!

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، سُئِلَ عَنِ الرَّجْعَةِ أَ حَقٌّ هِيَ؟ قَالَ: نَعَمْ، فَقِيلَ لَهُ: مَنْ أَوَّلُ مَنْ يَخْرُجُ؟ قَالَ: الْحُسَيْنُ عليه السلام، يَخْرُجُ عَلَى أَثَرِ الْقَائِمِ عليه السلام، قُلْتُ: وَمَعَهُ النَّاسُ كُلُّهُمْ؟ قَالَ: لَا، بَلْ كَمَا ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ: «يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا»، قَوْمًا بَعْدَ قَوْمٍ.^۱

از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام سؤال شد: آیا رجعت حق است؟ حضرت فرمودند: آری، عرض شد: اول کسی که از قبر بیرون می آید، کیست؟ حضرت فرمودند: حضرت امام حسین عليه السلام است، که پس از قیام حضرت قائم عليه السلام خارج می شود، گفته شد: مردم هم همراه ایشان هستند؟ فرمودند: نه، چنانکه خداوند می فرماید: دسته دسته بیایند، به ترتیب خواهند آمد، قومی پس از قوم دیگر.

۱- إلزام الناصب، ج ۲، ص ۲۹۴؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۶۷، ح ۱۲۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۰۳، ح ۱۳۰؛ مختصر البصائر، ص ۱۶۵، ح ۱۳۹؛ نوادر الأخبار فيما يتعلق بأصول الدين (للفيض)، ص ۲۸۶، ح ۲.

سوره مبارکه نازعات (۷۹)

شماره: ۷۲

کد آیه: ۷۹/۶ و ۷۹/۷ اسم آیه: رجعت امیر المؤمنین علیه السلام پس از امام حسین علیه السلام

يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ ۖ تَتَّبِعُهَا الرّٰادِفَةُ ﴿٧﴾

آن روز که زلزله‌های وحشتناک همه چیز را به لرزه درمی‌آورد (۶) و به دنبال آن، حادثه دومین (صیحه عظیم محشر) رخ می‌دهد.

عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ»، «تَتَّبِعُهَا الرّٰادِفَةُ»، قَالَ: «الرّٰاجِفَةُ» الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام، وَ «الرّٰادِفَةُ» عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام، وَأَوَّلُ مَنْ يَنْفُضُ عَنْ رَأْسِهِ التُّرَابَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام فِي خَمْسَةِ وَ سَبْعِينَ أَلْفًا، وَ هُوَ قَوْلُهُ جَلَّ وَ عَزَّ: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»، «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ وَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ»^۱.

از سلیمان بن خالد نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در باره این سخن خدای متعال: «يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ»، «تَتَّبِعُهَا الرّٰادِفَةُ»، (روزی که لرزاننده بلرزاند، و لرزاننده دیگر از پس آن آید)، فرمودند: مقصود از «راجفه» حضرت حسین بن علی علیه السلام است، و «رادفه» امیرالمؤمنین علیه السلام می‌باشند، و نخستین کسی که در رجعت از قبر بیرون

۱- سوره غافر (۴۰)، آیه ۵۱ و ۵۲.

۲- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۸۲، ح ۱۵۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۰۶، ح ۱۳۴؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۵۷۵، ح ۱۱۳۶۱؛ تأویل الآيات الظاهرة، ص ۷۳۷؛ تفسیر فرائد الکوفی، ص ۵۳۷، ح ۶۸۹؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۴، ص ۱۱۵؛ مختصر البصائر، ص ۴۹۲، ح ۵۵۴.

می آید و خاک از سر و روی خود می تکاند، حضرت حسین بن علی علیه السلام است، که با هفتاد و پنج هزار نفر برانگیخته می شوند، چنان که خداوند تعالی می فرماید: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»، «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ وَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ»، (ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده اند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان به پا می خیزند یاری می دهیم! روزی که عذرخواهی ظالمان سودی به حالشان نمی بخشد و لعنت خدا برای آن ها، و جایگاهی بد نیز برای آنان است).

شماره: ۷۳

اسم آیه: بازگشت زینبار

کد آیه: ۷۹/۱۲ و ۱۳

قَالُوا تِلْكَ إِذَا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ ﴿١٢﴾ فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ ﴿١٣﴾

می گویند: اگر قیامتی در کار باشد، بازگشتی است زینبار (۱۲) ولی
(بدانید) این بازگشت تنها با یک صیحه عظیم است. (۱۳)

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ، قَالَ: دَخَلْتُ
مَعَ أَبِي عَلِيٍّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَجَرَى بَيْنَهُمَا حَدِيثٌ، فَقَالَ أَبِي لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا
تَقُولُ فِي الْكَرَّةِ؟ قَالَ: أَقُولُ فِيهَا مَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، وَذَلِكَ أَنَّ تَفْسِيرَهَا صَارَ إِلَى رَسُولِ
اللَّهِ ﷺ، قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَ هَذَا الْحَرْفُ بِخَمْسَةِ وَعِشْرِينَ لَيْلَةً، قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «تِلْكَ
إِذَا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ»، إِذَا رَجَعُوا إِلَى الدُّنْيَا وَلَمْ يَقْضُوا دُحُولَهُمْ، فَقَالَ لَهُ أَبِي: يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ
جَلَّ: «فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ»، «فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ»، أَيَّ شَيْءٍ أَرَادَ بِهِذَا؟ فَقَالَ: إِذَا
انْتَقَمَ مِنْهُمْ وَمَاتَتِ الْأَبْدَانُ، بَقِيَتِ الْأَرْوَاحُ سَاهِرَةً لَا تَنَامُ وَلَا تَمُوتُ.^۱

از حسین بن راشد نقل است که گفت: برای من حدیث کرد محمد بن عبد الله بن
حسین، و گفت: همراه پدرم، محضر حضرت امام جعفر صادق علیه السلام وارد شدیم، پس
میان آن حضرت و پدرم سخنی گذشت، سپس پدرم به ایشان عرض کرد: شما در
باره رجعت چه می فرمائید؟

۱- إلزام الناصب، ج ۲، ص ۲۹۵؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۷۹، ح ۹۳؛ بحار الأنوار،
ج ۵۳، ص ۴۴، ح ۱۷؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۵، ص ۵۷۶، ح ۱۱۳۶۴؛ مختصر البصائر، ص ۱۱۸،
ح ۹۶.

حضرت فرمودند: در این باره، همان را می‌گویم که خداوند فرموده است، و تفسیر این آیه، بیست و پنج شب قبل از رسیدن آن به رسول خدا ﷺ رسیده، همان که خداوند ﷻ می‌فرماید: «تِلْكَ إِذْ أَوَّلُ حَاسِرَةٍ»، (در این صورت، این برگشتی زیان‌آور است) و این هنگامی است که مردم به دنیا برمی‌گردند و خونخواهی آن‌ها تمام می‌شود، پدرم به حضرت عرضه داشت: مقصود از اینکه خداوند ﷻ می‌فرماید: «فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ»، «فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ»، «پس در حقیقت، آن بازگشت، بسته به یک فریاد است و بس، و به ناگاه آنان در زمینِ هموار خواهند بود) چیست؟ حضرت فرمودند: وقتی از ستمگران انتقام بگیرند، پس بدن‌های آنان بمیرد و ارواح آن‌ها بیدار بمانند، ارواح آنان بیدار است، نه می‌خوابد و نه می‌میرد.

سوره مبارکه عبس (۸۰)

شماره: ۷۴

کد آیه: ۸۰/۲۲ اسم آیه: مأموریت امیر المؤمنین علیه السلام در رجعت

ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرُهُ ﴿۲۲﴾

سپس هرگاه بخواهد او را زنده می کند.

عَنْ أَبِي سَلَمَةَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «فُقِتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ»، قَالَ: نَعَمْ، نَزَلَتْ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام، «مَا أَكْفَرَهُ» يَعْنِي بِقَتْلِكُمْ إِيَّاهُ، ثُمَّ نَسَبَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام، فَنَسَبَ خَلْقَهُ وَ مَا أَكْرَمَهُ اللَّهُ بِهِ، فَقَالَ: «مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ»، يَقُولُ: مِنْ طِينَةِ الْأَنْبِيَاءِ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ لِلْخَيْرِ، «ثُمَّ السَّبِيلَ يَسْرُهُ»، يَعْنِي سَبِيلَ الْهُدَى، «ثُمَّ أَمَاتَهُ»، مَيِّتَهُ الْأَنْبِيَاءِ، «ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرُهُ»، قُلْتُ: مَا قَوْلُهُ: «ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرُهُ»، قَالَ: يَمَكُثُ بَعْدَ قَتْلِهِ فِي الرَّجْعَةِ، فَيَقْضِي مَا أَمَرَهُ.^۱

از ابو سلمه نقل است که گفت: از حضرت امام محمد باقر عليه السلام درباره این فرمایش خداوند تعالى: «فُقِتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ» پرسیدم، حضرت فرمودند: بله، این آیه درباره امیرالمؤمنین عليه السلام نازل شده، و مقصود از: «مَا أَكْفَرَهُ» یعنی قاتلان او با کشتن حضرتش چقدر کافر شدند، سپس خداوند نسب امیرالمؤمنین عليه السلام و خلقت او و کرامت خدا در حق ایشان را ذکر نموده، پس می فرماید: «مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ»، یعنی

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۳۴۸، ح ۸۶؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۱۷۴، ذیل ح ۱۶۳ و ج ۵۳، ص ۹۹، ذیل ح ۱۱۹؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۵۸۴، ح ۱۱۳۸۷؛ تأویل الآيات الظاهرة، ص ۷۴۰؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۰۶؛ مختصر البصائر، ص ۱۶۳، ح ۱۳۶.

او را از طینت انبیاء آفرید و او را در راه خیر مقدر فرمود، «ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرُهُ» یعنی راه هدایت را برایش میسر ساخت و سپس او را به مرگ انبیاء میراند و سپس وقتی که بخواهد، او را برمی انگیزد، عرض کردم: در باره این سخن خدای متعال: «ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرُهُ»، (سپس چون بخواهد او را برانگیزد) چه می فرمایید؟

حضرت فرمودند: پس از کشته شدنش، در رجعت مدّتی می ماند و به آنچه مأمور شده حکم می کند.

سوره مبارکه انشاق (۸۴)

شماره: ۷۵

اسم آیه: سنت اتمهای گذشته

کد آیه: ۸۴/۱۹

لَتَرْكِبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ ﴿١٩﴾

که همه شما پیوسته از حالی به حال دیگر منتقل می شوید.

۱- عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: إِنَّ لِقَائِمٍ مِنَّا غَيْبَةً يَطُولُ أَمْدُهَا، فَقُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! وَلِمَ ذَلِكَ؟ قَالَ: لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَبَى إِلَّا أَنْ تَجْرِيَ فِيهِ سُنَنُ الْأَنْبِيَاءِ عليهم السلام فِي غَيْبَاتِهِمْ، وَإِنَّهُ لَا بُدَّ لَهُ، يَا سَدِيرُ! مِنْ اسْتِيفَاءِ مَدَدِ غَيْبَاتِهِمْ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «لَتَرْكِبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ»، أَيُّ سُنَنًا عَلَى سُنَنِ كَانَ قَبْلَكُمْ.^۱

از حنان بن سدیر نقل است که پدرش گفت: حضرت امام جعفر صادق عليه السلام فرمودند: برای قائم مائمه عليه السلام غیبتی است که مدت آن به طول می انجامد، عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! آن برای چیست؟ حضرت فرمودند: زیرا خداوند تعالی اراده نموده که سنت های پیامبران عليهم السلام را در غیبت هایشان در او نیز جاری نماید، به ناچار، ای سدیر! لازم است به پایان رساند مدت غیبت تمام پیامبران عليهم السلام را، چنان که خداوند تعالی می فرماید: «لَتَرْكِبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ»، یعنی: محققاً جاری می کند سنت هایی را بر طبق

۱- إثبات الهداة، ج ۵، ص ۱۰۳، ح ۲۱۱؛ إلزام الناصب، ج ۱، ص ۹۹، ح ۱۲۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۴۲، ح ۲ و ج ۵۲، ص ۹۰، ح ۳؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۶۱۹، ح ۱۱۴۹۹؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۳۹، ح ۲۰؛ الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۹۵۵؛ علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۴۵، ح ۷؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۰، ح ۶.

سنت های امت هایی که پیش از شما بودند.

۲- ... فَقَالَ الْمَأْمُونُ: يَا أَبَا الْحَسَنِ! فَمَا تَقُولُ فِي الرَّجْعَةِ؟ فَقَالَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّهَا لِحَقٍّ قَدْ كَانَتْ فِي الْأُمَمِ السَّالِفَةِ، وَنَطَقَ بِهِ الْقُرْآنُ، وَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ كُلِّ مَا كَانَ فِي الْأُمَمِ السَّالِفَةِ، حَذَوِ التَّعْلِ بِالتَّعْلِ وَالْقَذَاءَ بِالْقَذَاءِ.^۱

مرحوم شیخ صدوق رحمته الله در «عیون اخبار الرضا عليه السلام» حدیثی را از حسن بن جهم نقل نموده که در مجلسی که با حضور مأمون عباسی و فقهاء و متکلمین از فرق مختلف تشکیل شده بود، مأمون سؤالاتی را از آن حضرت پرسید، ... تا آن جا که مأمون پرسید: ای ابا الحسن! شما در باره رجعت چه می فرمایید؟ امام رضا عليه السلام فرمودند: آن، به جا و حق است، و در امت های پیشین هم بوده است، و قرآن کریم هم به آن ناطق است، و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هم فرموده اند: هر چه در امت های سابق اتفاق افتاده، در این امت نیز اتفاق خواهد افتاد، بی کم و کاست و طابق التعل بالتعل و بدون تفاوت.

۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۱۰۷ و ص ۳۰۴؛ بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۱۳۵، ح ۶ و ج ۵۳، ص ۵۹، ح ۴۵؛ حلیة الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار عليهم السلام، ج ۴، ص ۳۴۸؛ عیون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۲۰۱، ح ۱.

سوره مبارکه طارق (۸۶)

شماره: ۷۶

اسم آیه: قدرت خدا در رجعت

کد آیه: ۸۶/۸

إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ﴿٨﴾

مسلماً او، می تواند انسان را بازگرداند!

في تفسير القمي، في قوله تعالى: «إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ»، قَالَ: كَمَا خَلَقَهُ مِنْ نُطْفَةٍ يَقْدِرُ أَنْ يَرْدَّهُ إِلَى الدُّنْيَا وَإِلَى الْقِيَامَةِ^۱.

در تفسیر قمی در باره این سخن خدای متعال: «إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ»، (خدا به برگرداندنش توانا است)، می فرماید: چنانکه بشر را از نطفه آفرید، می تواند او را، هم در دنیا و هم در قیامت برگرداند.

توضیح: این آیه یکی از برهان های اثبات رجعت است، چون خداوندی که توانائی دارد همه آفریدگانش را در رستاخیز بزرگ، یعنی قیامت، برگرداند، این قدرت را دارد که برخی از آنان را در رستاخیز کوچک، یعنی «رجعت» زنده نماید، و به همین دنیا باز گرداند، پس کسی که منکر رجعت است، در واقع منکر قدرت خداوند است، و چون قدرت خدا، جزء ذات اوست، هر که آن را انکار کند، کافر است، پس منکر «رجعت» کافر است.

۱- الإيقاظ من الهجة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۶۲، ح ۶۰ و ص ۳۴۸، ح ۸۷؛ بحار الأنوار، ج ۷، ص ۴۷، ح ۲۹؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۵، ص ۶۳۱، ح ۱۱۵۳۳؛ تفسير الصافي، ج ۵، ص ۳۱۴؛ تفسير القمي، ج ۲، ص ۴۱۵؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۴، ص ۲۲۸؛ تفسير نور الثقلين، ج ۵، ص ۵۵۲، ح ۱۳.

شماره: ۷۷

کد آیه: ۸۶/۱۷ اسم آیه: رجعت، پایان مهلت کفار

فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ أَمَهُلُهُمْ رُويًا ﴿١٧﴾

حال که چنین است کافران را (فقط) اندکی مهلت ده!

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فِي قَوْلِهِ: «فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ»، قَالَ: مَا لَهُ قُوَّةٌ يَفُوقُ بِهَا عَلَى خَالِقِهِ، وَلَا نَاصِرٌ مِنَ اللَّهِ يَنْصُرُهُ إِنْ أَرَادَ بِهِ سُوءًا، قُلْتُ: «إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا»، قَالَ: كَادُوا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَكَادُوا عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكَادُوا فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، فَقَالَ اللَّهُ: يَا مُحَمَّدُ! «إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا»، «وَأَكِيدُ كَيْدًا»، «فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ - يَا مُحَمَّدُ - أَمَهُلُهُمْ رُويًا»^۱، لَوْ قُتِلَ بَعْثُ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَيَنْتَقِمَ لِي مِنَ الْجَبَّارِينَ وَالظَّوَاعِغِ مِنَ قُرَيْشٍ وَبَنِي أُمَيَّةَ وَسَائِرِ النَّاسِ^۲.

از ابو بصیر نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در باره این فرمایش خدای متعال: «فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ»، فرمودند: (او نه نیرویی دارد و نه یاور) اگر کسی قصد سوئی به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف داشته باشد، در برابر خداوند هیچ قدرتی ندارد که با آن قدرتمند شود و یآوری نیز از سوی خدا نخواهد داشت، راوی گوید: عرض کردم: مقصود از: «إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا»، (آنان نیرنگ می کنند نیرنگی) چیست؟

۱- سوره طارق (۸۶)، از آیه ۱۰ تا ۱۷.

۲- بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۳۶۸، ح ۴۰ و ج ۵۱، ص ۴۹، ح ۱۹ و ج ۵۳، ص ۵۸، ح ۴۲ و ص ۱۲۰، ح ۱۵۴؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۶۳۲، ح ۱۱۵۳۴؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۱۶؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۴، ص ۲۳۰؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۵۳، ح ۱۹.

حضرت فرمودند: با رسول خدا ﷺ و حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام نیرنگ نمودند، پس خداوند فرمود: ای محمد! «إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا»، (آنان نیرنگ زدند، نیرنگی) «وَأَكِيدُ كَيْدًا»، (من نیز نیرنگ می‌زنم نیرنگی) «فَمَهْلِ الْكَافِرِينَ - يَا مُحَمَّدُ - أَفْمَهْلُهُمْ رُؤُودًا»، (ای محمد! پس به کافرین مهلت بده)، یعنی به آن‌ها اندکی مهلت بده تا وقت ظهور حضرت قائم علیه السلام، تا به خاطر من از ستمگران و طاغوت‌های قریش و بنی امیه و سایر مردم، انتقام بگیرد.

سوره مبارکه شمس (۹۱)

شماره: ۷۸

کد آیه: ۹۱/۱۴ اسم آیه: تکرار عذاب در رجعت

فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا ﴿١٤﴾

ولی آن‌ها او را تکذیب و ناقه را پی کردند (و کشتند) از این رو
پروردگارشان آن‌ها را به خاطر گناهان‌شان در هم کوبید و با خاک
یکسان و صاف کرد!

عَنِ الْفَضْلِ بْنِ الْعَبَّاسِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا»، قَالَ: فِي الرَّجْعَةِ، «وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا»، قَالَ: لَا يَخَافُ مِنْ مِثْلِهَا إِذَا رَجَعَ^۱.

از فضل بن عباس نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق عليه السلام در درباره
این سخن خدای متعال: «فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا»، (پروردگارشان به
سزای گناهان‌شان هلاکشان کرد و دیارشان را هموار نمود)، فرمودند: این در رجعت
است، و بعد که می‌فرماید: «وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا»، (و از عاقبت آن بیم ندارد)، یعنی
اگر مانند آن (در رجعت) تکرار شود، نمی‌ترسد.

۱- إلزام الناصب، ج ۱، ص ۱۰۲ و ج ۲، ص ۲۹۶؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۹۹، ح ۱۳۰؛
بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۷۳، ح ۶ و ج ۵۳، ص ۱۲۰، ح ۱۵۵؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۵، ص ۶۷۲،
ح ۱۱۶۶؛ تأويل الآيات الظاهرة، ص ۷۷۷.

سوره مبارکه ضحیٰ (۹۳)

شماره: ۷۹

اسم آیه: رجعت، بهتر از دنیا

کد آیه: ۹۳/۴

وَلِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ ﴿١﴾

و مسلماً آخرت برای تو از دنیا بهتر است!

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، فِي قَوْلِهِ: «وَلِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ»، قَالَ: يُعْنِي الْكَرَّةَ هِيَ الْآخِرَةُ لِلنَّبِيِّ صلى الله عليه وآله، قُلْتُ: قَوْلُهُ: «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ»، قَالَ: يُعْطِيكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَتَرْضَىٰ^۱.

از ابو بصیر نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادق عليه السلام در باره آیه: «وَلِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ»، فرمودند: یعنی ای پیامبر! رجعت برای تو از دنیا بهتر است، عرض کردم: «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ»، یعنی چه؟ فرمودند: خداوند به زودی بهشت را به تو می دهد، تا خشنود گردی.

۱- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۵۹، ح ۴۳؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۶۸۲، ح ۱۱۷۰۱؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۲۷؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۴، ص ۳۱۷؛ مختصر البصائر، ص ۱۶۴، ح ۱۳۷.

سوره مبارکه تکاثر (۱۰۲)

شماره: ۸۰

اسم آیه: دیدن حقیقت در رجعت

کد آیه: ۱۰۲/۳ و ۴

كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٣﴾ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٤﴾

چنین نیست که می‌پندارید، (آری) بزودی خواهید دانست! (۳) باز
چنان نیست که شما می‌پندارید بزودی خواهید دانست! (۴)

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ نَجِيحِ الْيَمَانِيِّ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: «كَلَّا
سَوْفَ تَعْلَمُونَ»، «ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ»، قَالَ: يَغْنِي مَرَّةً فِي الْكُرَّةِ وَ مَرَّةً أُخْرَى يَوْمَ
الْقِيَامَةِ^۱.

از عبد الله بن نجیح یمانی نقل است که گفت: از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام
در باره این فرمایش خداوند تعالی: «كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ»، «ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ»،
پرسیدم: حضرت فرمودند: یک مرتبه در رجعت است، و مرتبه دیگر در قیامت.

۱- إلزام الناصب، ج ۲، ص ۲۹۶؛ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۲۸۲، ح ۹۹؛ بحار الأنوار،
ج ۵۳، ص ۱۲۰، ح ۱۵۶؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۵، ص ۷۴۵، ح ۱۱۸۶۴؛ تأويل الآيات الظاهرة،
ص ۸۱۵؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۴، ص ۴۱۸.

منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- مفاتیح الجنان.
- ۳- إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات / ۵ جلدی / شیخ حر عاملی، محمد بن حسن / اعلی / بیروت / سال چاپ: ۱۴۲۵ ق.
- ۴- الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی) / ۲ جلدی / طبرسی، احمد بن علی / محقق: خراسان، محمد باقر / نشر مرتضی / مشهد / ۱۴۰۳ ق.
- ۵- احقاق الحق و ازهاق الباطل / ۲۳ جلدی / قاضی نور الله مرعشی / مكتبة آية الله المرعشي النجفي / قم / سال چاپ: ۱۴۰۹ ق.
- ۶- الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد / ۲ جلدی / مفید، محمد بن محمد / کنگره شیخ مفید / قم / ۱۴۱۳ ق.
- ۷- اعتقادات الإمامية (للمصدق) / ۱ جلدی / ابن بابویه، محمد بن علی / کنگره شیخ مفید / قم / ۱۴۱۴ ق.
- ۸- إعلام الوری بأعلام الهدی / ۲ جلدی / طبرسی، فضل بن حسن / مؤسسة آل البيت علیه السلام / قم / ۱۴۱۷ ق.
- ۹- الإقبال بالأعمال الحسنة / ۳ جلدی / ابن طاووس، علی بن موسی / محقق: قیومی اصفهانی، جواد / دفتر تبلیغات اسلامی / قم / ۱۳۷۶ ش.

۲۴۶..... کلید واژه آیات رجعت در قرآن کریم

- ۱۰- إلزام الناصب فى إثبات الحجة الغائب عجل الله تعالى فرجه الشريف / ۲ جلدی / یزدی حایری، علی / مؤسسة الأعلمی / بیروت / سال چاپ: ۱۴۲۲ ق.
- ۱۱- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة / ۱ جلدی / شیخ حر عاملی، محمد بن حسن / نوید / تهران / سال چاپ: ۱۳۶۲ ش.
- ۱۲- بحار الأنوار / ۱۱۰ جلدی / مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی / إحياء التراث العربی / بیروت / سال چاپ: ۱۴۰۳ ق.
- ۱۳- البرهان فى تفسير القرآن / ۵ جلدی / بحرانی، سید هاشم / بنیاد بعثت / تهران / سال چاپ: ۱۴۱۶ ق.
- ۱۴- تأویل الآيات الظاهرة فى فضائل العترة الطاهرة / ۱ جلدی / استرآبادی، علی / مؤسسة النشر الإسلامی / قم / سال چاپ: ۱۴۰۹ ق.
- ۱۵- تفسير شريف لاهيجى / ۴ جلدی / شريف لاهيجى محمد بن علی / دفتر نشر داد / تهران / سال چاپ: ۱۳۷۳ ش.
- ۱۶- تفسير الصافي / ۵ جلدی / فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی / مكتبة الصدر / تهران / سال چاپ: ۱۴۱۵ ق.
- ۱۷- تفسير العياشى / ۲ جلدی / عیاشی، محمد بن مسعود / المطبعة العلمية / تهران / سال چاپ: ۱۳۸۰ ق.
- ۱۸- تفسير فرات الكوفي / ۱ جلدی / کوفی، فرات بن ابراهیم / مؤسسة الطبع و النشر فى وزارة الإرشاد الإسلامی / تهران / سال چاپ: ۱۴۱۰ ق.
- ۱۹- تفسير قمی / ۲ جلدی / قمی علی بن ابراهیم / دار الكتاب / قم / سال چاپ: ۱۳۶۷ ش.
- ۲۰- تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب / ۱۴ جلدی / قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا / وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی / تهران / سال چاپ: ۱۳۶۸ ش.
- ۲۱- تفسير نور الثقلين / ۵ جلدی / عروسی حویزی عبد علی بن جمعه / انتشارات اسماعیلیان / قم / سال چاپ: ۱۴۱۵ ق.

- ٢٢- تهذيب الأحكام/ ١٠ جلدی / طوسی، محمد بن الحسن/ محقق: خراسان، حسن الموسوی / دار الكتب الإسلامية/ تهران/ ١٤٠٧ ق.
- ٢٣- حلیۃ الأبرار فی أحوال محمد وآله الأطهار عليهم السلام / ٥ جلدی / علامه بحرانی، سید هاشم بن سلیمان/ مؤسسة المعارف الإسلامية/ قم/ ١٤١١ ق.
- ٢٤- الخرائج و الجرائح/ ٣ جلدی / قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله/ مؤسسہ امام مهدی عليه السلام / قم/ سال چاپ: ١٤٠٩ ق.
- ٢٥- الخصال/ ٢ جلدی / ابن بابویه، محمد بن علی / جامعه مدرسين/ قم/ سال چاپ: ١٣٦٢ ش.
- ٢٦- دلائل الإمامة/ ١ جلدی / طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم/ بعثت/ قم/ سال چاپ: ١٤١٣ ق.
- ٢٧- روضة الواعظین و بصيرة المتعظین/ ٢ جلدی / فتال نیشابوری، محمد بن احمد/ انتشارات رضی/ قم/ ١٣٧٥ ش.
- ٢٨- زاد المعاد- مفتاح الجنان/ ١ جلدی / مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی/ محقق: اعلمی، علاءالدین/ مؤسسة الأعلمی للمطبوعات/ بیروت/ ١٤٢٣ ق.
- ٢٩- سفينة البحار و مدينة الحكم و الآثار مع تطبيق النصوص الواردة فيها على البحار الانوار/ ٨ جلدی / قمی، حاج شیخ عباس/ اسوه/ قم، ١٤١٤ ق.
- ٣٠- علل الشرائع/ ٢ جلدی / ابن بابویه، محمد بن علی / کتاب فروشی داوری/ قم/ ١٣٨٥ ش.
- ٣١- عیون أخبار الرضا عليه السلام / ٢ جلدی / ابن بابویه، محمد بن علی / محقق: لاجوردی، مهدی/ نشر جهان/ تهران/ ١٣٧٨ ق.
- ٣٢- الفصول المختارة/ ١ جلدی / مفید، محمد بن محمد/ محقق: میر شریفی، علی / کنگره شیخ مفید/ قم/ ١٤١٣ ق.
- ٣٣- الکافی/ ٨ جلدی / کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق/ دار الكتب الإسلامية/

٢٤٨ كليلد واژه آيات رجعت در قرآن كريم

تهران/ سال چاپ: ١٤٠٧ ق.

٣٤- كامل الزيارات/ ١ جلدی/ ابن قولويه، جعفر بن محمد/ دار المرتضوية/ نجف اشرف/ سال چاپ: ١٣٥٦ ش.

٣٥- كتاب الغيبة (للطوسي)/ طوسي، محمد بن الحسن/ ١ جلدی/ محقق: تهراني، عباد الله و ناصح، علي احمد/ دار المعارف الإسلامية/ قم/ ١٤١١ ق.

٣٦- كشف الغمة في معرفة الأئمة (عليه السلام)/ ٢ جلدی/ اربلي، علي بن عيسى/ بني هاشمي/ تبريز/ سال چاپ: ١٣٨١ ق.

٣٧- كمال الدين و تمام النعمة/ ٢ جلدی/ ابن بابويه، محمد بن علي/ محقق: غفاري، علي اكبر/ اسلاميه/ تهران/ ١٣٩٥ ق.

٣٨- مجمع البيان في تفسير القرآن/ ١٠ جلدی/ طبرسي فضل بن حسن/ انتشارات ناصر خسرو/ تهران/ ١٣٧٢ ش.

٣٩- مختصر البصائر/ ١ جلدی/ حلي، حسن بن سليمان بن محمد/ مؤسسة النشر الإسلامي/ قم/ سال چاپ: ١٤٢١ ق.

٤٠- مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول (عليه السلام)/ ٢٦ جلدی/ مجلسي، محمد باقر بن محمد تقی/ دار الكتب الإسلامية/ تهران/ سال چاپ: ١٤٠٤ ق.

٤١- المصباح للكفعمي (جنة الأمان الواقية)/ ١ جلدی/ كفعمي، ابراهيم بن علي عاملي/ دار الرضي (زاهدي)/ قم/ ١٤٠٥ ق.

٤٢- مصباح المتهجد و سلاح المتعبد/ ١ جلدی/ طوسي، محمد بن الحسن/ مؤسسة فقه الشيعة/ بيروت/ ١٤١١ ق.

٤٣- معاني الأخبار/ ١ جلدی/ ابن بابويه، محمد بن علي/ محقق: غفاري، علي اكبر/ دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم/ قم/ ١٤٠٣ ق.

٤٤- مقتضب الأثر في النص على الأئمة الإثني عشر/ ١ جلدی/ جوهری بصري، احمد بن عبد العزيز/ انتشارات طباطبائي/ قم.

- ۴۵- مناقب آل أبی طالب علیهم السلام (لابن شهر آشوب) / ۴ جلدی / ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی / نشر علامه / قم / ۱۳۷۹ ق.
- ۴۶- من لا یحضره الفقیه / ۴ جلدی / ابن بابویه، محمد بن علی / محقق: غفاری، علی اکبر / دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم / ۱۴۱۳ ق.
- ۴۷- نوادر الأخبار فیما یتعلق بأصول الدین / ۱ جلدی / فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی / مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی / تهران / سال چاپ: ۱۳۷۱ ش.
- ۴۸- الوافی / ۲۶ جلدی / فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی / کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام / اصفهان / سال چاپ: ۱۴۰۶ ق.
- ۴۹- وسائل الشیعة / ۳۰ جلدی / شیخ حر عاملی، محمد بن حسن / مؤسسه آل البيت □ / قم / ۱۴۰۹ ق.

جدول فهرست سوره‌های قرآن کریم

شماره	نام سوره	شماره	نام سوره	شماره	نام سوره
۱	فاتحه	۲۱	انبیاء	۴۱	فصلت
۲	بقره	۲۲	حج	۴۲	شوری
۳	آل عمران	۲۳	مؤمنون	۴۳	زخرف
۴	نساء	۲۴	نور	۴۴	دخان
۵	مائدة	۲۵	فرقان	۴۵	جاثیه
۶	انعام	۲۶	شعراء	۴۶	احقاف
۷	اعراف	۲۷	نمل	۴۷	محمد
۸	انفال	۲۸	قصص	۴۸	فتح
۹	توبة	۲۹	عنکبوت	۴۹	حجرات
۱۰	یونس	۳۰	روم	۵۰	ق
۱۱	هود	۳۱	لقمان	۵۱	ذاریات
۱۲	یوسف	۳۲	سجدة	۵۲	طور
۱۳	رعد	۳۳	احزاب	۵۳	نجم
۱۴	ابراهیم	۳۴	سبا	۵۴	قمر
۱۵	حجر	۳۵	فاطر	۵۵	الرحمن
۱۶	نحل	۳۶	یس	۵۶	واقعة
۱۷	اسراء	۳۷	صافات	۵۷	حدید
۱۸	کهف	۳۸	ص	۵۸	مجادلة
۱۹	مریم	۳۹	زمر	۵۹	حشر
۲۰	طه	۴۰	غافر	۶۰	ممتحنة

۲۵۲ کلید واژه آیات رجعت در قرآن کریم

۶۱	صف	۷۹	نازعات	۹۷	قدر
۶۲	جمعة	۸۰	عبس	۹۸	بینة
۶۳	منافقون	۸۱	تکویر	۹۹	زلزال
۶۴	تغابن	۸۲	انفطار	۱۰۰	عادیات
۶۵	طلاق	۸۳	مطففین	۱۰۱	قارعة
۶۶	تحریم	۸۴	انشقاق	۱۰۲	تکاثر
۶۷	ملک	۸۵	بروج	۱۰۳	عصر
۶۸	قلم	۸۶	طارق	۱۰۴	همزة
۶۹	حاقة	۸۷	اعلی	۱۰۵	فیل
۷۰	معارج	۸۸	غاشیة	۱۰۶	قریش
۷۱	نوح	۸۹	فجر	۱۰۷	ماعون
۷۲	جن	۹۰	بلد	۱۰۸	کوثر
۷۳	مزمل	۹۱	شمس	۱۰۹	کافرون
۷۴	مدثر	۹۲	لیل	۱۱۰	نصر
۷۵	قیامة	۹۳	ضحی	۱۱۱	مسد
۷۶	انسان	۹۴	شرح	۱۱۲	اخلاص
۷۷	مرسلات	۹۵	تین	۱۱۳	فلق
۷۸	نبأ	۹۶	علق	۱۱۴	ناس

آثار دیگری از نویسنده

۱- کلید واژه آیات مهدوی در قرآن کریم

شامل: ۲۴۰ آیه درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در ۴۹۳ صفحه وزیری، انتشارات عطر عترت، سال چاپ: ۱۳۹۳.

۲- کلید واژه آیات علوی در قرآن کریم

شامل: ۴۴۰ آیه درباره حضرت علی علیه السلام، در ۲ جلد وزیری، انتشارات اعتقاد ما، سال چاپ: ۱۳۹۸.

۳- کلید واژه آیات فاطمی در قرآن کریم

شامل: ۱۳۵ آیه درباره حضرت فاطمه علیها السلام، در ۴۰۴ صفحه وزیری، انتشارات اعتقاد ما، سال چاپ: ۱۳۹۹.

۴- کلید واژه آیات حسینی در قرآن کریم

شامل: ۲۱۰ آیه درباره حضرت امام حسین علیه السلام، در ۶۲۲ صفحه وزیری، انتشارات اعتقاد ما، سال چاپ: ۱۴۰۰.

۵- کلید واژه آیات برائت در قرآن کریم

شامل: ۱۳۵ آیه درباره برائت، در ۴۲۰ صفحه وزیری، انتشارات دارالعلوم، سال چاپ: ۱۴۰۲.

۶- چهل حدیث عید غدیر در کلام معصومین علیهم السلام

همراه با دوبیتی‌های غدیر، در ۵۶ صفحه رقی، انتشارات اعتقاد ما، سال چاپ: ۱۴۰۰.

۷- جلوه‌های مهدوی در آئینه فاطمی

شباهت‌های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با حضرت فاطمه علیها السلام، در ۱۷۵ صفحه رقی، انتشارات اعتقاد ما، سال چاپ: ۱۴۰۰.

۸- احتجاج به مَنْ کُنْتُ مولا

در ۱۲۸ صفحه رقی، انتشارات اعتقاد ما، سال چاپ: ۱۴۰۱.

۹- چلچراغ شعر مهدوی جلد ۱

ویژه نیمه شعبان، در ۲۱۶ صفحه رقی، انتشارات اعتقاد ما، سال چاپ: ۱۴۰۱.

لطفاً جهت سفارش، با شماره ۱۵۱۸ ۹۶۷ ۰۹۱۰ تماس حاصل فرمایید.